صحیفه رضویه جامعه

ادعیه امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام

تألیف:
آیت‌الله سید محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی

ترجمه دکتر سید عدنان لاجوردی

بسم الله الرحمن الرحیم

صحیفه رضویه جامعه : ادعیه امام علی بن موسی الرضا علیه السلام

نویسنده:

محمد باقر بن مرتضی موحد ابطحی اصفهانی

ناشر چاپی:

امید مهر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

صحیفه رضویه جامعه : ادعیه امام علی بن موسی الرضا علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : موحد ابطحی،سید محمدباقر، ۱۳۱۳ -۱۳۹۲

عنوان قراردادی : الصحیفه الرضویه الجامعه لادعیه الامام علی بن موسی الرضا (ع). فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور : صحیفه رضویه جامعه: ادعیه امام علی بن موسی الرضا علیه السلام/ تالیف سیدمحمدباقر موحدابطحی اصفهانی؛ ترجمه سیدعدنان لاجوردی؛ [برای] پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات اسلامی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دبیرخانه دایمی جشنواره بین المللی امام رضا علیه السلام.

مشخصات نشر : مشهد: امید مهر، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۲۶۴ ص.

شابک : ۶۶۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۱۵۴۱-۵۹-۹ :

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : فارسی - عربی.

موضوع : علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۱۵۳؟ - ۲۰۳ق. -- کتاب های دعا، و غیره

موضوع : دعاها

شناسه افزوده : لاجوردی، سیدعدنان، ۱۳۴۳ -، مترجم

شناسه افزوده : پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

شناسه افزوده : جشنواره بین المللی امام رضا علیه السلام. دبیرخانه دائمی

رده بندی کنگره : BP۲۶۷/م۸ص ۳۰۴۱ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷۲

شماره کتابشناسی ملی : ۲۹۲۰۴۷۳

ص: ۱

اشاره

پیام مقام معظم رهبری

بسم الله الرحمن الرحیم

درگـذشت عـالم ربـانی مرحوم ایت الله آقای حاج سـیدمحمدباقر موحـد ابطحی اصـفهانی رحمه الله علیه را به بازمانـدگان آن مرحـوم و خانـدان محـترم ابطحی و بـه عمـوم ارادتمنـدان و مسـتفیدان از مقـام علمی ایشـان تسـلیت عرض می کنم. این عـالم بزرگوار، فقیهی جامع و متتبّع و متعبّد و از پرورش یافتگان مکتب علمی مرجع بزرگ شـیعه مرحوم آیت الله العظمی بروجردی اعلی الله مقـامه ومنشأ آثار و برکات متعـدد بودنـد فقـدان ایشان موجب تأسّف آشـنایان به مقامات علمی و معنوی آن بزرگوار است. از خداوند متعال علوّ درجات و حشر با اولیائش را برای آن مرحوم مسألت می نمایم.

سیّدعلی خامنه ای۱۷بهمن۱۳۹۲

ص: ۹

مقدمه ناشر

برگزاری جشنواره بین المللی امام رضا علیه السلام به صورت سالانه ازسوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در داخل و خارج از کشور به مناسبت میلاد با سعادت و سراسر نور عالم آل محمد صلی الله علیه و اله و سلم حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام و کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه علیه السلام و بزرگداشت حضرت شاهچراغ علیه السلام در دهه کرامت (از یکم تا یازدهم ذالقعده) از این جهت اهمیت مضاعف می یابد که همه ساله اندیشمندان، پژوهشگران، هنرمندان و در یک کلام پدیدآورندگان آثار فاخر رضوی با خلق آثار فاخر و ارزنده زمینه ی ترویج بیش از پیش فرهنگ، سیره و معارف رضوی را باهمکاری دستگاه ها و نهادهای عضو جشنواره و با حمایت اقشار مختلف مردم و با پشتیبانی دولت محترم و عنایت مجلس محترم شورای اسلامی، خصوصاً اعضاء محترم کمیسیون فرهنگی مجلس و بویژه رهنمودهای مراجع عظام و علمای اعلام در یک فضای معنوی فراهم می نمایند.

الف: برنامه های موضوعی

برنامه های موضوعی تعریف شده در جشنواره بین المللی امام رضا علیه السلام شامل آن دسته از برنامه هایی می شود که توسط استان ها، نهادها و سازمانهای عضو، به صورت انتشار فراخوان و دریافت آثار و انتخاب برگزیدگان پرداخته می شود ودر حال حاضر بخش های این جشنواره به موضوعات علمی، پژوهشی، فرهنگی، هنری، سینمایی، مطبوعاتی، دیجیتالی و کودک ونوجوان اختصاص دارد.

ب: امور بین الملل

برنامه های تعریف شده برای خارج از کشور در جشنواره بین المللی امام رضا علیه السلام با بهره گیری از ظرفیت علمی، فرهنگی اندیشمندان و دانشمندان جهان همچنین مشارکت ارادتمندان هشتمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت در اقصی نقاط جهان با رویکرد علمی، پژوهشی، فرهنگی و هنری برگزار می گردد. این بخش با محوریت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، همکاری نهادهای فرهنگی مرتبط با خارج از کشور به ویژه مجمع جهانی اهل البیت علیه السلام جامعه المصطفی العالمیه می باشد.

ج: برنامه های عمومی

سازماندهی برنامه های عمومی جشنواره بین المللی امام رضا علیه السلام با ایجاد فرصت های معنوی دهه کرامت در سراسر کشور اعم از شهر وروستا در قالب جشن های مردمی با مشارکت اقشار مختلف و با پیش بینی ۱۷ کارگروه از نهادها و تشکل های مردمی با نظارت شورای هماهنگی جشن های دهه کرامت و با محوریت ستاد عالی کانون های فرهنگی هنری مساجد کشور و با همکاری ۳۰ دستگاه فرهنگی و مرتبط کشور به عنوان مجری عهده دار این ساماندهی می باشند.

د: تکریم امامزادگان و بقاع متبرکه

بزرگداشت امامزادگان به عنوان قطب های فرهنگی جامعه یکی از محورهای اصلی برنامه های روز پنجم ذیقعده در تقویم فرهنگی کشور ودر دهه کرامت می باشد که همه ساله در تمامی استانها برنامه ریزی و به مورد اجرا گذاشته می شود ودر طی سال های اخیر این بزرگداشت در چارچوب همایش و کنگره در دستور کار سازمان اوقاف و امور خیریه کشور قرار گرفته است.

ح: بزرگداشت قدمگاه های حضرت امام رضا علیه السلام

بزرگداشت قدمگاه های مسیر هجرت حضرت امام رضا علیه السلام از شلمچه تا مرو از سوی تشکلهای مردمی با راه اندازی کاروان های نمادین و مراسم ویژه از جمله برنامه هایی می باشد که با حضور و مشارکت گسترده ی مردم در استان های مسیر هجرت و قدمگاه ها نهادینه شده است.

و: برنامه های ویژه

جاری و ساری نمودن یاد و نام امام رضا علیه السلام درطول سال با برگزاری مراسم به منظور بهره مندی از تعالیم وآموزه های رضوی با ایجاد فضای با نشاط معنوی در سطح جامعه از جمله برنامه های سالانه این جشنواره می باشد که در استمرار دهه کرامت در سطح استان های کشور توسط ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و دستگاههای عضو به مرحله اجرا گذاشته می شود.

ز: برگزیدگان

یکی از دستاوردهای مهم جشنواره بین المللی امام رضا علیه السلام شناسایی پدید آورندگان آثار فاخر فرهنگی و هنری در زمینه فرهنگ رضوی می باشد که در برنامه های مختلف و دراستانهای مختلف از سوی هیأت داوران هر یک از رشته های علمی، فرهنگی، هنری، سینمایی و مطبوعاتی، دیجیتالی و کودک و نوجوان آثار برگزیده منتخب شناسایی و نفرات اول تا سوم پدید آورنده هر یک از این آثار به عنوان برگزیده شناخته شده و طی مراسم اختتامیه برنامه موضوعی هر یک از استان ها و دستگاه ها مورد تقدیر قرار می گیرند.

ح: خادمان فرهنگ رضوی

یکی از برنامه های جشنواره بین المللی امام رضا علیه السلام شناسایی و معرفی خادمان فرهنگ رضوی می باشد که سالانه از سوی کمیته انتخاب خادمان فرهنگ رضوی جشنواره ۱۶ چهره برجسته علمی، فرهنگی هنری در داخل و خارج از کشور که دارای خدمات برجسته ای در ساحت مقدس فرهنگ رضوی باشند انتخاب و با اهداء نشان جشنواره از آنان تجلیل می گردد.

ط: افتتاحیه و اختتامیه جشنواره بین المللی فرهنگی و هنری امام رضا علیه السلام

جشنواره بین المللی امام رضا علیه السلام در دهه کرامت همزمان با میلاد حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) در شهر مقدس قم افتتاح وپس از اجرا در ۳۱ استان کشور و سطح وسیعی از نقاط جهان، اختتامیه آن در شب میلاد با سعادت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام با حضور مسئولان عالی رتبه، اقشار مختلف، برگزیدگان جشنواره اصحاب فرهنگ و هنر با تجلیل از خادمان فرهنگ رضوی در مشهد مقدس به کار خود پایان می دهد.

ی: انتشارات :

یکی ازبرنامه های مستمر بنیاد بین المللی امام رضا علیه اسلام انتشار محصولات پژوهشی جشنواره بین المللی امام رضا علیه السلام می باشد. کتاب حاضر منبع ارزشمندی برای تأمین نیاز پزوهشگران به شمار می رود که به سفارش این بنیاد توسط عالم برجسته، فقید سعید، مرحوم حضرت آیت اللّه موحد ابطحی اصفهانی تألیف و توسط مترجم توانا جناب اقای عدنان لاجوردی ترجمه گردیده و با نظارت فاضل ارجمند حضرت حجت الاسلام و المسلمین جناب سید مصطفی میرلوحی و اهتمام جناب آقای دکترعلی سروری مجد به مرحله انتشار رسید.

بنیاد بین المللی فرهنگی و هنری امام رضا علی السلام

ص: ۱۲

مقدمهٔ مترجم

سپاس بی کران و شکر فراوان خداوندی را سزاست که بر این بنده کمترین منت نهاد

وتوفیق انجام خدمتی بسیار ناچیز به آستان ملک پاسبان سلطان سریر ارتضا حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیه و الثنائ را عطا فرمود.خداوندی که گنج های رحمت خویش را بر بندگان ارزانی داشت و کلید آنها را به صورت دعا در اختیار آنان گذاشت.

و سلام و درود و رحمت خداوند بر محمد مصطفی و اهل بیت گرامیش باد که آنان را چراغی فروزان در شبستان تاریک عالم ناسوت و حلقه اتصال خلایق به عالم ملکوت ساخت، وجودات مبارکی که واسطه ی فیض الهی به بندگان و دساویز مستحکم مردمان برای رسیدن به قرب الهی و رهبران ایشان برای سیر در طریق کمال انسانی هستند. آنان که با بیان شیوا و رسایشان آئین سخن گفتن با خدا را به ما آموختند و شعله ی توحید و بندگی را در دل ها افروختند.

کتابی که پیش رو دارید مجموعه ای است از أدعیه ی زاکیه ی وجود مقدس هشتمین اخترتابناک آسمان ولایت و امامت حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیه و الثناء که به نام " صحیفه رضویه جامعه " به زیور طبع آراسته شده، و توفیق الهی نصیب این حقیر شده است تا ترجمه فارسی آن را به خوانندگان گرامی این أدعیه ارائه دهم. امید است که شیعیان و محبان اهل بیت علیه السلام از این گنج شایگان بهره مند شده و نکهت و شمیم این أدعیه روح عاشق آنان را به نسیم کلام روح پرور رضوی بنوازد.

درباره ترجمه حاضر لازم است نکاتی چند مورد توجه قرار گیرد:

۱ـترجمه دقیق کلام اهل بیت علیه السلام که سخنشان پایین تر از کلام خالق و فوق کلام مخلوق است، اگر غیر ممکن نباشد قطعاً امری است بس دشوار و مترجم به هر درجه ای از درک و فهم کلام و قدرت بیان و قلم رسیده باشد باز نمی تواند دقایق کلام حضرات معصومین علیه السلام را به طور کامل به زبان دیگر برگرداند، به ویژه آن که این کلام در خطاب به خداوند و در مقام نیایش های عارفانه با ذات باری تعالی باشد:

گربریزی بحر را در کوزه ای *** چند گنجد قسمت یک روزه ای

ص: ۱۳

بنـابر این حقیر بـا تمـام سـعی و تلاشـی که در ترجمه ی این أدعیه به کار بسـته ام پیش از هر چیز به نقایص فراوان این ترجمه معترفم و از لطف و کرم ساحت مقدس رضوی عاجزانه می خواهم که این کار ناچیز را به دیده ی اغماض نگریسته و آن را از این بندهٔ کمترین پذیرا باشند که ران ملخی است تقدیم به آستان سلیمان عشق و برگ سبزی است تحفه درویش.

۲ـمتأسفانه در متن عربی اذکار و ادعیه ای که جهت ترجمه به حقیر ارائه شد اشتباهات نسبتاً زیادی در قواعد نحوی در اعراب گذاری برخی کلمات، عدم رعایت قواعد املاء عربی در نگارش برخی الفاظ و حتی اغلاط کمی در تشخیص خود واژگان از نسخهٔ خطی وجود داشت که حتی الإمکـان کوشـیدم این اشـتباهات برطرف شود. البته برخی از موارد انـدک، به سـبب اینکه مستلزم تغییر نسبتا زیادی در متن نسخه خطی بود و یا مورد موافقت مؤلف محترم قرار نگرفت، به همان شکل قبلی آمد و حقیر توضـیحات خویش را در آن موارد در پاورقی آوردم. همچنین پاراگراف بندی متن أدعیه در مواردی دارای اشـکال بود که به حمدالله اصلاح لازم صورت گرفت.

۳ـاز آنجا که متأسفانه در ترجمهٔ برخی از واژگان بعضاً دقت کمی صورت می گیرد و کم کم ترجمهٔ غیر دقیق آن ها به زبان فارسـی در متون مختلف به همـان شـکل غلـط رواج پیـدا می کنـد و یـا برخی از معادل ها به تدریـج در قلمرو ادبیات فارسـی منسوخ شـده و یا در اثر کثرت تکرار نمی کنند مفهوم دقیق کلمهٔ عربی را آن چنان که باید منعکس سازند، در ترجمهٔ حاضـر کوشـش شـد که برا برخی از این واژگـان در پـاورقی توضـیحات تکمیلی آورده شود تـا خواننـدگان فرهیخته این اثر به دقایق کلام حضرت توجه بیشتری پیدا کنند.

۴ـبی گمان کلمات حضـرات معصومین علیه السلام به ویژه در مقام نیایش با ساحت مقدس پروردگار کلامی است برآمده از قرآن کریم و وحی الهی؛ چرا که خود قرآن ناطق و مجسمند و سراسر وجودشان با قرآن سرشته و بیان گهربارشان با کلام حق آمیخته است. در أدعیه رضوی نیز علاوه بر استشـهاد فراوان حضـرت به موارد به آیات قرآن کریم، بسیاری از سخنان حضرت یـافت می شـود که از قرآن اقتبـاس شـده انـد، که حقیر در حـد توان وبضـاعت مزجـاه خویش کوشـیده ام این اقتباسـات را در پاورقی تذکر دهم.

در پایان برخود لازم می دانم ضمن سپاس مجدد از توفیقات حضرت حق، به مقتضای " من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق " نهایت تشـکر و امتنان خویش را نسـبت به تمام عزیزانی که در چاپ و نشـر این مجموعه دعا و ترجمهٔ آن همت گماشـته اند ابراز نمـایم. توفیقـات روز افزون این عزیزان را در راه گسترش معـارف اهـل بیت علیه السـلام از درگـاه ایزد منـان خواسـتارم. همچنین از خواننـدگان فرهیخته و ارجمنـد این اثر رجـائ واثق دارم که هرگونه نقص، اشـتباه و انتقاد نسـبت به ان را به نشانی ناشر ارسال دارند تا انشاالله در چاپ های بعدی اصلاح شود.

و من الله توفیق و علیه التکلان

سیّد عدنان لاجوردی

۵ شوال المکرم ۱۴۳۳ هجری قمری

برابر با ۲ شهریور ۱۳۹۱ هجری شمسی

ص: ۱۴

مقدمه ناظر ترجمه

و الحمد اللّه رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین و لعنه اللّه علی اعدائهم اجمعین.

خدای متعال را شاکریم که در این سال های اخیر ، جشنواره بین المللی امام رضا علیه السلام و خدام ارجمند و مخلص ان را بیش از پیش به استفاده از معارف ناب رضوی رهنمون شد و علاوه بر فوائد علمی، تحقیقاتی و همایش های۱ تخصصی به وسیله اساتید و محققان در این جریان حاصل شد؛ که به غنای این جشنواره ارزشمند افزود. برکاتی از مجموعه آثار محقق عالیقدر فقیه جامع حضرت آیهٔ اللّه حاج سید محمد باقر موحد ابطحی اصفهانی رحمه اللّه علیه به این جشنواره رسید که اشاره خیلی کوتاه به آن ضروری می نماید.

از تألیفات این عالم محقق «صحیفه رضویه جامعه» حاوی مجموعه ادعیه امام رضا علیه السلام بوده که در فرایند خدمات این جشنواره به زبان های فارسی، انگلیسی وارد و ترجمه ودر اختیار هزاران عاشق معارف رضوی قرار گرفت، و نیز مجموعه عظیم عوالم العلوم که تألیف علامه بحرانی از شاگردان ممتاز علامه مجلسی (رحمهما اللّه) است؛ به وسیله این عالم ربانی تحقیق ، احیائ و تکمیل شده است.

در این راستا خدمتگزاران این جشنواره معنوی با همت مترجم ارجمند جناب آقای دکتر عدنان لاجوردی، «صحیفه رضویه جامعه» را با ترجمه خوب و روان و چاپ پاکیزه به حضور ایرانیان و پارسی زبانان عاشق اهل البیت علیه السلام تقدیم کردند که در اینجا شایسته بود از همه آنها تشکر و قدردانی شود، نز جا دارد در این شب شهادت امام رووف حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام تقدیری کتوح حضرت آیهٔ اللّه حاج سید محمد باقر موحد ابطحی اصفهانی رحمه اللّه که با زحمات طولانی ده ها ساله شان در حوزه علمیه قم آثار بی نظیری را از اهل البیت علیه السلام تدوین و

۱.از جمله همایش «صحیفه رضویه جامعه» که با حضور آن عالم ربانی در دانشگاه امام صادق عَلَیهِ السَّلام در سال ۱۳۹۱ و در محضر دوست دیرینشان فقیه مجاهد حضرت آیت اللّه مهدوی کنی رحمه اللّه برگزار شد.

یا احیا کردند که این نمونه « صحیفه رضویه جامعه» یکی از صدها خدمات این مرد الهی است. عاش سعیدا و مات سعیدا

و السلام علی عباداللّه الصالحین

سید مصطفی میرلوحی

ص: ۱۶

«درود وصلوات خاص بر علی بن موسی الرضا عَلَیهِ السَّلام »

الصَّلاهٌ عَلی عَلی بن موسَی الرّضا عَلَیهِ السَّلام

اللّهُمَّ صَلّ عَلی عَلِیَ بنِ موسَی الرضا اَلّذِی ارتَضَیتَهٌ،و رَضَّیتَ به مَن شِئتَ مِن خَلقِکَ، اللّهُمَ و کَما جَعَلتَهٌ حُجَّه عَلی خَلقِکَ، و قَائِمًا بِأَمرِکَ، وَ ناصِراً لِدینِک وَ شاهِداً عَلی عِبادِکَ، وَ کَما نَصَحَ لَهُم فِی السِّرِّ وَ العَلانِیه وَ دَعا اِلی سَبیلِکَ بِالحِکمَه وَ المَوعِظَه الحَسَنهِ فَصَلَّ عَلَیهِ اَفضَلَ مَا صَلَّیتَ عَلی اَحَدٍ مِن اَولیائِکَ وَ خیَرَتِکَ مِن خَلقِک، اِنَّکَ جَوادٌ کَریم.

ص: ۱۸

«درود و صلوات خاص برعلی بن موسی الرضا عَلَیهِ السَّلام»

خداوندا بر علی بن موسی الرضا درود ورحمت فرست، آن کس که او را به رضا و خشنودی خود برگزیدی و به واسطه وجود مبارکش هر فردی از مخلوقاتت را که خواستی راضی گرداندی، خدایا همان گونه که او را حجتی بر آفریدگانت قرار دادی و اورا عهده دار انجام امر (ولایت) تو و یاور دینت و شاهد و گواهی بر بندگانت قرار دادی، و همان گونه که او در پنهان و آشکار برای بندگانت دلسوزی و خیرخواهی نمود و با حکمت و پند و اندرز نیکو (آنان را) به سوی راه تو خواند۲، پس بر او درود و رحمت فرست با برترین و نیکوترین درود و رحمتی که بر فردی از اولیاء و برگزیدگان از خلقت فرستادی، به راستی که تو بخشنده و بزرگواری۳.

۱.واژه «الصلاه» در زبان عرب اسم مصدری برای فعل «صَلّی یُصَلّی» است و در لغت به معنای مطلق دعاست، اما در اصطلاح متون دینی گاهی به معنای نماز و گاهی به معنای درود و ثنای جمیل همراه با عطوفت و گرایش قلبی است، و در این حالت با حرف «علی» به کار می رود. این عطوفت و گرایش قلبی به حسب اینکه از جانب چه کسی باشد به گونه های مختلفی جلوه گر می شود، بدین ترتیب که اگر از جانب خداوند متعال باشد به صورت رحمت و اگر از جانب ملائکه باشد به شکل استغفار و اگر از جانب مردم باشد به معنای دعا (برای علو درجات) است. و چون در متن حاضر این صلوات از جانب خداست به معنای «درود و رحمت» ترجمه شد.

۲.تعبیر «دَعا إلَی سَبیلِکَ بِالحِکمَهِ وَ المَوعِظَه الحَسَنهِ» در متن دعا اقتباسی است از آیه ۱۲۵ سورهٔ نحل "ادْعُ إِلی سَبیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَهِ وَ الْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ وَ جادِلْهُمْ بِالَّتی هِیَ أَحْسَنُ....."

۳.واژه«کریم» در اصل به معنای کسی است که تمام انواع خیر و شرف و فضائل و کمالات را در خود جمع نموده است، که در نتیجه اعمال و رفتار چنین شخصی نیز اعمال و رفتار های پسندیده و ستودنی است. متأسفانه در فارسی معادل دقیقی برای این واژه وجود ندارد و از باب ضرورت در این متن به «بزرگوار» ترجمه شده است.

((۱))

أدعيته عَلَيهِ السَّلام فى تسبيح اللّه و تحميده، و الصلاه على النّبى و آله عَلَيهِم السَّلام

۱_فى التسبيح للّه سبحانه

سُبْحَانَ مَنْ خَلَقَ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِهِ، وَ أَتْقَنَ مَا خَلَقَ بِحِكْمَتِهِ، وَ وَضَعَ كُلَّ شَىْ ءٍ مِنْهُ مَوْضِعَهُ بِعِلْمِهِ، سُبْحَانَ مَنْ يَعْلَمُ خائِنَهَ الْأَعْيُنِ وَ ما تُخْفِى الصُّدُورُ، وَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَىْ ءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِير.

۲_فى التسبيح لله جَلَّ جَلالُه فى اليوم العاشر، والحادى عشرمن الشهر

سُبْحَانَ خَالِقِ النُّورِ، سُبْحَانَ خَالِقِ الظُّلْمَهِ، سُبْحَانَ خَالِقِ الْمِيَاهِ، سُبْحَانَ خَالِقِ السَّمَاوَاتِ، سُبْحَانَ خَالِقِ الْأَرَضِينَ

ص: ۲۰

بخش اول: نیایش حضرت عَلَیهِ السَّلام در زمینه تسبیح خداوند جَلَّ جَلالُه و ستایش او و درود و صلوات بر پیامبر و خاندانش عَلَیهِم السَّلام

نیایش اول: نیایش آن حضرت عَلَیهِ السَّلام در باب تسبیح و تنزیه خداوند سبحان

پـاک و منزه است (و از هرنقصـی مـبرّا می دانم)(۱) آن که آفرینش را بـا قـدرتش آفریـد، و آن چه را که آفریـد بـا حکمتش اسـتوار و متقن سـاخت و بـا علم و دانـاییش هر چیزی از آفرینش را در جایگـاه خود نشانـد. پـاک و منزه است آن که خیـانت چشمان را می شناسد و آن چه سینه ها پنهان می دارد را می داند.(۲) چیزی همانند او نیست و او بسیار شنوا و بیناست. (۳)

نیایش دوم: نیایش آن حضرت عَلَیهِ السَّلام درباره تسبیح خداوند جَلَّ جَلالُه در روز دهم و یازدهم هر ماه

پاک و منزه است آفریدگار نور و روشنی، پاک و منزه است آفریدگار ظلمت و تاریکی. از هر نقصی منزه است خالق آب ها، از هر نقصی منزه است خالق آسمان ها، از هر نقصی منزه است خالق زمین ها.

۱- واژه سـبحان علم جنس است برای مصـدر تسـبیحف و معمولاـ به صـورت مفعـول مطلقی به کـار می رود که جانشـین فعل مضارع یا امر است. به عنوان مثال در عبارت «سُبْحَانَ رَبِّیَ الْعَظِیمِ وَ بِحَمْدِهِ»، «سبحان» به معنای «اُسَبِّح» است و در آیه (فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِینَ تُمْسُونَ وَحِینَ تُصْبِحُونَ)، «سـبحان» به معنای «سَبِّحوا» می باشد. در این جا به نظر می رسد این کلمه به معنای مضارع یعنی «تنزیه می کنم» و «مبرّا می دانم» است، امـا از آنجـا که بنـدهٔ واصل به مقام فنا در هنگام تسبیـح خود را نمی بینـد به جای گفتن کلمهٔ« اُسَبِّح» که تسبیح و تنزیه را با آن کلمه به خود نسبت دهد از کلمهٔ «سبحان» استفاده شده که تسبیح و تنزیه در آن به فاعل نسـبت داده نمی شود و به همین جهت در فارسـی نیز می توان ترکیب «سبحان اللّه» را به صورت «خداوند پاک و منزه است» ترجمه نمود، یا گاهی با توجه به اصل به صورت فعل مضارع یا امر معنا کرد.

۲- عبارت(يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ) آیه ۱۹ سوره غافر است که بدون هیچ تغییری در متن دعا به کار رفته است.

۳- عبارت (لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ) بدون تغییر از پایان آیه ۱۱ سوره شوری اقتباس شده است.

سُبْحَانَ خَالِقِ الرِّيَاحِ وَ النَّبَاتِ، سُبْحَانَ خَالِقِ الْحَيَاهِ وَ الْمَوْتِ سُبْحَانَ خَالِقِ الثَّرَى وَ الْفَلَوَاتِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ.

۳ــ فی التسبیح والتحمید بروایته علیه السلام عن یوشع

فمن احبّ أن یکتال بالمکیال الأوفی وأن یؤدّی الحقوق الّتی أنعم اللّه بها علیه فلیقل فی کلّ یوم:

سُبْحانَ اللّه ِ کَما یَنْبَغی للّه ِ، وَالْحَمْدُ للّه ِ کَما یَنْبَغی للّه ِ، وَلا اِلهَ اِلاَّ اللّه ُ کَما یَنْبَغی للّه ِ [وَاللّه ُ اَکْبَرُ کَما یَنْبَغی للّه ِ] وَلاحَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلاّ بِاللّه ِ، وَصَلَّی اللّه ُ عَلی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ، النَّبِیِّ الْعَرَبِیِّ الْهاشِمِیِّ وَصَلَّی اللّه ُ عَلی جَمیعِ الْمُرْسَلینَ وَالنَّبِیّینَ حَتّی یَرْضَی اللّه.

۴ــ فی التحمید للّه جَلَّ جَلالُه

بالإسناد عن الرضا، عن آبائه عن علیّ عَلَیهِم السَّلام، قال: کان رسول اللّه صلی الله علیه و آله إذا أتاه أمر یسرّه قال :

پاک و منزه است آفرینندۀ بادها و گیاهان، پاک و منزه است آفریننده زندگی و مرگ، پاک و منزه است آفریننده زمین و صحراها و دشت ها. ساحت خداوند را (از هرگونه عیب و نقصی) مبرّا می دانم و به سپاس و ستایش او(مشغولم)

نیایش سوم: نیایش حضرت عَلَیهِ السَّلام یوشع در مورد تسبیح خداوند و حمد و ثنای او به روایت از حضرتش عَلَیهِ السَّلام

(از امـام رضـا عَلَیهِ السَّلام روایت شـده که:) هر که دوست دارد بـا پیمـانه کامـل تر ثوابش داده شود و حقوق (چیزهـایی) که خداوند به او انعام فرموده را به جا آورد باید هر روز (این ذکر را) بگوید:

خداوند متعال (ازهرگونه عیب و نقصی) پاک و منزه است چنان که برای او شایسته است، و سپاس و ستایش (۱) برای خداوند است آن چنـان کـه سـزاواراوست، وهیـچ معبـودی جز خداونـد نیسـت آن چنـان کـه شایسـته (مقـام وحـدانیت) اوسـت وخـدابزرگتراست (از آنچه که به وصف درآیـد) چنان که او را می شاید، و هیچ نیرو و قدرتی نیست مگر به (اراده و کمک) خداوند. و درود و رحمت خدا بر محمد صلی الله علیه و اله و سلم واهل بیتش عَلَیهِم السَّلام باد، پیامبرعربی هاشمی، و درود و رحمت خداوند بر تمام فرستادگان الهی و پیامبران تا آن جا که خداوند (از آن درود) خشنود شود.

نیایش چهارم: نیایش حضرت عَلَیهِ السَّلام دربارۀ ستایش خداوند جل جلاله

با ذکر سـند از امام رضا عَلَیهِ السَّلام از پدران بزرگوارش عَلَیهِم السَّلام از علی عَلَیهِ السَّلام روایت شده که فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم هر گاه برایشان امری پیش می آمد که ایشان را خوشحال می کرد می فرمودند:

۱- واژه «حمـد» در زبـان عربی به معنـای ثنای جمیل به قصـد بزرگـداشـت و تعظیم اسـت که به سبب احسان و نیکی شـخص ممدوح یا صفات نیک اختیاری او صورت می گیرد، در حالی که مدح سـتایش ممدوح به خاطرصفـات نیـک اختیـاری و غیر اختیـاری را در بر می گیرد و شـکر فقـط در مقابـل احسـان و نیکی به کار می رود، لـذا کلمه «حمد» اخص از مدح و اعم از «شـکر» اسـت. در واقع سـتایش ممدوح بر صفـات نیک اختیاری وسپاس گزاری از او به سبب احسان و تفضلش را «حمد» می گویند. لذا در این جا به سپاس و ستایش ترجمه شد.

اَلْحَمْدُللّه الَّذی بِنِعْمَتِه تَتِمُّ الصّالِحاتِ

وإذا أتاه أمر یکرهه، قال: الْحَمْدُللّهِ عَلی کُلِّ حالٍ.

۵_ فی المناجاه بحمد اللّه تعالی وشکره

بِسْمِ اللّه ِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ، اَللّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلی مَرَدِّ نَوازِلِ الْبَلاءِ، وَمُلِمّاتِ الضَّرّاءِ، وَکَشْفِ نَوائِبِ الَّلأْواءِ، وَتَوالی سُبُوغِ النَّعْماءِ، وَلَکَ الْحَمْدُ رَبِّ عَلی هَنیءِ عَطائِکَ، وَمَحْمُودِ بَلائِکَ وَجَلیلِ الائِکَ ولَکَ الْحَمْدُ عَلی اِحْسانِکَ الْکَثیرِ، وَخَیْرِکَ الْعَزیزِ، وَتَکْلیفِکَ الْیَسیرَ وَدَفْعِکَ الْعَسیرَ، وَلَکَ الْحَمْدُ یَا رَبِّ عَلی تَثْمیرِکَ قَلیلَ الشُّکْرِ وَاِعْطائِکَ وافِرَ الاْجْرِ، وَحَطِّکَ مُثْقِلَ الْوِزْرِ، وَقَبُولِکَ ضیقَ الْعُذْرِ وَوَضْعِکَ باهِظَ الاْصْرِ، وَتَسْهیلِکَ مَوْضِعَ الْوَعْرِ، وَمَنْعِکَ مَقْطَعَ الاْمْرِ

وَلَکَ الْحَمْدُ عَلَی الْبَلاءِ الْمَصْرُوفِ، وَوافِرِ الْمَعْرُوفِ، وَدَفْعِ الْمَخُوفِ، وَاِذْلالِ الْعَسُوفِ،

ســـپاس و ســـتایش برای خداوندی است که به واسطه نعمتش کارهای صالح و شایسته به انجام می رسد. و هرگاه امری پیش می آمد که ایشان از آن کراهت داشتند می فرمودند: سپاس و ستایش بر هر وضع و حالی مخصوص خداست.

نیایش پنجم: نیایش حضرت عَلَیهِ السَّلام در مناجات الهی با حمد و ثنای خداوند تعالی و سپاسگزاری از او

به نام خداونـد بخشـــاینـده بسیار مهربان، خداونـدا ســـپاس و سـتایش مخصوص توست به خاطر برگردانـدن (وبرطرف کردن) بلاهـای در حـال نزول و خســـارت ها و زیان های وارد شـده، و برطرف ساختن مصائب و گرفتاری ها و پی در پی بـودن گسـترش نعمت هـا، و سپاس و سـتایش فقـط برای توســـت - ای پروردگـار (و صـاحب اختیـار) من(۱) – به سـبب بخشش گوارایت و آزمایش نیکو و پسندیده ات و نعمت های با شکوه وعظیمت.

و ســـپاس و ستایش فقط برای توســـت به خاطر احسان زیادت، و خیر فراوانت، و اینکه (بندگان را) به کارآسان مکلف ساختی (۲) وسـختی را (از آنان) دور نمودی. و سپاس و ستایش مخصوص توســـت ـ ای پروردگار (و صاحب اختیار) من ـ به ســـبب این که شـکرگزاری اندک را پر ثمر ساختی و اجر فراوان بخشـیدی، و بار سنگین را (از دوش من) برداشتی، و (سـختی و) تنگنـای عـذر و پوزشم را پـذیرفتی و تعهـد سـنگین را (از من) برداشتی، وموقعیت دشـــوار و ناهموار را (برایم) هموار ســـاختی، و از گسـســـتگی کارها و امور مانع شدی. و سـپاس و سـتایش تنها برای توست به خاطر بلای گردانده شـده (و برطرف شـده) و احسـان و نیکی بســـیار، ودفع کردن (امـور) ترســـنـاک، و رام نمـودن شـتر (نفس یـا طریق) چموش و

۱- واژه «رب» در لغت عرب به معانی مختلفی همچون خالق و آفریننده، سید و سرور، صاحب و مالک، مصلح و تربیت کننده، سرپرست و قیم و مـدبر امور کاربرد دارد، و به نظر می رسـد که قـدر جامع این معانی: سـرپرست و صاحب اختیاری اســـت که در جهت پروراندن و کمال بخشـــیدن به شیء یا شخص مورد سرپرستی خویش و رفع نقایص آن می کوشـــد، و از آن جـا که غـایت این سـرپرســـتی در مورد انسـان ها عمـدتاً به تربیت و پرورش آن ها برمی شود، لـذا در ترجمه حاضـر به «پروردگار و صاحب اختیار» ترجمه شد.

۲- در عبارت «تَکلیفِکَ الیسِـــیرَ» و «دَفعِکَ العَسِـــیرَ»، «تَثمِیرکَ قَلیلَ الشُکرِ» تا تعبیر «مَنعِکَ مَقطَعَ الاَمرِ» مصدر به فاعل اضافه شـده و مفعول به را نصب داده است، ترجمه دقیق تحت اللفظی این تعابیر بـدین گونه است: مکلف ساختنت آسان را، و دفع نمودنت سـختی را، و ....، اما به جهت ثقل این عبارات در فارسـی سـعی شـد این عبارات به صورت ترکیب «أن یفعل» که معادل مصدر است، ترجمه شود تا عبارات روان تر و مفهوم تر شود.

وَلَکَ الْحَمْدُ عَلی قِلَّهِ التَّکْلیفِ، وَکَثْرَهِ التَّخْفیفِ، وَتَقْوِیَهِ الضَّعیفِ، وَاِغاثَهِ اللَّهیفِ وَلَکَ الْحَمْدُ عَلی سَعَهِ اِمْهالِکَ، وَدَوامِ اِفْضالِکَ، وَصَرْفِ اِمْحالِکَ وَحَمیدِ فِعالِکَ، وَتَوالی نَوالِکَ، وَلَکَ الْحَمْدُ عَلی تَأْخیرِ مُعاجَلَهِ الْعِقابِ، وَتَرْکِ مُغافَصَهِ الْعَذابِ، وَتَسْهیلِ طُرُقِ الْمَابِ، وَ اِنْزالِ غَیْثِ السَّحابِ، اِنَّکَ الْمَنّانُ الْوَهّابُ.

۶_فی المناجاه بالحمدللّه جَلَّ جَلالُه وشکره حال السجده

لَکَ الْحَمْدُ اِنْ اَطَعْتُکَ، وَ لا حُجَّهَ لی اِنْ عَصَیْتُکَ، وَ لا صُنْعَ لی وَلا لِغَیْری فی اِحْسانِکَ، وَلا عُذْرَ لی اِنْ اَسَأْتُ

ما اَصابَنی مِنْ حَسَنَهٍ فَمِنْکَ، یا کَریمُ، اِغْفِرْ لِمَنْ فی مَشارِقِ الْاَرْضِ وَمَغارِبِها، مِنَ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ.

۷_ فی المناجاه لطلب الفرج

اِلهی بَدَتْ قُدْرَتُکَ وَلَمْ تَبْدُ هَیْئَهٌ(۱) لَکَ، فَجَهِلُوکَ، وَقَدَّرُوکَ

گمراه(۱) و سپاس و ستایش فقط سزاوار توست به سبـب کم بودن تکالیف و واجبات، و زیاد بودن تخفیف و سبکی (بر بندگان) و تقویت کردن ضعیف، و کمک کردن به محزون و دردمند.

و سـپاس و سـتایش تنها برای توست به خاطر گسـترش و طولانی بودن مهلت دادنت، و استمرار تفضل و نعمت دادنت، و برطرف

کردن قحطی و بی برکتی، و اعمال سـتودنیت، و پی درپی بودن نعمت هایت. و سـپاس و سـتایش فقط برای توست به جهت عقب انداختن مجازات، و به یک باره عذاب نفرستادن و آسان نمودن راه های بازگشت، و فرو فرستادن باران ابرها، به یقین تو بسیار نعمت دهنده و بخشنده ای.

نیایش ششم: در مناجا ت حضرت عَلَیهِ السَّلام با خداوند از طریق ستایش خدا و سپاس گزاری از او در حال سجده

حمد و ستایش تنها برای توست اگر تو را اطاعت کنم، و هیچ حجت و دلیلی ندارم اگر تو را نافرمانی کنم، و در نیکی و احسانت هیچ کاری (و دخالتی) از طرف من یا غیرم انجام نشده است، و هیچ عذری ندارم اگر بدی کنم.

هر حسنه و خوبی که به من می رسد از توست،(۲) ای کریم (و بزرگوار) بیامرز هر مرد و زن با ایمانی را که در نواحی مشرق و مغرب زمین است.

دعای هفتم: نیایش حضرت عَلَیهِ السَّلام در مناجات ایشان برای طلب گشایش

بار الها قدرتت آشکار شد ولی هیئت و صورتی مادی (۳) از تو ظاهر نشد، لذا نسبت به تو به ره نادانی رفتند و تو را (با اوهام خویش) اندازه گرفتند، در حالیکه قدر و اندازه (بر حق

۱- . در واژه «العَسُوفِ» در عبارت «اذلالِ العَسُوفِ» استعاره مصرّحه صورت گرفته است، بدین ترتیب که حضرت رضا عَلَیهِ السَّلام نفس انسـان یا طریق و مسـیر حرکت او را به شتر چموشی که از مسیر اصلی منحرف می شود، و در عربی به آن عَسُـوف می گویند، تشـبیه فرموده اند و سپس از باب استعاره، مشبه به را به صراحت به جای مشبه به کار برده اند، و کلمه اذلال (به معنای رام نمودن) را به عنوان قرینه برای این استعاره استعمال کرده اند.

۲- عبارت «ما اصاَبنی مِن حَسَنه فَمِنکَ»اشاره دارد به آیه (ما أصاَبکَ مِنْ حَسَنَهٍ فمِنَ الله) (سوره نساء، آیه ۷۹)

۳- در برخی نسـخ به جای کلمه «هَیئَه» واژه «واهِیه» به معنای «سسـت» آمده است که در این صورت معنای عبارت چنین است: «ولی سستی و ضعفی از تو به ظهور نرسید».

وَالتَّقْديرُ عَلى غَيْرِ ما بِهِ شَبَّهُوکَ فَاَنَا بَرىءٌ - يا اِلهى - مِنَ الَّذينَ بِالتَّشْبيهِ طَلَبُوکَ، لَيْسَ كَمِثْلِکَ شَیْءٌ، وَلَنْ يُدْرِكُوکَ، ظاهِرُ ما بِهِمْ مِنْ نِعْمَتِکَ دَلَّهُمْ عَلَيْکَ لَوْ عَرَفُوکَ، وَفى خَلْقِکَ يا اِلهى مَنْدُوحَةٌ اَنْ يَتَناوَلُوکَ،

بَلْ شَبَّهُوکَ بِخَلْقِکَ، فَمِنْ ثَمَّ لَمْ يَعْرِفُوکَ، وَاتَّخَذُوا بَعْضَ اياتِکَ رَبّا فَبِذلِکَ وَصَفُوکَ، فَتَعالَيْتَ يا اِلهى، وَتَقَدَّسْتَ عَمّا بِهِ الْمُشَبِّهُونَ نَعَتُوکَ، يا سامِعَ كُلِّ صَوْتٍ، وَيا سابِقَ كُلِّ فَوْتٍ، يا مُحْىِ الْعِظامِ وَهِیَ رَميمٌ، وَمُنْشِئَها بَعْدَ الْمَوْتِ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ لى مِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرَجا وَمَخْرَجا وَجَميعِ الْمُؤْمِنينَ، اِنَّکَ عَلى كُلِّ شَیْءٍ قَديرٌ.

۸ـ فی المناجاه بثناء اللّه مستشفعا بالنبیّ وآله لقبول الدعاء

اِلهى وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْکَ، و مَدَدْتُ يَدى اِلَيْکَ، مَعَ عِلْمى بِتَفْريطى فى عِبادَتِکَ، وَاِهْمالى لِكَثيرٍ مِنْ طاعَتِکَ،

و شایسته تو) برخلاف آن چیزی بود که تو را به آن تشبیه کردند.(۱)

پس ای معبودم، من از کس_انی که با تشبیه در پی رسیدن به تو بودند بیزارم (و برائت می جویم). هیچ چیزی همانند تو نیس_ت و آنان هرگز تو را درک نخواهند کرد. نعمت های آشکارت در وجودشان آنان را به سوی تو راهنمایی می کرد اگر تو را می شناختند (یا در پی ش_ناختت بودند) و در آفرینش و خلقتت _ ای معبود من _ (به اندازه کافی) راه حل و وسیله (و حجت) وجود دارد برای این که به تو برسند. اما آنان تو را به آفریده ات(۲) تشبیه کردند و به همین جهت تو را نشناختند، و برخی از نش_انه های ق_درت تو را به عنوان پ_روردگار خود برگزیدند و بدان ش_کل توصیف نمودند. اما بار اله_ا تو برتر و والاتر و مقدس تر از آنی که تشبیه کنندگان تو را به آن توصیف نمودند.

ای ش_نوای هر صدایی و ای سبقت گیرنده بر هر زوال و ازدس_ت رفتنی، ای زنده کننده استخوان ها در حالی که پوسیده اند(۳) و ایجادکننده آن ها پس از مرگ، بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرس_ت و برای من و تمام مؤمنین از هرگونه همّ و غمّی گشایش و راه خروج (و برون رفتی) قرار ده، (که) بی گمان تو بر هر چیزی بسیار توانایی.(۴)

دعای هشـــتم: در مناجات حضرت عَلَیهِ السَّلام با ثناگویی خداوند و طلب شفاعت از او به برکت پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان گرامیش عَلَیهِم السَّلام برای استجابت دعا

خداوندا در پیشگاهت ایستاده ام و دستم را به سوی تو دراز کرده ام با اینکه می دانم در عبادت و پرستش تو کوتاهی نمودم و در بسیاری از موارد اطاعت تو سستی کردم.

۱- عبارت «و قَدّرُوکَ و َالتقدِیرُ عَلی غَیرِ ما بِهِ شَبهُوک» اشاره دارد به آیه « وَ ما قدَرُوا اللَّه حَ َق قَدْرِه» (سوره انعام/ آیه ۹۱)

۲- واژه «خلق» در عبارت «بل شّ___بَّهُوکَ بِخَلقِ-کَ» مصدری اس___ت که به معنای اسم مفعول (یعنی خلق به معنای مخلوق) به کار رفته، و لذا در فارسی به «آفریده» ترجمه شده است.

۳- عبارت «یا مُحیِی العِظامِ و هِیَ رَمِیمٌ و مُنشِ___ئها بعدَ الموتِ» اش___اره است به آیه ﴿ قالَ مَنْ یُحْیِ الْعِظامَ وَ هِیَ رَمِیمٌ قُلْ یُحْیِیهَا الَّ ذِی أنشَأَها أَوَّلَ مَرَّهٍ وَ هُوَ بکُلِّ خَلْقٍ عَلِیمٌ ﴾ (سوره یس/ آیه ۷۸و۹۷)

۴- عبارت «إنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ» عبارتی قرآنی است که در پایان آیات فراوانی از قرآن کریم آمده است.

وَلَوْ اَنّی سَلَکْتُ سَبیلَ الْحَیاءِ لَخِفْتُ مِنْ مَقامِ الطَّلَبِ وَالدُّعاءِ، وَلکِنّی یا رَبِّ لَمّا سَمِعْتُکَ تُنادِی الْمُسْرِفینَ اِلی بابِکَ، وَتَعِدُهُمْ بِحُسْنِ اِقالَتِکَ وَثَوابِکَ، جِئْتُ مُمْتَثِلاً لِلنِّداءِ، وَلائِذاً بِعَواطِفِ اَرْحَمِ الرَّحَماءِ، وَقَدْ تَوَجَّهْتُ اِلَیْکَ بِنَبِیِّکَ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَالِهِ، الَّذی فَضَّلْتَهُ عَلی اَهْلِ الطّاعَهِ، وَمَنَحْتَهُ بِالْاِجابَهِ وَالشَّفاعَهِ، وَبِوَصِیِّهِ الْمُخْتارِ، الْمُسَمّی عِنْدَکَ بِقَسیمِ الْجَنَّهِ وَالنّارِ، وَبِفاطِمَهَ سَیِّدَهِ النِّساءِ، وَ بِاَبْنائِها الْاَوْلِیاءِ الْاَوْصِیاءِ وَبِکُلِّ مَلَکٍ خاصَّهٍ یَتَوَجَّهُونَ بِهِمْ اِلَیْکَ، وَیَجْعَلُونَهُمُ الْوَسیلَهَ فِی الشَّفاعَهِ لَدَیْکَ، وَ هؤُلاءِ خاصَّتُکَ، فَصَلِّ عَلَیْهِمْ، وَآمِنّی مِنْ اَخْطارِ لِقائِکَ، وَاجْعَلْنی مِنْ خاصَّتِکَ وَاَحِبّائِکَ فَقَدْ قَدَّمْتُ اَمامَ مَسْاَلَتِکَ وَ نَجْواکَ ما یَکُونُ سَبَباً اِلی لِقائِکَ وَرُؤْیاکَ، وَاِنْ رَدَدْتَ مَعَ ذلِکَ سُؤالی، وَخابَتْ اِلَیْکَ امالی، فَمالِکٌ رَأی مِنْ مَمْلُوکِه ذُنُوبا فَطَرَدَهُ عَنْ بابِه، وَسَیِّدٌ رَأی مِنْ عَبْدِه

و به راس_تی اگر من راه شرم و حیا را می پیمودم قطعا از جایگاه و موقعیت درخواست و نیایش بیم (و شرم) داشتم.

اما ای پروردگار (و صاحب اختیار) من، هنگامی که صدایت را شنیدم که افراط کنندگان در گناه را به سوی درگاهت می خواندی و به نیکی عفو و مغفرت و ثوابت وعده می دادی(۱)، برای امتثال امر و ندای تو و پناه بردن به عطوفت های مهربان ترین مهربانان (من هم) آمدم، در حالیکه به واس_طه (وجود نازنین) پیامبرت _ که درود و رحمت خدا بر او و خاندان پاکش باد _ به سوی تو رو کرده ام، پیامبری که او را بر (تمام) اهل طاعت برتری دادی و استجابت دعا و مقام شفاعت را به وی بخشیدی(۲) ، و نیز به واسطه وصیّ برگزیده پیامبرت عَلَیهِ السَّلام که نزد تو به قس_یم الجنّه و النّار (تقسیم کننده بهشت و جهنم) نامیده شده است، و به آبروی فاطمه علیهاالسّلام سرور زنان (دو عالم) و فرزندان پاکش عَلَیهِم السَّلام که اولیاء الهی و اوصیای پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم هستند، و به آبروی هر فرشته مقرّب و خاصت که (خلایق) به وسیله آنان به سوی تو رو می کنند و آنان را وسیله برای شفاعت نزد تو قرار می دهند. (۳)

و این_ان خاصّان درگاه توأن_د، پس بر آنان درود و رحمت فرس_ت و مرا از خطرهای ملاقات_ت (خطرهای مرگ) در امان بدار و از جمل_ه خاصّان درگاه و بندگان محبوبت بگردان. زیرا من در پیش_اپیش درخواس_تم از تو و مناجات با تو افرادی را که وسیله ملاقات با تو و دیدارت هستند آورده ام. ولی اگر با این وجود، درخواستم را رد کنی و امیدها و آرزوهایم نزد تو به یأس گرایند، (حق اعتراض ندارم) چرا که (در این صورت، حقیقت این است که) مالکی از مملوك خویش گناهانی را مشاهده کرده،

۱- امام رضا عَلَیهِ السَّلام در این عبارات اشاره دارند به آیه (قُلْ یا عِبادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلی أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللهِ إِنَّ اللهَ یَغْفِرُ الذنوبَ جَمِیعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرحِیمُ) (سوره زمر/ آیه ۵۳)

۲- ظاهراً اشاره ای است به آیه (وَ لَسَوْفَ یُعْطِیکَ رَبُّكَ فَتَرْضی) (سوره ضحی/ آیه ۵)

۳- به نظر حقیر عبارت: وَبکُلِّ مَلَكٍ خاصهٍ یَتَوَجَّهُونَ بِهِمْ الیْکَ، وَیَجْعَلُونهُمُ الْوَس_یلَهَ فِی الش_فاعَهِ لَدَیْکَ، به سبب عدم تطابق بین نعت و منعوت در«مَلَكٍ خاصهٍ» و برخی اشکالات دیگر که در این جا مجال ذکر آن ها را ندارم خالی از اش_کال نیست، و بعید نیست که اصل عبارت این گونه باش_د: وَلِکُلِّ مَلَكٍ خاصهٌ یَتَوَجَّهُونَ بِهِمْ الیه، وَیَجْعَلُونَهُمُ الْوَسیلَهَ فِی الشفاعَهِ لَدَیْه، و ترجمه این چنین خواهد بود: و برای هر پادشاهی خاصان و افراد مقربی وجود دارند که (خلایق) به وسیله آنان به سوی او رو می کنند و آنان را وسیله برای شفاعت نزد او قرار می دهند. و اتفاقا این احتمال با عبارت بعدی (وَ هؤُلاءِ خاصتكَ) سازگارتر است.(مترجم)

عُیُوبا فَاَعْرَضَ عَنْ جوابِه، یا شَقْوَتاهُ اِنْ ضاقَتْ عَنّی سَعَهُ رَحْمَتِکَ، اِنْ طَرَدْتَنی عَنْ بابِکَ عَلی بابِ مَنْ اَقِفُ بَعْدَ بابِکَ؟! وَاِنْ فَتَحْتَ لِدُعائی اَبْوابَ الْقَبُولِ، وَاَسْعَفْتَنی بِبُلُوغِ السُّؤالِ، فَمالِکٌ بَدَءَ بِالاِحسانِ، وَاَحَبَّ اِتْمامَهُ، وَمَوْلیً اَقالَ عَثْرَهَ عَبْدِه، وَرَحِمَ مَقامَهُ، وَهُناکَ لا اَدْری اَیَّ نِعَمِکَ اَشْکُرُ؟ اَحینَ تَطَوَّلْتَ عَلَیَّ بِالرِّضا، وَتَفَضَّلْتَ بِالْعَفْوِ عَمّا مَضی؟ اَمْ حینَ زِدْتَ عَلَی الْعَفْوِ وَالْغُفْرانِ بِاسْتِینافِ الْکَرَمِ وَالاِحْسانِ؟

فَمَسْاَلَتی لَکَ یا رَبِّ فی هذَا الْمَقامِ الْمَوْصُوفِ، مَقامِ الْعَبْدِ الْبائِسِ الْمَلْهُوفِ، اَنْ تَغْفِرَ لی ما سَلَفَ مِنْ ذُنُوبی، وَتَعْصِمَنی فیما بَقِیَ مِنْ عُمْری، وَاَنْ تَرْحَمَ والِدَیَّ الْغَریبَیْنِ فی بُطُونِ الْجَنادِلِ، الْبَعیدَیْنِ مِنَ الاْهْلِ وَالْمَنازِلِ، صِلْ وَحْدَتَهُما بِاَنْوارِ اِحْسانِکَ، وَاَنِسْ وَحْشَتَهُما بِاثارِ غُفْرانِکَ، وَجَدِّدْ لِمُحْسِنِهِما فی کُلِّ وَقْتٍ مَسَرَّهً وَنِعْمَهً، وَلِمُسیئِهِما مَغْفِرَهً وَرَحْمَهً، حَتّی یَأْمَنا بِعاطِفَتِکَ مِنْ اَخْطارِ الْقِیامَهِ، وَتُسْکِنَهُما بِرَحْمَتِکَ فی دارِ الْمُقامَهِ، وَعَرِّفْ بَیْنی وَبَیْنَهُما فی ذلِکَ النَّعیمِ الرّائِقِ حَتّی

و لذا او را از درگاه خویش رانده است، و سروری از بنده اش عیوبی را مشاهده نموده، پس از پاسخ دادن به او روی گردانده است. وای از بدبختی من چنان چه گستره رحمتت (مرا فرا نگیرد و) بر من تنگ آید.

(الهی) اگر مرا از درگاهت برانی بر درگاه چه کسـی بایستم؟ و اگر درهای اجابتت را بر دعایم بگشایی و مرا با رسیدن به درخواست هایم کمک نمایی (شایستگی من نبوده، بلکه حقیقت این است که) مالك و صاحب اختیاری نیکی و احسان را (بر مملوکش) آغاز نموده و دوست دارد آن احسان را به کمال و تمامیت برساند، و مولایی لغزش بنده اش را بخشیده و بر جایگاهش رحم آورده است. و آن جاست که (دیگر) نمی دانم کدامین نعمتت را شکر کنم؟

آیا زمانی که خشنودیت را نصیبم فرمودی و نسبت به (اعمال) گذشته ام عفوت را (به من) تفضل کردی؟ یا هنگامی که علاوه بر عفو و مغفرتت، کرم و احسانت را دوباره از سر گرفتی؟

پس ای پروردگار (و صاحب اختیار) من، درخواستم از تو در این جایگاه توصیف شده ـ جایگاه بنده تیره بخت محزون ـ این است که گناهان گذشته ام را بیامرزی

و در باقی مانده عمر مرا (ازگناه) محفوظ داری، و به والدینم که در درون تخته سنگ های (قبر اسیر و) غریبند و از اهل و خانه ها دورند، رحم کنی. (خداوندا) تنهایی شان را با انوار احسان و نیکی ات پیوند ده، و دلتنگی ایشان را با آثار و برکات آمرزشت (برطرف و) به انس و الفت تبدیل کن. و برای نیکوکارشان خوش حالی و نعمت، و برای بدکارشان آمرزش و رحمت را در هر زمان و به صورت نو به نو نصیب فرما،

تا اینکه والدینم با عطوفت و مهربانیت از خطرهای قیامت ایمن شوند، و با رحمتت آن دو را در خانه اقامت ابدی ساکن گردانی. (خدایا) بین من و آنان در آن نعمتهای والای بهشتی آشنایی برقرار کن تا اینکه

تَشْمُلَ بِنـا مَسَـرَّهَ السّابِقِ وَاللاّحِقِ بِه، سَـيِّدى وَا نْ عَرَفْتَ مِنْ عَمَلى شَـيْئا يَرْفَعُ مِنْ مَقامِهِما، وَيزيـدُ فى اِكْرامِهِما، فَاجْعَلْهُ ما يُوجِبُهُ حَقَّهُما لَهُما، وَاَشْرِكْنى فِى الرَّحْمَهِ مَعَهُما، وَارْحَمْهُما كَما رَبَّيانى صَغيرا.

٩ــ فى الصلاه على النبىّ وآله عَلَيهِم السَّلام

اَللّهُمَّ صَـلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِه فِى الاَوَّلينَ، وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِه فِى الاْخِرينَ، وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِه فِى الْمَلاَءِ الاْعْلى، وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِه فِى النَّبِيّينَ وَالْمُرْسَلينَ، اَللّهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّدا صَلَّى اللّه ُعَلَيْهِ وَالِهِ الْوَسيلَهَ وَالشَّرَفَ وَالْفَضيلَهَ وَالدَّرَجَهَ الْكَبيرَهَ

اَللّهُمَّ اِنّى امَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَـلَّى اللّه ُعَلَيْهِ وَالِه وَسَـلَّمَ وَلَمْ اَرَهُ، فَلا تَحْرِمْنى يَـوْمَ الْقِيـامَهِ رُؤْيَتَهُ، وَارْزُقْنى صُـحْبَتَهُ، وَتَوَفَّنى عَلى مِلَّتِه، وَاسْقِنى مِنْ حَوْضِه مَشْرَبا رَوِيّالا اَظْمَأُ بَعْدَهُ اَبَدا، اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَىْءٍ قَديرٌ

ص: ٣۴

خوش حالی قبلی و بعدی از آن نعمت را شامل حال ما گردانی.

سرورم! اگر از عملم چیزی را سراغ داری که مقام و منزلت آن دو را بالاـ می برد و تکریم و بزرگداشت آنان را می افزاید، پس تا زمانی که حقش_ان بر گردنم ایجاب می کند آن عمل را برای آنان قرار بده، و مرا در رحمتت با آنان ش_ریک گردان، و آن دو را رحم کن همان گونه که در کودکی (با مهربانی و رحمت) مرا پرورش دادند.(۱)

دعای نهم: درباره درود و صلوات بر پیامبر و خاندانش عَلَیهِم السَّلام

خداونــدا بر محمـد وآل او درود و رحمـت فرسـت در زمره پیشـینیان، و بر محمـد و آل او درود ورحمـت فرس_ت در زمره پس_ینیان، و بر محمـد و آل او درود و رحمت فرست در ملأ أعلی (و حظی_ره قـدس) و بر محم_د و آل او درود و رحمت فرست در زمره پیامبران و فرستادگان،

خداونـدا به محمـد _ که درود و رحمت خـدا بر او و خانـدانش بـاد _ مقـام قرب (و شـفاعت) (۲)و شـرف (عظیم) و فضیلت (تمام) و درجه بزرگ (و والا) عطا فرما.

بارخـدایا به راستی که من به (پیامبرت) محمـد _ که درود و رحمت خـدا بر او و خاندانش باد _ ایمان آوردم در حالی که او را ندیدم. پس مرا از دیدارش در روز قیامت محروم نساز، و مصاحبت و همراهی با او را روزیم گردان، و مرا بر دین او بمیران، و از حوض (کوثر)ش بنوشان، نوشـیدنی س_یراب کننـده که بعد از آن هرگز تشـنه نشوم، به راستی که تو بر هر کاری بسـیار توانایی.

۱- عبارت «ارحمهما کما رَبَّیانی صَغِیرا» بدون هیچ تغییری از پایان آیه ۲۴ سوره اسراء گرفته شده است.

۲- واژه «وس____یله» در زبان عربی به معنای چیزی اس____ت که با آن به چیز دیگری تقرب می جویند و در حقیقت هر شیء مایه تقرّبی را وسیله می نامند. به همین جهت منزلت و قرب و آبرو داشتن نزد یک مقام والا، درجه و جایگاه و عمل مقرّب را نیز وسیله می گویند. در متن حاضـر به نظر می رسد کلمه «وسیله» به معنای ارج و قرب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نزد خدا باشد که در شفاعت نمودن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به بندگان به ظهور می رسد

اَللّهُمَّ کَما امَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَالِه، وَلَمْ اَرَهُ، فَعَرِّفْنی فِی الْجِنانِ وَجْهَهُ، اَللّهُمَّ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنّی تَحِیَّهً کَثیرَهً وَسَلاما.

۱۰ــ فی الصلاه علی النبیّ وآله عَلَیهِم السَّلام

بالإسناد عن الرضا عَلَیهِ السَّلام فی حدیث إلی أن قال : قیل یا رسول اللّه قد عرفنا التسلیم علیک فکیف الصلاه علیک؟ فقال: تقولون:

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، کَما صَلَّیْتَ عَلی اِبراهیمَ وَالِ اِبْراهیمَ، اِنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ.

۱۱ــ فی الصلاه علی النبیّ وآله عَلَیهِم السَّلام

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، اَفْضَلَ ما صَلَّیْتَ عَلی اِبرهیمَ وَ الِ اِبراهیمَ، اِنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ.

ص: ۳۶

خداونـدا همان گونه که من به محمـد ــ که درود و رحمت خدا بر او و خاندانش باد ــ ایمان آوردم در حالی که او را ندیده بودم پس در بهشت چهره مبارکش را به من بشناسان (و نشان بده)، خدایا از جانب من به روح (متعالی) محمد صلی الله علیه و آله و سلم تحیتی بسیار و سلامی (فراوان) برسان.

دعای دهم: درباره صلوات بر پیامبر و آل گرامیش عَلَیهِم السَّلام

با سـند صحیح از امام رضا عَلَیهِ السَّلام در حدیثی روایت شده که فرمودند: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سؤال شد: ما سـلام کردن بر شـما را بلـدیم، چگونه بر شـما صـلوات بفرستیم؟ فرمودنـد: می گوییـد: بارالها بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست همان گونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود و رحمت فرستادی، بی گمان تو ستوده و دارای مجد و شرافتی.

دعای یازدهم: درباره صلوات بر پیامبر و خاندانش عَلَیهِم السَّلام

خداوندا بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست برتر از آن درود و رحمتی که بر ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی، به راستی که تو ستوده و باشکوه و عظمتی.

((۲))

ادعیته علیه السلام فی جوامع المطالب وخصوصها

۱.أدعیته علیه السلام لطلب الأمن والإیمان، والعافیه، والصبر

۱۲_ لطلب الأمن والإیمان

بالإسناد عن یونس، قال: قلت للرضا علیه السلام : علّمنی دعاءً وأوجز، فقال: قل:

یا مَنْ دَلَّنی عَلی نَفْسِه، وَذَلَّلَ قَلْبی بِتَصْدیقِه، اَسْاَلُکَ الاْمْنَ وَالْایمانَ فِی الدُّنْیا وَالْاخِرَه.

۱۳_ لطلب الهدی والتثبیت علیه

اَللّهُمَّ اَعْطِنِی الْهُدی، وَثَبِّتْنی عَلَیْهِ امِنا، اَمْنَ مَنْ لا خَوْفَ عَلَیْهِ وَلا حُزْنَ وَلا جَزَع، اِنَّکَ اَهْلُ التَّقْوی وَاَهْلُ الْمَغْفِرَهِ.

۱۴_ لطلب العافیه

یا اَللّه ُ یا وَلِیَّ الْعافِیَهِ، وَالْمَنّانُ بِالْعافِیَهِ، وَرازِقَ الْعافِیَهِ

بخش دوم: دعاهای حضرت علیه السلام درباره درخواست های عمومی و جامع و درخواست های خاص

۱- دعاهای امام علیه السلام برای طلب امنیت و ایمان و عافیت و صبر

دعای دوازدهم: دعای آن حضرت علیه السلام برای درخواست امنیت و ایمان

با سند صحیح از یونس نقل شده که گفت: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: به من دعایی تعلیم فرمایید که مختصر باشد. فرمودند: بگو:

ای کسی که مرا به سوی خویش راهنمایی فرمود و دلم را با باور و تصدیق به وجودش رام نمود، امنیت و ایمان در دنیا و آخرت را از تو می طلبم.

دعای سیزدهم: دعای آن حضرت علیه السلام برای طلب هدایت و ثابت ماندن بر طریق آن

بارخدایا هدایت را به من عطا فرما، و مرا با آسودگی و امنیت بر راه هدایت ثابت قدم فرما، همانند امنیت کسی که هیچ خوف و اندوه و جزع و فزعی ندارد، بدون شک تو اهل تقوی و پارسایی و اهل آمرزشی. (۱)

دعای چهاردهم: دعای آن حضرت علیه السلام برای طلب عافیت

ای خدا، ای سرپرست (و صاحب اختیار) عافیت، و ای کسی که عافیت را (به مردم) ارزانی می داری،

۱- عبارت «إنّک اهلُ التقوَی و اهلُ المغفِرَه» با کمی تغییر از عبارت قرآنی (هُوَ أهْلُ التقْوی وَ أهْلُ الْمغْفِرَهِ) از پایان آخرین آیه سوره مبارکه مدّثر برداشت شده است.

وَالْمُنْعِمُ بِالْعـافِيَهِ، وَالْمُتَفَضِّلُ بِالْعـافِيَهِ عَلَیَّ وَعَلی جَمیـعِ خَلْقِه(۲) رَحْمنَ الـدُّنْیا وَالاْ ـخِرَهِ وَرَحیمَهُمـا، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ لَنا فَرَجاً وَمَخْرَجاً، وَارْزُقْنَا الْعافِیَهَ، وَدَوامَ الْعافِیَهِ، فِی الدُّنْیا وَالاْخِرَهِ، یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ.

۱۵_لطلب العافیه والشکر علی العافیه

بالإسـناد عن الإمام الرضا علیه السـلام أنّه قال: رأی علیّ بن الحسـین علیهماالسلام رجلًا یطوف بالکعبه وهو یقول: اَللّهُمَّ اِنّی اَسْاَ لُکَ الصَبر، قال: فَضَرب عَلیّ بن الحسین علیهماالسلام علی کتفه، ثمّ قال : سألت البلاء، قل :

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ الْعافِیَهَ، وَالشُّکْرَ عَلَی الْعافِیَهِ...(۳)

.۲أدعیته علیه السلام للإستخاره والإستسقاء

۱۶_فی الاستسقاء بعد الحمد والثناء للّه تعالی

اَللّهُمَّ یا رَبِّ اَنْتَ عَظَّمْتَ حَقَّنا اَهْلَ الْبَیْتِ، فَتَوَسَّلُوا بِنا کَما

و ای روزی دهنده عافیت، و ای کسی که نعمت عافیت را می بخشی، و ای کسی که عافیت را بر من و بر تمام آفریدگانش (۱) تفضل میکند، (ای) رحمتگر و بخشاینده دنیا و آخرت و مهربان دو عالم

بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرس_ت و به سرعت گشایشی و راه چاره ای برای ما قرار ده، و عافیت و دوام آن را در دنیا و آخرت روزی مان فرما، ای مهربان ترین مهربانان(و بخشنده ترین بخشندگان).

دعای پانزدهم: دعای آن حضرت عَلَیهِ السَّلام برای طلب عافیت و (توفیق) شکر نسبت به آن

با سند از امام رضا عَلَیهِ السَّلام روایت شده که فرمود: امام علی بن الحسین عَلَیهِماالسَّلام مردی را دید که دور کعبه طواف می کرد و می گفت: خداوندا از تو صبر می خواهم. علی بن الحسین عَلَیهِماالسَّلام بر دوش او زدند و فرمودند: (درحقیقت) تو (از خدا) بلا درخواست کردی، (به جای این دعا) بگو:

خداوندا همانا من از تو عافیت را می خواهم و (توفیق) سپاسگزاری بر عافیت را... (۲)

۲_ دعاهای امام عَلَیهِ السَّلام برای استخاره و طلب باران

دعای شانزدهم: دعای آن حضرت عَلَیهِ السَّلام در باره طلب باران پس از حمد و ثنای خداوند تعالی

خداوندا ای پروردگار من، تو حق ما اهل بیت را بزرگ داشتی، لذا (مردم) به ما متوسل شدند همان گونه که

۱- در نس___خه ای دیگر به جای کلمه «خَلقِه» که به ضمیر غایب اضافه ش___ده، واژه «خَلقِك» آمده که به ضمیر مخاطب اضافه شده است.

۲- این دعا قبلاً در صحیفه س___جّادیه، ص ۱۲۵، دعای ۶۲، به روایت از امام رضا عَلَیهِ السَّلام آمد؛ لطفاً به آنجا رجوع شود.

اَمَرْتَ، وَاَمَّلُوا فَضْلَکَ وَرَحْمَتَکَ، وَتَوَقَّعُوا اِحْسانَکَ وَنِعْمَتَکَ فَاسْقِهِمْ سَقْیا نافِعا عامّا غَیْرَ رائِثٍ(۵) وَلا ضائِرٍ(۶) وَلْیَکُنْ اِبْتِداءُ مَطَرِهِمْ بَعْدَ انْصِرافِهِمْ مِنْ مَشْهَدِهِمْ هذا اِلی مَنازِلِهِمْ وَمَقارِّهِمْ.(۷)

۱۷ـ لإستجلاب الغنی

عنه علیه السلام عن آبائه علیهم السلام قال: قال النبیّ صلی الله علیه و آله من قال فی کلّ یوم مائه مرّه:

«لا اِلهَ اِلاَّ اللّه ُالْمَلِکُ الْحَقُّ الْمُبینَ» استجلب به الغنی و استدفع به الفقر...

۱۸ـ لطلب الرزق الحلال

بالإسناد عن أحمد بن محمّد بن أبی نصر، قال: قلت للرضا علیه السلام : جُعلت فداک ادعُ اللّه عزّوجّل أن یرزقنی الحلال ؟ إلی أن قال: قال علیه السلام : قل: [اَللّهُمَّ] اَسْاَلُکَ مِنْ رِزْقِکَ الْواسِعِ.

تو امر فرمودی، و به فضل و رحمتت امید بستند و احسان و نعمتت را انتظار کشیدند.

پس آنـان را سیراب گردان، سـیراب کردنی سودمنـد و فراگیر و بـدون درنگ و تأخیر و بی ضـرر. (و از تو می خواهم که) شروع بارش بارانشان پس از برگشتن آنان از این مکان تجمعشان به خانه ها و اقامتگاه هایشان(۱) باشد.

دعای هفدهم: دعای آن حضرت عَلَیهِ السَّلام برای جلب کردن غنا و بی نیازی به سوی خویش

از امام رضا عَلَیهِ السَّلام و ایشان از پـدرانشان عَلَیهِم السَّلام نقل فرموده انـد که پیامبراکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمودند: هر که در هر روز صد بار بگوید:

لا إله إلا الله الملك الحق المبین (هیچ معبودی جز خداوند یگانه نیست که فرمانروای حق و ظاهر و روشنگر است)

به وسیله این ذکر، غنا و بی نیازی را (به سـوی خود) جلب کرده و فقر را به وسیله آن (از خود) دور می سازد.

دعای هجدهم: دعای آن حضرت علیه السلام برای طلب روزی حلال

با سـند صـحیح از احمـد بن محمد بن أبی نصـر روایت شده که به امام رضا علیه السـلام عرض کردم: قربانت گـردم خدای عزوجلّ را بخوان که مال حلال روزیم فرماید... تا آنجا که راوی میگوید: حضرت علیه السلام فرمودند: بگو:

[خداوندا] از رزق و روزی گسترده ات طلب می کنم.

ص: ۴۳

۱- در نسخه ای دیگر به جای کلمه «مَقارَّهم»واژه «مُستَقَرّهم» آمده که از لحاظ معنایی تفاوت خاصی با آن ندارد.

۳. أدعيته عليه السلام لطلب الفرج وكشف المهمّات ودفع الشّدائد

۱۹_لطلب دفع الشدائد

بِسْمِ اللّه ِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ

اَللّهُمَّ اِنَّ ذُنُوبی وَكَثْرَتَها قَدْ اَخْلَقَتْ وَجْهی عِنْدَكَ، وَحَجَبَتْنی عَنِ اسْتِئْهالِ رَحْمَتِكَ، وَباعَدَتْنی عَنِ اسْتیجابِ مَغْفِرَتِكَ، وَلَوْلا تَعَلُّقی بِالائِكَ وَتَمَسُّكی بِالدُّعاءِ وَماوَعَدْتَ اَمْثالی مِنَ الْمُسْرِفینَ وَاَمْثالی مِنَ الْخاطِئینَ، وَ وَعَدْتَ الْقانِطینَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِقَوْلِكَ:«یا عِبادِیَ الَّذینَ اَسْرَفُوا عَلی اَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطوُا مِنْ رَحْمَهِ اللّه ِ اِنَّ اللّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمیعا اِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحیمُ»(۸) وَحَذَّرْتَ الْقانِطینَ مِنْ رَحْمَتِكَ، فَقُلْتَ: «وَمَنْ یَقْنَطُ مِنْ رَحْمَهِ رَبِّه اِلاَّ الضّالُّونَ»(۹) ثُمَّ نَدَبْتَنا بِرَأْفَتِكَ اِلی دُعائِكَ، فَقُلْتَ: «اُدْعُونی اَسْتَجِبْ لَكُمْ اِنَّ الَّذینَ یَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبادَتی سَیَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرینَ»(۱۰) اِلهی لَقَدْ كانَ الْایاسُ عَلَیَّ مُشْتَمِلاً، وَالْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَتِكَ عَلَیَّ مُلْتَحِفا،

۳_ دعاهای حضرت علیه السلام برای درخواست گشایش و رفع مشکلات و دفع گرفتاریها

دعای نوزدهم: دعای آن حضرت علیه السلام برای دفع گرفتاری ها

به نام خداوند بخشاینده بسیار مهربان

بارخدایا به یقین گناهانم و فزونی آنها آبرویم را نزد تو از بین برده، و مرا از شایستگی نسبت به (دریافت) رحمتت منع نموده، و از استحقاق آمرزشت دور ساخته است. و (هرآینه من نا امید میش_دم) اگر تعلق و وابس_تگی ام به نعمت هایت و چنگ زدنم به دعا و نیایش (با تو) و وعده ای که به مسرفین (و از حد گذرندگان) و خطاکارانی همانند من و نومیدان از درگاه رحمتت نمی بود که به آنان فرمودی: (قُلْ یا عِبادِیَ الَّذِینَ أسْـرَفُوا عَلی أنْفُسِـهِمْ لا تَقْنَطُـوا مِنْ رَحْمَـهِ اللهِ إن اللَّهَ یغْفِرُ الـذنوبَ جَمِیعاً إنّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرحِیمُ)(۱) (ای بندگانم که (در گناه و خطا) بر علیه خودشان زیاده روی کردند، از رحمت خداوند مأیوس نشوید که مسلماً خداوند تمام گناهان را می آمرزد؛ چرا که به راس_تی او بسیار آمرزنده و مهربان است) و مأیوسان از رحمتت را هشدار داده و فرمودی: (قالَ وَ مَنْ یَقْنطُ مِنْ رَحْمَهِ رَبِّهِ إلّا الضالُّونَ)(۲) (و کیست که از رحمت پروردگارش مأیوس شود جز گمراهان) سپس با محبت و رأفت خویش ما را به س_وی نیایش با خودت فرا خوانده و فرمودی: (ادْعُونی أسْتَجِبْ لكُمْ إنّ الَّذِینَ یَسْـتَكْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِی سَـیَدْخُلُونَ جَهَّنَمَ داخِرِینَ) (۳) (مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم، قطعاً کسانی که نسبت به عبادتم تکبر می ورزند با خواری و سرافکندگی وارد جهنم خواهند شد)، معبود من (اگر این ها نمی بود) قطعاً یأس بر من چیره می شد و نومیدی از رحمتت مرا فرا می گرفت.

ص: ۴۵

۱- سوره زمر/ آیه ۵۳

۲- سوره حجر/ آیه ۵۶

۳- سوره غافر/ آیه ۶۰

اِلهی لَقَدْ وَعَدْتَ الْمُحْسِنَ ظَنَّهُ بِکَ ثَوابا، وَاَوْعَدْتَ الْمُسیءَ ظَنَّهُ بِکَ عِقابا، اَللّهُمَّ وَقَدْ اَمْسَکَ رَمَقی حُسْنُ الظَّنِّ بِکَ فی عِتْقِ رَقَبَتی مِنَ النّارِ وَتَغَمُّدِ زَلَّتی، وَ اِقالَهِ عَثْرَتی، اَللّهُمَّ قَوْلُکَ الْحَقُّ الَّذی لا خُلْفَ لَهُ وَلا تَبْدیلَ: (یَوْمَ نَدْعُو کُلَّ اُناسٍ بِاِمامِهِمْ)(۱۱)وَذلِکَ یَوْمُ النُّشُورِ، اِذا نُفِخَ فِی الصُّورِ، وَبُعْثِرَ ما فِی الْقُبُورِ.

اَللّهُمَّ فَاِنّی اُوفی، وَاَشْهَدُ وَاُقِرُّ، وَلا اُنْکِرُ وَلا اَجْحَدُ، وَاُسِرُّ وَاُعْلِنُ وَاُظْهِرُ وَاُبْطِنُ، بِاَ نَّکَ اَنْتَ اللّهُ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ، وَحْدَکَ لا شَریکَ لَکَ، وَاَنَّ مُحَمَّدا عَبْدُکَ وَرَسُولُکَ.

وَاَنَّ عَلِیّا اَمیرَالْمُؤْمِنینَ سَیِّدَ الاْوْصِیاءِ، وَوارِثَ عِلْمِ الاْنْبِیاءِ، عَلَمَ الدّینِ، وَمُبیرَالْمُشْرِکینَ، وَمُمَیِّزَ الْمُنافِقینَ، وَمُجاهِدَ الْمارِقینَ اِمامی وَحُجَّتی، وَعُرْوَتی وَصِراطی، وَدَلیلی وَمَحَجَّتی، وَمَنْ لا اَثِقُ بِاَعْمالی وَلَوْ زَکَتْ، وَلا اَراها مُنْجِیَهً لی وَلَوْ صَلُحَتْ اِلاّ بِوِلایَتِهِ وَالاْئْتِمامِ بِهِ وَالاْقْرارِ بِفَضائِلِهِ وَالْقَبُولِ مِنْ حَمَلَتِها، وَالتَّسْلیمِ لِرُواتِها، وَاُقِرُّ بِاَوْصِیائِهِ مِنْ اَبْنائِهِ، اَئِمَّهً وَحُجَجا، وَاَدِلَّهً وَسُرُجا

معبودا بدون شک تو به هر که نسبت به تو گمان نیکو دارد مژده پاداش دادی، و کسی را که نسبت به تو گمان بد دارد تهدید به مجازات نمودی. خداونـدا مسـلما رمق و جان ضـعیفم را فقط خوش گمانی نسبت به (رحمت) تو در آزاد نمودن گردنم از آتش، و پوشاندن لغزش و بخشش خطایم حفظ نموده است.

خداونـدا سـخن حقت که هیـچ خلاـف و تبـدیل و تغییری در آن راه نـدارد این است که: (یَوْمَ نـدْعُوا کُلَّ أناسٍ بِإمامِهِم) (۱) (روزی کـه هر گروهی از مردم را بـا پیشوایشـان فرا می خـوانیم) و آن (روز) روز زنـده کردن مردگـان است، هنگـامی که در صور دمیده شود (۲)و آن چه در درون قبرهاست زیر و رو شود(۳).

خداونـدا من حقیقتـاً (به پیمـانم) وفا می کنم و شـهادت می دهم و اقرار می کنم و (هرگز) انکار و نفی نمی کنم و در پنهان و آش_کـار و ظاهر و باطن می گویم (و معتقـدم) به این که یقیناً تو خودت خداونـدی که هیـچ معبودی جز تو نیست، یگانه ای که هیچ شریکی برایت نیست و (شهادت می دهم به) این که مسلماً محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و فرستاده توست،

و علی علیه السلام امیر مؤمنان، سـرور اوصـیاء و وارث علم انبیاء، پرچم (و نشانه برجسـته) دین، و نابودکننده مشـرکان، و جدا کننده منافقان، و جهاد کننده علیه خوارج و منحرفان، امام و پیشوا و حجت (الهی) بر من، و دسـتاویز (نجات) و راه (مستقیم) و راهنما و شاه راه روشن من است، و کسـی که به اعمالم _ هرچنـد پاکیزه باشد _ تکیه نمی کنم (و به آن ها مطمئن نیس_تم) و آن هـا را_ هرچنـد که صالـح باشـند _ نجـات بخش خـودم نمی بینم جز بـا ولاـیت او و اقتـدا به وجود مبـارکش، و اقرار و اعتراف نس_بت به فضـایلش و پـذیرفتن (این معـارف) از حاملان آن ها، و تسـلیم بودن در برابر راویان آن ها. و به اوصـیاء و جانشینانش که از فرزندان اویند به عنوان امامان و حجت های (الهی) اقرار می کنم که راهبران و چراغ های تابان (هدایت)

۱- سوره إسراء/ آیه ۷۱

۲- عبـارت «إذا نفِـخَ فی الصور» در متن عربی دعـا، یک عبارت قرآنی است که در آیات ۱۰۱ سوره مؤمنون و ۱۳ س_____وره حاقّه به کار رفته، و نیز این عبارت بدون کلمه «إذا» در آیات ۹۹ س_____وره کهف، ۵۱ سوره یس، ۶۸ سوره زمر و ۲۰ سوره ق وجود دارد.

۳- عبارت «بعثَرَ ما فی القُبور» از آیه ۹ سوره مبارکه عادیات اقتباس شده است.

وَاَعْلاما وَمَنارا وَسادَةً وَاَبْرارا، وَاُؤْمِنُ بِسِرِّهِمْ وَجَهْرِهِمْ، وَظاهِرِهِمْ وَباطِنِهِمْ، وَغائِبِهِمْ وَشاهِدِهِمْ، وَحَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ، لا شَکَّ فی ذلِکَ، وَلاَ ارْتِیابَ - عِنْدَ تَحَوُّلِکَ - وَلاَ انْقِلابَ.

اَللّهُمَّ فَادْعُنی یَوْمَ حَشْری وَنَشْری بِاِمامَتِهِمْ، وَاَنْقِذْنی بِهِمْ یا مَوْلایَ مِنْ حَرِّ النّیرانِ، وَ اِنْ لَمْ تَرْزُقْنی رَوْحَ الْجِنانِ، فَاِنَّکَ اِنْ اَعْتَقْتَنی مِنَ النّارِ کُنْتُ مِنَ الْفائِزینَ.

اَللّهُمَّ وَقَدْ اَصْبَحْتُ یَوْمی هذا لا ثِقَةَ لی، وَلا رَجاءَ وَلا لَجَاَ، وَلا مَفْزَعَ وَلا مَنْجا، غَیْرَ مَنْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ اِلَیْکَ، مُتَقَرِّبا اِلی رَسُولِکَ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ، وَالزَّهْراءِ سَیِّدَهِ نِساءِ الْعالَمینَ وَالْحَسَنِ، وَالْحُسَیْنِ، وَعَلِیٍّ، وَمُحَمَّدٍ، وَجَعْفَرٍ، وَمُوسی، وَعَلِیٍّ وَمُحَمَّدٍ، وَعَلِیٍّ، وَالْحَسَنِ، وَمَنْ بَعْدَهُمْ، تُقیمُ الْمَحَجَّهَ اِلَی الْحُجَّهِ الْمَسْتُورَهِ مِنْ وُلْدِهِ الْمَرْجُوِّ لِلاُمَّهِ مِنْ بَعْدِه.

اَللّهُمَّ فَاجْعَلْهُمْ فی هذَا الْیَوْمِ وَما بَعْدَهُ حِصْنی مِنَ الْمَکارِهِ وَمَعْقِلی مِنَ الْمَخاوِفِ، وَنَجِّنی بِهِمْ مِنْ کُلِّ عَدُوٍّ، وَطاغٍ وَباغٍ وَفاسِقٍ، وَمِنْ شَرِّ ما اَعْرِفُ وَما اُنْکِرُ، وَمَا اسْتَتَرَ عَنّی وَما اُبْصِرُ وَمِنْ شَرِّ

ص: ۴۸

و پرچمها و نشانه های برجسته دین و سروران و نیکانند و به پنهان و آشکارشان و ظاهر و باطنشان و غائب و حاضرشان و زنده و مرده شان ایمان دارم، (ایمانی که) هیچ شکی در آن نیست و هنگام انتقال دادنم توسط تو (به جهان آخرت) هیچ تردیدی در آن ایمان نیست و هیچ دگرگونی در آن راه ندارد.

بارالها پس مرا در روز زنده شدن و محشور شدنم با امامت آنان فرا بخوان و به برکت وجودشان ـ ای سرور و مولای من ـ مرا از حرارت آتش دوزخ نجات بده، هر چند که نعمت و رفاه بهشت را روزیم نگردانی، زیرا بدون شک (همین قدر که) مرا از آتش آزاد گردانی از پیروزمندان خواهم بود.

خداوندا امروز صبح کردم در حالی که هیچ مایه اطمینان و امید و پناه و پناه گاه و محل نجاتی ندارم جز آن کسانی که به واسطه (وجود مبارک) آنان به (درگاه) تو متوسل شدم، در حالی که به پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ، سپس علی امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهراء علیهاالسلام سرور زنان جهانیان، و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسنعلیهم السلام و آن (وجود مبارک) که پس از آنان است تقرب می جویم، (که تو خود) شاه راه روشن هدایت را به سوی حجت غایب از نظر که از فرزندان او و مایه امید امت پس از اوست برپا می داری.

خدایا (وجود مبارک) آنان را امروز و روزهای بعد دژ و جان پناه من از ناگواری ها و پناهگاهم از ترس ها بگردان، و به برکت آنان مرا از هر دشمن و طغیانگر و ستمگر و فاسقی نجات بده.

و (همچنین به برکت وجودشان مرا) از شر هر چه می شناسم و هر چه نمی شناسم، و هر چه از دیدگانم پنهان است و هر آن چه می بینم، و از شر هر جنبنده ای که تو ـ ای

كُلِّ دابَّهٍ، رَبِّ اَنْتَ اخِذٌ بِناصِيَتِها، اِنَّکَ عَلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ.

اَللّٰهُمَّ فَبِتَوَسُّلی بِهِمْ اِلَیْکَ، وَتَقَرُّبی بِمَحَبَّتِهِمْ، وَتَحَصُّنی بِاِمامَتِهِمْ، اِفْتَحْ عَلَیَّ فی هذَا الْیَوْمِ اَبْوابَ رِزْقِکَ، وَانْشُرْ عَلَیَّ رَحْمَتَکَ، وَ حَبِّبْنی اِلی خَلْقِکَ، وَجَنِّبْنی بُغْضَهُمْ وَعَداوَتَهُمْ، اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ.

اَللّٰهُمَّ وَلِکُلِّ مُتَوَسِّلٍ ثَوابٌ، وَلِکُلِّ ذی شَفاعَهٍ حَقٌّ، فَاَسْاَلُکَ بِمَنْ جَعَلْتَهُ اِلَیْکَ سَبَبی، وَقَدَّمْتُهُ اَمامَ طَلِبَتی، اَنْ تُعَرِّفَنی بَرَکَهَ یَوْمی هذا، وَشَهْری هذا، وَعامی هذا.

اَللّٰهُمَّ وَهُمْ مَفْزَعی، وَمَعُونَتی، فی شِدَّتی وَرَخائی، وَعافِیَتی وَبَلائی وَنَوْمی وَیَقْظَتی، وَظَعْنی وَ اِقامَتی، وَعُسْری وَیُسْری وَعَلانِیَتی وَسِرِّی، وَاِصْباحی وَ اِمْسائی، وَتَقَلُّبی وَمَثْوایَ، وَسِرّی وَجَهْری.

اَللّٰهُمَّ فَلا تُخَیِّبْنی بِهِمْ مِنْ نائِلِکَ، وَلا تَقْطَعْ رَجائی مِنْ رَحْمَتِکَ وَلا تُؤْیِسْنی مِنْ رَوْحِکَ، وَلا تَبْتَلِنی بِانْغِلاقِ اَبْوابِ الْاَرْزاقِ وَانْسِدادِ مَسالِکِها، وَارْتِتاجِ مَذاهِبِها، وَافْتَحْ لی مِنْ لَدُنْکَ

پروردگـار من ــ صـاحب اختیار اوئی (نجات بـده)، به راستی که تو بر راه مسـتقیمی.(۱) بارالهـا پس به برکت توسـلم به تو به واسـطه آنان، و تقرب جستنم به محبت شان و پناهندگی ام به امامت شان، درهای روزیت را امروز بر من باز کن، و رحمتت را بر من بگستران و مرا محبوب خلقت گردان، و از کینه و دشمنی شان مرا دور بدار که بی گمان تو بر هر چیزی بسیار توانایی.

خداوندا برای هر توسل کننده ای جزا و پاداشـی است، و هر صاحب شفاعتی حقی دارد، پس به یمن وجود کسانی که آنان را سبب و واسطه خودم به سوی تو گرداندم و آنان را پیشاپیش درخواستم قرار دادم، از تو می خواهم که خیر و برکت این روز و این ماه و این سالَم را به من یاد دهی (و راه هایش را بشناسانی)

خـدایا آنـان هم در سـختی و گرفتـاری و هم در آسـانی و آسـایشم پناهگاه و کمک مننـد و نیز در عافیت و بلایم، و خواب و بیداری ام، و در کوچ و اقامتم، و سـختی و آسانی ام، و آشـکار و پنهانم، و صبحگاهان و شامگاهانم، و در انتقال و سکونم (و باقی ماندنم)، و پنهان و آشکارم.

خدایا پس به یمن وجود مبارکش_ان مرا از عطا و بخششت نا امید مگردان، و امیدم را از رحمتت قطع مفرما، و مرا از رحمتت مأیوس نکن، و با بسـته شدن درهای رزق و روزی و مسدود شدن راه های کسب آن مرا آزمایش نکن، و از جانب خود فتح و گشایشی

ص: ۵۱

۱- متن عربی این عبارت با اندکی تغییر از آیه ۵۶ سوره مبارکه هود اقتباس شده است.

فَتْحا یَسیرا، وَاجْعَلْ لی مِنْ کُلِّ ضَنْکٍ مَخْرَجا، وَاِلی کُلِّ سَعَهٍ مَنْهَجا، اِنَّکَ اَرْحَمُ الرّاحِمینَ، وَصَلَّی اللّه عَلی مُحَمَّدٍ وَالِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ، امینَ رَبَّ الْعالَمینَ.

۲۰_لطلب الفرج ورفع الغمّ

بالإسناد عن الرضا علیه السلام قال: إ نّی اغتَمَمت فی بعض الاُمور فأتانی أبو جعفر علیه السلام فقال: یا بنیّ ادعُ اللّه، وأکثر من «یا رَؤُوفُ یا رَحیمُ»

۲۱_لطلب الفرج متوسّلًا بأسماء اللّه تعالی

بِسْمِ اللّه ِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ اللّه وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، خالِقُ الْخَلْقِ، وَقاسِمُ الرِّزْقِ، وَفالِقُ الْاْصْباحِ، وَجاعِلُ اللَّیْلِ سَکَنا، وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ حُسْبانا ذلِکَ تَقْدیرُ الْعَزیزِ الْعَلیمِ، لا اِلهَ اِلاّ هُوَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ

آس_ان نصـیبم گردان و از هر مضـیقه ای راه خروجی و به س_وی هر گشایش و وسـعتی راه روشنی برایم قرار ده، به راستی کـه تـو مهربـان تریـن مهربانـانی، و درود و رحمـت خداونـد بر محمـد و خانـدان پـاک و مطهرش، آمیـن (اسـتجابت کن) ای پروردگار جهان ها و جهانیان(۱)

دعای بیستم: دعای آن حضرت علیه السلام برای طلب گشایش و برطرف شدن غم و اندوه

با اسناد از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند:

در کاری دغدغه و ناراحتی داشـتم، پدر (بزرگوارم) أبوجعفر _ اِمام کاظم _ علیه السلام پیشم آمده و فرمودند: پس_ر عزیزم خدا را بخوان و ذکر «یا رؤوفُ یا رَحیمُ» (ای خدای با رأفت و ای بسیار مهربان) را زیاد بگو.

دعای بیست ویکم: دعای امام علیه السلام برای طلب گشایش با توسل به اسماء حسنای خداوند تعالی

به نام خداوند بخشنده بسیار مهربان

شهادت می دهم که هیـچ معبودی جز خداونـد نیست، که یکتاست و هیـچ شـریکی نـدارد، آفریننده خلایق و تقس_یم کننده روزی، و ش_کافنـده صبحگاه و کسـی است که ش_ب را مـایه آرامش و (گردش) خورش_یـد و مـاه را وس_یله محاسـبه زمان قرار داده اس_ت و این پدیـده، تقـدیر و انـدازه گیری خداونـد قدرتمند بسیارداناسـت(۲)، هیـچ معبـودی جز او نیست و شکست ناپذیر و

۱- واژه «العـالمین»جمع کلمـه «عـالم» و کلمـه اخیر بـه معنـای چیزی اسـت کـه بـه وسیله آن علم به وجـود چیزی حاصـل می ش_____ود و جهـان خلقت را از آن جهت «عالم» می نامنـد که بر وجود خالق متعال دلالت می کنـد. جمع بسـتن این کلمه یا به جهت آن است که بر اصـناف و انواع مختلف موجودات جهـان هستی دلالـت کنـد ماننـد عـالم جمـادات، عـالم نباتـات، عالم حیوانـات و ...، یـا برای اینکه عوالم مختلف وجود را در بر گیرد ماننـد: عـالم نـاسوت، عالم ملکوت، عالم جبروت و ...، و یا بر دوره های مختلف زمانی جهان خلقت دلالت کند. برخی از علمای لغت نیز به جهت اینکه جمع مذکر سالم به موجودات عاقل اختصـاص دارد «عـالمین» را به معنـای عـالم انسان ها و جهانیان در نظر می گیرنـد، چنان چه در برخی آیات قرآن نیز به همین معنی اس_____تفاده ش_____ده، ماننـد آیـه (إِنْ هُـوَ إِـَّلا ـ ذِکْرٌ لِلْعـاَلِمینَ). بـه همین جهت در ترجمه حاضـر کلمه «العـالمین» به « جهانها و جهانیان»ترجمه شد.

۲- عبـارت «فـالقُ الإصـباحِ و ... ذلـک تقـدیرُ العَزیزِ العلیم» در متن عربی دعـا، بـا یـک تغییر جزئی از آیه ۹۶ س_____وره انعام اقتباس شده است

وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَوَلِيُّهُ وَنَبِيُّهُ وَخَليلُهُ وَصَفِيُّهُ وَحَبيبُهُ، وَخالِصَتُهُ وَخاصَّتُهُ مِنْ خَلْقِه، وَاَمينُهُ عَلى وَحْيِه، اَرْسَلَهُ بِالْهُدى وَدينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلىَ الدّينِ كُلِّه وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، بَشيراوَنَذيرا وَداعِيا اِلَى اللّه بِاِذْنِه وَسِراجا مُنيرا، صَلَّى اللّه عَلَيْهِ وَعَلى اَهْلِ بَيْتِهِ الَّذينَ اَذْهَبَ اللّه عَنْهُمُ الرِّجْسَ، وَطَهَّرَهُمْ تَطْهيرا يا مُقَوِّىَ كُلِّ ذَليلٍ، وَمُعِزَّ الْمُؤْمِنينَ، وَمُذِلَّ الْجَبّارينَ قَدْ وَحَقِّكَ بَلَغَ مِنِّى الْمَجْهُودُ، فَفَرِّجْ عَنّى يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ، يا مُفَرِّجُ اَلْفَرَجِ(١٢) يا كَريمُ اَلْفَرَجِ، يا عَزيزُ اَلْفَرَجِ، يا جَبّارُ اَلْفَرَجِ، يا رَحْمنُ اَلْفَرَجِ، يا رَحيمُ اَلْفَرَجِ، يا جَليلُ اَلْفَرَجِ، يا جَميلُ اَلْفَرَجِ، يا كَفيلُ اَلْفَرَجِ، يا مُنيلُ اَلْفَرَجِ، يا مُقيلُ اَلْفَرَجِ، يا مُجيرُ اَلْفَرَجِ، يا خَبيرُ اَلْفَرَجِ، يا مُنيرُ اَلْفَرَجِ، يا مُبَلِّغُ اَلْفَرَجِ، يا مُديلُ اَلْفَرَجِ يا مُحيلُ اَلْفَرَجِ، يا كَبيرُ اَلْفَرَجِ، يا قَديرُ اَلْفَرَجِ، يا بَصيرُ اَلْفَرَجِ يا بَرُّ اَلْفَرَجِ، يا طُهْرُ اَلْفَرَجِ، يا طاهِرُ اَلْفَرَجِ،يا قاهِرُ اَلْفَرَجِ يا ظاهِرُ اَلْفَرَجِ،

باحکمت است(۱). و شهادت می دهم که به راستی محمد صل الله علیه وآله وسلّم بنده و فرستاده اوست، او که ولیّ خداوند، و پیامبرش و دوست صمیمی و برگزیده اوست، و محبوبش و برگزیده مقربش و بنده مخصوصش از بین تمام خلقش، و امین او بر وحیش، که او را با هدایت و دین حق به سوی بشر فرستاد تا او را بر هر دینی پیروز گرداند، هر چند که مشرکان کراهت داشته باشند(۲)، و بشارت دهنده و بیم دهنده، و دعوت کننده به سوی خداوند به اجازه او، و چراغی تابنده است(۳) که درود و رحمت خداوند بر او و اهل بیت گرامی اش باد، کسانی که خداوند پلیدی را از آنان دور کرده و آنان را به طور کامل (از هر نوع گناه و اشتباه) تطهیر نموده است.(۴)

ای تقویت کننده هر شخص خوار و ذلیلی، و ای عزت بخش مؤمنان و خوار کننده ستمگران زورگو، قسم به حق خودت که حقیقتاً سختی و مشقتم به نهایت رسیده (کارد به استخوانم رسیده است) پس مشقت و سختی را از من برطرف نما (و در امورم گشایش بده) ای مهربان ترین مهربانان. ای گشایش دهنده، (از تو) گشایش را (می طلبم)(۵)، ای بزرگوار گشایش (بده)؛ ای شکست ناپذیر گشایش (بده)؛ ای مسلط و قاهر (یا اصلاح کننده امور خلق) گشایش (بده) ای بخشاینده، گشایش (بده)؛ ای بسیار مهربان، گشایش (بده)؛ ای شکوهمند و عظیم، گشایش (بده)؛ ای زیبا و نیک کردار، گشایش (بده)؛ ای سرپرست و عهده دار امور خلق، گشایش؛ ای نائل کننده بندگان به نعماتت، گشایش؛ ای درگذرنده از لغزشها، گشایش؛ ای پناهدهنده، گشایش؛ ای خبردار و آگاه، گشایش؛ ای روشنگر و تابنده، گشایش؛ ای رساننده، گشایش؛ ای تغییر دهنده (یا یاری کننده و غلبه دهنده) گشایش؛ ای تبدیل کننده، گشایش؛ ای بزرگ، گشایش؛ ای بسیار توانا، گشایش؛ ای بسیار بینا، گشایش؛ ای نیکوکار، گشایش؛ ای پاکی و طهارت، گشایش؛ ای پاک و مطهر، گشایش؛ ای مسلط و چیره، گشایش؛ ای آشکار، گشایش؛

۱- عبارت «لا إله إلّا هو العزيزُ الحَكيم» در متن عربی دعا در پایان آیات ۶ و ۱۸ از سوره آل عمران آمده است

۲- عبارت «ارسَلَه بالهُدی ... و لو کَرِهَ المشرکون»با تغییر مختصری از آیات ۳۳ سوره توبه و آیه ۹ سوره صف، و با تغییر بیشتری از آیه ۲۸ سوره فتح اقتباس شده است.

۳- عبارت «بشیراً و نذیراً و داعیاً إلی الله بِإذنه وسراجاً منیراً» با تغییر کلمه اول، از آیه ۴۵ و ۴۶ سوره احزاب گرفته شده است.

۴- تعبیر «الّذین أذهَبَ اللهُ عنهم الرجسَ و طَهرهم تَطهیراً» اشاره دارد به آیه مبارکه تطهیر (آیه ۳۳ سوره احزاب)

۵- واژه «الفَرَج» به صورت منصوب در واقع مفعولبه برای فعلی محذوف است، و تقدیر عبارت این است که: «أسألك الفرجَ» یا «أطلُبُ مِنكَ الفَرَجَ» یا «أعطِنِی الفرَجَ» لذا در ترجمه حاضر در چند عبارت اول به صورت «گشایش را می طلبم» یا «گشایش بده» ترجمه شد، و سپس به تبع متن عربی فقط کلمه «گشایش» در ترجمه آمده و از ذکر فعل خودداری شده است.

يـا بـاطِنُ اَلْفَرَجِ، يـا ساتِرُ اَلْفَرَجِ، يا مُحيطُ اَلْفَرَجِ يا مُقْتَدِرُ اَلْفَرَجِ يا حَفيظُ اَلْفَرَجِ يا مُتَجَبِّرُ اَلْفَرَجِ يا قَريبُ اَلْفَرَجِ، يا وَدُودُ اَلْفَرَجِ، يا حَميدُ اَلْفَرَجِ، يا مَجيدُ اَلْفَرَجِ يا مُبْدِئُ اَلْفَرَجِ يا مُعيدُ اَلْفَرَجِ، يا شَهيدُ اَلْفَرَجِ، يا مُحْسِنُ اَلْفَرَجِ يا مُجْمِلُ اَلْفَرَجِ، يا مُنْعِمُ اَلْفَرَجِ، يا مُفْضِلُ اَلْفَرَجِ، يـا قـابِضُ اَلْفَرَجِ يـا باسِطُ اَلْفَرَجِ، يـا هادِىُ اَلْفَرَجِ، يا مُرْسِلُ اَلْفَرَجِ، يا دافِعُ اَلْفَرَجِ، يا رافِعُ اَلْفَرَجِ، يا باقى اَلْفَرَجِ، يا واقى اَلْفَرَجِ، يـا خَلاّقُ اَلْفَرَجِ، يـا وَهّابُ اَلْفَرَجِ، يـا تَوّابُ اَلْفَرَجِ، يـا فَتّاحُ اَلْفَرَجِ، يا نَفّاحُ اَلْفَرَجِ، يا مُرْتاحُ اَلْفَرَجِ، يا نَفّاعُ اَلْفَرَجِ، يا رَؤُوفُ اَلْفَرَجِ، يـا عَطُوفُ اَلْفَرَجِ، يا كافى اَلْفَرَجِ، يا شافى اَلْفَرَجِ، يا مُعافى اَلْفَرَجِ، يا مُكافى اَلْفَرَجِ، يا وَفِيُّ اَلْفَرَجِ،يا مُهَيْمِنُ اَلْفَرَجِ، يا سَلامُ اَلْفَرَجِ، يا مُتَكَبِّرُ اَلْفَرَجِ، يامُؤْمِنُ اَلْفَرَجِ، يا اَحَدُ اَلْفَرَجِ، يا صَمَدُ اَلْفَرَجِ، يا نُورُ اَلْفَرَجِ، يا مُدَبِّرُ اَلْفَرَجِ، يا فَرْدُ اَلْفَرَجِ، يا وَتْرُ اَلْفَرَجِ، يـا ناصِرُ اَلْفَرَجِ، يـا مُونِسُ اَلْفَرَجِ يـا باعِثُ اَلْفَرَجِ، يا وارِثُ اَلْفَرَجِ، يا عالِمُ اَلْفَرَجِ، يا حاكِمُ اَلْفَرَجِ يا بارِئُ اَلْفَرَجِ، يا مُتَعالِى اَلْفَرَجِ، يا مُصَوِّرُ اَلْفَرَجِ، يا مُجيبُ اَلْفَرَجِ، يا قائِمُ اَلْفَرَجِ، يا دائِمُ اَلْفَرَجِ، يا عَليمُ اَلْفَرَجِ، يا حَكيمُ اَلْفَرَجِ يا جَوادُ اَلْفَرَجِ،

ای پنهان، گشایش؛ ای پوشاننده، گشایش؛ ای احاطه دارنده، گشایش؛ ای قدرتمند، گشایش؛ ای حفظ کننده و نگهدار، گشایش؛ ای صاحب جبروت و عظمت، گشایش؛ ای نزدیک، گشایش؛ ای دوست دارنده و محبوب، گشایش؛ ای ستوده، گشایش؛ ای دارای مجد و شکوه، گشایش؛ ای آغازگر، گشایش؛ ای بازگرداننده، گشایش؛ ای گواه و شاهد، گشایش؛ ای نیکی کننده، گشایش؛ ای انجام دهنده زیبایی ها، گشایش؛ ای نعمت بخش، گشایش؛ ای تفضل کننده، گشایش؛ ای گیرنده و محدود کننده، گشایش؛ ای گسترش دهنده، گشایش؛ ای هدایتگر، گشایش؛ ای فرستنده، گشایش؛ ای برطرف کننده، گشایش؛ ای بالا برنده، گشایش؛ ای پایدار، گشایش؛ ای حفاظت کننده، گشایش؛ ای بسیار آفریننده، گشایش؛ ای بسیار بخشنده، گشایش؛ ای بسیار توبه پذیر، گشایش؛ ای بسیار گشاینده، گشایش؛ ای بسیار رحمتگر و عطا کننده، گشایش؛ ای راحتی بخش، گشایش؛ ای بسیار سود رسان، گشایش؛ ای بارأفت، گشایش؛ ای باعطوفت، گشایش؛ ای کفایت کننده، گشایش؛ ای شفا بخش، گشایش؛ ای عافیت بخش، گشایش؛ ای جزا و پاداش دهنده، گشایش؛ ای وفادار (به عهد و پیمان) گشایش؛ ای مسلط و چیره، گشایش؛ ای مایه آرامش، گشایش؛ ای دارای کبریاء و عظمت، گشایش؛ ای ایمنی بخش، گشایش؛ ای یگانه، گشایش؛ ای بی نیازی (که همه به او نیازمندند) گشایش؛ ای نور، گشایش؛ ای تدبیر کننده، گشایش؛ ای تنها، گشایش؛ ای یکتا، گشایش؛ ای یاور، گشایش؛ ای مونس، گشایش؛ ای برانگیزاننده گشایش؛ ای وارث جهان و جهانیان، گشایش؛ ای دانا، گشایش؛ ای حاکم و داور، گشایش؛ ای پدیدآورنده مبتکر، گشایش؛ ای والا مرتبه، گش_ایش؛ ای صورت بخش، گشایش؛ ای اجابت کننده، گشایش؛ ای استوار و برپا، گشایش؛ ای پایدار و برجا، گشایش؛ ای بسیار دانا، گشایش؛ ای خردمند، گشایش؛ ای سخاوتمند، گشایش؛

يـا بـارُّ اَلْفَرَجِ، يـا سَارُّ اَلْفَرَجِ، يا عَـدْلُ اَلْفَرَجِ يا فاضِلُ اَلْفَرَجِ، يا دَيّانُ اَلْفَرَجِ، يا حَنّانُ اَلْفَرَجِ، يا مَنّانُ اَلْفَرَجِ ياسَـميعُ اَلْفَرَجِ، يا خَفِيُّ اَلْفَرَجِ، يا مُعينُ اَلْفَرَجِ يا ناشِرُ اَلْفَرَجِ يا غافِرُ اَلْفَرَجِ، يا قَديمُ اَلْفَرَجِ، يا مُسَهِّلُ اَلْفَرَجِ، يا مُيَسِّرُ اَلْفَرَجِ يا مُميتُ اَلْفَرَجِ، يا مُحْيى اَلْفَرَجِ، يـا نـافِعُ اَلْفَرَجِ، يـا رازِقُ اَلْفَرَجِ يـا مُسَـبِّبُ اَلْفَرَجِ، يـا مُغيثُ اَلْفَرَجِ يا مُغْنى اَلْفَرَجِ يا مُقْنى اَلْفَرَجِ يا خالِقُ اَلْفَرَجِ، يا راصِـدُ اَلْفَرَجِ، يا حاضِـرُ اَلْفَرَجِ يا جابِرُ اَلْفَرَجِ يا حافِظُ اَلْفَرَجِ، يا شَديـدُ اَلْفَرَجِ، يا غِياثُ اَلْفَرَجِ، يا عائِـذُ اَلْفَرَجِ يا اَللّه ُاَلْفَرَجِ، يا عَظيمُ اَلْفَرَجِ، يا حَيُّ اَلْفَرَجِ، يـا قَيُّومُ اَلْفَرَجِ يـا عـالى اَلْفَرَجِ، يـا رَبُّ اَلْفَرَجِ، يا اَعْظَمُ اَلْفَرَجِ، يا اَعَزُّ اَلْفَرَجِ يا اَجَلُّ اَلْفَرَجِ، يا غَنىُّ اَلْفَرَجِ، يا اَكْبَرُ اَلْفَرَجِ، يا اَزَلِيُّ اَلْفَرَجِ يـا اَوَّلُ اَلْفَرَجِ، يـا اخِرُ اَلْفَرَجِ، يـا حَقُّ اَلْفَرَجِ، يا مُبينُ اَلْفَرَجِ يا يَقينُ اَلْفَرَجِ، يا مالِكُ اَلْفَرَجِ يا قُـدُّوسُ اَلْفَرَجِ يا مُتَقَـدِّسُ اَلْفَرَجِ، يـا واحِـدُ اَلْفَرَجِ، يـا اَحَـدُ اَلْفَرَجِ، يـا مُتَوَحِّدُ اَلْفَرَجِ، يـا مُمِـدُّ اَلْفَرَجِ يا قَهّارُ اَلْفَرَجِ، يا رَحيمُ اَلْفَرَجِ يا مُفَضِّلُ اَلْفَرَجِ يا مُتَرَحِّمُ اَلْفَرَجِ يا قاصِمُ اَلْفَرَجِ، يا مُكْرِمُ اَلْفَرَجِ يا مُعَلِّمُ اَلْفَرَجِ يا مُصْطَفى اَلْفَرَجِ يا مُزَكّى اَلْفَرَجِ يا وافى

ای احسـان کننـده، گشـایش؛ ای شـادی بخش، گشـایش؛ ای تجسم عـدل و داد، گشـایش؛ ای بـا فضـیلت، گشـایش؛ ای جزا دهنده، گشایش؛ ای بسیار مهر ورزنده، گشایش؛ ای بسیار نعمت دهنده، گشایش؛ ای بسیار شنوا، گشایش؛ ای پنهان (از دیده ها) گشایش؛ ای کمک کار، گشایش؛ ای گسترنـده، گشایش؛ ای آمرزنده گشایش؛ ای ازلی و بی آغاز، گشایش؛ ای آسان کننـده، گشـایش؛ ای هموار کننـده، گشایش؛ ای میراننـده، گشایش؛ ای زنـده کننـده، گشایش؛ ای سود بخش، گشایش؛ ای روزی رسـان، گشـایش؛ ای سـبب سـاز، گشـایش؛ ای فریـادرس، گشـایش؛ ای بی نیـاز کننــده، گشـایش؛ ای ثروت بخش، گشایش؛ ای آفریـدگار، گشایش؛ ای ناظر و رصـد کننـده، گشایش؛ ای حاضـر، گشایش؛ ای سامان بخش و اصـلاح کننـده، گشـایش؛ ای نگاهبـان، گشـایش؛ ای قـوی، گشـایش؛ ای پنـاه و دادرس، گشـایش؛ ای پنـاه دهنــده، گشـایش؛ ای خداونـد، گشـایش؛ ای بسـیار بزرگ، گشـایش؛ ای زنـده، گشایش؛ ای قیم و مـدبر امور خلایق، گشایش؛ ای بلنـد مرتبه، گشایش؛ ای پروردگـار (و صـاحب اختیـار) گشایش؛ ای عظیـم تر، گشـایش؛ ای عزیزتر (و شـکست ناپـذیرتر) گشـایش؛ ای بزرگـوارتر، گشـایش؛ ای بی نیـاز، گشـایش؛ ای بزرگتر (از آنچه به وصف درآیـد) گشـایش؛ ای ازلی (و بی آغـاز) گشایش؛ ای اول (و نخستین) گشـایش؛ ای آخر (و آخرین) گشـایش؛ ای وجود و کمـال حق، گشـایش؛ ای ظاهر و روشـنگر، گشایش؛ ای وجود یقینی، گشـایش؛ ای مالـک (و دارنـده) گشایش؛ ای بسـیار پاک و مقـدس، گشایش؛ ای منزه از هر عیب، گشایش؛ ای یکتا، گشـایش؛ ای بی همتـا، گشـایش؛ ای فرد و یگـانه، گشایش؛ ای امـداد رسان، گشایش؛ ای بسـیار قاهر و مسـلط، گشایش؛ ای بسـیار مهربـان، گشـایش؛ ای برتری دهنـده، گشایش؛ ای ترحم کننـده، گشایش؛ ای درهم شـکننده (سـتمگران) گشایش؛ ای گرامی دارنـده، گشایش؛ ای آموزش دهنـده، گشایش؛ ای اختیار کننده، گشایش؛ ای پاک کننده، گشایش؛ ای وفا کننده (و کامل کننده)

اَلْفَرَجَ یا کاشِفُ اَلْفَرَجَ یا مُصَرِّفُ اَلْفَرَجَ یا داعی اَلْفَرَجَ، یا مَرْجُوُّ اَلْفَرَجَ، یا مُتَجاوِزُ اَلْفَرَجَ یا فاتِحُ اَلْفَرَجَ یا مَلیکَ اَلْفَرَجَ، یا مُقَدِّرُ اَلْفَرَجَ، یا مُؤَلِّفُ اَلْفَرَجَ، یا مُمَهِّدُ اَلْفَرَجَ یا مُؤَیِّدُ اَلْفَرَجَ یا شاهِدُ اَلْفَرَجَ یا صادِقُ اَلْفَرَجَ یا مُصَدِّقُ اَلْفَرَجَ یا مُدْرِکُ اَلْفَرَجَ، یا سابِقُ اَلْفَرَجَ، یا عَوْنُ اَلْفَرَجَ یا لَطیفُ اَلْفَرَجَ یا رَقیبُ اَلْفَرَجَ، یا فاطِرُ اَلْفَرَجَ، یا مُغْنی اَلْفَرَجَ یا مُسَخِّرُ اَلْفَرَجَ یا مُمَجِّدُ اَلْفَرَجَ یا مَعبُودُ اَلْفَرَجَ یا مَدْعُوُّ اَلْفَرَجَ یا مَرْهُوبُ اَلْفَرَجَ یامُسْتَعانُ اَلْفَرَجَ یا مُلْتَجأُ اَلْفَرَجَ، یا کَهْفُ اَلْفَرَجَ، یا عُدَّهُ اَلْفَرَجَ یا ذَا الْجَلالِ وَالْاِکْرامِ

اَللّهُمَّ بِحَقِّ هذِهِ الْاَسْماءِ الْحُسْنی، وَالْکَلِماتِ الْعُلْیا، وَبِحَقِّ «بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ * قُلْ هُوَ اللّهُ اَحَدٌ * اللّهُ الصَّمَدُ * لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ * وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُوا اَحَدٌ»(۱) اَهْلِکْ عَدُوَّ مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ

اَللّهُمَّ اِنْ کانَ فُلانٌ عَدُوَّ اللّهِ وَعَدُوَّ رَسُولِ اللّهِ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ

گشایش؛ ای برطرف کننـده (غم و اندوه) گش_ایش؛ ای تغییر دهنده، گشایش؛ ای دعوت کننده، گش_ایش؛ ای مایه امید، گشـایش؛ ای گـذشت کننـده، گشـایش؛ ای گشاینـده، گشـایش؛ ای فرمانروای مقتـدر، گشایش؛ ای تقـدیر کننـده (و انـدازه گیرنـده) گشـایش؛ ای الفت بخش، گش_ایش؛ ای زمینه سـاز، گشایش؛ ای تقویت کننـده، گشایش؛ ای گواه، گشایش؛ ای راست گفتـار و کردار، گشـایش؛ ای تصـدیق کننـده، گشـایش؛ ای دریابنـده، گشایش؛ ای پیشـی گیرنـده، گشایش؛ای یاور، گشـایش؛ ای لطـف کننـده، گشـایش؛ ای نـاظر و مراقـب، گشـایش؛ ای شـکافنده (آسـمان و زمین) گشـایش؛ ای فنـا کننـده، گشایش؛ ای تسخیر کننده (و به خدمت گیرنده) گشایش؛ ای شکوه بخش، گشایش؛ ای ذات مورد پرستش، گشایش؛ ای فرا خوانـده شـده، گشایش؛ ای ذات پرهیبت، گشایش؛ ای مایه امید کمک جویان، گشایش؛ ای محل پناه، گشایش؛ ای پناهگاه، گشایش؛ ای ساز و برگ، گشایش؛ ای صاحب جلال و عظمت و ارجمندی.

بارالهـا به حق این بهترین نـام هـا و والاـترین کلمـات و بحق سوره اخلاـص (به نـام خداونـد بخش_اینـده بسـیار مهربـان، بگو موضوع این است که خداونـد یکتاست، خداوند بی نیاز است (و همه به او نیازمندند)، هرگز نزاده و زاییده نشده است، و هیچ کس همتای او نیست)(۱) دشمن محمد و آل محمد را نابود گردان،

خداون_دا اگر فلانی _ که دشمن خدا و رسول خدا (که درود و رحمت خدا بر او و خاندانش باد)

ص: ۶۱

۱- سوره توحید/ آیه ۱ تا ۴

وَالِه، وَاَهْلِ بَیْتِه وَذُرِّیَّتِه وَشیعَتِه - جَحَدَ حَقّا وَادَّعی باطِلاً فَاَنْزِلْ عَلَیْهِ حُسْبانا مِنَ السَّماءِ وَعَذاباعاجِلاً، امینَ، امینَ، امینَ رَبَّ الْعالَمینَ، وَامانَ الْخائِفینَ، اَدرِکْنا فی هذِهِ الْحاجَهِ، وَاَغِثْنا یا اِلهی بِحَقِّ مَلائِکَتِکَ الْمُقَرَّبینَ، وَاَنْبیائِکَ الْمُرْسَلینَ الْمُطَهَّرینَ، وَبِشَفاعَهِ نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّه ُعَلَیْهِ وَالِه.

اَللّهُمَّ اِنّی اَتَوَجَّهُ اِلَیْکَ بِنَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّه ُعَلَیْهِ وَالِه، یا اَبَا الْقاسِمِ یا رَسُولَ اللّه ِ، یا اِمامَ الرَّحْمَهِ، اِنَّا تَوَجَّهْنا بِکَ اِلَی اللّه، وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَاسْتَشْفَعْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یا وَجیها عِنْدَ اللّه ِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّه.

یا اَبَا الْحَسَنِ یا عَلیَّ بْنَ اَبی طالِبٍ، یا اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ یا حُجَّهَ اللّه ِ عَلی خَلْقِه، یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَاسْتَشْفَعْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا یا وَجیها عِنْدَ اللّه ِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّه.

یا فاطِمَهَ الزَّهْراءِ، یا بِنْتَ رَسُولِ اللّه ِ، یا سَیِّدَتَنا وَمَوْلاتَنا اِنّا تَوَجَّهْنا بِکِ اِلَی اللّه ِ، وَتَوَسَّلْنا بِکِ اِلَی اللّه ِ، وَاسْتَشْفَعْنا بِکِ اِلَی

و دشـمن اهـل بیت و ذریه و شـیعیانش است ـ حقی را انکـار نمود و بـاطلی را ادعـا کرد، بر او آتش و کیفری از آس_مان و عذابی شـتابان (و فوری) نازل کن، آمین (اجابت کـ_ن) آمین آمین، ای پروردگار جهان ها و جهانیان و مایه امنیت بیمناکان، ما را در این حاجت دریاب، و ای معبود من به فریادمان برس، به حق فرشـتگان مقرّب درگاهت و انبیای فرسـتاده شده و پاکت و به برکت شفاعت پیامبرت محمد (که درود و رحمت خدا بر او و خاندانش باد).

خداوندا همانا من به واسطه پیامبرت محمد (که درود و رحمت خدا بر او و خاندانش باد) به سوی تو رو می کنم،(۱)

ای اباالقاسم ای فرستاده خدا، ای پیشوای رحمت، به راستی ما به واسطه وجود مبارکت به خداوند روی آوردیم و به واسطه تو به درگاه خداونـد متوسل شـده و به درگاه خدا شـفاعت جس_تیم، و تو را پیشاپیش حاجاتمان قرار دادیم، ای آبرومند درگاه خدا، نزد خدا برای ما شفاعت کن.

ای ابـاالحسن، ای علی بن ابی طـالب، ای امیر مؤمنان، ای حجت خـدا بر خلقش، ای سـرور و مولای ما، به راستی ما به واسـطه وجود مبارکت به خداوند روی آوردیم و به واسـطه تو به درگاه خداوند توسل نموده و به درگاه خدا شـفاعت جستیم، و تو را پیشاپیش حاجاتمان قرار دادیم، ای آبرومند درگاه خدا، نزد خدا برای ما شفاعت کن.

ای فاطمه زهرا، ای دختر رسول خدا، ای سـرور و مولای ما به راستی ما به واسـطه وجود مبارکت به خداوند روی آوردیم و به واسطه تو به درگاه خداوند متوسل شده و به درگاه خدا شفاعت جستیم،

۱- از این قس___مت تـا پایـان توس___ل به ذیل عنایت حضـرت حجت علیه السـلام، این متن در حقیقت همان دعای توسـل معروف است.

اللّه ِ وَقَدَّمْناكِ بَيْنَ يَدَیْ حاجاتِنا، يا وَجيهَهً عِنْدَ اللّه ِ اشْفَعی لَنا عِنْدَ اللّه.

يـا اَبـامُحَمَّدٍ، يا حَسَنَ بْنَ عَلیٍّ، يَا بْنَ رَسُولِ اللّه ِ، يا حُجَّهَ اللّه ِ عَلی خَلْقِه، يا سَـيِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَتَوَسَّلْنا بِکَ اللّه ِ،وَقَـدَّمْناکَ بَيْنَ يَـدَیْ حاجاتِنا، يا وَجيهاًعِنْـدَ اللّه ِ اشْـفَعْ لَنا عِنْدَ اللّه ِ، يا اَبا عَبْدِ اللّه ِ، يا حُسَـيْنَ بْنَ عَلِیٍّ، يَا بْنَ رَسُولِ اللّه ِ، يا حُجَّهَ اللّه ِ عَلی خَلْقِه، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ،

وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَاسْتَشْفَعْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَقَدَّمْناکَ بَيْنَ يَدَیْ حاجاتِنا، يا وَجيهاً عِنْدَ اللّه ِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّه

يـا اَبَـا الْحَسَنِ، يـا عَلِیَّ بْنَ الْحُسَـيْنِ، يَا بْنَ رَسُولِ اللّه ِ، يا حُجَّهَ اللّه ِ عَلی خَلْقِهِ، يا سَـيِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ وَاسْتَشْفَعْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَقَدَّمْناکَ بَيْنَ يَدَیْ حاجاتِنا يا وَجيهاً عِنْدَ اللّه ِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّه ِ، يا اَبا جَعْفَرٍ، يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ، يَا بْنَ رَسُولِ اللّه ِ، يا حُجَّهَ اللّه ِ عَلی

و تو را پیشاپیش حاجاتمان قرار دادیم، ای آبرومند درگاه خدا، نزد خدا برای ما شفاعت کن.

ای ابامحمد، ای حسن بن علی، ای پسر رسول خدا، ای حجت خدا بر خلقش، ای سرور و مولای ما، به راستی ما به واسطه وجود مبارکت به خداوند روی آوردیم و به واسطه تو به درگاه خداوند توسل نموده و به درگاه خدا شفاعت جستیم، و تو را پیشاپیش حاجاتمان قرار دادیم، ای آبرومند درگاه خدا، نزد خدا برای ما شفاعت کن.

ای اباعبدالله، ای حسین بن علی، ای پسر رسول خدا، ای حجت خدا بر خلقش، ای سرور و مولای ما، به راستی ما به واسطه وجود مبارکت به خداوند روی آوردیم و به واسطه تو به درگاه خداوند متوسل شده و به درگاه خدا شفاعت جستیم، و تو را پیشاپیش حاجاتمان قرار دادیم، ای آبرومند درگاه خدا، نزد خدا برای ما شفاعت کن.

ای اباالحسن، ای علی بن الحسین، ای پسر رسول خدا، ای حجت خدا بر خلقش، ای سرور و مولای ما، به راستی ما به واسطه وجود مبارکت به خداوند روی آوردیم و به واسطه تو به درگاه خداوند توسل نموده و به درگاه خدا شفاعت جستیم، و تو را پیشاپیش حاجاتمان قرار دادیم، ای آبرومند درگاه خدا، نزد خدا برای ما شفاعت کن.

ای اباجعفر، ای محمد بن علی، ای پسر رسول خدا، ای حجت خدا

خَلْقِه، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا بِکَ اِلَى اللّه ِ، وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَى اللّه ِ، وَاسْتَشْفَعْنا بِکَ اِلَى اللّه ِ وَقَدَّمْناکَ بَيْنَ يَدَیْ حاجاتِنا، يا وَجيهاً عِنْدَ اللّه ِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّه ِ يا اَبا عَبْدِ اللّه ِ، يا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، يَا بْنَ رَسُولِ اللّه ِ، يا حُجَّةَ اللّه ِ عَلى خَلْقِه، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا بِکَ اِلَى اللّه ِ، وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَى اللّه ِ، وَاسْتَشْفَعْنا بِکَ اِلَى اللّه ِ، وَقَدَّمْناکَ بَيْنَ يَدَیْ حاجاتِنا يا وَجيهاً عِنْدَ اللّه ِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّه ِ، يا اَبا اِبْراهيمَ، يا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، يَا بْنَ رَسُولِ اللّه ِ، يا حُجَّةَ اللّه ِ عَلى خَلْقِه، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا بِکَ اِلَى اللّه ِ، وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَى اللّه ِ، وَاسْتَشْفَعْنا بِکَ اِلَى اللّه ِ وَقَدَّمْناکَ بَيْنَ يَدَیْ حاجاتِنا، يا وَجيهاً عِنْدَ اللّه ِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّه ِ

يا اَبَا الْحَسَنِ، يا عَلِیَّ بْنَ مُوسى، يَا بْنَ رَسُولِ اللّه ِ، يا حُجَّةَ اللّه ِ عَلى خَلْقِه، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانااِنّا تَوَجَّهْنا بِکَ اِلَى اللّه ِ، وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَى اللّه ِ، وَاسْتَشْفَعْنا بِکَ اِلَى اللّه ِ، وَقَدَّمْناکَ بَيْنَ يَدَیْ حاجاتِنا يا وَجيهاًعِنْدَ اللّه ِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّه ِ، يا اَبا جَعْفَرٍ، يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ، يَا بْنَ رَسُولِ اللّه ِ، يا حُجَّةَ اللّه ِ عَلى

بر خلقش، ای سرور و مولای ما، به راستی ما به واسطه وجود مبارکت به خداوند روی آوردیم و به واسطه تو به درگاه خداوند متوسل شده و به درگاه خدا شفاعت جستیم، و تو را پیشاپیش حاجاتمان قرار دادیم، ای آبرومند درگاه خدا، نزد خدا برای ما شفاعت کن.

ای اباعبدالله، ای جعفر بن محمد، ای پسر رسول خدا، ای حجت خدا بر خلقش، ای سرور و مولای ما، به راستی ما به واسطه وجود مبارکت به خداوند روی آوردیم و به واسطه تو به درگاه خداوند توسل نموده و به درگاه خدا شفاعت جستیم، و تو را پیشاپیش حاجاتمان قرار دادیم، ای آبرومند درگاه خدا، نزد خدا برای ما شفاعت کن.

ای اباابراهیم، ای موسی بن جعفر، ای پسر رسول خدا، ای حجت خدا بر خلقش، ای سرور و مولای ما، به راستی ما به واسطه وجود مبارکت به خداوند روی آوردیم و به واسطه تو به درگاه خداوند متوسل شده و به درگاه خدا شفاعت جستیم، و تو را پیشاپیش حاجاتمان قرار دادیم، ای آبرومند درگاه خدا، نزد خدا برای ما شفاعت کن.

ای اباالحسن، ای علی بن موسی، ای پسر رسول خدا، ای حجت خدا بر خلقش، ای سرور و مولای ما، به راستی ما به واسطه وجود مبارکت به خداوند روی آوردیم و به واسطه تو به درگاه خداوند توسل نموده و به درگاه خدا شفاعت جستیم، و تو را پیشاپیش حاجاتمان قرار دادیم، ای آبرومند درگاه خدا، نزد خدا برای ما شفاعت کن.

ای اباجعفر، ای محمد بن علی، ای پسر رسول خدا، ای حجت خدا بر خلقش، ای سرور

خَلْقِه، یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ وَاسْتَشْفَعْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یا وَجیهاً عِنْدَ اللّه ِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّه ِ. یا اَبَا الْحَسَنِ، یا عَلیَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، یَا بْنَ رَسُولِ اللّه ِ یا حُجَّهَ اللّه ِ عَلی خَلْقِه، یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَاسْتَشْفَعْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یا وَجیهاً عِنْدَ اللّه ِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّه ِ، یـا اَبـا مُحَمَّدٍ، یـا حَسَنَ بْنَ عَلِیٍّ، یَابْنَ رَسُولِ اللّه ِ، یـا حُجَّهَ اللّه ِ عَلی خَلْقِهِ، یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَاسْتَشْفَعْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یا وَجیهاً عِنْدَ اللّه ِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّه ِ یا وَصِیَّ الْحَسَنِ وَالْخَلَفَ الصّالِحَ، یَا بْنَ رَسُولِ اللّه ِ، یـا حُجَّهَ اللّه ِ عَلی خَلْقِه، یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَاسْتَشْفَعْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا یا وَجیهاً عِنْدَ اللّه ِ، اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّه ِ.

ص: ۶۸

و مولای ما، به راستی ما به واسطه وجود مبارکت به خداوند روی آوردیم و به واسطه تو به درگاه خداوند متوسل شده و به درگاه خدا شفاعت جستیم، و تو را پیشاپیش حاجاتمان قرار دادیم، ای آبرومند درگاه خدا، نزد خدا برای ما شفاعت کن.

ای ابا الحسن، ای علی بن محمد، ای پسر رسول خدا، ای حجت خدا بر خلقش، ای سرور و مولای ما، به راستی ما به واسطه وجود مبارکت به خداوند روی آوردیم و به واسطه تو به درگاه خداوند توسل نموده و به درگاه خدا شفاعت جستیم، و تو را پیشاپیش حاجاتمان قرار دادیم، ای آبرومند درگاه خدا، نزد خدا برای ما شفاعت کن.

ای ابا محمد، ای حسن بن علی، ای پسر رسول خدا، ای حجت خدا بر خلقش، ای سرور و مولای ما، به راستی ما به واسطه وجود مبارکت به خداوند روی آوردیم و به واسطه تو به درگاه خداوند متوسل شده و به درگاه خدا شفاعت جستیم، و تو را پیشاپیش حاجاتمان قرار دادیم، ای آبرومند درگاه خدا، نزد خدا برای ما شفاعت کن.

ای وصی حسن و جانشین شایسته، ای پسر رسول خدا، ای حجت خدا بر خلقش، ای سرور و مولای ما، به راستی ما به واسطه وجود مبارکت به خداوند روی آوردیم و به واسطه تو به درگاه خداوند توسل نموده و به درگاه خدا شفاعت جستیم، و تو را پیشاپیش حاجاتمان قرار دادیم، ای آبرومند درگاه خدا، نزد خدا برای ما شفاعت کن.

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَاكْشِفْ عَنّا كُلَّ هَمٍّ، وَفَرِّجْ عَنّا كُلَّ غَمٍّ، وَاقْضِ لَنا كُلَّ حاجَهٍ مِنْ حَوائِجِ الدُّنْيا وَالاْخِرَهِ

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَاَعِذْنا مِنْ شَرِّ جَميعِ ما خَلَقْتَ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَاَلْبِسْنا دِرْعَكَ الْحَصينَهَ، وَقِنا شَرَّ جَميعِ خَلْقِكَ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَاحْفَظْ غُرْبَتَنا، وَاسْتُرْ عَوْرَتَنا، وَامِنْ رَوْعَتَنا، وَاكْفِنا مَنْ بَغى عَلَيْنا، وَانْصُرْنا عَلى مَنْ ظَلَمَنا وَاَعِذْنا مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجيمِ، وَمِنْ جَوْرِ السُّلْطانِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذى شَرٍّ، اَللّهُمَّ اجْعَلْنا فى سِتْرِكَ، وَفى حِفْظِكَ، وَفى كَنَفِكَ، وَفى حِرْزِكَ، وَفى عِياذِكَ، وَفى عِزِّكَ، وَفى مَنْعِكَ، عَزَّ جارُكَ، وَجَلَّ ثَناؤُكَ، وَامْتَنَعَ عائِذُكَ، وَلا اِلهَ غَيْرُكَ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَىِّ الَّذى لا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُللّه ِ الَّذى لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِى الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبيرا، وَسُبْحانَ اللّه ِ بُكْرَهً وَاَصيلاً، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلاّ بِاللّه ِ الْعَلِىِّ الْعَظيمِ، وَصَلَّى اللّه ُعَلى مُحَمَّدٍ وَالِهِ اَجْمَعينَ.

خـداون_دا بر محمـد و آل محمد درود و رحمت فرس_ت، و هر دغدغ_ه و اندوهی را از ما برط_رف فرما، و هر غمی را از ما دور گردان، و هر حاجتی از حاجت های دنیا و آخرت را برای ما برآورده ساز.

خـدایا بر محمـد و آل محمـد درود و رحمت فرست، و ما را از شـر تمام آنچه آفریـده ای پناه ده، بارالها بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست، و زره مستحکمت را بر ما بپوشان، و ما را از ش_ر تمام خلقت محافظت بفرما. خداوندا بر محمد و آل محمـد درود و رحمت فرست، و حرمت مـا را در غربت پـاس بـدار، و نقص و عیبمـان را بپوشان و ترسـمان را ایمنی بخش، و امور ما را در برابر کسـی که به ما سـتم کرده کفایت کن، و ما را بر کسی که به ما ظلم نموده یاری فرما، و از شر شیطان رانده شده (از درگاهت) و جور و ستم سلطان و شر هر صاحب شری در امان بدار.

خـداون_دا مـا را در پوش_ش (آمرزش) و حفـظ و حمایتت، و در امان و پناه و عزت (و شـکست ناپـذیری) و دفاع محکمت قرار ده، (زیرا) کسـی که در جوار توست عزیز است، و مدح و ثنایت عظیم، و پناه برنده به تو (از شر دیگران) در امان است، و هیچ معبودی غیر از تو نیست.

بر (خـدای) زنده ای که (هرگز) نمی میرد توکل کرده ام(۱)، و س_پاس و س_تایش خداوندی را سـزاست که هیچ فرزندی اختیـار نکرده اسـت، و هیـچ شـریکی در فرمـانروایی برایش نیسـت، و ی_اوری از روی ذل_ت و نـاتوانی نـدارد، و او را قـویاً بزرگ و گرامی بـدار(۲)، و خداونـد را هر صـبحگاه و ش_امگـاه تسبیـح گوی (و از هر نقص و عیبی منزه بـدان) (۳). و هیچ توان و قدرتی نیس_ت مگر به واسطه خداوند بلند مرتبه بزرگ. و درود و رحمت خدا بر محمد و تمام خاندان گرامیش باد.

۱- عبارت «تَوَکَّلتُ علی الحیِّ الذی لا یموت»در متن دعا، از آیه ۵۸ سوره مبارکه فرقان اقتباس شده است.

۲- متن عربی عبارات اخیر از آیه پایانی سوره مبارکه إسراء گرفته شده است

۳- عبارت «سُبحانَ اللهِ بکرَهً و أصیلاً» در متن دعا، در حقیقت عمل کردن به دستوری است که در آیه ۴۲ سوره مبارکه احزاب به مؤمنین داده شده است

اَللّهُمَّ كُفَّ عَنْ عَبْدِكَ الضَّعيفِ «فُلانِ بْنِ فُلانٍ» شَرَّ «فُلانِ بْنِ فُلانٍ» وَذُبَّ عَنْهُ كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ وَغائِلَتَهُ وَبَطْشَهُ وَحيلَتَهُ وَغَمْزَهُ، وَطُمَّهُ بِالْعَذابِ طَمّا، وَقُمَّهُ بِالْبَلاءِ قَمّا، وَاَبِحْ حَريمَهُ، وَارْمِه بِيَوْمٍ لا مَعادَ لَهُ وَبِساعَةٍ لا مَرَدَّ لَها، اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ

اَللّهُمَّ بِحَقِّ الْاَئِمَّهِ الْمَعْصُومينَ، وَبِحَقِّ حُرْمَتِهِمْ لَدَيْكَ وَمَنْزِلَتِهِمْ عِنْدَكَ، اَهْلِكْهُ هَلاكا عاجِلاً غَيْرَ اجِلٍ، وَخُذْهُ اَخْذَ عَزيزٍ مُقْتَدِرٍ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ

اَللّهُمَّ بِحَقِّكَ الْعَظيمِ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَبِحَقِّ اَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ، وَبِحَقِّ هؤُلاءِ الْاَئِمَّهِ الْمَعْصُومينَ، وَبِحَقِّ عِبادِكَ الصّالِحينَ وَبِحَقِّ مَنْ ناداكَ، وَناجاكَ، وَدَعاكَ فِى الْبَرِّ وَالْبَحْرِ

صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمِّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَتَفَضَّلْ عَلى فُقَراءِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ بِالْغِنى وَالْبَرَكَهِ، وَعَلى مَرْضَى الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ بِالشِّفاءِ وَالْعافِيَهِ، وَعَلى مَوْتَى الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ بِالْمَغْفِرَهِ وَالرَّحْمَهِ، وَعلى غُرَباءِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ بِالرَّدِّ اِلى اَوْطانِهِمْ سالِمينَ غانِمينَ، وَعَلى والِدَيْنا وَاَزْواجِنا وَذُرِّيّاتِنا وَاَهْلِ

خداونـدا از بنـده ضـعیفت «فلانی فرزند فلانی» شـر «فلانی فرزند فلانی» را باز دار، و مکر و نیرنگ و بدکاری و شدت عمل و حیله و اهانت و عیب جویی اش را از او دور بدار، و آن (شخص شرور) را به شدت در گرداب عذاب غرق کن، و با بلایا او را (از صـحنه روزگار) جارو کن، و حریم خانه اش را (بر دیگران) مباح گردان، و به روز مصیبتی دچارش کن که هیچ بازگشتی ندارد، و به ساعت گرفتاری که هیچ برگشتی برایش نیست، به راستی که تو بر هرچیز بسیار توانایی.

خداوندا به حق پیشوایان معصوم و به پاس حرمتشان نزد خودت و منزلتشان در پیشگاهت او را به هلاکتی فوری و بدون تأخیر بینداز، و مؤاخذه و مجازاتش کن، مؤاخذه خدایی قاهر و قدرتمند(۱)، به رحمتت ای مهربانترین مهربانان.

خداونـدا به حق عظیمت، و به حق محمد و آل محمد و به حق پیامبران و فرسـتادگانت، و به حق این پیشوایان معصوم و به حق بندگان صالح و شایسته ات و به حق هرکه تو را صدا زد و (با تو) مناجات نمود و تو را در خشکی و دریا خواند،

بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست و فرجشان را زود برسان، و تفضل کرده و بر فقرای مردان و زنان باایمان توانگری و برکت و بر بیمـاران از زنـان و مردان مؤمن شـفا و عـافیت، و بر مردگان از مردان و زنان باایمان آمرزش و رحمت، و بر افراد غریب از مؤمنین و مؤمنات بازگردانـدن به وطنشان با سـلامتی و غنیمت (و دست پر)، و بر پدر و مادر و همسـران و فرزندان و عائله

ص: ۷۳

۱- عبارت «و خُذهُ أخذَ عَزیزٍ مُقتَدِرٍ» در متن دعا، از آیه ۴۲ سوره مبارکه قمر الهام گرفته است.

حُزانَتِنـا بِـالْعِتْقِ مِنَ النّـارِ وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّهِ، وَاجْعَلْ لَنا مِنْ اَمْرِنا فَرَجا وَمَخْرَجا، وَارْزُقْنا رِزْقا حَلالاً طَيِّبامِنْ حَيْثُ نَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لا نَحْتَسِبُ، وَاخْتِمْ لَنا بِخَيْرٍ، وَاَصْـلِحْ لَنا شَأْنَنا، وَاَعِنّا لِدينِنا وَدُنْيانا وَاقْضِ حَوائِجَنا كُلَّها مِنْ اُمُورِ الدُّنْيا وَالْاخِرَهِ مِمّا لَكَ فيهِ رِضىً وَلَنا فيهِ صَـلاحٌ، وَارْزُقْنـا حَـجَّ بَيْتِـكَ الْحَرامِ، وَزِيـارَهَ النَّبِيِّ وَالْاَئِمَّهِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ فى عامِنـا هـذا وَفى كُلِّ عامٍ، وَاجْعَلْنا فى طاعَتِكَ مُجِـدِّينَ، وَفى خِـدْمَتِكَ راغِبينَ، وَقِنـا بِفَضْـلِ رَحْمَتِـكَ عَـذابَ الْفَقْرِ وَالْقَبْرِ وَالنّارِ وَسَـكَراتِ الْمَوْتِ، وَاَهْوالَ يَوْمِ الْقِيامَهِ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

ثمّ يسْجد سَجده الشّكر، ويسأل حاجته، تقضى إ ن شاء اللّه تعالى.

۲۲_لطلب تفريج الغمّ والهمّ

قال عليه السلام : يصلّى ركعتين يقرأ فى كلّ واحده منهما الحمد مرّه وإنّا أنزلناه ثلاث عشره مرّه، فإذا فرغ سجد وقال:

اَللّهُمَّ يا فارِجَ الْهَمِّ وَكاشِفَ الْغَمِّ(۱۴) وَمُجيبَ دَعْوَهِ الْمُضْطَرِّينَ،

(و نـان خـورانم_ان) رهـایی از آتش و کامیـابی بـه بهش_ت را ارزانی دار، و گشـایش و راه چـاره ای (از مش_کلات) در کارمان قرار بـده، و روزی ح_لال و پاکیزه ای به ما روزی کن از جایی که گمان می بریم و از جایی که گمان نمی بریم. (۱) و عـاقبت کارمـان را ختم به خیر بفرمـا، و شؤون و کارهایمان را سـر و سامان بـده، و ما را در امور دین و دنیامان یاری کن، و تمام حاجاتمان در زمینه امور دین و آخرت را (البته) در آنچه خشنودی تو و صلاح ما در آن است برآورده کن، و به فریادمان برس و ما را دریاب.

و حـج خانه با حرمتت و زیارت پیامبر و ائمه (که سـلام تو بر آنان باد) را امسال و هر سال روزی (و نصـیب) ما گردان، و ما را از عذاب فقر و قبر و آتش و سکرات مرگ و ترس و هراس های روز قیامت محافظت کن ای مهربانترین مهربانان.

سپس سجده ش_کر به جای آورد و حاجتش را بخواهد، که ان شاء الله تعالی برآورده می شود.

دعای بیست ودوم: دعای آن حضرت علیه السلام برای درخواست برطرف کردن غم و اندوه

امام رضا علیه السـلام فرمودند: (هر که غم و اندوهی دارد) دو رکعت نماز به جا آورد، و در هر رکعت یک بار حمد و ۱۳ بار سوره قدر بخواند، و هنگامی که از نماز فارغ شد به سجده رفته و بگوید:

خـداون_دا ای گشاینده و زداین_ده (ابره_ای) حزن و اندوه(۲) و (ای) برطرف کنن_ده غ_م و (ای) اجـابت کنن_ده دعای انسان های مضطر و بیچ_اره

ص: ۷۵

۱- عبارات اخیر در متن دعا، از آیات ۲ و ۳ سوره مبارکه طلاق الهام گرفته است.

۲- در کتـاب "المس___تـدرک" به جـای واژه «الغَمَّ» در متن دعا، واژه «الضُرّ» آمـده اس___ت که به معنای «خس___ارت و گرفتاری» می باشد.

وَ رَحْمانَ الدُّنْيا، وَرَحيمَ الْاخِرَهِ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمِّدٍ، وَارْحَمْنى رَحْمَهً تُطْفِئُ بِها عَنّى غَضَبَکَ وَسَخَطَکَ، وَتُغْنِيَنى بِها عَمَّنْ(۱۵) سِواکَ.

ثُمَّ يَلصق خَدّهُ الاَيمنَ بِالاَرْض، ويقول: يا مُذِلَّ كُلِّ جَبّارٍ عَنيدٍ، وَيا مُعِزَّ كُلِّ ذَليلٍ(۱۶) قَدْ وَحَقِّکَ بَلَغَ الْمَجْهُودُ مِنّى فى اَمْرِ «كَذا»، فَفَرِّجْ عَنّى

ثمَّ يلصق خدّه الاَيسر بِالاَرْض ويقول: مثل ذلکَ، ثمّ يَعود اِلى سجوده [على جبهته] وَيقول مِثل ذلکَ، فإنّ اللّه سُبْحانه يفرّج غمّه، ويقضى حاجته.

۲۳_لطلب تفريج الغموم والهموم

اَللّهُمَّ اَنْتَ ثِقَتى فى كُلِّ كَرْبٍ، وَاَنْتَ رَجائى فى كُلِّ شِدَّهٍ، وَاَنْتَ لى فى كُلِّ اَمْرٍ نَزَلَ بى ثِقَهٌ وَعُدَّهٌ، كَمْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعُفُ عَنْهُ الْفُؤادُ وَتَقِلُّ فيهِ الْحيلَهُ، وَتَعْيى فيهِ الْامُورُ، وَيَخْذُلُ فيهِ الْبَعيدُ وَالْقَريبُ وَالصَّديقُ، وَيَشْمُتُ فيهِ الْعَدُوُّ، اَنْزَلْتُهُ بِکَ وَشَكَوْتُهُ اِلَيْکَ، راغِباًاِلَيْکَ فيهِ عَمَّنْ سِواکَ، فَفَرَّجْتَهُ وَكَشَفْتَهُ وَكَفَيْتَنيهِ، فَاَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَهٍ وَصاحِبُ كُلِّ حاجَهٍ، وَمُنْتَهى كُلِّ رَغْبَهٍ،

و (ای) بخشاینده (در) دنیا، و بس_یار مهرب_ان (در) آخرت، ب_ر محمد و آل محم_د درود و رحمت فرس_ت، و بر م_ن رح_م ک_ن رحمت_ی ک_ه به وسیله آن خشم و نارضایت_ی ات نس_بت به من را خاموش سازی، و م_را از غیر خودت بی نیاز کنی. (۱) سپس گونه راست خود را به زمین چسبانده و بگوید:

ای ذلیل کننده هر متکبر سرکشی، و ای عزیز کننده هر خوار و ذلیلی(۲)، قسم به حق خودت که حقیقتاً در مورد کار فلان سختی و مش_قتم به نهایت ش_دت رسیده (کارد به استخوانم رسیده)، پس گشایشت را نصیبم فرما.

سپس گونه چپ خویش را به زمین چسبانده و مانند همان عبارت را بگوید، آن گاه به حالت سجده روی پیشانی برشده و مانند آن عبارت را بگوید، که در این صورت خداوند سبحان غم و اندوه او را بزداید و حاجتش را برآورد.

دعای بیست وسوم: دعای آن حضرت علیه السلام برای طلب گشایش در غم ها و اندوه ها

خداوندا تو (تکیه گاه و مایه) اطمینان من در هر گرفتاری هستی، و تو (مایه) امید من در هر سختی می باشی، و تو در هر موضوعی که برایم پیش می آید (مایه) اطمینان و پشتوانه منی، چه بسا گرفتاری که دل در آن سست و لرزان می شود، وراه چاره در آن کم می شود (و بسته می شود) و کارها در آن به درماندگی میرسد و (اش_خاص) دور و نزدیک و دوست، (انسان را) در آن تنها می گذارند، و دشمن در آن شماتت می کند، و آن گرفتاری را به درگاه تو آوردم و آن را به تو شکایت نمودم، در حالی که از دیگران روی گردانده و فقط به سوی تو توجه نمودم، و تو آن گرفتاری را گشایش داده و برطرف کرده و مرا در آن کفایت نمودی.

چرا که تو صاحب اختیار هر نعمت و همراه (خلایق) در هر حاجت، و سرمنزل هر نیایش و گرایشی.

۱- در نسخه ای دیگر به جای «عَمَّن سِواک» عبارت «عَن رَحمَهِ مَن سِواک» آمده، به معنای «از رحمت و مهربانی فردی غیر خودت»

۲- در نس___خه دیگ___ر پس از عبارت«و مُعِ_زّ کلِّ ذَلیل» عبارت «و مُ_ذِ_ّل کلِّ عَزیزٍ» نیز آمده اس___ت، به معنای: «و خوارکننده هر عزیزی»

فَلَکَ الْحَمْدُ کَثیرا، وَلَکَ الْمَنُّ فاضِلاً، بِنِعْمَتِکَ تَتِمُّ الصّالِحاتُ، یا مَعْرُوفا بِالْمَعْرُوفِ مَعْرُوفٌ، وَیا مَنْ هُوَ بِالْمَعْرُوفِ مَوْصُوفٌ، اَنِلْنی مِنْ مَعْرُوفِکَ مَعْرُوفا تُغْنینی بِه عَنْ مَعْرُوفِ مَنْ سِواکَ، بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ.

۴.أدعیته علیه السلام لطلب قضاء الحوائج

۲۴_لقضاء الحوائج متوسّلاً بالمصحف، وبمحمد وآله علیهم السلام

بالإسناد عن الرضا علیه السلام قال: إذا حزبک(۱۷) امر شدید، فصلّ رکعتین تقرأ فی إحداهما: الفاتحه وآیه الکرسی، وفی الثانیه: الحمد و«اِنّا اَنْزَلْناهُ فی لَیْلَهِ الْقَدْرِ» ثمّ خذ المصحف وارفعه فوق رأسک، وقل:

اَللّهُمَّ بِحَقِّ مَنْ اَرْسَلْتَهُ اِلی خَلْقِکَ، وَبِحَقِّ کُلِّ ایَهٍ فیهِ، وَ بِحَقِّ کُلِّ مَنْ مَدَحْتَهُ فیهِ عَلَیْکَ، وَبِحَقِّکَ عَلَیْهِ، وَلا نَعْرِفُ اَحَدا اَعْرَفَ بِحَقِّکَ مِنْکَ. یا سَیِّدی یا اَللّه ُعشر مرّات، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ عشرا، بِحَقِّ عَلِیٍّ عشرا، بِحَقِّ فاطِمَهَ عشرا. بحقّ إمام بعد کلّ إمام بعده.

ص: ۷۸

پس سپاس و س_تایش بسیار فقط از آن تو، و نعمت بخش_ی فراوان شایسته توست. با نعمتت کارهای شایسته کامل می شود، ای (موجود) شناخته شده ای که با نیکی و احسان شناخته شده ای، و ای کسی که به نیکوکاری توصیف می شود، از احسانت عطا و بخششی نصیبم کن که به واس_طه آن از نیکی غیر تو بی نیازم س_ازی، ب_ه رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

۴_ دعاهای آن حضرت علیه السلام برای درخواست برآورده شدن حاجات

دعای بیست و چهارم: دعای امام علیه السلام برای برآورده شدن حوائج با توسل جستن به قرآن کریم

و محمد و آل گرامی اش علیهم السلام

با ذکر سند از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند: اگر به مشکل سختی برخورد کردی(۱)، دو رکعت نماز بگذار در رکعت اول سوره حمد و آیه الکرسی و در رکعت دوم سوره حمد و قدر را بخوان، سپس مصحف شریف را بگیر و بالای سرت قرار داده و بگو:

خداوندا به حق کسی که به سوی آفریدگانت فرستادی، و به حق هر آیه ای که در آن (قرآن) است، به حقی که هر کس که در آن مدحش نمودی بر تو دارد، و به حق تو بر او، و ما هیچ کس را نمی شناسیم که به حق تو از خودت داناتر باشد، ای سرورم، ای الله (ده مرتبه) به حق محمد (ده مرتبه) به حق علی (ده مرتبه) به حق فاطمه (ده مرتبه) و همین گونه به حق هر امامی بعد از هر امامی

۱- در نسخه ای دیگر به جای کلمه «حزَبکَ» واژه «حَزنکَ» آمده است به معنای: «تو را محزون کرد»

عشرا، حتّی تنتهی إلی إلإمام الحقّ الّذی هو إمام زمانک، فإنّک لا تقوم من مقامک حتّی یقضی اللّه حاجتک.

۲۵_لقضاء الحوائج

یا صاحِبی فی شِدَّتی، وَیا وَلِیّی فی نِعْمَتی، وَیا اِلهی وَاِلهَ اِبْراهیمَ وَاِسْحاقَ وَیَعْقُوبَ، یا رَبَّ کهیعص وَیس وَالْقُرْانِ الْحَکیمِ.

اَسْاَلُکَ یا اَحْسَنَ مَنْ سُئِلَ، وَیا خَیْرَ مُرْتَجی، اَسْاَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ.

۲۵_لقضاء الحوائج بعد الصیام والصلاه

رُوِیَ عن أبی الحسن الرضا علیه السلام أنّه قال: من کانت له حاجه قد ضاق بها ذرعا فلینزلها باللّه تعالی جلّ جلاله. إلی أن قال:

فلیصم یوم الأربعاء والخمیس والجمعه، ثمّ لیغسل رأسه بالخطمیّ یوم الجمعه و یلبس أنظف ثیابه و یتطیّب بأطیب طیبه، ثمّ یقدّم صدقه علی امرئ مسلم بما تیسّر من ماله، ثمّ لیبرز إلی آفاق السماء، ولا یحتجب ویستقبل القبله ویصلّی رکعتین:

یقرأ فی الاُولی فاتحه الکتاب و «قُلْ هُوَ اللّه ُاَحَدٌ» خمس عشره مرّه، ثمّ یرکع فیقرأها خمس عشره مرّه، ثمّ یرفع رأسه فیقرأها خمس

ده بـار خـدا را قسـم می دهی تـا به امام حق که امام زمانت است برسـی، اگر این عمل را انجام دهی از جایت برنخیزی مگر اینکه خداوند حاجتت را برآورده باشد.

دعای بیست و پنجم: دعای آن حضرت علیه السلام برای برآورده شدن حاجات

ای رفیق و همراه من در سختیم، و ای صاحب اختیـار من در نعمتم، و ای معبـود من و معبـود ابراهیم و اسحاق و یعقـوب(۱) علیهم السلام، ای پروردگار کهیعص(۲) و یس و قرآن حکیم (و استوار) (۳) ، از تو درخواست می کنم ای بهترین کسـی که مورد درخواست قرار گرفته و ای بهترین مایه امید، از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد صل الله علیه و آله وسلم درود و رحمت فرستی.

دعای بیست و ششم : دعای امام علیه السلام برای برآورده شدن حوائج بعد از روزه و نماز

از امـام ابی الحسـن الرضـا علیه السـلام روایت شـده که فرمود: هرکه حـاجتی دارد که طـاقتش در آن طـاق شـده آن را به درگاه خدای تعالی که نامش پرعظمت باد بیاورد ... تا آنکه فرمود:

پس روزهای چهارشـنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بگیرد، روز جمعه سر خود را با گل خطمی بشوید و تمیزترین لباسهایش را بپوشـد و بـا بهترین عطرش خـود را خـوشبـو نمایـد، سـپس بـه هر انـدازه کـه برایش ممکـن است از مـالش به مردی مسـلمان صـدقه دهـد، سپس به زیر آسـمان رود، و سرش را نپوشانـد و به سوی قبله رو نموده و دو رکعت نماز گزارد: در رکعت اول فاتحه الکتاب و ۱۵ بار «قل هو الله احد» را بخواند و سپس رکوع نموده و ۱۵ بار آن را بخواند، سپس سر خویش را از رکوع بلند کرده

ص: ۸۱

۱- عبارت «و إلهَ إبراهیم و إسحاق و یعقوب» از آیه ۱۳۳ بقره گرفته شده است.

۲- ایـن واژه یـکـی از حروف مقطعه قرآن کریم اسـت که به عنوان آیه اول در سـوره مبارکه مریم به کـار رفته است.

۳- عبارت «یس و القُرآنِ الحَکیمِ» در متن دعا، از آغاز سوره مبارکه یس گرفته شده است.

عشره مرّه، ثمّ يسجد فيقرأها خمس عشره مرّه، ثمّ يرفع رأسه فيقرأها خمس عشره مرّه، ثمّ يسجد ثانيه فيقرأها خمس عشره مرّه، ثمّ ينهض فيقول مثل ذلك فى الركعه الثانيه،فإذا جلس للتشهّد قرأها خمس عشره مرّه ثمّ يتشهّد ويسلّم ويقرأها خمس عشره مرّه، ثمّ يخرّ ساجدا ويقرأها خمس عشره مرّه، ثمّ يضع خدّه الأيمن على الأرض فيقرأها خمس عشره مرّه، ثمّ يضع خدّه الأيسر على الأرض فيقول مثل ذلك، ثمّ يخرّ ساجدا فيقول وهو ساجد يبكى:

يا جَوادُ يا ماجِدُ، يا واحِدُ يا اَحَدُ يا صَمَدُ، يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوا اَحَدٌ، يا مَنْ هُوَ هكَذا وَ لا هكَذا غَيْرُهُ

اَشْهَدُ اَنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ مِنْ لَدُنْ عَرْشِكَ اِلى قَرارِ اَرْضِكَ باطِلٌ اِلاّ وَجْهَكَ جَلَّ جَلالُكَ، يا مُعِزَّ كُلِّ ذَليلٍ، وَيا مُذِلَّ كُلِّ عَزيزٍ، تَعْلَمُ كُرْبَتى، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِهِ وَفَرِّجْ عَنّى.

ثمّ تقلب خدّك الأيمن وتقول ذلك ثلاثا، ثمّ تقلب خدّك الأيسر وتقول مثل ذلك.

٢٧_لقضاء الحوائج بروايه اُخرى تقول فى سجودك:

اَللّهُمَّ اِنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ مِنْ لَدُنْ عَرْشِكَ اِلى قَرارِ اَرْضِكَ فَهُوَ باطِلٌ مُضْمَحِلٌّ سِواكَ، فَاِنَّكَ اَنْتَ اللّهُ الْحَقُّ الْمُبينُ، اِقْضِ لى حاجَةَ كَذا وَكَذا السّاعَةَ السّاعَةَ، وتلحّ فيما أردت.

و ۱۵ بار آن را بخواند، آنگاه به سجده رفته و ۱۵ بار آن را بخواند، و سر از سجده برداشته و ۱۵ بار بخواند، و در سجده دوم نیز ۱۵ بار آن را بخوانـد، سپس برخیزد و رکعت دوم را مانند رکعت اول به جای آورد. و هنگامی که برای تشهد می نشیند قبل از تشهد ۱۵ بار آن را بخواند، آن گاه تشهد را خوانده و سلام دهد و باز ۱۵ بار آن را بخواند، سپس به سجده درافتد و ۱۵ بار آن را بخواند، سپس گونه راستش را بر زمین نهاده و ۱۵ بار آن را بخوانـد، آنگاه گونه چپش را به زمین نهاده و مانند آن را بگوید، سپس به سجده درافتد و در حال سجده و گریه بگوید:

ای س_خاوتمنـد، ای دارای مجـد و عظمت، ای یگانه، ای یکتا، ای بی نیاز(ی که همه به او نیازمندنـد)، ای کسی که نزاده و زاده نشده است و هیچ کس همتای او نیست،(۱) ای کسی که او چنین است و هیچ کس غیر از او این چنین نیست.

شهادت می دهم که هر معبودی از ساحت عرشت گرفته تا قرارگاه زمینت، باطل و بی اساس است مگر وجه (و ذات) کریمت عظمت و شکوهت پرعظمت باد. ای عزیز کننـده هر ذلیل و ای ذلیل کننـده هر عزیزی، تو رنـج و گرفتاریم را نیک می دانی، پس بر محمد و خاندانش درود و رحمت فرست و گشایش (مشکلم) را نصیبم فرما.

آن گاه گونه راستت را بر زمین گذاشته و سه بار این عبارت را می گویی، سپس گونه چپ خود را بر زمین نهاده و مانند آن را می گویی.

دعای بیست و هفتم: برای برآورده شدن حاجات (به روایتی دیگر)

(پس از اعمال) در سجده می گویی:

خداونـدا مسلماً هر معبودی از ساحت عرشت تا قرارگاه زمینت باطل و بی اساس و فنا شـدنی است غیر از ذات پاکت، چرا که تو خداوند حق و آشکار و روشنگری، فلان و فلان حاجت را برایم برآورده به خیر فرما، الآن الآن. و در خواسته ات اصرار و پافشاری می کنی.

۱- چن___د جمل___ه آخر در متن دعا، در حقیقت آیات س____وره مبارکه توحیـد اس____ت که حضـرت رضا علیه السلام در اینجا اقتباس فرموده اند.

۲۸_لقضاء الحوائج متوسّلاًبثناء اللّه تعالی

بِسْمِ اللّه ِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

اَللّهُمَّ جَدیرٌ مَنْ اَمَرْتَهُ بِالدُّعاءِ اَنْ یَدْعُوکَ وَمَنْ وَعَدْتَهُ بِالْاجابَهِ اَنْ یَرْجُوکَ، وَلِیَ اللّهُمَّ حاجَهٌ قَدْ عَجَزَتْ عَنْها حیلَتی، وَکَلَّتْ فیها طاقَتی، وَضَعُفَتْ عَنْ مَرامِها قُدْرَتی، وَسَوَّلَتْ لی نَفْسِیَ الْاَمّارَهُ بِالسُّوءِ، وَعَدُوِّیَ الْغَرُورُ الَّذی اَنَا مِنْهُ مُبْتَلیً: اَنْ اَرْغَبَ فیها اِلی ضَعیفٍ مِثْلی، وَمَنْ هُوَ فِی النُّکُولِ شَکْلی، حَتّی تَدارَکَتْنی رَحْمَتُکَ، وَبادَرَتْنِی بِالتَّوْفیقِ رَأْفَتُکَ، وَرَدَدْتَ عَلَیَّ عَقْلی بِتَطَوُّلِکَ

وَاَلْهَمْتَنی رُشْدی بِتَفَضُّلِکَ، وَاَحْیَیْتَ بِالرَّجاءِ لَکَ قَلْبی، وَاَزَلْتَ خُدْعَهَ عَدُوّی عَنْ لُبّی، وَصَحَّحْتَ بِالتَّأْمیلِ فِکْری، وَشَرَحْتَ بِالرَّجاءِ لِاِسْعافِکَ صَدْری وَصَوَّرْتَ لِیَ الْفَوْزَ بِبُلُوغِ ما رَجَوْتُهُ، وَالْوُصُولِ اِلی ما اَمَّلْتُهُ، فَوَقَفْتُ اللّهُمَّ رَبِّ بَیْنَ یَدَیْکَ سائِلاًلَکَ، ضارِعا اِلَیْکَ، واثِقا بِکَ

دعای بیست وهشتم: دعای آن حضرت علیه السلام برای برآورده شدن حاجات با توسل به ثنا و ستایش خداوند تعالی

به نام خداوند بخشاینده بسیار مهربان،

بارالها آن کس که او را امر به دعا فرمودی سزاوار است که تو را بخواند و آن کس که وعده اجابت به او دادی سزاوار است که به تو امید داشته باشد. خداوندا مرا حاجتی است که فکرم از پیداکردن راه چاره آن عاجز مانده و توان و طاقتم در آن به خستگی دچار شده و قدرتم از جستجوی راه حلش ضعیف شده است، و نفس امّاره ام که بسیار به بدی امر می کند(۱)، و دشمن فریبکارم (ابلیس) که به واسطه وجود او مورد آزمایش هستم این مطلب را برایم زیبا جلوه دادند که در این گرفتاری به فرد ضعیفی مانند خودم توجه و رجوع کنم، کسی که در ضعف نسبت به درمان آن همانند خودم است. تا این که رحمتت پی درپی مرا فرا گرفت، و رأفت و مهربانیت با نصیب کردن توفیق از (فکر و اندیشه) من پیش افتاد، و با بخشش و عطایت عقلم را به من بازگرداندی،

و با تفضل و احسانت راه هدایتم را به من الهام نمودی، و قلبم را با امید به خودت زنده کردی، و مکر و نیرنگ دشمنم (ابلیس) را از عقل و خردم زایل نمودی، و با امیدواری (به فضلت) فکرم را تصحیح کردی، و با امید نسـبت به مساعدتت سینه ام را گشاده گردانده و وسعت بخشیدی، و کامیابی را با رسیدن به آنچه امید داشتم و دست یابی به آن چه آرزو می کردم برایم ترسیم کردی، و در نتیجه (اکنون) من در پیشگاهت ایستاده ام درحالی که (نیازم) را از تو درخواست کرده و به سوی تو تضرع و ناله نموده و به (فضلت) اعتماد دارم،

ص: ۸۵

۱- متن عربی این عبارت به قسمتی از آیه ۵۳ سوره مبارکه یوسف اشاره دارد.

مُتَوَكِّلاً عَلَيْكَ فى قَضاءِ حاجَتى، وَتَحْقيقِ اُمْنِيَتى، وَتَصْديقِ رَغْبَتى فَاَنْجِحِ اللّهُمَّ حاجَتى بِاَيْمَنِ نَجاحٍ، وَاهْدِها سَبيلَ الْفَلاحِ، وَاَعِذْنى اللّهُمَّ بِكَرَمِكَ مِنَ الْخَيْبَهِ وَالْقُنُوطِ وَالْاَناهِ وَالتَّثْبيطِ بِهَنىءِ اِجابَتِكَ وَسابِغِ مَوْهِبَتِكَ، اِنَّكَ مَلِيٌّ وَلِيٌّ، وَعَلى عِبادِكَ بِالْمَنائِحِ الْجَزيلَهِ وَفِيٌّ وَاَنْتَ عَلى كُلِّ شَىْءٍ قَديرٌ، وَبِكُلِّ شَىْءٍ مُحيطٌ، وَبِعِبادِكَ خَبيرٌ بَصيرٌ.

۲۹_لقضاء الحوائج متوسّلًا بأسماء اللّه تعالى

اَللّهُمَّ اِنّى اَسْاَلُكَ بِالْعَيْنِ الَّتى لا تَنامُ، وَبِالْعِزِّ الَّذى لا يُرامُ وَبِالْمُلْكِ الَّذى لا يُضامُ، وَبِالنُّورِ الَّذى لا يُطْفى، وَبِالْوَجْهِ الَّذى لا يَبْلى، وَبِالْحَياهِ الَّتى لا تَمُوتُ، وَبِالصَّمَدِيَّهِ الَّتى لا تُقْهَرُ، وَبِالدَّيْمُومَهِ الَّتى لا تَفْنى وَبِالْاِسْمِ الَّذى لا يُرَدُّ، وَبِالرُّبُوبِيَّهِ الَّتى لا تُسْتَذَلُّ: اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تَفْعَلَ بى «كَذا وَكَذا»

وتذكر حاجتك تُقضى إن شاء اللّه تعالى.

ص: ۸۶

و در برآورده شدن حاجتم و انجام شدن خواسته و آرزویم و به حقیقت پیوستن میل و رغبتم بر تو توکل کرده ام.

پس خداوندا حاجتم را با مبارک ترین راه موفقیت (و برآورده شدن) برآورده ساز، و آن را به راه رستگاری (و دست یابی) هدایت فرما، و به خاطر کرم و بزرگواریت ـ ای خدا ـ با اجابت گوارایت و عطای فراگیرت مرا از یأس و نومیدی و تأخیر و سستی و تنبلی و ایستایی در امان بدار، (زیرا) به راستی تو بی نیاز (و مورد اطمینان) و صاحب اختیاری، و نسبت به بندگانت با بخشش های فراوان وفاداری، و تو بر هر چیزی بسیار توانایی و بر هر چیزی احاطه داری،(۱) و نسبت به بندگانت آگاه و بینایی. (۲)

دعای بیست ونهم: دعای امام علیه السلام برای برآورده شدن حاجات با توسل به اسماء خداوند تعالی

خداوندا همانا از تو درخواست می کنم به (حق) چشمی که (هرگز) نمی خوابد، و به عزتی که (غلبه بر آن) اراده نمی شود (و رسیدن به آن به ذهن کسی خطور نمی کند) و به سلطنت و فرمانروایی که مورد قهر و زورگویی (و کم شدن) قرار نمی گیرد، و به نوری که (هرگز) خاموش نمی شود، و به آن وجه (ذات) کریمی که (هرگز) کهنه و مندرس نمی شود، و به حیاتی که (هرگز) نمی میرد، و به سروری و سالاری ای که مقهور و مغلوب نمی شود، و به پایدار بودنی که (هرگز) فنا نمی شود، و به آن اسمی (و صفتی) که رد نمی شود، و به ربوبیّتی (و تدبیری) که خوار شمرده نمی شود، (به تمام این چیزهایی که گفته شد از تو درخواست می کنم) که بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرستی و در مورد من فلان و فلان لطف را انجام دهی.

و به جای (فلان و فلان) حاجت خود را بیان می داری، و إن شاء الله تعالی برآورده خواهد شد.

ص: ۸۷

۱- عبارت « بکلّ شيءٍ مُحیط» درمتن دعا، از پایان آیهٔ ۵۴ سورهٔ مبارکهٔ فصلت اخذ شده است.
۲- عبارت« و بعبادکَ خبیرٌبصیرٌ»با تغییر اندکی از آیات ۲۷ سوره شوری، ۳۱ فاطر،و ۳۰ و ۹۶ إسراء گرفته شده است.

۳۰_لقضاء الدين متوسلاً بأسماء اللّه تعالى

بالإسناد عن أبى جعفر عليه السلام قال: جاء رجل إلى الرضا عليه السلام فقال: يابن رسول اللّه إنّى ذو عيال وعلىَّ دين، وقد اشتدّت حالى، فعلّمنى دعاءً إذا دعوت اللّه عزّوجلّ به رزقنى اللّه، فقال: يا عبد اللّه، توضّأ واسبغ وضوءك، ثمّ صلّ ركعتين تتمّ الركوع والسجود فيهما، ثمّ قل:

يا ماجِدُ يا كَريمُ، يا واحِدُ يا كَريمُ، اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَهِ - يا مُحَمَّدُ يا رَسُولَ اللّه ِ، اِنّى اَتَوَجَّهُ بِكَ اِلَى اللّه ِ رَبِّكَ وَرَبِّ كُلِّ شَىْءٍ - اَنْ تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وَعَلى اَهْلِ بَيْتِه، وَاَسْاَلُكَ نَفْحَةً مِنْ نَفَحاتِكَ، وَفَتْحا يَسيرا، وَرِزْقا واسِعا، اَلُمُّ بِه شَعْثى، وَاَقْضى بِه دَيْنى، وَاَسْتَعينُ بِه عَلى عِيالى.

ص: ۸۸

دعای سی ام: دعای حضرت علیه السلام برای ادای دین با توسل به اسماء خداوند تعالی

با ذکر سند از ابوجعفر (امام جواد) علیه السلامروایت شده که فرمودند: مردی پیش امام رضا علیه السلام آمد و عرض کرد: ای پسر رسول خدا من عیال وارم و دین و قرضی بر گردن دارم و وضعیت معیشتم سخت شده است، پس دعایی به من تعلیم فرما که هنگامی که خداوند عزّوجلّ را با آن می خوانم خداوند مرا روزی دهد. حضرت فرمودند: ای بنده خدا، وضوی شادابی بگیر، سپس دو رکعت نماز گزار و رکوع و سجود آن را کامل و نیکو انجام بده، سپس بگو:

ای شکوهمند، ای بزرگوار و بخشنده، ای یگانه ای کریم و بزرگوار، به واسطه محمد پیامبرت که پیامبر رحمت است. ای محمد، ای فرستاده خدا، همانا من به واسطه وجود مبارك تو به سوی خداوند که پروردگارت و پروردگار هر چیزی است روی آورده ام، که تو (ای خدا) بر محمد و اهل بیت او درود و رحمت فرس_تی، و از تو نسیمی از نسیم های رحمتت را می خواهم و فتح و موفقیتی آس_ان و روزی گسترده ای از تو می خواهم که به وسیله آن پراکندگی ام را جمع کنم (و زندگی ام را سر و سامان دهم) و قرض خود را ادا نمایم و از آن روزی برای معیشت زن و فرزندم کمک بگیرم.

ص: ۸۹

((۳))

أدعيته عليه السلام فى الأوقات

۱.أدعيته عليه السلام فى أيّام الشهر

۳۱_فى كلّ يوم من شعبان

من قال فى كلّ يوم من شعبان سبعين مرّه: اَسْتَغْفِرُاللّهَ، وَاَسْاَلُهُ التَّوْبَهَ

كتب اللّه تعالى له براءه من النار وجوازا على الصراط وأحلّه دار القرار.

۳۲_فى آخر شهر شعبان

عن عبدالسلام بن صالح الهروى أ نّه قال: دخلت على أبى الحسن علىّ بن موسى الرضا عليه السلام فى آخر جمعه من شهر شعبان، فقال لى: يا أبا الصلت إنّ شعبان قد مضى أكثره، وهذا آخر جمعه منه، فتدارك فيما بقى منه تقصيرك فيما مضى منه إلى أن قال: وأكثر من أن تقول فيما بقى من هذا الشهر:

اَللّهُمَّ اِنْ لَمْ تَكُنْ قَدْ غَفَرْتَ لَنا فيما مَضى مِنْ شَعْبانَ،فَاغْفِرْ لَنا فيمابَقِىَ مِنْهُ. فإنّ اللّه تبارك وتعالى يعتق فى هذا الشهر رقاباً من النار لحرمه شهر رمضان.

ص: ۹۰

بخش سوم: دعاهای حضرت علیه السلام در اوقات و زمانها

۱- دعاهای حضرت علیه السلام در روزهای ماه

دعای سی ویکم: دعای امام علیه السلام در هر روز از ماه شعبان المعظّم

(از امام رضا علیه السلام روایت شده که:) هرکه در هر روز از ماه شعبان هفتاد بار بگوید: استغفِرُ اللهَ و اسأله التَّوبه (از خداوند آمرزش می خواهم و توبه را از او درخواست می کنم) خداونـد برائت (دور شـدن) از آتش و گذر کردن از صـراط را برایش می نویسد (و مقرر می دارد) و او را در خانه اقامت ابدی (بهشت) ساکن می گرداند.

دعای سی ودوم: دعای آن حضرت علیه السلام در آخر ماه شعبان المعظّم

از عبدالله بن صالح هروی (اباصـلت) روایت شده که: در آخرین جمعه ماه شـعبان بر امام ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السـلام وارد شدم، حضـرت به من فرمودند: ای اباصـلت، بخش اکثر ماه شعبان سپری شده، و این آخرین جمعه آن است، پس در این مقداری که از آن باقی مانده کوتاهی ات را در آنچه از آن سپری شده جبران کن ... تا این که فرمودند: و در باقیمانده این ماه این عبارات را زیاد بگو: خداونـدا اگر در آن مقـدار از شـعبان که سپری شـده ما را نیامرزیـده ای، پس در آنچه از آن بـاقی مانـده ما را بیامرز. زیرا به راستی خداونـد تبارک و تعالی به حرمت ماه مبارک رمضان در این ماه بنـدگان (زیادی) را از آتش دوزخ آزاد می سازد.

ص: ۹۱

۳۳_عند رؤیه هلال شهر رمضان

عنه علیه السلام فی حدیث قال: معاشر شیعتی إذا طلع هلال شهر رمضان فلا تشیروا إلیه بالاصابع، ولکن استقبلوا القبله، وارفعوا أیدیکم إلی السماء، وخاطبوا الهلال، وقولوا:(۴۹)

«رَبُّنا وَرَبُّکَ اللّه ُ رَبُّ الْعالَمینَ، اَللّهُمَّ اجْعَلْهُ عَلَیْنا هِلالاً مُبارَکا، وَوَفِّقْنا لِصِیامِ شَهْرِ رَمَضانَ، وَسَلِّمْنا فیهِ، وَتَسَلَّمْنا مِنْهُ فی یُسْرٍ وَعافِیَهٍ، وَاسْتَعْمِلْنا فیهِ بِطاعَتِکَ، اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ.

۳۴_عند الإفطار

عنه علیه السلام قال: من قال عند إفطاره:

«اَللّهُمَّ لَکَ صُمْنا بِتَوْفیقِکَ، وَعَلی رِزْقِکَ اَفْطَرْنا بِاَمْرِکَ، فَتَقَبَّلْهُ مِنّا وَاغْفِرْ لَنا، اِنَّکَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحیمُ» غفر اللّه ما دخل علی صومه من النقصان بذنوبه.

۳۵_عند خروجه إلی صلاه العید

«اَللّه ُ اَکْبَرُ، اَللّه ُ اَکْبَرُ، اَللّه ُ اَکْبَرُ عَلی ما هَدانَا،

ص: ۹۲

دعای سی وسوم: دعای امام علیه السلام هنگام دیدن هلال ماه رمضان

از امام رضا علیه السـلام در روایتی آمـده که فرمودنـد: ای جماعت شـیعیانم، هرگاه هلال ماه رمضان طلوع کرد با انگشـتان به سوی آن اشاره نکنید، بلکه به طرف قبله روکرده و دس_تانتان را به سوی آسـمان بلند کرده و هلال را مورد خطاب قرار داده و بگویید:(۱)

پروردگـار (و صاحب اختیار) ما و تو پروردگار (و صاحب اختیار) جهانها و جهانیان اس_ت، خداونـدا آن را هلال مبارکی بر مـا بگردان، و مـا را برای روزه مـاه رمضـان توفیق عنـایت فرمـا، و ما را در آن س_لامتی بخش، و ما را در حالت آس_ایش و عافیت از آن تحویل بگیر، و ما را در این ماه به اطاعت خودت بگمار، به یقین تو بر هر چیزی بسیار توانایی.

دعای سی وچهارم: دعای حضرت علیه السلام هنگام افطار

از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمودند: هر کس هنگام افطارش بگوید:

خداوندا با توفیق تو برایت روزه گرفتیم و با دستور تو با رزقت افطار کردیم، پس آن را از ما بپذیر و ما را بیامرز، به راستی که تو خودت بسیار آمرزنده و بسیار مهربانی

خداوند هر نقص و عیبی که به خاطر گناهانش بر روزه او وارد شده را می آمرزد.

دعای سی وپنجم: نیایش امام علیه السلام هنگام بیرون رفتن برای نماز عید

خدا بزرگتر است (از این که به وصف درآید)،

۱- از امـام رضا علیه السـلام و ایش___ان از پـدران بزرگوارش علیهم السـلام روایت فرموده انـد که: رس___ول خـدا صل الله علیه و آل وسـلم هرگاه هلال ماه را می دیدند می فرمودند: أَیُّها الخَلقُ المطیعُ الدّائِبُ السّ‍ریعُ، المُتُصَ‍رِّفُ فی مَلَکوتِ الجَبَروتِ بالتَقدِیر(ای آفریده فرمان بردار حرکت کننده شتابان که در ملکوت عالم جبروت با تقدیر و اندازه گیری تصرف می نمایی).

اَللّه ُاَ کْبَرُ عَلی ما رَزَقَنا مِنْ بَهیمَهِ الْاَنْعام، وَالْحَمْدُللّهِ عَلی ما اَبْلانا، فقالها ثلاث مرّات.

۳۶ـفی یوم عرفه

اَللّهُمَّ کَما سَتَرْتَ عَلَیَّ ما لَمْ اَعْلَمْ، فَاغْفِرْ لی ما تَعْلَمُ، وَکَما وَسِعَنی عِلْمُکَ، فَلْیَسَعْنی عَفْوُکَ، وَکَما بَدَأْتَنی بِالْاِحْسانِ، فَاَتِمَّ نِعْمَتَکَ بِالْغُفْرانِ، وَکَما اَکْرَمْتَنی بِمَعْرِفَتِکَ فَاشْفَعْها بِمَغْفِرَتِکَ، وَکَما عَرَّفْتَنی وَحْدانِیَّتَکَ فَاَکْرِمْنی بِطاعَتِکَ، وَکَما عَصَمْتَنی ما لَمْ اَ کُنْ اَعْتَصِمُ مِنْهُ اِلاّ بِعِصْمَتِکَ، فَاغْفِرْ لی ما لَوْ شِئْتَ عَصَمْتَنی مِنْهُ، یا جَوادُ یا کَریمُ، یا ذَا الْجَلالِ وَ الْاِکْرامِ

ص: ۹۴

خدا بزرگ تر است، خدا بزرگ تر است (و او را سپاس) به خاطر اینکه ما را هدایت کرد(۱)، خدا بزرگتر اس_ت (و او را س_پاس) بر آن چه از چهارپایان به ما روزی نموده است(۲)، و سپاس و ستایش مخصوص خداوند است به خاطر آنکه ما را آزمود.

حضرت علیه السلام این ذکر را سه مرتبه تکرار فرمودند.

دعای سی وششم: دعای امام علیه السلام در روز عرفه

خداوندا همان گونه که آن چ_ه (از گناهان) را که نمی دانم بر من پوشاندی، آن چه (از گناهان) را که می دانم (نیز) برایم بیامرز، و همان گونه که علم و دانایی ات مرا (و احوالم را) در برگرفته است(شایس_ته است که) عفو و بخشش مرا فرا گیرد، و همچنان که احسان و نیکی کردن نسبت به من را آغاز نمودی نعمتت را با آمرزش (گناهانم بر من) تمام کن، و همان گونه که با معرفت و شناختت مرا گرامی داشتی آن معرفت را با مغفرت و آمرزشت قرین گردان، و همچنان که یگانگی ات را به من شناساندی مرا با (توفیق) طاعتت گرامی بدار، و همان گونه مرا حفظ کردی از آن چه خود توانایی حفظ خودم را از آن نداش_تم مگر به واس_طه حفظ و نگهداریت، پس برایم بیامرز آن گناهی را که اگر اراده می کردی مرا از آن حفظ می نمودی، ای بخش_نده ای بزرگوار، ای صاحب جلال و عظمت و ارجمندی.

۱- عبارت «اللهُ أکبَرُ علی ما هَدانا»در متن دعا، برای عمل به خواسته ای است که در آیات ۱۸۵ سوره بقره و آیه ۳۷ سوره حج آمده است، که آیه اول درباره روزه و عید فطر، و آیه دوم درباره حج و عید قربان است.

۲- عبارت«اللهُ أکبرُ علی ما رَزَقنا من بَهیمَهِ الأنعام»اشاره دارد به آیات ۲۸ و۴۳ سوره مبارکه حج.

((۴))

أدعيته عليه السلام عند مواقيت الأُمور

۳۷_فی قنوت الوتر

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، اَللّهُمَّ اهْدِنا فیمَنْ هَدَیْتَ وَعافِنا فیمَنْ عافَیْتَ، وَتَوَلَّنا فیمَنْ تَوَلَّیْتَ، وَبارِکْ لَنا فیما اَعْطَیْتَ وَقِنا شَرَّ ما قَضَیْتَ، فَاِنَّکَ تَقْضی وَلا یُقْضی عَلَیْکَ، اِنَّهُ لا یُذَلُّ مَنْ والَیْتَ، وَلا یُعَزُّ مَنْ عادَیْتَ، تَبارَکْتَ رَبَّنا وَتَعالَیْتَ

ثمّ یقول: اَسْتَغْفِرُ اللّهَ وَاَسْاَلُهُ التَّوْبَهَ سبعین مرّه.

۳۸_قبل إستفتاح الصلوه

اَللّهُمَّ رَبَّ هذِهِ الدَّعْوَهِ التّامَّهِ، وَالصَّلاهِ الْقائِمَهِ، بَلِّغْ مُحَمَّدا - صَلَّی اللّه عَلَیْهِ وَالِه - الدَّرَجَهَ وَالْوَسیلَهَ، وَالْفَضْلَ وَالْفَضیلَهَ، وَبِاللّه اَسْتَفْتِحُ وَبِاللّه اَسْتَنْجِحُ، وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللّه وَالِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّه عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ اَتَوَجَّهُ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ

ص: ۹۶

بخش چهارم: دعاهای حضرت علیه السلام در اوقات مخصوص

دعای سی وهفتم: دعای حضرت علیه السلام در قنوت وتر

خداوندا بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست، خداوندا ما را در زمره کسانی که هدایت کردی هدایت فرما و در زمره کسانی که عافیت بخشیدی عافیت ده، و ما را در زمره کسانی که سرپرستی نمودی سرپرستی فرما، و در آن چه بخشیدی به ما برکت ده، و ما را از شر قضا و قدرت محفوظ بدار، زیرا بی گمان تو حکم و قضا می کنی و کسی را یارای حکم و قضا بر تو نیست، مسلماً کسی را که تو سرپرستی و یاری کنی خوار و ذلیل نمی شود، و کسی را که تو دشمن داری عزیز نمی شود. ای پروردگار (و صاحب اختیار) ما وجودت مبارك و پربرکت است و بلند مرتبه و والایی.

سپس هفتاد بار می گوید: استغفرُ اللهَ و أسأله التَّوبه (از خدا آمرزش می خواهم و از او درخواست توبه دارم)

دعای سی وهشتم: دعای امام علیه السلام قبل از آغاز نماز

خداوندا ای پروردگار (و صاحب اختیار) این دعوت کامل، و نماز برپا داشته شده، محمد را _ که درود و رحمت خداوند بر او و خاندانش باد _ به درجه و منزلت والا و مقام شفاعت و برتری و فضیلت برسان.

و به یاری خدا آغاز می کنم و به یاری خدا موفقیت را خواهانم، و به واسطه محمد رسول خدا و خاندان پاکش _ که درود و رحمت خداوند بر او و آنان باد_ (به خداوند) روی می آورم (و توسل می جویم). بارالها بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست

فَاجْعَلْنی بِهِمْ عِنْدَکَ وَجیها فِی الدُّنْیا وَالْاخِرَهِ، وَمِنَ الْمُقَرَّبینَ.

أدعیته علیه السلام فی تعقیب الفرائض

عقیب الفرائض بعد التسلیم علی رسول اللّه صلی الله علیه و آله

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللّه ِوَرَحْمَهُ اللّه ِوَبَرَکاتُهُ.... إلی أن قال:

فَجَزاکَ اللّه ُیا رَسُولَ اللّه ِاَفْضَلَ ما جَزی نَبِیّا عَنْ اُمَّتِه

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، اَفْضَلَ ما صَلَّیْتَ عَلی اِبْراهیمَ وَالِ اِبْراهیمَ، اِنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ.

فی عقیب بعد الفرائض لطلب الرزق

یا مَنْ یَمْلِکُ حَوائِجَ السّائِلینَ،

وَیَعْلَمُ ضَمیرَ الصّامِتینَ، لِکُلِّ مَسْاَلَهٍ مِنْکَ سَمْعٌ حاضِرٌ وَجَوابٌ عَتیدٌ، وَ لِکُلِّ صامِتٍ مِنْکَ عِلْمٌ باطِنٌ مُحیطٌ. اَسْاَ لُکَ بِمَواعیدِکَ الصّادِقَهِ، وَاَیادیکَ الْفاضِلَهِ، وَرَحْمَتِکَ الْواسِعَهِ وَسُلْطانِکَ الْقاهِرِ، وَمُلْکِکَ الدّائِمِ، وَکَلِماتِکَ التّامّاتِ

و به واسطه (وجـود مبارک) آنان مرا در دنیا و آخرت نزد خودت آبرومند و از مقربان درگاهت بگردان (۱)

۳- دعاهای حضرت علیه السلام در تعقیب نمازهای واجب

دعای سی ونهم: دعای حضرت علیه السلام پس از نمازهای واجب و پس از سلام بر رسول خدا صل الله علیه وآله وسلم

سلام بر تو ای رسول خدا و رحمت خداوند و برکاتش بر تو باد ... تا اینکه فرمود:

پس ای رسـول خـدا، خداونـد تو را پاداش دهـد بهترین پاداشـی را که به پیامبری به نیابت از امتش (و به جهت زحماتی که برایشان کشیده) داد.

خداونـدا بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست به بهترین وجهی که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود و رحمت فرسـتادی به راستی که تو ستوده و شکوهمندی. (۲)

دعای چهلم: دعای امام علیه السلام بعد از نمازهای واجب برای طلب روزی

ای کسـی که مالـک (و اختیـاردار) حاجـات درخـواسـت کننـدگان است، و بـاطن و درون خـاموش ان را می دانـد (و از حاجاتشـان با خبر است)، برای هر طلب و درخواستی از سوی تو گوشـی حاضـر (و شـنوا) و جوابی آماده و مهیا وجود دارد. و برای هر فرد ساکتی از سوی تو علمی درونی و فراگیر است.

به حق وعـده هـای راسـت و صادقـانه ات، و نعمت های فراوان و رحمت گسترده ات، و قـدرت مسـلط و چیره و فرمانروایی پایدارت، و آیات و نشانه های کاملت

۱- عبارت «فَاجعَلنِی بهِم وَجیهاً فی الـدنیا و الآخره و مَنَ المقَرّبین» در متن دعا، از آیه ۴۵ سوره مبارکه آل عمران الهام گرفته است.

۲- عبارت «إنک حَمیدٌ مَجید» با کمی تغییر از پایان آیه ۷۳ سوره مبارکه هود اقتباس شده است.

يامَنْ لا تَنْفَعُهُ طاعَهُ الْمُطيعينَ، وَلا تَضُرُّهُ مَعْصِيَهُ الْعاصينَ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنى، وَاَعْطِنى فيما تَرْزُقُنِى الْعافِيَهَ مِنْ فَضْلِكَ، بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

۴۱_فی عقیب صلاه الفجر

عنه علیه السلام قال: من قال بعد صلاه الفجر:

«بِسْمِ اللّه ِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ، لا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلاّ بِاللّه ِ الْعَلِیِّ الْعَظيمِ»

كان أقرب إلى اسم اللّه الأعظم من سواد العین إلى بیاضها، وأنّه دخل فیها اسم اللّه الأعظم.

۴۲_الدعاء بعد صلاه النبیّ صلی الله علیه و آله وسلم

قال علیه السلام : تصلّی ركعتین تقرأ فی كلّ ركعه فاتحه الكتاب و «اِنّا اَنْزَلْناهُ فی لَیْلَهِ الْقَدْرِ» خمس عشره مرّه، ثمّ تركع فتقرأها خمس عشره مرّه، وخمس عشره مرّه إذا استویت قائماً، وخمس عشره مرّه إذا سجدت، وخمس عشره مرّه إذا رفعت رأسك من السجود، وخمس عشره مرّه فی السجده الثانیه وخمس عشره مرّه قبل أن تنهض إلى الركعه الاُخرى، ثمّ تقوم إلى الثانیه فتفعل كما فعلت فی الركعه الاُولى، ثمّ تنصرف ولیس بینك وبین اللّه تعالى ذنب إلاّ وقد غفر لك، وتُعطى جمیع ما سألت، والدعاء بعدها :

لا اِلهَ اِلاَّ اللّه ُ رَبُّنا وَرَبُّ ابائِنَا الاْوَّلینَ، لا اِلهَ اِلاَّ اللّه ُ اِلها واحِدا

ص: ۱۰۰

از تو درخواست می کنم، ای کسی که اطاعت فرمان برداران به او سودی نمی رساند، و نافرمانی سرکشان (و گناه کاران) به او ضرری نمی زند، بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست، و از فضل و رحمتت به من روزی عطا فرما، و در آن چه روزی ام می کنی به من عافیت بده، به حق رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

دعای چهل ویکم: دعای حضرت علیه السلام در تعقیب نماز صبح

از حضرت علیه السلام روایت شده که فرمود: هرکه بعد از نماز صبح بگوید: «به نام خداوند بخشاینده بسیار مهربان، هیچ نیرو و توان و قدرتی نیست مگر به کمک و یاری خداوند بلند مرتبه بسیار بزرگ»

به اسم اعظم خداوند از سیاهی چشم به سفیدی آن نزدیک تر خواهد بود، و به یقین در این ذکر، اسم اعظم خداوند وارد شده است.

دعای چهل ودوم: دعای امام علیه السلام بعد از نماز پیامبر اکرم صل الله علیه و آل وسلم

حضرت علیه السلام در توضیح این نماز فرمودند: دو رکعت نماز می گزاری، در هر رکعت در حال قیام یک بار فاتحه الکتاب و ۱۵ بار سوره قدر می خوانی سپس رکوع نموده و در حال رکوع ۱۵ بار سوره قدر را می خوانی، و پس از سر برداشتن از رکوع نیز ۱۵ بار آن را می خوانی، سپس به سجده رفته و ۱۵ بار همین سوره را در سجده می خوانی، و ۱۵ بار نیز پس از سر برداشتن از سجده اول، و در سجده دوم نیز ۱۵ بار، و ۱۵ بار پس از سر برداشتن از آن و قبل از برخاستن برای رکعت دوم سوره قدر را می خوانی، رکعت دوم را نیز به همان کیفیت رکعت اول به جا می آوری، پس از نماز و (خواندن این دعا) از نماز و دعا فارغ می گردی در حالی که بین تو و خداوند تعالی هیچ گناهی باقی نمانده باشد مگر این که خداوند آن را آمرزیده باشد، و تمام آنچه درخواست کرده ای به تو داده خواهد شد، و دعای بعد از نماز بدین قرار است:

هیچ معبودی جز خداوند نیست که پروردگار ما و پروردگار پدران و اجداد و پیشینیان ماست، هیچ معبودی جز خداوند نیست (که) معبودی یگانه است

ص: ۱۰۱

وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ، لا اِلهَ اِلاّ اللّه ُلا نَعْبُدُ اِلاّ اِيّاهُ مُخْلِصينَ لَهُ الدّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، لا اِلهَ اِلاّ اللّه ُوَحْدَهُ وَحْدَهُ، اَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَاَعَزَّ جُنْدَهُ، وَهَزَمَ الاْحْزابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ، اَللّهُمَّ اَنْتَ نُورُ السَّماواتِ وَالاْرْضِ وَمَنْ فيهِنَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَاَنْتَ قَيّامُ(۵۴) السَّماواتِ وَالاْرْضِ وَمَنْ فيهِنَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ، وَاَنْتَ الْحَقُّ، وَوَعْدُكَ الْحَقُّ، وَقَوْلُكَ حَقٌّ، وَاِنْجازُكَ حَقٌّ، وَالْجَنَّةُ حَقٌّ، وَالنّارُ حَقٌّ اَللّهُمَّ لَكَ اَسْلَمْتُ، وَبِكَ امَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَبِكَ خاصَمْتُ وَاِلَيْكَ حاكَمْتُ، يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ اغْفِرْ لى ما قَدَّمْتُ وَما اَخَّرْتُ وَما اَسْرَرْتُ وَاَعْلَنْتُ، اَنْتَ اِلهى لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لى، وَارْحَمْنى، وَتُبْ عَلَيَّ، اِنَّكَ اَنْتَ التَّوّابُ الرَّحيمُ.

۴۳_عقيب كلّ ركعتين من يوم الجمعه الثمانيه عشر

عنه عليه السلام قال : وينبغى ان تدعو بين كلّ ركعتين بالدعاء المرویّ عن علیّ بن الحسين أنّه كان يدعو بين الركعات:

و ما برایش (و در برابرش) تس_لیم هستیم(۱)، هیـچ معبودی جز خداوند نیست (و) جز او را نمی پرس_تیم در حالی که دین را برای او خالص گردانـده ایم، هر چند که مشرکان کراهت داشته باشند(۲)، هیـچ معبودی جز خداونـد نیست یکتای یکتا، (که) وعده اش را تحقق بخشـید، و بنده ش را یاری نمود (و پیروز کرد)، و سپاهش را عزت بخشید، و به تنهایی همه احزاب و گروه هـای (کفـار و مش_رکین) را شکست داد (و فراری سـاخت)، پس فرمـانروایی (جهـان هستی) فقـط در اختیار اوست و ستایش و سپاس مخصوص اوست، و او بر هر چیزی بسیار تواناس_ت(۳). خداونـدا تو نور آسـمان ها و زمین و هر که (و هر چه) در آن هاست می باشی(۴)، پس سپاس و ستایش برای توست، و تو برپا کننده و نگهدارنده آسمان ها و زمین و هر که (و هر چه) در آن هاست می باشـی، پس سـپاس و سـتایش سـزاوار توست، و تو حقی، و وعـده ات حق، و س_خنت حق و انجام دادن و تحقق بخش_یدنت حق اس_ت، و بهش_ت حق و آتش (دوزخ) حق است. بارالها خودم را تسـلیم تو کردم، و به تو ایمـان آوردم و بر تـو توکـل نمـودم، و به واسـطه تـو (بـا دیگران) مجـادله کردم و داوری (در موارد مختلف) را به پیشگاه تو آوردم، ای پروردگـارم، ای صـاحب اختیـارم، ای پروردگـارم، آن چه (از گنـاه) را که قبلاًـ یا بعـداً انجام دادم و آن چه پنهان کرده یـا آشـکار نمـودم را برایم بیـامرز، تـو معبود منی (و) هیـچ معبودی جز تو نیست، بر محمـد و آل محمـد درود و رحمت فرست و مرا بیامرز و به من رحم کن و بر من توبه کن (و توبه ام را بپـذیر)، (زیرا) به یقین تو خودت بسـیار توبه پـذیر و بسـیار مهربانی(۵).

دعای چهل وسوم: دعای حضرت علیه السلام پس از هر رکعت از رکعات هجده گانه روز جمعه

از امام رضا علیه السـلام روایت شده که فرمودند: در بامداد (روز جمعه) شش رکعت نماز می خوانی، وشش رکعت (با فاصله ای) پس از آن که مجموع ۱۲ رکعت می شود و پس از مدتی شش رکعت دیگر و مجموعا ۱۸ رکعت، و دو رکعت دیگر نیز هنگام ظهر (می خوانی)، و شایسته است که بین هر دو رکعت، دعای منقول از امام علی بن الحسین علیهماالسلام را بخوانی که ایشان این دعا را بین رکعت های نماز می خواندند:

أ. پس از دو رکعت اوّل از شش رکعت نخست (می خوانی):

۱- عبـارت «الهـاً واحِـداً و نَحنُ له مُسـلِمون» در متن دعـا، از پایان آیه ۱۳۳ سـوره بقره گرفته شـده است، البته عبـارت «نحن له مسلمون» نیز در پایان برخی آیات قرآن به چشم می خورد، یعنی آیات ۱۳۶ بقره، ۸۴ آل عمران و ۴۶ عنکبوت.

۲- عبـارت عربی اخیر در متن اصـلی دعـا، یادآور آیه ۱۴ س___وره مبـارکه غـافر اس___ت بـا این تفـاوت که در آن جا این عبارت با کلمه «الکافرون» ختم می شود.

۳- عبـارت «له الملکُ وله الحَمـدُ و هُوَ علی ِکل شَیءٍ قـدیر»عبارتی است قرآنی که در پایان آیه اول سوره تغابن به کار رفته است.

۴- عبارت «أنتَ نورُ َالسماواتِ و الَارضِ» در متن اصلی، اشاره دارد به آیه ۳۵ سوره مبارکه نور.

۵- عبارت «و تُب عَلَیَّ إنَّکَ أنتَ َالتوابُ َالرحیمُ» با تغییر مختصری از آیه ۱۲۸ سوره بقره اقتباس شده است.

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحُرْمَهِ مَنْ عَاذَ بِکَ(۵۵) وَ لَجَأَ إِلَی عِزِّکَ وَ اعْتَصَمَ بِحَبْلِکَ وَ لَمْ یَثِقْ إِلَّا بِکَ یَا وَهَّابَ الْعَطَایَا یَا مَنْ سَمَّی نَفْسَهُ مِنْ جُودِهِ الْوَهَّابَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْمَرْضِیِّینَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِکَ وَ بَارِکْ عَلَیْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَکَاتِکَ وَ السَّلَامُ عَلَیهِ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی أَرْوَاحِهِمْ وَ أَجْسَادِهِمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ لِی مِنْ أَمْرِی فَرَجاً وَ مَخْرَجاً وَ ارْزُقْنِی حَلَالًا طَیِّباً مِمَّا شِئْتَ وأَنَّی شِئْتَ وَ کَیْفَ شِئْتَ وَ فَإِنَّهُ لَا یَکُونُ إِلَّا مَا شِئْتَ حَیْثُ شِئْتَ کَما شِئتَ

زِیَادَهٌ فِی اَلدُّعَاءِ مِنْ رِوَایَهٍ أُخْرَی

اَللَّهُمَّ إِنَّ قَلْبِی یَرْجُوکَ لِسَعَهِ رَحْمَتِکَ وَ نَفْسِی تَخَافُکَ لِشِدَّهِ عِقَابِکَ فَأَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

وَ أَنْ تُؤْمِنَنِی مَکْرَکَ وَ تُعَافِیَنِی مِنْ سَخَطِکَ وَ تَجْعَلَنِی مِنْ أَوْلِیَاءِ طَاعَتِکَ وَ تَفَضَّلَ عَلَیَّ بِرَحْمَتِکَ

وَ مَغْفِرَتِکَ وَ تُشَرِّفَنِی بِسَعَهِ فَضْلِکَ عَنِ اَلتَّذَلُّلِ لِعِبَادِکَ وَ تَرْحَمَنِی مِنْ خَیْبَهِ اَلرَّدِّ وَ سَفْعِ نَارِ اَلْحِرْمَانِ

ثُمَّ تَقُومُ فَتُصَلِّی رَکْعَتَیْنِ وَ تَقُولُ

بار الها به حق و حرمت آن کس که (از تو) به خودت پناه برده، و به عزّتت پناهنده شده، و به ریسمانت چنگ زده، و جز تو به موجود دیگری تکیه و اعتماد نکرده است، از تو درخواست می کنم، ای بخشنده بخشش ها، ای آن که به سبب جود و کرم گسترده اش خود را وهّاب (بسیار بخشنده) نامیده، بر محمّد و آل محمّد - که پسندیدگان و مورد رضایت تواند - با برترین درودها (و رحمت هایت) درود و رحمت فرست، وبا برترین برکاتت به آنان برکت ده، و سلام بر او و بر آنان و بر ارواح (پاک) و بدن های (مطهّر)شان باد و رحمت خداوند و برکت هایش (بر آنان سرازیر باد).

خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرست، و برایم نسبت به کارها (و گرفتاری هایم) گشایش و راه برون رفتی قرار ده، و رزق و روزی حلال و پاکی به من روزی فرما، از آن چه که اراده کرده ای، و از هر کجا و به هر کیفیت که خواسته ای، چرا که بی گمان چیزی تحقّق نمی یابد مگر آن چه تو اراده فرموده ای و هر جا (و هر زمان) و به هر کیفیت که تو بخواهی.

و در روایتی دیگر این عبارات اضافه شده است: بار الها دلم به سبب وسعت رحمتت به تو امید دارد، و نفسم به خاطر شدّت کیفرت از تو می ترسد، لذا از تو می خواهم که بر محمّد وآل محمّد درود و رحمت فرستی، و مرا از مکر و مجازاتت ایمن سازی، و از خشم و غضبت به سلامت داری، و از اولیا و اصحاب طاعتت گردانی، و با رحمت و مغفرت و بخشایشت بر من تفضّل کنی، و با گستردگی فضل و انعامت مرا شرافت بخشیده و از اظهار خواری در برابر بندگانت (مصون داری)، و بر من رحم آورده و از نومیدی به سبب ردّ خواسته ام و سوزش (و خواری) آتش محرومیت (از لطفت) نجات بخشی.

ب. و پس از دو رکعت سوّم و چهارم از شش رکعت نخست (می خوانی):

اَللَّهُمَّ كَمَا عَصَيْتُكَ وَ اِجْتَرَأْتُ عَلَيْكَ فَإِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِمَا تُبْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُ فِيهِ

وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِمَا وَأَيْتُ لَكَ بِهِ عَلَى نَفْسِي وَ لَمْ أَفِ بِهِ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِلْمَعَاصِي اَلَّتِي قَوِيتُ عَلَيْهَا

بِنِعْمَتِكَ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ مَا خَالَطَنِي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَرَدْتَ بِهِ وَجْهَكَ فَإِنَّكَ أَنْتَ أَنْتَ وَ أَنَا أَنَا

اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ عَظِّمِ اَلنُّورَ فِي قَلْبِي وَ صَغِّرِ اَلدُّنْيَا فِي عَيْنِي وَ اِحْبِسْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ عَنِ اَلنُّطْقِ

بِمَا لاَ يُرْضِيكَ وَ اُحْرُسْ نَفْسِي مِنَ اَلشَّهَوَاتِ وَ اِكْفِنِي طَلَبَ مَا قَدَّرْتَ لِي عِنْدَكَ حَتَّى أَسْتَغْنِيَ بِهِ عَمَّا فِي أَيْدِي عِبَادِكَ

ثُمَّ تَقُومُ فَتُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ اَلثَّالِثَهَ وَ تَقُولُ

اَللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ وَ أَسْأَلُكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ ذُو اَلنُّونُ - إِذْ ذَهَبَ مُغٰاضِباً فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنٰادىٰ

فِي اَلظُّلُمٰاتِ أَنْ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ سُبْحٰانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ اَلظّٰالِمِينَ فَإِنَّهُ دَعَاكَ وَ هُوَ عَبْدُكَ وَ أَنَا أَدْعُوكَ

وَ أَنَا عَبْدُكَ وَ سَأَلَكَ وَ أَنَا أَسْأَلُكَ فَفَرِّجْ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ وَ أَدْعُوكَ اَللَّهُمَّ بِمَا دَعَاكَ بِهِ أَيُّوبُ

إِذْ مَسَّهُ اَلضُّرُّ فَنَادَى أَنِّي

بار الها همان گونه که تو را نافرمانی نمودم و بر تو گستاخی کردم، پس (به همان شکل هم) واقعاً نسبت به آن گناهی که از آن به سویت توبه نمودم (ولی) سپس به آن گناه بازگشتم از تو آمرزش می طلبم، و نسبت به آن چه بر ضد نفسم وعده دادم و سپس بدان وعده وفا نکردم از تو آمرزش می خواهم. و نسبت به معصیت ها و نافرمانی هایی که به واسطه نعمت خودت بر انجام آن ها توانایی پیدا کردم از تو آمرزش می طلبم. و نسبت به هر نیت ناخالصی که در هر کار خیری که به قصد کسب رضایت تو انجام دادم به ذهنم خطور کرد (و با نیت الهیم آمیخته شد) از تو آمرزش می خواهم، زیرا مسلماً تو تویی و من منم.

و در روایتی دیگر این قسمت اضافه شده: خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرست، و نور و روشنی را در دلم زیاد فرما، و دنیا را در چشمم کوچك و خوار گردان، و زبانم را با (مشغول ساختن به) ذکر و یاد خودت از تکلّم به آن چه تو را خشنود نمی سازد بازدار، و نفسم را از (پرداختن به) شهوت ها محافظت فرما، و مرا نسبت به طلب آن رزقی که پیش خودت برایم مقدّر کردی تا به وسیله آن از آن چه در دستان بندگان توست بی نیاز گردم کفایت فرما.

ج- و بعد از دو رکعت پنجم و ششم از شش رکعت نخست (می گویی):

خدایا هر آینه تو را می خوانم و از تو درخواست می کنم با همان چیزی که حضرت یونس (ذو النون) علیه السلام تو را بدان خواند. «آن هنگام که با خشم و غضب (از پیش قومش) رفت، پس گمان کرد که ما بر او قدرت و تسلّط نخواهیم داشت پس در آن تاریکی ها (شکم ماهی) ندا کرد که (پروردگارا) هیچ معبودی جز تو نیست، تو را از هر عیب و نقصی مبرّا میدانم، (و) هر آینه من از ستم کاران (وگنه کاران) بوده ام»۱ و در نتیجه خواسته اش را اجابت فرمودی، پس بی گمان او تو را فرا خواند در حالی که بنده تو بود، و من (نیز) تو را می خوانم در حالی که بنده توأم. و از تو درخواست کرد و من (نیز) از تو درخواست می کنم، لذا نسبت به گرفتاری هایم گشایشی نصیبم فرما همان گونه که نسبت به او (یونس پیامبر) گشایش دادی.

ص: ۱۰۷

مَسَّنِیَ اَلضُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ اَلرَّاحِمِینَ فَفَرَّجْتَ عَنْهُ فَإِنَّهُ دَعَاکَ وَ هُوَ عَبْدُکَ وَ أَنَا أَدْعُوکَ وَ أَنَا عَبْدُکَ وَ سَأَلَکَ وَ أَنَا أَسْأَلُکَ فَفَرِّجْ عَنِّی کَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ وَ أَدْعُوکَ بِمَا دَعَاکَ بِهِ یُوسُفُ إِذْ فَرَّقْتَ بَیْنَهُ وَ بَیْنَ أَهْلِهِ إِذْ هُوَ فِی اَلسِّجْنِ فَفَرَّجْتَ عَنْهُ فَإِنَّهُ دَعَاکَ وَ هُوَ عَبْدُکَ وَ أَنَا أَدْعُوکَ وَ أَنَا عَبْدُکَ وَ سَأَلَکَ وَ أَنَا أَسْأَلُکَ فَاسْتَجِبْ لِی کَمَا اِسْتَجَبْتَ لَهُ وَ فَرِّجْ عَنِّی کَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ وَ أَدْعُوکَ اَللَّهُمَّ وَ أَسْأَلُکَ بِمَا دَعَاکَ بِهِ اَلنَّبِیُّونَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُمْ فَإِنَّهُمْ دَعَوْکَ وَ هُمْ عَبِیدُکَ وَ سَأَلُوکَ وَ أَنَا أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِکَ وَ أَنْ تُبَارِکَ عَلَیْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَکَاتِکَ وَ أَنْ تُفَرِّجَ عَنِّی کَمَا فَرَّجْتَ عَنْ أَنْبِیَائِکَ وَ رُسُلِکَ وَ عِبَادِکَ اَلصَّالِحِینَ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَغْنِنِی بِالْیَقِینِ وَ أَعِنِّی بِالتَّوَکُّلِ وَ اِکْفِنِی رَوْعَاتِ اَلْقُنُوطِ وَ اِفْسَحْ لِی فِی اِنْتِظَارِ جَمِیلِ اَلصُّنْعِ وَ اِفْتَحْ لِی بَابَ اَلرَّحْمَهِ إِلَیْکَ وَ اَلْخَشْیَهَ مِنْکَ وَ اَلْوَجَلَ مِنَ اَلذُّنُوبِ وَ حَبِّبْ إِلَیَّ اَلدُّعَاءَ وَ صِلْهُ مِنْکَ بِالْإِجَابَهِ

ص: ۱۰۸

که: «هر آینه گرفتاری و زیان و سختی به من رسیده است در حالی که تو مهربان ترین مهربانانی»(۱)پس (در کار وگرفتاری) او گشایش ایجاد کردی، پس همانا او تو را خواند در حالی که بنده تو بود، و من (هم) تو را می خوانم در حالـی که بنده توأم، و از تو درخواست نمود و من (نیز) از تو درخواست می کنم، بنابراین در کارم گشایش قرارده همان گونه که در کار او گشایش ایجاد فرمودی. و تو را فرا می خوانم با آن چیزی که یوسف به وسیله آن تو را فرا خواند آن هنگام که بین او و خانواده اش جدایی افکندی، و آن هنگام که در زندان بود پس نسبت به امر او گشایش دادی، پس هر آینه او تو را خواند در حالی که بنده ات بود، و من (نیز) تو را می خوانم درحالی که بنده توأم، و از تو درخواست کرد و من (هم) از تو درخواست می کنم، بنابراین خواسته ام را اجابت فرما همان گونه که خواسته او را اجابت فرمودی، و نسبت به من (وکارهایم) گشایشی نصیب فرما همان گونه که در کار او گشایش ایجاد کردی.

و تـو را – ای خدای من– فرا می خوانم و به حقّ آن چه پیامبران با آن تو را خواندند و اجابتشان فرمودی درخواست می کنم، زیرا هر آینه آنان تو را خواندند در حالی که بندگان تو بودند و از تو درخواست نمودند، و من (هم) از تـو می خواهم که با برترین و بهترین صلوات و رحمتت بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرستی، و با بهترین و برترین برکاتت بر آنان برکت ارزانی داری، و در امورم گشایش قرار دهی همان گونه که برای پیامبران و فرستادگان و بندگان صالحت گشایش دادی.

و در روایتی دیگر این قسمت نیز اضافه شده:

بار الها بر محمّد وآل محمّد درود و رحمت فرست، و با یقین بی نیازم کن، و با توکّل و تکیه بر خودت مرا یاری ده، و مرا نسبت به هراس و اضطراب نومیدی کفایت فرما، و برایم فراخی و گشایشی در انتظار کشیدن الطاف زیبایت قرارده، و درِ رحمت به سوی خودت و خشیت از تو و ترس از گناهان را به رویم باز کن، و دعا و نیایش (به بارگاهت) را پیش من محبوب گردان، و آن دعا را با اجابت از سوی خودت همراه کن.

۱- آیه ۸۳ از سوره مبارکه أنبیاء

ثُمَّ تَخِرُّ سَاجِداً وَ تَقُولُ فِی سُجُودِکَ

سَجَدَ وَجْهِیَ اَلْبَالِی اَلْفَانِی لِوَجْهِکَ اَلدَّائِمِ اَلْبَاقِی سَجَدَ وَجْهِی مُتَعَفِّراً فِی اَلتُّرَابِ لِخَالِقِهِ وَ حَقٌّ لَهُ أَنْ یَسْجُدَ سَجَدَ وَجْهِی لِمَنْ خَلَقَهُ وَ صَوَّرَهُ وَ شَقَّ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ تَبَارَکَ اَللَّهُ أَحْسَنُ اَلْخَالِقِینَ سَجَدَ وَجْهِیَ اَلذَّلِیلُ اَلْحَقِیرُ لِوَجْهِکَ اَلْعَزِیزِ اَلْکَرِیمِ سَجَدَ وَجْهِیَ اَللَّئِیمُ اَلذَّلِیلُ لِوَجْهِکَ اَلْکَرِیمِ اَلْجَلِیلِ ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَکَ وَ تَدْعُو بِهَذَا اَلدُّعَاءِ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اِجْعَلِ اَلنُّورَ فِی بَصَرِی وَ اَلْیَقِینَ فِی قَلْبِی وَ اَلنَّصِیحَهَ فِی صَدْرِی وَ ذِکْرَکَ بِاللَّیْلِ وَ اَلنَّهَارِ عَلَی لِسَانِی وَ مِنْ طِیبِ رِزْقِکَ یَا رَبِّ غَیْرَ مَمْنُونٍ وَ لاَ مَحْظُورٍ فَارْزُقْنِی وَ مِنْ ثِیَابِ اَلْجَنَّهِ فَاکْسُنِی وَ مِنْ حَوْضِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اَللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ فَاسْقِنِی وَ مِنْ مَضَلاَّتِ اَلْفِتَنِ فَأَجِرْنِی وَ لَکَ یَا رَبِّ فِی نَفْسِی فَذَلِّلْنِی وَ فِی أَعْیُنِ اَلنَّاسِ فَعَظِّمْنِی وَ إِلَیْکَ یَا رَبِّ فَحَبِّبْنِی وَ بِذُنُوبِی فَلاَ تَفْضَحْنِی وَ بِسَرِیرَتِی فَلاَ تُخْزِنِی وَ بِعَمَلِی فَلاَ تُبْسِلْنِی

ص: ١١٠

آن گـاه بـه سـجده رفتـه و در همـان حـال می گـویی: چهره پژمرده شونـده و ازبین رفتنی من در برابر ذات (و چهره) پایـدار و جاویـدانت سـجده کرده است. چهره خاک آلوده ام برای آفریـدگارش سـجده کرده است، و (حقّ) و سـزاوار برای او (همین) است که سجده نماید.

چهره ام در برابر کسـی به (خـاک) سـجده افتاده که او را آفریـده و صورت بخشـیده، و گوش و چشـمش را باز فرموده است، مبارک باد (ذات پاک) خداوند که نیکوترین آفرینندگان است.

چهره حقیر و خوار من در برابر چهره (وذات) توان منـد و بزرگوار و کریمت به سـجده افتـاده است. چهره فرومایه و خوارم در برابر چهره (وذات) بزرگوار و صـاحب شوکت و جلالـت سـجده نموده است. سـپس سـر از سـجده بر می داری و می خوانی: خـدایا بر محمّـد و آل محمّـد درود و رحمت فرست و نور را در چشـمم، و یقین را در دلم، و خیرخواهی را در سـینه ام، و یاد خـودت در شـب و روز را بر زبـانم جـای ده، و از رزق و روزی پـاک و غیر منقطع و مـداوم و بی مـانعت - ای پروردگـار و صاحب اختیارم- مرا روزی ده، و از لباس های بهشتی بر من بپوشان، و از حوض (پیامبر بزرگوارت) محمّـد - که درود خدا بر او و خانـدان پـاکش بـاد - مرا آبیـاری کن، و از فتنه هـای گمراه کننـده مرا پنـاه ده، و فقـط در برابر خودت - ای پروردگار و صـاحب اختیـارم- مرا در درونم خوار و ذلیـل گردان، و در چشـمان مردم مرا بزرگ بـدار، و پیش خودت پروردگـارا محبوبم گردان، و به سبب گناهانم مرا مفتضح نکن، و با باطن بد و پنهانم رسوایم مساز، و به خاطر کردارم مرا به هلاکت میفکن (و از رحمتت نومید مساز)

وَ غَضَبَکَ فَلاَ تُنْزِلْ بِی أَشْکُو إِلَیْکَ غُرْبَتِی وَ بُعْدَ دَارِی وَ طُولَ أَمَلِی وَ اِقْتِرَابَ أَجَلِی وَ قِلَّهَ مَعْرِفَتِی فَنِعْمَ اَلْمُشْتَکَی إِلَیْهِ أَنْتَ یَا رَبِّ وَ مِنْ شَرِّ اَلْجِنِّ وَ اَلْإِنْسِ فَسَلِّمْنِی إِلَی مَنْ تَکِلُنِی یَا رَبَّ اَلْمُسْتَضْعَفِینَ إِلَی عَدُوٍّ مَلَّکْتَهُ أَمْرِی أَوْ إِلَی بَعِیدٍ فَیَتَجَهَّمَنِی اَللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ خَیْرَ اَلْمَعِیشَهِ مَعِیشَهً أَقْوَی بِهَا عَلَی جَمِیعِ حَاجَاتِی وَ أَتَوَسَّلُ بِهَا إِلَیْکَ فِی حَیَاهِ اَلدُّنْیَا وَ فِی آخِرَتِی مِنْ غَیْرِ أَنْ تُتْرِفَنِی فِیهَا فَأَطْغَی أَوْ تُقَتِّرَهَا عَلَیَّ فَأَشْقَی وَ أَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ حَلاَلِ رِزْقِکَ وَ أَفِضْ عَلَیَّ مِنْ حَیْثُ شِئْتَ مِنْ فَضْلِکَ وَ اُنْشُرْ عَلَیَّ مِنْ رَحْمَتِکَ وَ أَنْزِلْ عَلَیَّ مِنْ بَرَکَاتِکَ نِعْمَهً

مِنْکَ سَابِغَهً وَ عَطَاءً غَیْرَ مَمْنُونٍ وَ لاَ تَشْغَلْنِی عَنْ شُکْرِ نِعْمَتِکَ عَلَیَّ بِإِکْثَارٍ مِنْهَا تُلْهِینِی عَجَائِبُ بَهْجَتِهِ وَ فِتْنَنِی زَهَرَاتُ نَضْرَتِهِ وَ لاَ بِإِقْلاَلٍ عَلَیَّ مِنْهَا فَیَقْصُرَ بِعَمَلِی کَدُّهُ وَ یَمْلَأَ صَدْرِی هَمُّهُ أَعْطِنِی مِنْ ذَلِکَ یَا إِلَهِی غِنًی عَنْ شِرَارِ خَلْقِکَ وَ بَلاَغاً أَنَالُ بِهِ رِضْوَانَکَ وَ أَعُوذُ بِکَ یَا إِلَهِی مِنْ شَرِّ اَلدُّنْیَا وَ شَرِّ أَهْلِهَا وَ شَرِّ مَا فِیهَا وَ لاَ تَجْعَلِ اَلدُّنْیَا لِی سِجْناً وَ لاَ فِرَاقَهَا عَلَیَّ حُزْناً أَجِرْنِی مِنْ فِتْنَتِهَا مَرْضِیّاً عَنِّی

ص: ۱۱۲

و غضبت را بر من نازل نکن، غربت و تنهاییم، و دوری خانه (حقیقی) و درازی آرزویم، و نزدیک بودن اجل و کمی شناخت و معرفتم را به تو شکایت می برم، و تو - ای پروردگار و صاحب اختیارم- چه نیکو خدایی هستی که شکایت به سویت برده شود، و از شرّ جن وانس مرا به سلامت دار، به چه کسی مرا وا می گذاری ای پروردگار و صاحب اختیار مستضعفین و ناتوانان؟ به (شیطان) دشمنی که بر من مسلّط نموده ای یا به بیگانه ای که با من بداخلاقی و ترشرویی کند؟

بار الها هر آینه من از تو بهترین روزی و معیشت را می طلبم، (روزی و) معیشتی که به وسیله آن بر (رفع) همه نیازهایم توانا باشم، و به واسطه آن در زندگی دنیا و آخرتم خود را به تو برسانم بدون این که مرا در آن به اتراف و رفاه زدگی دچار سازی که در نتیجه (در برابرت) سرکشی کنم، یا (به گونه ای) آن را بر من تنگ گیری که به بدبختی دچار شوم، و رزق حلالت را بر من توسعه بخش، و از فضل خودت از هر جا که خواهی بر من فرو بار، و (سایه) رحمتت را بر من بگستران، و از برکاتت نعمتی فراگیر و فراوان از جانب خودت و بخششی پی در پی و مستمرّ بر من نازل فرما، و مرا با زیاد نمودن نعمتت از شکر آن مشغول و غافل نساز، (به گونه ای که) شگفتی های رونق و نیکویی آن نعمت مرا به خود مشغول سازد، و شکوفایی و درخشش طراوتش مرا شیفته سازد، و با کم کردن نعمتت بر من (نیز) مرا از شکر آن غافل نکن به گونه ای که کارم و فعالیتم در طلب آن کم باشد، و دغدغه آن سینه ام را پر کند، بلکه - ای معبود مهربانم - از آن به اندازه ای (نصیبم ساز) که از خلق شرور و بدکارت بی نیاز باشم، و به اندازه کفافی که به وسیله آن به خشنودیت دست یابم.

و به تو - ای معبودم - ازشرّ دنیا و شرّ اهلش و شرّ هر آن چه در آن است پناه می برم، و دنیا را برایم زندان، و جدایی از آن را مایه حزن و اندوهم مگردان، و از فتنه آن مرا پناه ده، (و) در حالی که از من خشنودی،

مَقْبُولاً فِيهَا عَمَلِی إِلَی دَارِ اَلْحَیَوَانِ وَ مَسَاکِنِ اَلْأَبْرَارِ اَلْأَخْیَارِ وَ أَبْدِلْنِی بِالدُّنْیَا اَلْفَانِیَهِ نَعِیمَ اَلدَّارِ اَلْبَاقِیَهِ

اَللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ أَزْلِهَا وَ زِلْزَالِهَا وَ سَطَوَاتِ سُلْطَانِهَا وَ مِنْ شَرِّ شَیَاطِینِهَا وَ بَغْیِ مَنْ بَغَی عَلَیَّ فِیهَا

اَللَّهُمَّ مَنْ کَادَنِی فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ کِدْهُ وَ مَنْ أَرَادَنِی فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَرِدْهُ وَ فُلَّ عَنِّی حَدَّ مَنْ نَصَبَ لِی حَدَّهُ وَ أَطْفِئْ عَنِّی نَارَ مَنْ شَبَّ لِی وَقُودَهُ وَ اِکْفِنِی هَمَّ مَنْ أَدْخَلَ عَلَیَّ هَمَّهُ وَ اِدْفَعْ عَنِّی شَرَّ اَلْحَسَدَهِ وَ اِعْصِمْنِی مِنْ ذَلِکَ بِالسَّکِینَهِ وَ أَلْبِسْنِی دِرْعَکَ اَلْحَصِینَهَ وَ أَحْیِنِی فِی سِتْرِکَ اَلْوَاقِی وَ أَصْلِحْ لِی حَالِی لِلَمِّ عِیَالِی وَ صِدْقِ مَقَالِی بِفَعَالِی وَ بَارِکْ لِی فِی أَهْلِی وَ مَالِی اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ اَلْمَرْضِیِّینَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِکَ وَ بَارِکْ عَلَیْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَکَاتِکَ وَ اَلسَّلاَمُ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی أَرْوَاحِهِمْ وَ أَجْسَادِهِمْ وَ رَحْمَهُ اَللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اِجْعَلْ لِی مِنْ أَمْرِی فَرَجاً وَ مَخْرَجاً وَ اُرْزُقْنِی حَلاَلاً طَیِّباً

وَاسِعاً مِمَّا شِئْتَ وَ أَنَّی شِئْتَ وَ کَیْفَ شِئْتَ فَإِنَّهُ لاَ یَکُونُ إِلاَّ مَا شِئْتَ حَیْثُ شِئْتَ کَمَا شِئْتَ

ص: ۱۱۴

و عملم در آن پـذیرفته شـده، به سوی سـرای زنـدگی حقیقی و جایگـاه سـکونت نیکان (ببر)، و به جای دنیای فانی و در حال گذار نعمت های سـرای باقی و پایدار را نصـیبم فرما، خداوندا هر آینه از تنگی و سختی دنیا و یورش های نفوذ و سلطه اش، و از شرّ شیاطینش، و ستم هر آن که در آن بر من ستم نموده به تو پناه می برم.

خـدایا هــر که به من مکر و نیرنگ زده را پس بر محمّد و خاندان پاکش درود و رحمت فرست و مکرت را به او وارد ساز، و هر که نسـبت به من قصد (سوئی) دارد پس بر محمّد و آل پاکش درود و رحمت فرست و قصد او کن(1)، و تیزی شمشیر هر که تیزی شمشـیرش را علیه من به کار بسـته را نسبت به من کُند فرما، و آتش هر که هیزمش را علیه من افروخته نسـبت به من خاموش کن، و مرا نسـبت به اندوه و نگرانی آن کس که نگرانی و اندوهش را بر من وارد ساخته کفایت فرما، و شـرّ حسودان را از من بران، و مرا با آرامش از آن حفظ فرما، و زره مستحکمت را بر من بپوشان، و در پوشش نگه دارنده ات پنهانم ساز، و حـال و وضـعم را برای جمع و جور کردن نان خورهایم سر و سامان بـده، و گفتارم را با کردارم تصـدیق کن، و در خانواده و فرزنـدان و مـالم به من برکت عنایت فرما. بار الها بر محمّـد و بر اهل بیت پس ندیـده اش با بهترین صـلوات و رحمتت درود و رحمت فرست، و بـا برترین برکت هـایت بر آنـان برکت بخش، و سـلام و درود بر او و آنـان و بر ارواح مقـدّس و بـدن هـای مطهرشان، و رحمت و برکات خداوند (بر آنان باد).

خـدایا بر محمّـد و خانـدان پـاکش درود و رحمت فرست، و در (کارهـا و) امـورم برایم گشایشـی و راه برون رفـتی قرار ده، و رزقی حلاـل و پـاکیزه و فراوان نصـیبم گردان، از هر آن چه اراده فرموده ای و از هر کجـا و با هر کیفیتی که می خواهی، چرا که بی گمان چیزی تحقّق نمی یابد مگر آن چه تو اراده کنی و در هر جا و به همان گونه که تو بخواهی.

۱- عباراتی شبیه به این عبارات متن دعا در انتهای دعای کمیل نیز آمده است.

فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يُصَلِّيَ اَلسِّتَّ اَلرَّكَعَاتِ اَلثَّانِيَهَ فَلْيُصَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَ يَقُولُ بَعْدَهُمَا أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اَللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيکَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ صَلَّى اَللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّ اَلدِّينَ کَمَا شَرَعَ وَ اَلْإِسْلاَمَ کَمَا وَصَفَ وَ اَلْقَوْلَ کَمَا حَدَّثَ ذَکَرَ اَللَّهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ بِخَيْرٍ وَ حَيَّاهُمْ بِالسَّلاَمِ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِکَ اَللَّهُمَّ اُرْدُدْ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِکَ مَظَالِمَهُمُ اَلَّتِي قِبَلِي صَغِيرَهَا وَ کَبِيرَهَا فِي يُسْرٍ مِنْکَ وَ عَافِيَهٍ وَ مَا لَمْ تَبْلُغْهُ قُوَّتِي وَ لَمْ تَسَعْهُ ذَاتُ يَدِي وَ لَمْ يَقْوَ عَلَيْهِ بَدَنِي يَدَنِي فَأَدِّهِ عَنِّي مِنْ جَزِيلِ مَا عِنْدَکَ مِنْ فَضْلِکَ حَتَّى لاَ تُخَلِّفَ عَلَيَّ شَيْئاً مِنْهُ تَنْقُصُهُ مِنْ حَسَنَاتِي يَا أَرْحَمَ اَلرَّاحِمِينَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اَلْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِکَ وَ بَارِکْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَکَاتِکَ وَ اَلسَّلاَمُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَ أَجْسَادِهِمْ وَ رَحْمَهُ اَللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ

د. و پس از دو رکعت اوّل از شش رکعت دوّم (رکعات هفتم و هشتم) می گویی:

(از روی باور قلبی) گواهی می دهم که هیـچ معبودی جز خداونـد نیست که یگانه است و هیچ شـریکی ندارد، و شـهادت می دهم که بی گمان محمّد بنده و فرسـتاده اوسـت – که درود و رحمت خداوند بر او و خاندان پاکش باد، و شهادت می دهم که یقیناً دین (حق) همان گونه است که او تشریع نموده، و اسلام همان گونه است که او توصیف کرده، و سخن همان است که او فرموده است، خداوند (متعال) محمّد و آل محمّد را به خیر یاد کند، و با سـلام وتحیت آنان را درود فرسـتد. خدایا بر محمّد و آل محمّد با بهترین صـلوات و رحمتت درود و رحمت فرست. بار الها تمام حقوق و مظالم کوچک و بزرگی که به گردن من است را بـا آسانی از جانب خودت و با عافیت و سـلامتی به تمام خلقت (که صاحبان حقنـد) برگردان، و آن چه را توانم بـدان نمی رسـد، و در حیطه قـدرتم و در دسترسم نیست، و بدنم بر (انجام) آن قدرت ندارد، از طرف من و از فضل فراوان و کثیری که نزد توست ادا فرما، تا آن جا که چیزی از آن را باقی نگذاری که به خاطرش از حسـناتم بکاهی، ای مهربان ترین مهربانان، و بر محمّـد و آل محمّـد که مورد رضـایت توأنـد بـا برترین صـلوات و رحمتت درود و رحمت فرست، و با بهترین برکاتت بر آنان برکت ارزانی دار، و سـلام بر او و بر آنان و بر ارواح پاک و بـدن های مبارکشان باد، و رحمت خـدا و برکاتش (بر آنان سرشار باد).

ص: ۱۱۷

اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اِجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجاً وَ مَخْرَجاً وَ اُرْزُقْنِي حَلاَلاً طَيِّباً وَاسِعاً مِمَّا شِئْتَ وَ أَنَّى شِئْتَ وَ كَيْفَ شِئْتَ فَإِنَّهُ لاَ يَكُونُ إِلاَّ مَا شِئْتَ حَيْثُ شِئْتَ كَمَا شِئْتَ

-زِيَادَةٌ

اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اِسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَ بَارِكْ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَنِي

وَ أَسْبِغْ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ وَ هَبْ لِي شُكْراً تَرْضَى بِهِ عَنِّي وَ حَمْداً عَلَى مَا أَلْهَمْتَنِي وَ أَقْبِلْ بِقَلْبِي إِلَى مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ وَ اِشْغَلْنِي عَمَّا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ وَ أَلْهِمْنِي خَوْفَ عِقَابِكَ وَ اُزْجُرْنِي عَنِ اَلْمُنَى لِمَنَازِلَ اَلْمُتَّقِينَ بِمَا يُسْخِطُكَ مِنَ اَلْعَمَلِ وَ هَبْ لِيَ اَلْجِدَّ فِي طَاعَتِكَ

ثُمَّ تَقُومُ فَتُصَلِّي اَلرَّكْعَتَيْنِ اَلْخَامِسَةَ وَ تَقُولُ بَعْدَهُمَا يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ وَ يَا مَنْ آمَنُ عُقُوبَتَهُ عِنْدَ كُلِّ عَثْرَةٍ وَ يَا مَنْ يُعْطِي اَلْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ وَ يَا مَنْ أَعْطَى اَلْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ وَ يَا مَنْ أَعْطَى مَنْ سَأَلَهُ تَحَنُّناً مِنْهُ وَ رَحْمَةً وَ يَا مَنْ أَعْطَى مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ وَ مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِهِ تَفَضُّلاً مِنْهُ وَ كَرَماً

خداونـدا بر محمّـد و آل محمّـد درود و رحمت فرست، و نسـبت به (کارها و) امورم گشایش و راه برون رفتی برایم قرارده، و روزی حلال و پاکیزه و فراوانی از هر آن چه خواهی و از هر کجا و به هر کیفیتی که اراده فرموده ای نصـیبم فرما، زیرا بـدون شک چیزی تحقّق نمی یابد جز آن چه تو بخواهی و در هر جا (و هر زمان) و به هر گونه که اراده فرمایی.

و در روایتی دیگر این جملات اضافه شـده است: خـدایا بر محمّـد و خاندان پاکش درود و رحمت فرست و مرا در راه طاعتت به کار گیر، و به آن چه روزیم فرموده ای قانع ساز، و در آن چه به من بخشیده ای برکت ده، و نعمت هایت را بر من فراوان و فراگیر نما، و شـکر و سپاسـی را نصـیبم فرما که به واسـطه آن از من خشـنود گردی، و حمد و ستایشی به همان شیوه که به من الهام فرمودی، و دلم را به آنچه مرا به تو نزدیک می سازد متوجّه ساز، و از آن چه مرا از تو دور می سازد مشـغول بدار (و منع کـن)، و ترس از کیفرت را به من الهـام فرمـا، و مرا از آرزوهـای (بی مـایه ام) برای (به دست آوردن) جایگـاه تقواپیشـگان با عمل و کرداری که تو را به خشم می آورد بازدار، و تلاش و کوشش در راه طاعت و فرمانبرداریت را نصیبم فرما.

هـ . بعد از دو رکعت سوّم و چهارم از شش رکعت دوّم (رکعات نهم و دهم):

ای خدایی که برای هر خیر و برکتی به او امید دارم، و ای آن که هنگام هر لغزشی از (تعجیل در) عقوبتش خود را در امان می یابم، و ای آن که به سبب (عمل) اندک فراوان می بخشد، و ای آن که (همواره پاداش) فراوان در برابر (عمل) اندک بخشیده است، و ای آن که به کسـی که از او درخواست کرده از روی لطف و مرحمتش عطا کرده است، و ای آن که (حتی) به کسی کـه از او درخـواست کرده از روی لطـف و مرحمتش عطـا کرده است، و ای آن که (حـتی) به کسـی که از او طلب ننمـوده و (اصلاً) او را نمی شناسد و به او ایمان ندارد از روی تفضّل و احسان و کرمش عطا فرموده است،

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِى بِمَسْأَلَتِى إِيَّاكَ مِنْ جَمِيعِ خَيْرِ اَلدُّنْيَا وَ اَلْآخِرَهِ فَإِنَّهُ غَيْرُ مَنْقُوصٍ مَا أَعْطَيْتَ وَ زِدْنِى مِنْ فَضْلِكَ إِنِّى إِلَيْكَ رَاغِبٌ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ اَلْأَوْصِيَاءِ اَلْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ بَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ وَ اَلسَّلاَمُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَ أَجْسَادِهِمْ وَ رَحْمَهُ اَللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اِجْعَلْ لِى مِنْ أَمْرِى فَرَجاً وَ مَخْرَجاً وَ اُرْزُقْنِى حَلاَلاً طَيِّباً وَاسِعاً مِمَّا شِئْتَ وَ أَنَّى شِئْتَ وَ كَيْفَ شِئْتَ فَإِنَّهُ لاَ يَكُونُ إِلاَّ مَا شِئْتَ حَيْثُ شِئْتَ كَمَا شِئْتَ

زِيَادَهٌ

اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اِجْعَلْ لِى قَلْباً طَاهِراً وَ لِسَاناً صَادِقاً وَ نَفْساً سَامِيَهً إِلَى نَعِيمِ اَلْجَنَّهِ وَ اِجْعَلْنِى بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ عَزِيزاً وَ بِمَا أَتَوَقَّعُهُ مِنْكَ غَنِيّاً وَ بِمَا رَزَقْتَنِى قَانِعاً رَاضِياً وَ عَلَى رَجَائِكَ مُعْتَمِداً وَ إِلَيْكَ فِى حَوَائِجِى قَاصِداً حَتَّى لاَ أَعْتَمِدَ إِلاَّ عَلَيْكَ وَ لاَ أَثِقَ إِلاَّ بِكَ

ثُمَّ تَقُومُ فَتُصَلِّى اَلرَّكْعَتَيْنِ اَلسَّادِسَهَ وَ تَقُولُ بَعْدَهُمَا اَللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ سَرِيرَتِى فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اِقْبَلْ

بر محمّـد و آل محمّـد درود و رحمت فرست و به جهت درخواستم از تو از تمـام خیر دنیـا و آخرت به من ببخش، چرا که به یقین آن چه بخشیده ای اندک و کاهش یابنده نیست، و از فضلت به من فزونی بخش(۱)، که به یقین من به سوی تو روی نیاز آورده ام، و بر محمّـد و اهـل بیتش که اوصـیای مورد رضـای توأنـد بـا برترین صـلوات و رحمتت درود و رحمت فرست، و با بهترین برکـاتت به ایشـان برکت بـده، و سـلام بر او و بر آنـان و بر ارواح (پـاک) و اجسـام (مطهر)شـان بـاد، و رحمت خـدا و برکاتش (بر آنان سرازیر باد).

خداوندا بر محمّد و خاندان پاکش درود و رحمت فرست، و نسبت به (کارها و) امورم برایم گشایش و راه برون رفتی قرارده، و مرا رزقی حلال و پـاک و فراوان ده، از هر چه خواهـی و هر جـا (و هر زمـان) و به هر کیفیت کـه اراده فرمـایی، زیرا در حقیقت چیزی تحقّق نمی یابد جز آن چه که تو خواسته ای و هر جا (و هر زمان) و به همان گونه که اراده فرموده ای.

و در روایتی دیگر این زیـادت ذکر شـده: بـار خـدایا بر محمّـد و آل او درود و رحمت فرست، و دلی پـاک و طـاهر، و زبـانی راست گو و صادق، و جان و نفسـی اوج گیرنـده به سوی نعمت های بهشت به من عطا کن، و با توکّل و اعتماد بر تو مرا عزیز بـدار، و بـا آن چه از تو انتظار دارم بی نیاز فرما، و به آن چه روزیم ساخته ای قانع و خشـنود نما، و بر امیـد به درگاهت متکی گردان، و در حـاجت ها و نیازهایم مرا فقط به سوی خودت متوجّه ساز، تا بر لطف کسـی جز تو اعتماد نورزم، و به کسـی جز تو تکیه نکنم.

و. پس از دو رکعت پنجم وششم از شش رکعت دوّم (رکعات یازدهم و دوازدهم):

بار الها قطعاً تو باطنم را (به خوبی) آگاهی، بنابر این بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرست، و عذرم را بپذیر

ص: ۱۲۱

۱- این عبارت در متن دعا به اندازه زیادی شبیه به دعایی است که در تعقیبات نماز های یومیه ماه رجب خوانده می شود.

سَيِّدِی وَ مَوْلاَیَ مَعْذِرَتِی وَ تَعْلَمُ حَاجَتِی فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَعْطِنِی مَسْأَلَتِی وَ تَعْلَمُ مَا فِی نَفْسِی فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اِغْفِرْ لِی ذُنُوبِی اَللَّهُمَّ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اِصْرِفْهُ عَنِّی وَ اِكْفِنِی كَيْدَ عَدُوِّی فَإِنَّ عَدُوِّی عَدُوُّ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَدُوُّ آلِ مُحَمَّدٍ عَدُوُّ مُحَمَّدٍ وَ عَدُوُّ مُحَمَّدٍ عَدُوُّكَ فَأَعْطِنِی سُؤْلِی

يَا مَوْلاَیَ فِی عَدُوِّی عَاجِلاً غَيْرَ آجِلٍ يَا مُعْطِیَ اَلرَّغَائِبِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِی رَغْبَتِی فِيمَا سَأَلْتُكَ فِی عَدُوِّكَ يَا ذَا اَلْجَلاَلِ وَ اَلْإِكْرَامِ يَا إِلَهِی إِلَهاً وَاحِداً لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اَلطَّيِّبِينَ اَلطَّاهِرِينَ وَ أَرِنِی اَلرَّخَاءَ وَ اَلسُّرُورَ عَاجِلاً غَيْرَ آجِلٍ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ اَلْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ بَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ وَ اَلسَّلاَمُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ عَلَی أَرْوَاحِهِمْ وَ أَجْسَادِهِمْ وَ رَحْمَةُ اَللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اِجْعَلْ لِی مِنْ لَدُنْكَ فَرَجاً وَ

- ای سرور و مولای من، و (از سوی دیگر) نیازم را (به خوبی) می دانی، بنابر این بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرست، و خواسته ام را به من عطا فرما، و (هم چنین) آن چه در نفسم می گذرد را خبر داری، پس بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرست و گناهانم را بیامرز.

خداوندا هر که نسبت به من قصد سوئی دارد پس بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرست و (شرّ) او را از من بازدار، و مرا از کید و نیرنگ دشمنم کفایت فرما، که بدون شک دشمن من دشمن آل محمّد است، و دشمن آل محمّد دشمن محمّد است، و دشمن محمّد دشمن توست، پس ای مولای من درخواستم درباره دشمنم را به زودی و بدون تأخیر اجابت فرما.

ای عطا کننده خواسته ها و آرزوها، بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرست و خواسته ام درباره دشمنت را به من عطا فرما.

ای صاحب جلالت (و ارجمندی) و کرامت (و بنده نوازی) ای معبود من، معبود یگانه ای که هیچ معبودی جز تو نیست، بر محمّد و آل محمّد - که پاکان و پاکیزگانند- درود و رحمت فرست، و آسایش و شادی را به زودی و بدون تأخیر به من بنمایان، و بر محمّد و اهل بیت پس ندیده اش با برترین صلوات و رحمتت درود و رحمت فرست، و با بهترین برکاتت بر آنان برکت ده، و سلام بر او و برایشان و بر ارواح (مقدّس) و اجسام (مطهّر)شان باد، و رحمت و برکت خداوند بر آنان سرشار باد.

بار الها بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرست و از پیش خودت برایم گشایش و

مَخْرَجاً وَ اُرْزُقْنِی حَلاَلاً طَیِّباً وَاسِعاً مِمَّا شِئْتَ وَ أَنَّی شِئْتَ وَ کَیفَ شِئْتَ فَإِنَّهُ لاَ یَکونُ إِلاَّ مَا شِئْتَ حَیْثُ شِئْتَ کَمَا شِئْتَ

زِیَادَهٌ

اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ إِلَهِی ظَلَمْتُ نَفْسِی وَ عَظُمَ عَلَیْهَا إِسْرَافِی وَ طَالَ فِی مَعَاصِیکَ اِنْهِمَاکِی

وَ تَکَاثَفَتْ ذُنُوبِی وَ تَظَاهَرَتْ عُیُوبِی وَ طَالَ بِکَ اِغْتِرَارِی وَ دَامَ لِلشَّهَوَاتِ اِتِّبَاعِی فَأَنَا اَلْخَائِبُ إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِی وَ أَنَا اَلْهَالِکُ إِنْ لَمْ تَعْفُ عَنِّی فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اِغْفِرْ لِی وَ تَجَاوَزْ عَنْ سَیِّئَاتِی وَ أَعْطِنِی سُؤْلِی وَ اِکْفِنِی مَا أَهَمَّنِی وَ لاَ تَکِلْنِی إِلَی نَفْسِی فَتَعْجِزَ عَنِّی وَ أَنْقِذْنِی بِرَحْمَتِکَ مِنْ خَطَایَایَ وَ أَسْعِدْنِی بِسَعَهِ رَحْمَتِکَ سَیِّدِی

فَإِذَا أَرَادَ أَنْ یُصَلِّیَ اَلسِّتَّ اَلرَّکَعَاتِ اَلْبَاقِیَهَ فَلْیَقُمْ وَ لْیُصَلِّ رَکْعَتَیْنِ فَإِذَا سَلَّمَ بَعْدَهُمَا قَالَ : اَللَّهُمَّ أَنْتَ آنَسُ اَلْآنِسِینَ لِأَوِدَّائِکَ وَ أَحْضَرُهُمْ لِکِفَایَهِ اَلْمُتَوَکِّلِینَ عَلَیْکَ تُشَاهِدُهُمْ فِی ضَمَائِرِهِمْ وَ تَطَّلِعُ عَلَی سَرَائِرِهِمْ وَ تُحِیطُ بِمَبَالِغِ بَصَائِرِهِمْ وَ سِرِّی اَللَّهُمَّ مَکْشُوفٌ وَ أَنَا إِلَیْکَ مَلْهُوفٌ إِذَا أَوْحَشَتْنِی اَلْغُرْبَهُ آنَسَنِی ذِکْرُکَ وَ إِذَا کَثُرَتْ عَلَیَّ

راه برون رفتی قرار ده، و رزقی حلال و پاکیزه و گسترده به من عطا فرما، از هر آن چه که خواسته ای و هر جا (و هر زمان) و به هر کیفیتی که اراده فرموده ای، زیرا که به راستی چیزی تحقّق نمی یابد جز آن چه تو اراده فرمایی و هرجا (و هر زمان) و به همان گونه که تو بخواهی.

و در روایتی دیگر این قسمت اضافه شده است:

خدایا بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرست، معبودا به خویشتن خویش ستم کردم و زیاده رویم بر آن بسیار زیاد شده، و غرق شدنم در معصیت هایت طولانی گشته، و گناهانم متراکم شده است، و عیب هایم پشت به پشت هم داده اند، و مغرور شدنم نسبت به تو طولانی شده، و پیرویم از شهوت ها دوام و استمرار یافته است، و در نتیجه اگر تو بر من رحم نیاوری (از رستگاری) نومید و محرومم، و اگر تو مرا عفو نکنی هلاک شده ام، پس بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرست و مرا بیامرز و از بدی ها و گناهانم درگذر، و خواسته ام را به من عطا فرما، و نسبت به آن چه دغدغه من است مرا کفایت فرما، و (هرگز) به اندازه چشم برهم زدنی مرا به خویشتن خویش وا مگذار، زیرا که از کنترل من عاجز است، و با رحمتت مرا از لغزش ها و خطاهایم نجات بخش، و با رحمت گسترده ات - ای سرور و سالارم - مرا خوش بخت گردان.

ز. بعد از دو رکعت اوّل از شش رکعت آخر (رکعات سیزدهم و چهاردهم):

بار الها تو مأنوس ترین انس گیرندگان برای دوست دارانت هستی، و آماده ترین آنان برای کفایت امور توکّل کنندگان بر تویی، آنان را در پنهان ها و درونشان مشاهده می فرمایی، و بر باطن هایشان (کاملاً) اطلاع و اشراف داری، و به حد نهایی بصیرت و بینش آنان احاطه داری، و راز (و باطن) من - ای خداوند - بر تو (کاملاً) آشکار است، و من فقط به درگاه تو نالان و سوخته دلم، به گونه ای که هر گاه غربت مرا به احساس تنهایی می کشاند یاد تو مونسم می شود، و هرگاه دغدغه ها و اندوه هایم افزون گردد

ص: ۱۲۵

اَلْهُمُومُ لَجِأْتُ إِلَى اَلاِسْتِجَارَهِ بِکَ عِلْماً بِأَنَّ أَزِمَّهَ اَلْأُمُورِ بِیَدِکَ وَ مَصْدَرَهَا عَنْ قَضَائِکَ خَاضِعاً لِحُکْمِکَ اَللَّهُمَّ إِنْ عَمِیتُ عَنْ مَسْأَلَتِکَ أَوْ فَهِهْتُ عَنْهَا فَدُلَّنِی عَلَی مَصَالِحِی وَ خُذْ بِقَلْبِی إِلَی مَرَاشِدِی فَلَسْتُ بِبِدْعٍ مِنْ وَلاَیَتِکَ وَ لاَ بِوَتْرٍ مِنْ أَنَاتِکَ اَللَّهُمَّ إِنَّکَ أَمَرْتَ بِدُعَائِکَ وَ ضَمِنْتَ اَلْإِجَابَهَ لِعِبَادِکَ وَ لَنْ یَخِیبَ مَنْ فَزِعَ إِلَیْکَ بِرَغْبَهٍ وَ قَصَدَ إِلَیْکَ بِحَاجَهٍ وَ لَمْ تَرْجِعْ یَدٌ طَالِبَهٌ صِفْراً مِنْ عَطَائِکَ وَ لاَ خَالِیَهً مِنْ نِحَلِ هِبَاتِکَ وَ أَیُّ رَاحِلٍ أَمَّکَ فَلَمْ یَجِدْکَ أَوْ أَیُّ وَافِدٍ وَفَدَ إِلَیْکَ فَاقْتَطَعَتْهُ عَوَائِقُ اَلرَّدِّ دُونَکَ بَلْ أَیُّ مُسْتَجِیرٍ بِفَضْلِکَ لَمْ یَنَلْ مِنْ فَیْضِ جُودِکَ وَ أَیُّ مُسْتَنْبِطٍ لِمَزِیدِکَ أَکْدَی دُونَ اِسْتِمَاحَهِ عَطِیَّتِکَ اَللَّهُمَّ وَ قَدْ قَصَدْتُ إِلَیْکَ بِحَاجَتِی وَ قَرَعَتْ بَابَ فَضْلِکَ یَدُ مَسْأَلَتِی

وَ نَاجَاکَ بِخُشُوعِ اَلاِسْتِکَانَهِ قَلْبِی وَ عَلِمْتَ مَا یَحْدُثُ مِنْ طَلِبَتِی قَبْلَ أَنْ یَخْطُرَ بِبَالِی أَوْ یَقَعَ فِی صَدْرِی فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ صَلِّ اَللَّهُمَّ دُعَائِی بِإِجَابَتِکَ وَ اِشْفَعْ مَسْأَلَتِی إِیَّاکَ

به پناه جستن از درگاهت پناه می برم، زیرا می دانم که یقیناً زمام تمام امور به دست توست، و منشأ و خاستگاه آن ها از قضا و قدر توست و در برابر حکم و فرمانت خاضع و تسلیم است.

خداوندا اگر نسبت به درخواست از درگاهت کور شده ام یا زبانم از گفتن آن عاجز و درمانده شده، تو خود مرا به مصلحت هایم راهنمایی کن، و دلم را به سوی جایگاه های رشد و کمالم رهبری کن، زیرا من سوژه و موضوع جدیدی در قلمرو ولایت تو، و فردی منحصر به فرد نسبت به (استفاده از) صبر و بزرگواریت نیستم.

بار الها هر آینه تو مرا به دعا و نیایش (به درگاهت) فرمان دادی، و اجابت (خواسته) بندگانت را تضمین فرمودی(۱)، و هر که با تمام وجود و اشتیاقش به درگاه تو پناهنده شود و با نیازش به سوی تو روی آورد هرگز ناامید نمی گردد، و (هرگز) هیچ دست خواهنده ای خالی از عطایت و تهی از بخشش های رضایت مندانه ات برنگشته، و کدامین مسافر آهنگ سفر به سوی تو را کرد و تو را نزدیک نیافت؟ یا کدام وارد شونده (به آستانت) که پیش تو آمد و موانع ردّ (و عدم استجابت) او را از (رسیدن به) تو بازداشت (و راه را بر او بست)؟ (یا) بلکه کدامین پناه جوینده به فضل و رحمتت که از فیض جود و سخاوتت بهره مند نشد؟ و کدام جوینده افزایش آب نعمتت که از بخشش دلوهای لبریز عطاهایت کم بهره شد.

خدایا با نیاز و حاجتم حقیقتاً به سوی تو آمده ام، و دست گدایی و درخواستم درِ فضل و رحمت تو را کوبیده است، و دلم با خشوع درماندگی با تو به مناجات برخاسته، و تو قبل از این که خواسته ام به فکرم خطور کند یا در سینه ام راه یابد آن را می دانی، پس بر محمّد و آل پاکش درود و رحمت فرســت، و دعایم به درگاهت را با اجابتت قرین گردان - ای خدای مهربانم - و درخواستم از تو را با روا شدن حاجت هایم همراه کن

ص: ۱۲۷

۱- متن عربی این عبارت اشاره دارد به آیه: «و قالَ ربُّکم ادعُونی أستَجِب لکم» (سوره مبارکه غافر- آیه ۶۰)

بِنُجْحِ حَوَائِجِی یَا أَرْحَمَ اَلرَّاحِمِینَ وَ صَلَّی اَللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

ثُمَّ تُصَلِّی رَکْعَتَیْنِ وَ تَقُولُ بَعْدَهُمَا

یَا مَنْ أَرْجُوهُ لِکُلِّ خَیْرٍ وَ آمَنُ سَخَطَهُ عِنْدَ کُلِّ عَثْرَهٍ یَا مَنْ یُعْطِی اَلْکَثِیرَ بِالْقَلِیلِ یَا مَنْ أَعْطَی مَنْ سَأَلَهُ

تَحَنُّناً مِنْهُ وَ رَحْمَهً یَا مَنْ أَعْطَی مَنْ لَمْ یَسْأَلْهُ وَ لَمْ یَعْرِفْهُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِی بِمَسْأَلَتِی إِیَّاکَ جَمِیعَ سُؤْلِی مِنْ جَمِیعِ خَیْرِ اَلدُّنْیَا وَ اَلْآخِرَهِ فَإِنَّهُ غَیْرُ مَنْقُوصٍ مَا أَعْطَیْتَ وَ اِصْرِفْ عَنِّی شَرَّ اَلدُّنْیَا وَ اَلْآخِرَهِ یَا ذَا اَلْمَنِّ وَ لاَ یُمَنُّ عَلَیْهِ یَا ذَا اَلْجُودِ وَ اَلْمَنِّ وَ اَلطَّوْلِ وَ اَلنِّعَمِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِی سُؤْلِی وَ اِکْفِنِی جَمِیعَ اَلْمُهِمِّ مِنْ أَمْرِ اَلدُّنْیَا وَ اَلْآخِرَهِ

ثُمَّ تُصَلِّی رَکْعَتَیْنِ وَ تَقُولُ بَعْدَهُمَا

یَا ذَا اَلْمَنِّ لاَ مَنَّ عَلَیْکَ یَا ذَا اَلطَّوْلِ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ یَا أَمَانَ اَلْخَائِفِینَ وَ ظَهْرَ اَللاَّجِئِینَ وَ جَارَ اَلْمُسْتَجِیرِینَ إِنْ کَانَ فِی أُمِّ اَلْکِتَابِ عِنْدَکَ أَنِّی شَقِیٌّ مَحْرُومٌ أَوْ مُقْتَرٌ عَلَیَّ فِی رِزْقِی فَامْحُ مِنْ أُمِّ اَلْکِتَابِ شَقَائِی وَ حِرْمَانِی وَ إِقْتَارَ رِزْقِی وَ اُکْتُبْنِی عِنْدَکَ سَعِیداً مُوَفَّقاً لِلْخَیْرِ مُوَسَّعاً فِی رِزْقِی إِنَّکَ قُلْتَ فِی کِتَابِکَ اَلْمُنْزَلِ عَلَی نَبِیِّکَ

ص: ۱۲۸

ای مهربان ترین مهربانان، و بر محمّد و آل پاکش درود و رحمت فرست.

ح.و پس از دو رکعت سوّم و چهارم از شش رکعت آخر (رکعات پانزدهم و شانزدهم):

ای آنکه برای هر خیر و برکتی به او امید دارم، و در هنگام هر لغزشی از خشم و غضبش امان می طلبم، ای آن که به خاطر (اعمال) اندک (پاداش) فراوان عطا می کند، ای آن که به آن کس که از او درخواست کند از روی مهربانی و رحمتش می بخشد، ای آن که به کسی که از او درخواستی ندارد و (حتی) او را نمی شناسد از روی تفضّل و کرمش عطا می فرماید، بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرست و به سبب درخواستم از درگاهت تمام خواسته هایم نسبت به همه خیر دنیا و آخرت را به من عطا فرما، که به راستی آن چه تو عطا فرموده ای نقصان نمی یابد، و شرّ دنیا و آخرت را از من برطرف کن، ای صاحب نعمت (ومنتی) که هیچ کس بر تو منّتی ندارد(۱)، ای صاحب منت و جود و بخشش و نعمت ها بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرست، و درخواست هایم را به من عطا کن، و مرا نسبت به تمام آن چه که از امور دنیا و آخرت برایم مهم است (و دغدغه اش را دارم) کفایت فرما.

ط.بعد از دو رکعت پنجم و ششم از شش رکعت سوّم (رکعات هفدهم و هجدهم):

ای صاحب نعمت (ومنت که) هیچ منتی بر او نیست، ای صاحب لطف و بخشش (که) هیچ معبودی جز تو نیست، ای مایه امنیت بیم ناکان، و پشت و پناه پناهندگان، و پناه دهنده پناه جویان، اگر در اصل کتاب (لوح محفوظ) نزد تو من بدبخت یا محروم (از رستگاری و لطفت) یا تنگ روزی ثبت شده ام، پس از لوح محفوظ بدبختی و محرومیت و تنگی روزیم را پاک کن، و مرا نزد خودت خوشبخت و موفق در راه خیر و گشاده روزی (مقدّر و) ثبت کن، زیرا هر آینه تو در کتاب نازل شده ات بر پیامبر

۱- عبارات متن دعا تا اندازه زیادی شبیه به دعایی است که در تعقیبات نمازهای یومیه ماه رجب خوانده می شود.

اَلْمُرْسَلِ صَلَّى اَللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَمْحُوا اَللّهُ مٰا يَشٰاءُ وَ يُثْبِتُ وَ عِنْدَهُ أَمُّ اَلْكِتٰابِ وَ قُلْتَ رَحْمَتِى وَسِعَتْ كُلَّ شَىْءٍ

وَ أَنَا شَىْءٌ فَلْتَسَعْنِى رَحْمَتُكَ يَا أَرْحَمَ اَلرَّاحِمِينَ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ مُنَّ عَلَىَّ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ

وَ اَلتَّسْلِيمِ لِأَمْرِكَ وَ اَلرِّضَا بِقَدَرِكَ حَتَّى لاَ أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَ لاَ تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ يَا رَبَّ اَلْعَالَمِينَ .

۴.أدعيته عليه السلام فى سجده الشكر

۴۴_فى سجده الشكر بعد الفريضه

سأل سعد بن سعد الرضا عليه السلام عن سجده الشكر فقال:

أرى أصحابنا يسجدون بعد الفريضه سجده واحده ويقولون هى سجده الشكر

فقال عليه السلام : إنّما الشكر إذا أنعم اللّه تعالى على عبده [النعمه] أن يقول:

«سُبْحانَ الَّذى سَخَّرَ لَنا هذا وَما كُنّا لَهُ مُقْرِنينَ * وَاِنّا اِلى رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ»(۵۶) وَالْحَمْدُ للّه ِ رَبِّ الْعالَمينَ.

مرسلت – که درود و رحمت خداوند بر او و خاندان پاکش باد – فرموده ای: «خداوند هر آن چه را اراده کند پاک و (یا) ثبت می کند و اصل کتاب (لوح محفوظ) نزد اوست»(۱). و (نیز) فرموده ای: «و رحمت من هر چیزی را فرا گرفته است»(۲). و من (نیز) شیئی (از اشیاء) هستم، لذا رحمتت باید مرا نیز فرا گیرد ای مهربان ترین مهربانان، خداوندا بر محمّد و آل پاکش درود و رحمت فرست، و با (دادن روحیه) توکّل بر تو، و تسـلیم در برابر فرمانت و راضـی بودن به (قضا و) قـدرت بر من (تفضّل کن و) منت بگـذار، تـا جـایی که (هرگز) زود آمـدن آن چه به تـأخیر انـداخته ای، و (یـا) به تـأخیر افتـادن آن چه که جلو انداخته ای را دوست نداشته باشم، ای پروردگار و صاحب اختیار جهان ها و جهانیان.

۴– دعاهای حضرت علیه السلام در سجده شکر

دعای چهل وچهارم: دعای امام علیه السلام در سجده شکر بعد از نماز واجب

سعد بن سعد از امام رضا علیه السلام درباره سجده شکر سؤال کرد و گفت: من می بینم که یاران ما بعد از نماز واجب یک سجده به جا می آورند و می گویند: این سجده شکر است، حضرت علیه السلام فرمود: جز این نیست که شکر واقعی در حقیقت این است که هرگاه خداوند تعالی نعمت و احسان به بنده اش نصیب فرماید آن بنده بگوید:

«پاک و منزه است آن خدایی که این (نعمت) را در اختیار ما قرار داد (و مسخر ما گردانید) و (گرنه) مـا بر این کار قادر نبودیم، و قطعاً ما به سوی پروردگارمان باز می گردیم»(۳) و سپاس و ستایش برای خداوند است (که) پروردگار جهان ها و جهانیان (است)۴.

۱– سوره مبارکه رعد – آیه ۳۹

۲– متن عربی این عبارت در حقیقت آیات ۱۳ و ۱۴ سورهٔ مبارکهٔ زخرف است.

۳– سوره حمد، آیه ۲.

۴۵_دعاء آخر:

أدنى ما يجزى فيها من القول أن يُقال: شُكْرااللّه ِ، شُكْرا للّه ِ، ثلاث مرّات.

۴۶_دعاء آخر:

قل فى سجده الشكر مائه مرّه: شُكْرا شُكْرا، وإن شئت: عَفْوا عَفْوا.

۴۷_دعاء آخر:

فى خبر رجاء بن أبى الضحّاك: إنّ الرضا عليه السلام كان يسجد بعد الفراغ من تعقيب الظهر، يقول فيها مائه مرّه: شُكْرا للّه ِ وبعد الفراغ من تعقيب العصر سجده يقول فيها مائه مرّه: حَمْدا للّه ِ.

۵.أدعيته عليه السلام فى السفر والحجّ

۴۸_عند الخروج من المنزل

عن الرضا عليه السلام : قال: كان أبى عليه السلام إذا خرج من منزله قال: بِسْمِ اللّه ِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ، خَرَجْتُ بِحَوْلِ اللّه ِ وَقُوَّته، لا بِحَوْلٍ مِنّى وَلا قُوَّتى(۵۷)، بَلِ بِحولِكَ وَ قُوَّتِكَ يارَبِّ مُتَعَرِّضاً لِرزقِكَ فَاتِنِى بِهِ فِى عافِيَةٍ.

دعای چهل وپنجم: دعای دیگر در همین زمینه: (امام رضا علیه السـلام فرمودند:) کمترین چیزی که در گفتار برای شـکرگزاری کفایت می کند این است که سه بار گفته شود: شُکرًا لِلّهِ شُکرًا لِلّهِ (شکر و سپاس برای خداوند می گزارم، خداوند را شکر و سپاس می گویم)

دعای چهل وشـشم: دعای دیگر در همین مورد: (امام رضا علیه السـلام فرمودند:) در سـجده شکر صد مرتبه بگو: شُکرًا شُکرًا (شکر و سپاس می گزارم) و اگر خواستی (اضافه کن): عفوًا عفوًا (مرا ببخش، ببخش)

دعـای چهـل وهفتم: دعای دیگر در همین زمینه: رجاء بن أبی ضـحاک روایت کرده است که: امام رضا علیه السـلام پس ازِ فِراغت از تعقیبات نماز ظهر سجده کرده و در حال سجده صد مرتبه می فرمودند: شُکراً لِلّهِ(خداوند را شکر و سپاس می گزارم) و بعد از فراغـت از تعقیبات نماز عصر صد مرتبه در حال سجده می فرمودند: حمداً لِلّهِ (ستایش و سپاسم مخصوص خداوند است)

۵- دعاهای حضرت علیه السلام در سفر و حج

دعای چهل وهشتم: دعای امام علیه السلام هنگام خروج از منزل

از امام رضا علیه السلام روایت شـده کِه فِرمودند: پِدِر بزرگوِارم علیه السلام هرگاه که از منزل خارج می شدند می فرمودند: بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم

با استعانت از توان و قدرت الهی از منزل خارج ش_دم، نه با توان قدرتی از خودم، بلکه با نیرو وتوان و قدرت تو ای پروردگار و صاحب اختیارم؛ به قصد به دست آوردن رزق و روزی تو (بیرون آمدم) پس آن (رزق و روزی) را به همراه عافیت و سلامتی به من عطا فرما.

۴۹_دعاء آخر: بِسْمِ اللّه ِ، امَنْتُ بِاللّه ِ، تَوَکَّلْتُ عَلَى اللّه ِ، لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاّ بِاللّه.

۵۰_دعاء آخر: قال محمّد بن سنان: وكان الرضا عليه السلام يقول إذا خرج من منزله: بِسْمِ اللّه ِ خَرَجْتُ، وَبِسْمِ اللّه ِ وَلِجْتُ، وَ عَلَى اللّه ِ تَوَکَّلْتُ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاّ بِاللّه ِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ.

۵۱_عند ركوب الدابّه

قال عليه السلام : من قال إذا ركب الدابّه: بِسْمِ اللّه ِ، وَلا قُوَّةَ اِلاّ بِاللّه ِ، اَلْحَمْدُللّه ِ الَّذی سَخَّرَ لَنا هذا وَما کُنّا لَهُ مُقْرِنینَ.

حفظت له نفسه ودابّته حتّى ينزل.

۵۲_عند الركوب فى البرّ والبحر

فإن ركبت الظهر فقل: «اَلْحَمْدُ للّه الَّذی سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما کُنّا لَهُ مُقْرِنینَ * وَاِنّا اِلی رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ»(۵۸)

ص: ۱۳۴

دعای چهل ونهم: دعای دیگر در همین زمینه

به نـام خـدا، به خداونـد ایمان آوردم، (و) بر خداونـد تـ‍ـوکل کردم (که) هیـچ نیرو و توان و قـدرتی جز به واسـطه خـداوند (متعال) وجود ندارد.

دعای پنجاهم: دعای دیگر در همین مورد

محمد بن سنان گوید: امام رضا علیه السلام هرگاه از منزلشان خارج می شدند می فرمودند:

به نام خـدا (از منزل) خارج شدم، و به نام خدا داخل (در آن) می گردم، و فقط بر خداوند توکل نمودم، و هیچ توان و قدرتی جز به واسطه خداوند بلند مرتبه بسیار بزرگ وجود ندارد.

دعای پنجاه ویکم: دعای حضرت علیه السلام هنگام سوار شدن بر مَرکب

امام رضا علیه السلام فرمودند: هرکه هنگام سوار شدن بر چهارپایان بگوید:

«به نام خدا، و هیچ قدرتی جز به واسـطه خداوند وجود ندارد، سـتایش و س‍ـپاس برای خداوندی اس‍ـت که این (مرکب) را رام و مس‍ـخر مـا سـاخت (در اختیـار مـا قرار داد) در حـالی که خـود بر این کـار توانـا نبودیم»(۱) (در این صـورت) خـود و چهارپایش از گزند محفوظ می ماند تا این که از آن پایین بیاید.

دعای پنجاه ودوم: دعای امام علیه السلام هنگام سوار شدن در خشکی و دریا

(از امـام رضـا علیه السـلام نقـل ش‍ـده که فرمودنـد:) اگر (در خشـکی) بر پشت حیـوانی سـوار شـدی بگو: سـپاس و سـتایش مخصوص خداوندی است که این (مرکب) را رام و مسخر ما ساخت (و در اختیار ما قرار داد) در حالی که ما نسبت به این کار توانا نبودیم و به راستی که ما به سوی پروردگارمان باز می گردیم(۲).

ص: ۱۳۵

۱- عبارت «الحمدُ للهِ الَّذِی سَّخَّرَ لنا هذا و ما کُنّا له مُقرِنین» با تغییر آغاز آن، در واقع آیه ۱۳ سوره زخرف است.
۲- متن عربی این عبارت با تغییر کلمه ای در آغاز آن، از آیات ۱۳ و ۱۴ سوره زخرف گرفته شده است.

وإن ركبت البحر، فإذا صرت فی السفينه فقل:

«بِسْمِ اللّه ِ مَجْريها وَمُرْسيها اِنَّ رَبّی لَغَفُورٌ رَحيمٌ»(۵۹)

۵۳_عند الركوب برّا وبحرا

عن علیّ بن أسباط قال: قلت لأبی الحسن الرضا عليه السلام : جُعلت فداک ما تری آخذ؟ برّا أو بحرا؟ (إلی أن قال): اخرج برّاً، ولا عليک أن تأتی مسجد رسول اللّه، وتصلّی ركعتين فی غير وقت فريضه، ثمّ لتستخير اللّه مائه مرّه ومرّه ثمّ تنظر، فإن عزم اللّه لک علی البحر فقل الّذی قال اللّه عزّوجلّ:

«وَقالَ ارْكَبُوا فيها بِسْمِ اللّه ِ مَجْريها وَمُرْسيها اِنَّ رَبّی لَغَفُورٌ رَحيمٌ»

۵۴_عند هيجان الأمواج

فإذا هاجت عليک الأمواج فاتَّکِ علی يسارک وأوم إلی الموجه بيمينک وقل: قَرِّی بِقَرارِ اللّه ِ، وَاسْكُنی بِسَكينَهِ اللّه ِ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلاّ بِاللّه ِ الْعَلِیِّ الْعَظيمِ.

۵۵_دعاء آخر:

فإن اضطرب بک البحر(۶۰) فاتَّکِ علی جانبک الأيمن وقل:

و اگر در دریا سوار شدی، هنگامی که در کشتی قرار گرفتی بگو:

سیر و حرکت این کشتی و توقف و پهلوگرفتنش به نـام خـدا (و اراده او) است، به راستی که پروردگـار (و صاحب اختیار) من قطعاً بسیار آمرزنده (و) بسیار مهربان است(۱).

دعای پنجاه و سوم: دعای حضرت علیه السلام هنگام سوار شدن در خشکی و دریا

از علی بن اس_باط نقل ش_ده که: به امام ابی الحسن الرضا علیه السـلام عرض کردم: قربانت گردم نظرتان (در مورد سـفرم) چیست؟ آیا از راه خشکی بروم یا دریا؟ (حضـرت مطالبی گفتنـد تا این که فرمودند): از راه خشـکی برو، (و اگر می خواهی) اشـکالی نـدارد که به مسـجد رسول خـدا صلـ الله علیه و آل وسـلم رفته و در زمـانی غیر از وقت نمـاز واجب دو رکعت نمـاز بگزاری، سـپس صـد و یک بار از خداوند بخواهی که راه خیر را به تو نشان دهد، سـپس ببینی (و توجه کنی) که اگر خداوند عزم حرکت در دریا را به دلت انداخت (و از راه دریا رفتی) پس همان را بگو که خداوند عزّ و جلّ (در داسـتان حضـرت نوح علیه السلام و از زبان او) فرمود که:

و گفت س_وار بر آن (کش_تی) شوید (که) سیر و حرکت و توقف و پهلو گرفتنش به نام خدا (و به اراده او) است. براستی که پروردگار (و صاحب اختیار) من قطعاً بسیار آمرزنده (و) بسیار مهربان است(۲)

دعای پنجاه و چهارم: دعای امام علیه السلام هنگام تلاطم امواج

(از امام رضا علیه السـلام روایت ش_ده که فرمودند:) هرگاه (دریا متلاطم شد) و امواج آن بالا آمد برطرف چپت تکیه کن و با دست راسـتت به موج اشاره کرده و بگو: آرامشـی از سوی خداوند آرام بگیر، و با تسکینی از جانب او فروکش کن، و هیچ توان و قدرتی جز به واسطه خداوند بلند مرتبه بسیار بزرگ وجود ندارد.

دعای پنجاه وپنجم: دعای دیگر در همین زمینه

(از حضرت رضا علیه السلام نقل شده که فرمودند:) اگر دریا مضطرب و آشفته شد(۳) بر طرف راست تکیه کرده و بگو:

۱- عبارت «بِسمِ اللهِ مَجرَیها و مُرسَیهاـَ إن رِّ بی لغَفُورٌ رَحِیم» بخشی از آیه ۴۱ سوره مبارکه هود است

۲- عبارت عربی اخیر در متن اصلی، در حقیقت آیه ۴۱ سوره مبارکه هود است.

۳- از امـام رضـا علیه السـلام روایت ش___ده که فرمودنـد: و هنگـامی که نـوح علیه السـلام بر س___فینه س___وار ش___د، خداونـد عزّ و جـلّ به ایش___ان وحی فرمود که: ای نوح، اگر از غرق ش___دن ترس___یدی هزار بار کلمه تهلیل (لا إله الا الله) را بر زبـان جـاری کن... ولی نوح نتوانست هزار بار این تهلیل را بگویـد. لـذا با زبان سـریانی گفت: هیلولیاً الفًا یا ماریا، یا ماریا ایقن(هیلولیا هزار بار، ای ماریا، ای ماریا آرام گیر)

بِسْمِ اللّه ِ اسْكُنْ بِسَكينَهِ اللّه ِ ، وَقَرِّ بِوَقارِ اللّه ِ ، وَاهْدَءْ بِإِذْنِ اللّه ِ ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلاّ بِاللّه.

۵۶_عند وداع بیت اللّه الحرام

عن إبراهیم بن أبی محمود قال: رأیت الرضا علیه السلام ودّع البیت، فلمّا أراد أن یخرج من باب المسجد خرّ ساجدا، ثمّ قام فاستقبل القبله (۶۱) وقال:

اَللّهُمَّ اِنّی اَنْقَلِبُ عَلی اَنْ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ.

۵۷_دعاء آخر:

عن موسی بن سلام قال: اعتمر أبو الحسن الرضا علیه السلام فلمّا ودّع البیت وصار إلی باب الحنّاطین . إلی أن قال: فلمّا صار عند الباب قال:

اَللّهُمَّ اِنّی خَرَجْتُ عَلی اَنْ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ.

۶.أدعیته علیه السلام فیما یتعلّق بالزواج

۵۸_عند الزواج فی الخطبه

اَلْحَمْدُللّه ِ الَّذی حَمِدَ فِی الْكِتابِ نَفْسَهُ، وَافْتَتَحَ بِالْحَمْدِ كِتابَهُ

به نام خـدا، با آرامش‌ــی از جانب خداونـد آرام ش‌ــو، و به واس‌ــطه وقار و آرامش خداوند فروکش کن، و به اذن و فرمان خدا آرام بگیر (و ساکت شو)، و هیچ توان و قدرتی جز به واسطه خداوند وجود ندارد.

دعای پنجاه وششم: دعای حضرت علیه السلام هنگام وداع با خانه خدا

از ابراهیم بن ابی محمود روایت شده که: امام رضا علیه السـلام را دیدم که خانه خدا را وداع فرمودند، و هنگامی که خواستند از در مس‌ــجد خارج شوند به سـجده درافتادند، سـپس برخاسـتند و رو به سوی قبله نموده(1) فرمودند: خداوندا همانا من باز می گردم بر (اساس) این (عقیده) که هیچ معبودی به جز تو وجود ندارد.

دعای پنجاه وهفتم: دعای دیگر در همین زمینه

از موسـی بن سـلام روایت شـده که: امـام ابوالحسن الرضـا علیه السـلام عمره به جـا آوردنـد، و هنگامی که با خانه خـدا وداع فرموده، به طرف باب الحناطین (یکی از درهای مسجدالحرام) حرکت کردند ... _ تا این که گفت: هنگامی که حضرت به در رسیدند فرمودند:

خداوندا همانا من (از این جا) خارج شدم بر اس‌ــاس این (عقیده) که هیچ معبودی به جز تو وجود ندارد.

۶- دعاهای حضرت علیه السلام در اموری که به ازدواج مربوط است

دعای پنجاه وهشتم: دعای امام علیه السلام هنگام خواندن خطبه عقد

ستایش و سپاس مخصوص خداوندی است که خودش را در کتاب آسـمانی (قرآن) سـتوده است و کتاب خویش را با حمد و ثنا آغاز کرده

ص: ۱۳۹

۱- در نسخه ای دیگر آمده است: «فاستقبل الکعبه» به معنای: «رو به سوی کعبه نمود»

وَجَعَلَهُ اَوَّلَ مَحَلِّ نِعْمَتِه، وَاخِرَ جَزاءِ اَهْلِ طاعَتِه، وَصَلَّى اللّه ُعَلى مُحَمَّدٍ خَيْرِ بَرِيَّتِه، وَعَلى الِه اَئِمَّهِ الرَّحْمَهِ وَمَعادِنِ الْحِكْمَهِ.

وَالْحَمْدُللّه ِ الَّذى كانَ فِى نَبَأِهِ الصّادِقِ، وَكِتابِهِ النّاطِقِ اِنَّ مِنْ اَحَقِّ الْاَسْبابِ بِالصِّلَهِ وَاَوْلَى الْاُمُورِ بِالتَّقْدِمَهِ، سَبَبا اَوْجَبَ نَسَبا وَاَمْرا اَعْقَبَ حَسَبا، فَقالَ جَلَّ ثَناؤُهُ: «وَهُوَ الَّذى خَلَقَ مِنَ الْماءِ بَشَرا فَجَعَلَهُ نَسَبا وَصِهْرا وَكانَ رَبُّكَ قَديرا»(۶۲) وَقالَ جَلَّ ثَناؤُهُ: «وَاَنْكِحُوا الْاَيامى مِنْكُمْ وَالصّالِحينَ مِنْ عِبادِكُمْ وَاِمائِكُمْ اِنْ يَكُونُوا فُقَراءَ يُغْنِهِمُ اللّه ُمِنْ فَضْلِه وَاللّه ُواسِعٌ عَليمٌ»)۶۳)

وَلَوْ لَمْ تَكُنْ فِى الْمُناكَحِهِ وَالْمُصاهَرَهِ ايَهً مُحْكَمَهً مُنَزَّلَهً، وَلا سُنَّهً مُتَّبَعَهً، لَكانَ ما جَعَلَ اللّه ُفيها مِنْ بِرِّ الْقَريبِ، وَتَاَلُّفِ الْبَعيدِ ما رَغَبَ فيهِ الْعاقِلُ اللَّبيبُ، وَسارَعَ اِلَيْهِ الْمُوَفَّقُ الْمُصيبُ، فَاَوْلَى النّاسِ بِاللّه ِ مَنِ اتَّبَعَ اَمْرَهُ وَاَنْفَذَ حُكْمَهُ، وَاَمْضى قَضاءَهُ، وَرَجا جَزاءَهُ وَنَحْنُ نَسْاَلُ اللّهَ تَعالى اَنْ يَعْزِمَ لَنا وَلَكُمْ عَلى اَوْفَقِ الْاُمُورِ.

ثُمَّ اِنَّ «فُلانَ بْنَ فُلانٍ» مَنْ قَدْ عَرَفْتُمْ مُرُوءَتَهُ وَعَقْلَهُ وَصَلاحَهُ

و آن (حمـد و ثنا) را اولین جایگاه نعمتش و آخرین پاداش اهل طاعتش گردانـد، و درود و رحمت خداونـد بر محمـد بهترین مخلوقـاتش و بر خانـدان او بـاد که پیشوایان رحمت و معادن (و سرچشـمه های) حکمت خداینـد. و س_تایش و سپاس برای خداونـد اسـت کـه در خبر صـادق و کتـاب نـاطقش آمـد که به یقین یکی از س_زاوارترین ارتباطـات و پیونـدهایی که بـاید حرمتش پـاس داشـته شـود، و از شایسـته تریـن کارهـایی که بایـد جلـو انـداخته ش_ود، ارتبـاط و پیونـدی اس_ت که بـاعث خویش_اوندی است، و کاری که جاه و منزلتی در پی می آورد، و (در این زمینه) خداوند _ که مدح و ستایشش عظیم باد_ فرموده است: (وَ هُوَ الّذِی خَلَقَ مِنَ الْماءِ بشَرًا فجَعَلَهُ نسَبًا وَ صِهراً وَ کانَ رَبُّکَ قَدیراً)(۱)، (و او کسـی است که از آب (نطفه) بشـری را آفرید پس او را دارای رابطه نسبی و سببی گرداند و همواره پروردگار تو (بر هر چیز) بسیار تواناست) و آن ذاتی که مـدح و ستایشـش عظیم باد فرمود: (وَ أنْکِحُ___وا الأَیامَی مِنْکُمْ وَ َالصالِحِینَ مِنْ عِبادِکُمْ وَ إمائِکُ___مْ إنْ یَکُوُنوا فُقَراءَ یُغْنِهِمُ اللهُ مِنْ فَضلِهِ وَ اللهُ واسِعٌ عَلیمٌ)(۲) (و مردان و زنـان بی همسـرتان و نیز شایسـتگان و درسـتکاران از بین غلامـان و کنیزانتان را همسـر دهید، اگر فقیر و تنگدست باشـند خداوند آنان را از فضل خویش بی نیاز می سازد، و خداوند وسـعت بخش (و نعمت گستر و) بسـیار داناست)و (حتی) اگر درباره ازدواج و ارتباط سـببی آیه محکم و نازل شـده ای (از سوی خداونـد) و یا سـنت پیروی شـده ای (از پیـامبر اکرمصـل الله علیـه و آل وسـلم) وجـود نمی داشـت (بـاز هـم) قطعـاً آن برکـتی کـه خداونـد در آن (ازدواج) قرار داده، از قبیـل: احس_ان و نیکی به خویشاونـدان و آشـنایی و الفت بـا غریبه ها، نتیجه ارزشـمندی بود که انسان عاقل و خردمند را به آن کار (ازدواج) متمایل می س_اخت، و شـخص دارای توفیق و درسـتکار به سوی آن شـتاب می کرد، چرا که نزدیک ترین فرد به خداونـد کسـی است که امر او را پیروی کرده و حکمش را اجرا نماید، و قضا و قدر خدا را تحقق بخش_د، و جزا و پاداش او را امیـد داش_ته باشـد. و ما از خداوند تعالی می خواهیم که عزم و قصد ما و ش_ما را بر بهترین کارها استوار گرداند.

سپس (بدانید که) فلانی پسر فلانی کسی است که مردانگی و عقل و شایستگی

۱- سوره فرقان/ آیه ۵۴

۲- سوره نور/ آیه ۳۲

وَنِیَّتَهُ وَفَضْلَهُ، وَقَدْ اَحَبَّ شِرْکَتَکَمْ، وَخَطَبَ کَریمَتَکَمْ فُلانَهَ، وَبَذَلَ لَها مِنَ الصِّداقِ کَذا، فَشَفِّعُوا شافِعَکَمْ وَاَنْکِحُوا خاطِبَکَمْ، فی یُسْرٍ غَیْرَ عُسْرٍ، اَقُولُ قَوْلی هذا، وَاَسْتَغْفِرُ اللّهَ لی وَلَکُمْ.

۵۹_دعاء آخر:

اَلْحَمْدُللّه اِجْلالاً لِقُدْرَتِه، وَلا اِلهَ اِلاَّ اللّه خُضُوعا لِعِزَّتِه، وَصَلَّی اللّه عَلی مُحَمَّدٍ وَالِه عِنْدَ ذِکْره، اِنَّ اللّهَ «خَلَقَ مِنَ الْماءِ بَشَرا فَجَعَلَهُ نَسَبا وَصِهْرا وَکانَ رَبُّکَ قَدیرا.»(۶۴)

۶۰_دعاء آخر:

اَلْحَمْدُللّه مُتَمِّم النِّعَم بِرَحْمَتِه، وَالْهادی اِلی شُکْرِه بِمَنِّه، وَصَلَّی اللّه عَلی مُحَمَّدٍ خَیْرِ خَلْقِهِ، الَّذی جَمَعَ فیهِ مِنَ الْفَضْلِ ما فَرَّقَهُ فِی الرُّسُلِ قَبْلَهُ، وَجَعَلَ تُراثَهُ اِلی مَنْ خَصَّهُ بِخِلافَتِه وَسَلَّمَ تَسْلیما.

ص: ۱۴۲

و نیت و فضیلتش را دانس ته اید (و ش_ناخت قبلی از او دارید) و او ش_ریک ش_دن (خویشاوندی) با خانواده ش_ما را دوست داش_ته، و دختر با کرامت شما فلان خانم را خواستگاری نموده و فلان مقدار را به عنوان مهریه به او بذل نموده (تعیین کرده) اس_ت. پس وساطت و میانجی گری واسطه خود را بپذیرید و دخترتان را با آسانی و بدون سختی به عقد خواستگارتان درآورید. این سخنم را می گویم (و در اینجا به پایان می رسانم) و برای خودم و شما از خداوند آمرزش می خواهم.

دعای پنجاه ونهم: دعای دیگر در همین زمینه

ستایش و سپاس مخصوص خداوند اس_ت به جهت بزرگداشت توان و قدرتش، و هیچ معبودی جز خداوند نیست به جهت خاضع شدن در برابر عزت و شکست ناپذیریش، و درود و رحمت خداوند بر محمد و خاندان پاکش باد هنگامی که یادش به میان می آید، به راستی که خداوند از آب (نطفه) بشری آفرید و او را دارای رابطه نسبی و سببی گرداند و همواره پروردگارت (بر همه چیز) بسیار تواناست(۱).

دعای شصتم: دعای دیگر در همین زمینه

سپاس و ستایش مخصوص خداوند اس_ت، خداوندی که با رحمتش نعمت ها را کامل می کند و (انسان را) با فضل و احسانش به سپاس و شکرگزاری هدایت می فرماید، و درود و رحمت خداوند بر محمد باد که بهترین مخلوق اوست، (و) کسی که از فضایل و کمالات هر آن چه که در بین پیامبران پیش از او پراکنده ساخته بود را یکجا در وجود مبارکش جمع نمود، و میراث (فضل و کمال) او را به آن کس که به خلافتش اختصاص داد منتقل کرد، و سلام و درود خدا بر او باد.

۱- عبارت «خَلَقَ مِنَ الْماءِ بشَ_راً فَجَعَلَهُ نسَ_باً وَ صِهْراً وَ کانَ رَبُّکَ قدِیراً» قس_متی از آیه ۵۴ سوره مبارکه فرقان است.

أدعيته عليه السلام لنفسه، و للآخرين أو عليهم

أدعيته عليه السلام فيمن دعا لهم

۶۱_لإخوته

اَللّهُمَّ اِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنّى اُحِبُّ صَـِلاحَهُمْ، وَاَنّى بارٌّ بِهِمْ، واصِلٌ لَهُمْ، رَفيقٌ عَلَيْهِمْ، اَعِنّى(۶۵) بِاُمُورِهِمْ لَيْلاً وَنَهارا، فَاَجْزِنى بِهِ خَيْرا، وَاِنْ كُنْتُ عَلى غَيْرِ ذلِكَ . فَاَنْتَ عَلاّمُ الْغُيُوبِ. فَاَجْزِنى بِهِ ما اَنَا اَهْلُهُ، اِنْ كانَ شَرّا فَشَرّا، وَاِنْ كانَ خَيْرا فَخَيْرا.

اَللّهُمَّ اَصْلِحْهُمْ، وَاَصْلِحْ لَهُمْ، وَاَخْسِئ عَنّا وَعَنْهُمْ شَرَّ الشَّيْطانِ وَاَعِنْهُمْ عَلى طاعَتِكَ، وَ وَفِّقْهُمْ لِرُشْدِكَ.

۶۲_لولده المهدى عليه السلام

اَللّهُمَّ (صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَ)ادْفَعْ عَنْ وَلِيِّكَ وَخَليفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلى خَلْقِكَ، وَلِسانِكَ الْمُعَبِّرِ عَنْكَ بِاِذْنِكَ،

بخش پنجم: دعاهای حضرت علیه السلام برای خودش و برای دیگران

اشاره

دعاهای حضرت علیه السلام در مورد کسانی که برایشان دعا فرموده است

دعای شصت ویکم: دعای حضرت علیه السلام برای برادرانش

خداوندا اگر می دانی که به راستی من صلاح و مصلحت آنان را دوست دارم (و می خواهم) و من نسبت به آنان نیکوکار و احسان کننده ام، (و) بر آنان مهربان هستم مرا نسبت به (انجام و مساعدت در) کارهای آنان یاری فرما(۱)، و به واسطه آن (خدمت) به من پاداش خیر بده. و اگر (نسبت به آنان) در حالت و وضعیتی غیر آن هستم ـ که تو نسبت به امور پنهان بسیار دانایی(۲) ـ پس جزای مرا آن چنان که شایسته آنم بده، (یعنی) اگر کارم شر و بد بود جزای شر، و اگر خیر و نیک بود جزای خیرعنایت کن.

بارخدایا آنان را اصلاح فرموده و کارشان را سر و سامان بده، و شر و بدی شیطان را از آنان دور کن، و آنان را بر طاعتت یاری فرما، و در راه هدایتت موفق بدار.

دعای شصت ودوم: دعای حضرت علیه السلام برای فرزندش حضرت مهدی علیه السلام

بارخدایـا بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست و از ولی و خلیفه ات و حجت بر بندگانت و زبان گویایت که به فرمان و اجازه ات از سـوی تو حقایـق را بیان می کند،

۱- در متن عربی دعا واژه «أعِّنی» آمده اسـت، اما به نظر می رسـد وجود فاء جزاء قبل از آن ضروری است، زیرا این فعل انشـائی در جواب شـرط واقع شده است. امّا احتمال قوی تر آناست که این کلمه «اعتَنی» باشد، و در این صورت عبارت «فَاجْزِنی» جواب شـرط و ترجمه به این شـکل خواهد بود:«... و نسبت به کارهایشان اهتمام می ورزم و در این صورت ...» (مترجم)

۲- عبارت «أنت علّام الغیوب» در متن دعا قسمتی از آیات ۱۰۹ سوره مبارکه مائده است.

النّاطِقِ بِحِكْمَتِکَ وَعَيْنِکَ النّاظِرَهِ فی بَرِيَّتِکَ، وَالشّاهِدِ(۶۶) عَلی عِبادِکَ، الْجَحْجاحِ الْمُجاهِدِ (الْمُجْتَهِدِ، عَبْدِکَ الْعائِذِ بِکَ) (۶۷) (اَللّهُمَّ) وَاَعِذْهُ مِنْ شَرِّ (جَميعِ) ما خَلَقْتَ (وَذَرَأْتَ) وَبَرَأْتَ، وَاَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ.

وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمينِهِ وَعَنْ شِمالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِکَ الَّذی لا يَضيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ فيهِ رَسُولَکَ (وَوَصِیَّ رَسُولِکَ) وَاباءَهُ، اَئِمَّتَکَ وَدَعائِمَ دينِکَ (صَلَواتُکَ عَلَيْهِمْ اَجْمَعينَ) وَاجْعَلْهُ فی وَديعَتِکَ الَّتی لا تَضيعُ وَفی جِوارِکَ الَّذی لا يُخْفَرُ، وَفی مَنْعِکَ وَعِزِّکَ الَّذی لا يُقْهَرُ.

(اَللّهُمَّ) وَامِنْهُ بِاَمانِکَ الْوَثيقِ الَّذی لايُخْذَلُ مَنْ امَنْتَهُ بِهِ، وَاجْعَلْهُ فی کَنَفِکَ الَّذی لا يُضامُ(۶۸) مَنْ کانَ فيهِ، وَانْصُرْهُ بِنَصْرِکَ الْعَزيزِ وَاَيِّدْهُ بِجُنْدِکَ الْغالِبِ، وَقَوِّهِ بِقُوَّتِکَ، وَاَرْدِفْهُ بِمَلائِکَتِکَ.

(اَللّهُمَّ) والِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ، وَاَلْبِسْهُ دِرْعَکَ

(و) به حکمت تو سخن می راند و چشم بینایت در میان خلایقت، و شاهد و گواه(۱)

بر بندگانت، سرور بزرگوار و مجاهد (و کوشا، و بنده پناه آورنده به تو)(۲)

هر گونه بلا و گزندی را دفع فرما.

(خـداون_دا) و او را از ش__ر (تمـام) آن چه آفریـدی (و خلق کردی) و پدیـد آوردی و ایجاد کردی و صورت بخشـیدی در امان بدار،

و او را از پیش رو و از پشت سـرش و از طرف راست و چپش و از بالای سـر و پایین محافظت فرما، با حفاظتت که هر که را با آن حفـظ نمـودی ضـایع و تبـاه نمی شـود، و در وجـود مبـارک او (بـا حفـاظت کردن از وجود مبـارکش) پیـامبرت (و وصـی پیامبرت) و پدرانش را که پیشوایان تو و سـتون های دین تو هسـتند _ درود و رحمت تو بر همه آنان بادـ_ حفظ بفرما، و او را در امان و زنهار خویش که ضایع و تباه نگردد قرار بده و در پناه خودت که (هرگز) نمی شکند (بگیر)

و در (س_ایه) حمـایت و دفـاعت و (پنـاه) عزت (و شـکس_ت ناپـذیری_ت) که (هرگز) مقهـور نمی شود (و شـکست نمی خورد) قرار بده.

(خداونـدا) او را با امان و نگاهبانی مس_تحکمت که هرکه را به وس_یله آن در امان داشتی تنها نمانده (و مغلوب نمی شود) امنیت ببخش، و او را در کنف حمایت خود که هرکه در آن است (هرگز) مورد ستم واقع نشود(۳) قرار بده،

و بـا یـاری قدرتمنـد و مستحکمت یـاری فرمـا، و بـا سپاه پیروزمنـدت تأییـد و تقویت کن و بـا قـدرتت او را نیرومنـد ساز، و فرشتگانت را پی درپی در رکاب او و همراهش گردان.

(بارخـدایا) هرکـه او را دوسـت می دارد دوسـت بـدار و هرکـه او را دشــمن می دارد دشـمن بـدار، و زره مسـتحکم (و نفـوذ ناپذیرت) را

۱- در نس___خه ای دیگر به جـای کلمه «الش___اهـد» در متن دعـا، کلمه «ش___اهـدُکَ» آمـده است که در این صورت به معنای «شاهد و گواه تو» خواهد بود.

۲- در نس___خه ای دیگر متن عربی به این صورت آمـده: «العائـذ بکَ عنـدَک» که به معنای «پناه آوردنده به تو نزد خودت» می باشد.

۳- درنسخه ای دیگر به جای کلمه «لایُضام» در متن دعا، واژه «لا یُرام» آمده است، به معنای «اراده نمی شود».

الْحَصينَهَ وَحُفَّهُ بِمَلائِکَتِکَ(۶۹) حَفّا، اَللّهُمَّ وَبَلِّغْهُ اَفْضَلَ ما بَلَّغْتَ الْقائِمینَ بِقِسْطِکَ مِنْ اَتْباعِ النَّبِیّینَ.

اَللّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ، وَارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ وَاَمِتْ بِهِ الْجَورَ، وَاَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَزَیِّنْ بِطُولِ بَقائِهِ الْاَرْضَ،

وَاَیِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَانْصُرْهُ بِالرُّعْبِ (وَافْتَحْ لَهُ فَتْحا یَسیرا، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْکَ عَلی عَدُوِّکَ وَعَدُوِّه سُلْطانا نَصیرا).

اَللّهُمَّ اجْعَلْهُ الْقائِمَ الْمُنْتَظَرَ، وَالْاِمامَ الَّذی بِه تَنْتَصِرُ، وَاَیِّدْهُ بِنَصْرٍ عَزیزٍ، وَفَتْحٍ قَریبٍ، وَوَرِّثْهُ مَشارِقَ الْاَرْضِ وَمَغارِبَهَا اللّاتی بارَکْتَ فیها، وَاَحْیِ بِه سُنَّهَ نَبِیِّکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَالِه، حَتّی لا یَسْتَخْفِیَ بِشَیْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخافَهَ اَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ، وَقَوِّ ناصِرَهُ(۷۰)وَاخْذُلْ خاذِلَهُ(۷۱) وَدَمْدِمْ عَلی مَنْ نَصَبَ لَهُ، وَدَمِّرْ عَلی مَنْ غَشَّهُ.

(اَللّهُمَّ) وَاقْتُلْ بِه جَبابِرَهَ الْکُفْرِ، وَعُمَدَهُ وَدَعائِمَهُ (وَالْقُوّامَ بِه) وَاقْصِمْ بِه رُؤُوسَ الضَّلالَهِ، وَشارِعَهَ الْبِدْعَهِ، وَمُمیتَهَ السُّنَّهِ، وَمُقَوِّیَهَ الْباطِلِ، وَاَذْلِلْ بِهِ الْجَبّارینَ، وَاَبِرْ بِهِ الْکافِرینَ (وَالْمُنافِقینَ) وَجَمیعَ الْمُلْحِدینَ (حَیْثُ کانُوا وَاَیْنَ کانُوا) مِنْ مَشارِقِ

بر پیکرش بپوشان و وجود مبارکش را با فرشتگانت کاملا احاطه بفرما(۱). خداوندا او را به برترین درجه و مرتبه ای که برپا کنندگان قسط و عدل از پیروان پیامبران را به آن رساندی برسان.

بارالها شکاف و تفرقه را به واسطه وجود مبارکش(برطرف ساخته و) به وحدت و جماعت تبدیل کن، و پراکندگی وجدایی را به واسطه او پیوند بده، و ستم را به وسیله او بمیران (و نابود کن)، و عدل و داد را به وسیله او آشکار گردان، و با طولانی بودن بقای وجود مبارکش زمین را زینت بخش، و او را با یاری خود تأیید فرما، و با هراس انداختن (در دل دشمنانش) یاری کن (و فتحی آسان برایش مقدر فرما، و از پیشگاه خودت غلبه و قدرتی پیروزمندانه و یاری کننده بر دشمنانت و دشمنانش نصیبش گردان) (۲) بارخدایا او را همان برپا کننده عدلی که جهانیان انتظار وجود مبارکش را می کشند بگردان، و آن امامی که به واسطه او برای برپایی دینت یاری می جویی (و غلبه می کنی)، و او را با نصرتی پیروزمندانه و فتح و گشایشی سریع و فوری تأیید و تقویت فرما، و او را وارث سرزمین های مشرق و مغرب زمین که به آن ها برکت دادی بگردان(۳)، و آیین و سنت پیامبرت ــ که درود و رحمت تو بر او و خاندان پاکش باد ــ را به وسیله او احیا کن تا آنجا که به خاطر ترس از هیچ یک از آفریدگانت چیزی از حق را مخفی نسازد، و یاورش را تقویت فرموده، و تنها گذارنده و خوار کننده او را تنها و بی یاور بگذار(۴)، و خشم و عذابت را بر کسی که با او به دشمنی برخیزد فرو بار، و هر کس را که قصد فریب او دارد هلاک کن.

(خداوندا) به واسطه او زورگویان (جهان) کفر و ارکان و ستون های آن (و کسانی را که باعث برپایی کفرند) را نابود فرما، و سران ضلالت و گمراهی و بدعت گذاران (در دین) و از بین برندگان آیین و سنت (پیامبر و اهل بیتش (صلوات الله علیهم اجمعین) و تقویت کنندگان باطل را به وسیله او درهم شکن، و جباران و زورگویان را خوار و ذلیل گردان، و به واسطه او کافران (و منافقان) و همه ملحدان را نابود فرما (به هر کیفیت و در هر کجا که

ص: ۱۴۹

۱- در نسخه دیگر در متن اصلی به جای «بملائِکَتک» واژه «بالملائکَه» آمده است به معنای «با فرشتگان»

۲- عبارت «واجعل له من لدُنک علی عَدُوّک و عَدُوِه سلطاناَ نصیراً» در متن اصلی دعا، یادآور عبارت قرآنی(وَ اجْعَلْ لِی مِنْ لَدُنکَ سُلْطاناً نصِیراً) (آیه ۸۰ سوره اسراء) است.

۳- عبارت «و وَرَّثه مَشارِقَ الاَرض و مَغاربها اللّاتی بارکتَ فیها» اشاره دارد به آیه ۱۳۷ سوره مبارکه أعراف: (وَ أَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِینَ کَانُوا یسْتَضْعَفُونَ مَشارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغارِبهَا الَّتِی بارَکْنا فیها)

۴- در نسخه دیگری به جای واژهه ای «ناصِرَه» و «خاذِله» کلمات«ناصِریه» و «خاذِلیه»آمده است که فقط به لحاظ جمع بودن با کلمات قبلی متفاوتند.

الْاَرْضِ وَمَغارِبِها وَبَرِّها وَبَحْرِها وَسَهْلِها وَجَبَلِها، حَتّى لاتَدَعَ مِنْهُمْ دَيّارا وَلا تُبْقِى لَهُمْ اثارا، اَللّهُمَّ وَطَهِّرْ مِنْهُمْ بِلادَکَ، وَاشْفِ مِنْهُمْ عِبادَکَ وَاَعِزَّ بِهِ الْمُؤْمِنينَ، وَاَحْیِ بِه سُنَنَ الْمُرْسَلينَ، وَدارِسَ حِکَمِ النَّبِيّينَ، وَجَدِّدْ بِه ما مُحِیَ(۷۲) مِنْ دينِکَ، وَبُدِّلَ مِنْ حُکْمِکَ، حَتّى تُعيدَ دينَکَ بِه وَعَلى يَدَيْهِ غَضّا جَديدا صَحيحا مَحْضا، لا عِوَجَ فيهِ، وَلا بِدْعَهَ مَعَهُ، حَتّى تُنيرَ بِعَدْلِه ظُلَمَ الْجَوْرِ، وَتُطْفِئَ بِه نيرانَ الْکُفْرِ وَتُظْهِرَ(۷۳) بِه مَعاقِدَ الْحَقِّ، وَمَجْهُولَ الْعَدْلِ (وَتُوضِحَ بِه مُشْکِلاتِ الْحُکْمِ)

(اَللّهُمَّ) فَاِنَّهُ عَبْدُکَ الَّذِى اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِکَ، وَاصْطَفَيْتَهُ مِنْ خَلْقِکَ، وَاصْطَفَيْتَهُ عَلى عِبادِکَ، وَائْتَمَنْتَهُ عَلى غَيْبِکَ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرِّجْسِ (وَصَرَّفْتَهُ عَنِ الدَّنَسِ) وَسَلَّمْتَهُ مِنَ الرَّيْبِ(۷۴).

اَللّهُمَّ فَاِنّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيامَهِ، وَيَوْمَ حُلُولِ الطّامَّهِ، اَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ ذَنْبا وَلَمْ يَاْتِ(۷۵) حَوْبا، وَلَمْ يَرْتَکِبْ (لَکَ) مَعْصِيَهً، وَلَمْ

باشند) چه در سرزمین های مشرق زمین و چه در سرزمین های مغرب آن و چه در دریا و چه در خشکی و چه در دشت ها و یا کوه هایش باشند، تا این که هیچ یک از آنان را زنده، و هیچ آثاری از آنان به جا نگذاری.

خداون_دا و (همچنین) س_رزمین های خود را از (لوث) وجودش_ان پاک ک_ن، و (قلب) بندگانت را نسبت به آنان (با نابودی آنان) شفا بده (و مرهم بنه)، و به واس_طه وجود مبارک حضرتش مؤمنان را عزت بخش، و آیین ها و س_نت های پیامبران و حکمت های رو به زوال آنان را زنده گردان، و آنچه از دینت محو و زایل ش_ده(۱)

و آنچه از احکامت دگرگون شده را به وسیله حضرتش تجدید حیات و تازه کن، تا این که به یمن وجودش و با دستان مبارکش دینت را به شکلی شاداب و نو و درست (و کامل) و خالص بازگردانی، به گونه ای که هیچ کجی و ناراستی در آن، و یا بدعتی همراه آن نباشد، تا این که با عدلش تاریکی های جور و ستم را روشن نموده (و برطرف س_ازی) و آتش (فتنه)های کفر را به وسیله او خاموش نمایی، و پیچیدگی ها و گره های حق و عدل پنهان که ناشناس مانده را به یمن وجودش ظاهر س_ازی(۲) (و سختی ها و مشکلات حکومت و فرمانروایی را به وسیله اش واضح گردانی).

(بارخـدایا) بـه راستی کـه او بنـده (حقیقی) تـوست کـه او را بـه طـور خـالص بـه خـودت مختص گردان_دی، و او را از بین آفریدگانت برگزیدی، و بر بندگانت (برتری دادی و) برگزیدی، واو را بر (خزانه) غیبت امین گرداندی (و دانستی)، و از گناهان مصون و محفوظ داشتی، و او را از نقایص و عیوب مبرّا نمودی، و از آلودگی و پلیدی پاک کردی (و از ناپاکی و نجاست دور داشتی) و از شک و تردید سالم گرداندی(۳)

بارخدایا قطعا ما در روز قیامت و روز واقع شدن حادثه بزرگ و فراگیر به نفع او شهادت خواهیم داد که او هیچ گناهی نکرد و هیچ جرمی از او سر نزد(۴)، و هیچ معصیت و مخالفتی (نسبت به اوامر و نواهی تو) مرتکب نشد،

ص: ۱۵۱

۱- در نسخه ای دیگر به جای «ما مُحِیَ» عبارت «ما امتَحَی» آمده که تفاوت چندانی از لحاظ معنی ندارد.

۲- درنسخه ای دیگر به جای فعل «تُظهِرُ» فعل «تُوضِحُ» آمده است به معنای «واضح گردانی»

۳- در نسخه ای دیگر به جای کلمه « الرَّیب» در متن اصلی دعا از واژه « الدَّنَس» استفاده شده، به معنای «پلیدی».

۴- در متن عربی دعا در نس___خه ای دیگر به جای «ولَم یَأتِ» از «و لاـ أتَی» اس___تفاده ش___ده که تفاوتی با معنای عبارت قبلی ندارد.

يُضَيِّعْ لَكَ طاعَةً وَلَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً، وَلَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَريضَةً، وَلَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَريعَةً وَاَنَّهُ الْامامُ الْهادِى الْمَهْدِىُّ(۷۶) الطّاهِرُ الْوَفِىُّ(۷۷) الرَّضِىُّ الزَّكِىُّ.

اَللّهُمَّ (فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلى ابائِه، وَ)اَعْطِه فى نَفْسِه، وَوَلَدِه وَاَهْلِه وَذُرِّيَّتِه وَاُمَّتِه وَجَميعِ رَعِيَّتِه، ما تُقِرُّ بِه عَيْنَهُ، وَتَسُرُّ بِه نَفْسَهُ وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكَ الْمُمْلَكاتِ كُلِّها، قَريبِها وَبَعيدِها، وَعَزيزِها، وَذَليلِها حَتّى تُجْرِىَ حُكْمَهُ عَلى كُلِّ حُكْمٍ، وَتَغْلِبَ بِحَقِّه (عَلى) كُلِّ باطِلٍ.

اَللّهُمَّ (وَ) اسْلُكْ بِنا عَلى يَدَيْهِ مِنْهاجَ الْهُدى، وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمى وَالطَّريقَةَ الْوُسْطى، الَّتى يَرْجِعُ اِلَيْهَا الْغالى، وَيَلْحَقُ بِهَا التّالى. اَللّهُمَّ وَقَوِّنا عَلى طاعَتِه، وَثَبِّتْنا عَلى مُشايَعَتِه، وَامْنُنْ عَلَيْنا بِمُتابَعَتِه وَاجْعَلْنا فى حِزْبِهِ، الْقَوّامينَ بِاَمْرِهِ، الصّابِرينَ مَعَهُ، الطّالِبينَ رِضاكَ بِمُناصَحَتِه، حَتّى تَحْشُرَنا يَوْمَ الْقِيامَهِ فى اَنْصارِه وَاَعْوانِه وَمُقَوِّيَهِ سُلْطانِه.

اَللّهُمَّ (صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ) وَاجْعَلْ ذلِكَ (كُلَّهُ لَنا مِنّا لَكَ)(۷۸) خالِصا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَهٍ وَرِياءٍ وَسُمْعَهٍ، حَتّى لا نَعْتَمِدَ بِه غَيْرَكَ،

و هیچ مورد طاعت و فرمان برداری نسبت به ذات مقدست را ضایع نکرده و تباه نساخت، و هیچ حریمی را نس_بت تو هتک نکرده و بی توجهی ننموده و هیچ واجبی (از واجبات) را دگرگون نکرد.و هیچ موردی از شریعت و احکام تو را تغییر نداد. و (شهادت می دهیم) که به راستی او امام و رهبر هدایت گر، هدایت شده(۱)، پاک، وفا کننده (به عهد)(۲) پسندیده و پاک سرشت است.

خداون_دا (پ_س بر او و بر پدران بزرگوارش درود و رحمت فرس_ت، و) در باره خودش، وفرزندانش، و خانواده اش، و نسلش، و امت و تمام رعیتش چیزی (و خیر و برکتی) عطا فرما که به وسیله آن چشمش را روش_ن نمایی و جان (و باطن شریفش) او را به آن شاد و مس_رور س_ازی، و فرمانروایی تمام ممالک، چه نزدیک وچه دور، و چه عزیز و قوی و چه ضعیف و ذلیل را تحت سیطره او گرد آوری، تا اینکه حکم و دستورش را بر هر حکم دستوری غالب و نافذ گردانی، و به واسطه سخن (و برهان) حقش (بر) هر باطلی غلبه کنی.(۳)خداوندا (و) با دستان مبارکش ما را در راه روش_ن هدایت و شاهراه بزرگتر سعادت و راه روشن معتدل تر حرکت بده، راه و روشی که هر انسان غلوکننده و افراطی (در نهایت) به سوی آن باز می شود، و هر فرد عقب مانده (و کوتاهی کننده) ای (نهایتاً) به آن می پیوندد.

بارخدای_ا و (همچنین) ما را بر اطاع_ت و فرمانبرداری او نیرومند گردان، و بر پیروی او ثاب_ت قدم و اس_توار فرما، و تبعیت از حضرتش را به ما تفضل کن، و ما را در حزب و جماعت یاران او که دستور او را به اجرا گذاشته و به همراه حضرتش استقامت ورزیده و با خیرخواهی (و یاری) نس_بت به او (و حکومتش) خش_نودی تو را می طلبند قرار بده، ت_ا اینکه در روز قیامت ما را در زمره یاران و مددکنندگان و تقویت کنندگان سلطه و حکومتش محشور گردانی.

بارخدایا (بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست) و تمام (این موارد (و کارها) را به نفع ما و از جانب ما و فقط برای تو(۴)) قرار بده به گونه ای که از هر ش_ک و ش_بهه و ریا و سمعه ای به دور باشد، تا اینکه به واسطه این کار بر غیر تو تکیه و اعتماد نکنیم

۱- در نسخه دیگر به جای «المهدِیّ» از واژه «المهتدِی» استفاده شده که به همان معناست.

۲- در نس_خه ای دیگ_ر به جای واژه «ال_وفِیّ» در متن اصلی، از دو واژه «التقِیّ النقِیّ» اس_تفاده ش_ده به معنای «تقواپیشه و پاکیزه»

۳- در مت_ن عرب_ی این عبارت آوردن «علی» به فصاحت کلام لطمه می زند، زی_را فعل «تغلب» در زبان عربی متعدی بنفسه است و نیازی به «علی» ندارد.(مترجم)

۴- در روایت دوم در متن اصلی دعا به جای عبارت «منّا لک» عبارت «منّا لنا» آمده اس_ت، به معنای «از جانب ما برای ما».

وَلا نَطْلُبَ بِه اِلاّ وَجْهَکَ، وَحَتّی تُحِلَّنا مَحِلَّهُ، وَتَجْعَلَنا فِی الْجَنَّهِ مَعَهُ (وَلا تَبْتَلِنا فی اَمْرِه بِالسَّأْمَهِ)(۷۹) وَالْکَسَلِ وَالْفَتْرَهِ (وَالْفَشَلِ)، وَاجْعَلْنا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِه لِدینِکَ، وَتُعِزُّ بِه نَصْرَ وَلِیِّکَ، وَلا تَسْتَبْدِلْ بِنا غَیْرَنا، فَاِنَّ اسْتِبْدالَکَ بِنا غَیْرَنا عَلَیْکَ یَسیرٌ، وَهُوَ عَلَیْنا عَسیرٌ(۸۰) (اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ).

اَللّهُمَّ (وَ) صَلِّ عَلی وُلاهِ عَهْدِه(۸۱) وَبَلِّغْهُمْ امالَهُمْ، وَزِدْ فی اجالِهِمْ، وَانْصُرْهُمْ(۸۲) وَتَمِّمْ لَهُمْ ما اَسْنَدْتَ اِلَیْهِمْ مِنْ (اَمْرِ دینِکَ) (۸۳) وَاجْعَلْنا لَهُمْ اَعْوانا وَعَلی دینِکَ اَنْصارا (وَصَلِّ عَلی ابائِهِ الطّاهِرینَ الْاَئِمَّهِ الرّاشِدینَ، اَللّهُمَّ) فَاِنَّهُمْ مَعادِنُ کَلِماتِکَ (وَخُزّانُ عِلْمِکَ)(۸۴) وَوُلاهُ اَمْرِکَ، وَخالِصَتُکَ مِنْ عِبادِکَ، وَ(خِیَرَتُکَ)(۸۵) مِنْ خَلْقِکَ، وَاَوْلِیاؤُکَ وَسَلائِلُ اَوْلِیائِکَ، (وَصَفْوَتُکَ وَاَوْلادُ اَصْفِیائِکَ، صَلَواتُکَ وَرَحْمَتُکَ وَبَرَکاتُکَ عَلَیْهِمْ اَجْمَعینَ)(۸۶).

اَللّهُمَّ وَشُرَکاؤُهُ فی اَمْرِه، وَمُعاوِنُوهُ عَلی طاعَتِکَ، الَّذینَ جَعَلْتَهُمْ حِصْنَهُ وَسِلاحَهُ، وَمَفْزَعَهُ وَاُنْسَهُ، الَّذینَ سَلَوْا عَنِ الْاَهْلِ

و به س_بب این کار جز ذات (و رضایت) تو را نطلبیم، و ما را در جایگاه (رفیع) او جای دهی و در بهشت ما را همراهش سازی (و در مورد فرمان او ما را به دلتنگی)(۱)

و تنبلی و سستی (و ضعف) دچار نکن، و ما را در زمره کسانی قرار ده که به وسیله آنان دینت را یاری می کنی و یاری ولیّت را به وسیله آنان تقویت می فرمایی، و فرد دیگری را جایگزین ما نکن زیرا قطعاً جایگزین کردن فرد دیگری به جای ما توسط تو بر تو آسان است ولی این کار بر ما سخت (و ناگوار) است.(۲) (به راستی که تو بر هر چیزی بسیار توانایی)

خداوندا (و) بر والیان و فرماندارانش درود و رحمت فرست(۳) و آنان را به آمال و آرزوهایشان برسان، و مدت عمرشان را افزایش ده، و آنان را یاری فرما(۴)، و آن چه را که از (امور دینت)(۵) به آنان واگذار نموده (و به عهده آنان گذاشته ای) تکمیل کن، و ما را مدد کنندگان آنان و یاورن دینت بگردان (و بر پدران پاک و مطهرش که پیش_وایان هدایت یافته وهدایت گر درود و رحمت فرس_ت، بارالها) به یقین آنان معادن و سرچش_مه های آیات و کلمات تو (و نگاهبانان علمت)(۶)

و عهده داران امر (ولایت) تو و خالص ش_دگان از میان بندگانت و بهترین ها(۷)

از میان آفریدگانت و اولیاء و دوستان تو و فرزندان و ذریه اولیائت، (و برگزیدگان تو و فرزندان برگزیدگانت هستند که درود و صلوات و رحمت و برکاتت بر همگی آنان باد)(۸)

بارخدایا و (هم چنین یاران او) که در امر (قیام) او شریکند و یاری کنندگان او بر طاعتت هس_تند، (آن) کسانی که آنان را دژ (مس_تحکم) او و سلاح (برنده)اش و پناهگاه و (مایه) انس_ش گرداندی، (همان) کسانی که (به خاطر یاری او) از اهل و فرزندان (خود) بریدند،

۱- در روایت دوم به جای عبارت «و لا تبتلینا فی أمرِه بالسّ___امه» از عبارت «و أعِذنا منَ السّ___امهِ» استفاده شده به معنای: «و ما را از دلتنگی مصون بدار»

۲- در نس___خه ای دیگر به جای «و هُوَ عَلَینا عَسِ___یر» در متن اصلی دعا، گفته شده: «و هو علینا کثیر»به معنای: «ولی این کار بر ما زیاد است»

۳- در روایت دوم این دعا پس از «وُلاه عَهدِه» عبارت«و الأئمه من بعده» آمده است، به معنای: «و پیشوایان بعد از او»

۴- در روایت دوم پس از «وَانصُرهُم» عبارت «و أعِزَّ نَصرَهُم» آمده است، به معنای: «و یاری آنان را تقویت فرما».

۵- ب___ه ج___ای «أمرِ دینک» در روایت دوم عبارت «أمرِک لَهم و ثَبِّت دَعائمهم» آمده اس___ت، به معنای: «امر تو به ایشان، و تکیه گاههای ایشان را استوار و ثابت فرما».

۶- در روایت دوم پس از «و خُزّانُ عِلمِک» عبارت «و أرکانُ توحیدِک و دَعائِمُ دینک» آمده است، به معنای: «و پایه های توحیدت و ستون های دینت».

۷– در نسخه ای دیگر به جای «خِیَرَتُک» واژه «صَفوَتُك» آمده است، به معنای «برگزیدگانت».

۸– در روایت دوم به جای «وَ صَفوَتُکَ و أولادُ أصفِیائک... أجمعین» این گونه آمده است: «وَ صَفوَهُ أولادِ رُسُلِك،و َالسلام عَلَیهِم و رَحمَهُ اللهِ و بَرَکاتُه» و با این عبارت روایت دوم از این دعا به پایان رسیده است.

وَالْاَوْلادِ وَتَجافُوا الْوَطَنَ، وَعَطَّلُوا الْوَتيرَ مِنَ الْمِهادِ، قَدْ رَفَضُوا تِجاراتِهِمْ، وَاَضَرُّوا بِمَعايِشِهِمْ، وَفُقِدوُا فی اَنْدِيَتِهِمْ، بِغَيْرِ غَيْبَةٍ عَنْ مِصْرِهِمْ، وَحالَفُوا الْبَعيدَ مِمَّنْ عاضَدَهُمْ عَلی اَمْرِهِمْ، وَخالَفُوا الْقَريبَ مِمَّنْ صَدَّ عَنْ وِجْهَتِهِمْ، وَائْتَلَفُوا بَعْدَ التَّدابُرِ وَالتَّقاطُعِ فی دَهْرِهِمْ، وَقَطَعُوا الْاَسْبابَ الْمُتَّصِلَةَ بِعاجِلِ حُطامِ مِنَ الدُّنْيا، فَاجْعَلْهُمُ اللّٰهُمَّ فی حِرْزِکَ، وَفی ظِلِّ کَنَفِکَ، وَرُدَّ عَنْهُمْ بَأْسَ مَنْ قَصَدَ اِلَيْهِمْ بِالْعِداوَهِ مِنْ خَلْقِکَ، وَاَجْزِلْ لَهُمْ، مِنْ دَعْوَتِکَ مِنْ کِفايَتِکَ وَمَعُونَتِکَ لَهُمْ، وَتَأْييدِکَ وَنَصْرِکَ اِيّاهُمْ. ما تُعينُهُمْ بِه عَلی طاعَتِکَ وَاَزْهِقْ بِحَقِّهِمْ باطِلَ مَنْ اَرادَ اِطْفاءَ نُورِکَ.

وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِه، وَامْلَاءْ بِهِمْ کُلَّ اُفُقٍ مِنَ الْافاقِ، وَقُطْرٍ مِنَ الْاَقْطارِ، قِسْطا وَعَدْلاً وَرَحْمَةً وَفَضْلاً، وَاشْکُرْ لَهُمْ عَلی حَسَبِ کَرَمِکَ وَجُودِکَ، وَما مَنَنْتَ بِه عَلَی الْقائِمينَ بِالْقِسْطِ مِنْ عِبادِکَ وَاذْخُرْ لَهُمْ. مِنْ ثَوابِکَ. ماتَرْفَعُ لَهُمْ بِهِ الدَّرَجاتِ، اِنَّکَ تَفْعَلُ ماتَشاءُ وَتَحْکُمُ ما تُريدُ، امينَ رَبَّ الْعالَمينَ.

و از وطن (و دیـار خود) کنـده شدنـد، و بسترهـای (گرم) و نرم را ترک گفتنـد (و) داد و سـتدهایشان را کنـار گذاشـتند، و به معیشت دنیویشان زیان رساندند، و بدون این که از شهرشان غایب گردند (دیگر) در محافل و انجمن هایشان دیده نشدند، و با اشـخاص غریبه که آنان را در کار (قیام)شان کمک می کردنـد هم پیمان شده و با نزدیکانی که آنان را از قصد و همتشان باز می داشـتند به مخالفت برخاس_تنـد، و پس از (مدت ها) پشت کردن و جدایی در روزگارشان گرد هم آمدند، و پیوندهایی که آنان را با نعمت های زوال پـذیر و زودگذر دنیا مربوط میساخت را قطع کردند، خداوندا آنان را در حفظ و امان خویش و در سـایه حمـایتت قرار بـده، و شـر و گرفتـاری هر فردی از خلقت که قصـد دشـمنی بـا آنان دارد را از آنان برطرف کن، و به واسـطه دعا و نیایش به درگاهت، کفایت و یاریت و تقویت و تأیید و نصـرتت را نسـبت به آنان افزایش ده، آن چنان یاری که به وسیله اش آنان را بر طاعت و فرمان برداریت یاری نمایی.

و به حق (و به پاس حرمت) آنان (انـدیشه و نقشه) باطل هرکس که اراده خاموش کردن نور (هدایت) تو را دارد نابود گردان، و بر محمد و خاندان پاکش درود و رحمت فرست، و به واسـطه وجود مبارکشان تمام آفاق و اکناف و بلاد و سرزمین ها را از قسـط و عـدل و رحمت و فضل (خویش) لبریز کن، وبر حسب (و به انـدازه) بزرگواری و جود و بخشـشت و به همان گونه (و همان اندازه) که بر بندگان برپا کننده قسط و عدل احسان و تفضل می کنی (خدمت) آنان را سپاس گزاری (و قدردانی) کن، و (به اندازه ای) از ثواب و پاداش خویش برایشان ذخیره فرما که به واسطه آن درجات و مراتبشان را بالا ببری، (زیرا) مسلماً تو هر چـه را بخـواهی انجـام می دهی و بـه هرچـه اراده کنی حکـم می فرمـایی، (این دعاهـا را) اسـتجابت فرمـا ای پروردگـار (و صاحب اختیار) جهان ها و جهانیان.

ص: ۱۵۷

۶۳_لولده المهدی علیه السلام فی قنوت صلاه الجمعه

اَللّهُمَّ اَصْلِحْ عَبْدَکَ وَخَلیفَتَکَ، بِما اَصْلَحْتَ بِه اَنْبِیاءَکَ وَرُسُلَکَ وَحُفَّهُ بِمَلائِکَتِکَ، وَاَیِّدْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِکَ، وَاسْلُکْهُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَمِنْ خَلْفِه رَصَدا، یَحْفَظُونَهُ مِنْ کُلِّ سُوءٍ وَاَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِه اَمْنا، یَعْبُدُکَ لایُشْرِکُ بِکَ شَیْئا، وَلا تَجْعَلْ لِاَحَدٍ خَلْقِکَ عَلی وَلِیِّکَ سُلْطانا، وَأْذَنْ لَهُ فی جِهادِ عَدُوِّکَ وَعَدُوِّه وَاجْعَلْنی مِنْ اَنْصارِه، اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ.

۶۴_لهدایه رجل إلی مذهب الحقّ

اَللّهُمَّ خُذْ بِسَمْعِه وَبَصَرِه وَمَجامِعِ قَلْبِه حَتّی تَرُدَّهُ اِلَی الْحَقِّ.

۶۵_لجبل سناباذ، الّذی تُنْحَتُ منه القدور

اَللّهُمَّ انْفَعْ بِه، وَبارِکْ فیما یُجْعَلُ فیهِ، وَفیما یُنْحَتُ مِنْهُ.

ص: ۱۵۸

دعای شصت وسوم: دعای حضرت علیه السلام در قنوت نماز جمعه برای فرزندش حضرت مهدی علیه السلام

بارخدایا (امر فرج) بنده و خلیفه ات (در زمین) را سر و سامان بده به وسیله همان چیزی (و اراده ای) که (کار) انبیاء و پیامبرانت را سر و سامان دادی، و او را با فرشتگان (محافظ) خودت احاطه کن، و او را با روح القدس (گسیل شده) از جانب خودت تأیید فرما، و از پیش رو و پشت سرش برای او مراقبانی روانه کن(۱) تا او را از هر بدی و شری محافظت نمایند، و پس از (دوران) بیم و ترسش آرامش و امنیت را برایش جایگزین گردان، تا تنها تو را بپرستد و بندگی کند و چیزی را شریک تو نگرداند(۲)، و برای هیچ یک از آفریدگانت سلطه و قدرتی بر ولیت قرار نده، و به او اجازه جهاد و مبارزه با دشمن تو و خودش را عطا فرما، و مرا از یارانش قرار ده، به راستی که تو بر هر چیزی بسیار توانایی.

دعای شصت وچهارم: دعای حضرت علیه السلام برای هدایت مردی به دین حق

خداوندا گوش و چشم و باطن دل او را (در اختیار خود) بگیر تا اینکه او را به سوی (راه) حق بازگردانی.

دعای شصت وپنجم: دعای امام علیه السلام برای کوه سناباد (طوس) که از سنگ های آن دیگ می تراشند

خداوندا با این کوه (به مردم) سود برسان، و به آن (غذایی) که در (سنگ های) آن قرار داده می شود و در چیزی که از (سنگ های) آن تراشیده می شود برکت ده.

۱- عبارت «واسلُکهُ من بین یَدَیه و من خَلفِهِ رَصَداً» با کمی تفاوت از سوره مبارکه جن آیه ۲۷ اقتباس شده است.

۲- در متن دعا عبارت «و أبدِله من بعدِ خَوفهِ أمناً یَعبُدُکَ لا یُشرِکُ بکَ شیئاً» به آیه ۵۵ سوره مبارکه نور اشاره دارد.

پی نوشت:

۱) واهیه، خ.

۲) «خلقک» خ.

۳) تقـــدّم فی الصحیفـــه السـّـــجادیّه: ۱۲۵ دعاء ۶۲ بروایته عنه علیه السلام.

۴) تقدّم فی الصحیفه الصادقیه وفی دعاء آخر: اللّهمّ إنّ خیرتک فیما استخیرک فیه تنیل الرغائب... رواه الکفعمی: ص ۵۱۸ عن الرضا علیه السلام والصحیح هو عن ابنه الجواد علیه السلام، راجع الصحیفه الجوادیّه:

د۴.

۵) بطیء.

۶): ضارّ.

۷) مستقرّهم، خ.

۸)۱ـ الزمر: ۵۳

۹) الحجر: ۵۶

۱۰) غافر: ۶۰

۱۱) الاسراء: ۷۱.

۱۲) أی: یاذا الأسماء الّتی أدعوک بها، أسألک الفرجَ.

۱۳) الاخلاص: ۴ ـ ۱.

۱۴) «الضرّ» لمستدرک.

۱۵) «عن رحمه من»، خ.

۱۶) «ومذلّ کلّ عزیز»، خ.

۱۷): أصابک،وفی (خ): حزنک.

۱۸): نصف النهار وعند زوال الشمس.

۱۹): اکسر.

۲۰) الصافات: ۱۷۷.

۲۱) خواطف (خ ل).

۲۲) فی الجنّه: لعَظَمَتِه وَجَلِاله.

۲۳) خوفه.

۲۴) «منه» المهج.

۲۵) «فسد عنّی أبصار الظالمین» الجنّه والبلد.

۲۶) «سلطان الفراعنه»عیون أخبار الرضا.

۲۷) قبس من سوره مریم: ۱۸. والآیه هکذا:« قَالَتْ انّی اعُوذُ بِالرَّحْمنِ مِنْکَ....».

۲۸) سوره المؤمنون: ۱۰۸.

۲۹) البقره: ۲۵۵.« اللهُ لا الهَ اًّ لا هُوَ الْحَیُّ اْلقَیُّومُ...».

۳۰) تقدّم فی الصحیفه العلویّه الجامعه: ۲۸۸ الدعاء: .۱۷۹

۳۱) إشاره إلی قوله تعالی فی سوره الرعد: ۳۹.

۳۲) «وهم یضرّون» ب.

۳۳): کوکب صغیر خفیّ الضوء.

۳۴) الانعام: ۵۹ .

۳۵) الشرح: ۵ و۶.

۳۶) البقره: ۱۸۵ و۱۸۶.

۳۷) الکهف: ۱۶.

۳۸) قبس من سوره الکهف الآیه: ۱۰.

۳۹) النحل: ۹.

۴۰) عبس: ۲۰.

۴۱) الأنبیاء: ۳۰.

۴۲) مریم: ۳۴ _ ۲۲.

۴۳) النحل: ۷۹ ۷۸.

۴۴) آل عمران: ۸ و۹.

۴۵) تقدّم: ص۳۰ الدعاء: ۲۴ (نحوه).

۴۶) «لیْسَ لوَقْعَتِها کاذِبهٌ * خافِضَهٌ رافِعَهٌ * اذا رُجَّتِ الْاَرْضُ رَجّاً * وُبُسَّتِ الْجِبالُ بسّاً» _ الواقعه:

۶ _ ۱.

۴۷) طه: ۱۰۷ _ ۱۰۵.

۴۸) «نصرک» فی المکارم.

۴۹) عن الرضا عن آبائه: قال: کان رسول الله صل الله علیه و آل وسلم اذا رأى الهلال قال: ایُّها الخَلَقُ المطیعُ الدّائِبُ السَّریعُ، المتَصَرِّفُ فی مَلَکُوتِ الجَبَروُتِ بالتّقدیرِ.

۵۰) تقدم فی الصحیفه النبویّه.

۵۱) تقدّم فی الصحیفه الصادقیّه.

۵۲) تقدّم فی الصحیفه العلویّه: ۵۱۰ الدعاء: ۳۴۷.

۵۳) تقدّم فی الصحیفه الصادقیّه.

۵۴): ألّذی لا بدء له، وهو القائم بذاته.

۵۵) تقدّم فی الصحیفه السجادیّه: ۵۶۸ الدعاء: ۲۵۱.

۵۶) الزخرف ۱۳ و۴۱.

۵۷) تقدّم فی الصحیفه الکاظمیه.

۵۸) الزخرف: ۱۳ و۴۱.

۵۹) هود: ۴۱.

۶۰) عن الرضا علیه السلام قال: وإنّ نوحاً لما رکب السفینه أوحی الله عزّوجلّ إلیه یا نوح إن خفت الغرق فهلّلنی ألفاً... فلم یدرک أن یهلّل ألف مرّه فقال بالسریانیه:

هیلولیاً الفا یا ماریا، یا ماریا ایقن.

۶۱) «الکعبه» خ.

۶۲) الفرقان: ۵۴.

۶۳) النور: ۳۲.

۶۴) الفرقان: ۵۴.

۶۵) أی أعتنی وأهتمّ بأُمورهم.

۶۶) شاهدک.

۶۷) العائذ بک عندک، خ .

۶۸) لا یرام (خ ل).

۶۹) بالملائکه. خ

۷۰) ناصریه خ.

۷۱) خاذلیه خ.

۷۲) ما امتحی، خ.

۷۳) توضِحَ، خ.

۷۴) الدنس، خ.

۷۵) ولا اتی، خ.

۷۶) اَلْمُهْتَدی، خ.

۷۷) التَقیُّ، النقیّ. خ

۷۸) فی الروایه الثانیه: لنا.

۷۹) فی الروایه الثانیه: وأعذنا من السأمه.

۸۰) فی الروایه الأُولی: کَثیرٌ.

۸۱) هنا زیاده فی الروایه الثانیه: والأئمّه من بعده.

۸۲) فی الروایه الثانیه: وُاعزّ نصرهم.

۸۳) بدل ما بین القوسین فی الروایه الثانیه: أمرک لهم، وثبّت دعائمهم.

۸۴) فی الروایه الثانیه: وأرکان توحیدک، ودعائم دینک.

۸۵) صَفْوَتُکَ، خ.

۸۶) فی الروایه الثانیه: وصفوه أولاد رسلک، والسلام علیهم ورحمه الله وبرکاته. إلی هنا تمّت الروایه الثانیه.

۸۷) تقدّم فی الصحیفه النبویه.

ص: ۱۶۱

أدعيه الإمام عليّ بن موسى الرضا عليه السلام

من كتاب «فقه الرّضا عليه السلام»

١ـ في تحميد اللّه على نعمه، وطلب الصبر على مصائبه

وإذا أُصبت بمال فقل: اَللّهُمَّ اِنّی عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ وَابْنُ اَمَتِکَ، وَفی قَبْضَتِکَ ناصِیَتی بِیَدِکَ، تَحْکُمُ فیما تَشاءُ، وَتَفْعَلُ ما تُریدُ، اَللّهُمّ فَلَکَ الْحَمْدُ عَلی حُسْنِ قَضائِکَ وَبَلائِکَ، اَللّهُمَّ هُوَ مالُکَ وَرِزْقُکَ، وَاَنا عَبْدُکَ خَوَّلْتَنی حینَ رَزَقْتَنی، اَللّهُمَّ فَاَلْهِمْنی شُکْرَکَ فیهِ، والصَّبْرَ عَلَیهِ حینَ اَصَبْتَ وَاَخَذْتَ، اَللّهُمَّ اَنْتَ اَعْطَیْتَ، وَاَنْتَ اَصَبْتَ.

اَللّهُمَّ لا تَحْرِمْنی ثَوابَهُ، وَلا تُنْسِنی مَنْ خَلَفَهُ، فی دُنْیایَ وَاخِرَتی اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ(٢)

اَللّهُمَّ اَنا لَکَ وَبِکَ وَاِلَیْکَ وَمِنْکَ لا اَملِکُ لِنَفْسِی ضَرّا وَلا نَفْعا.

پیوست ها ادعیه امام علی بن موسی الرضا علیه السلام برگرفته از کتاب «فقه الرضا علیه السلام»

دعای یکم: دعای حضرت علیه السلام در ستایش و سپاس خداوند به خاطر نعمت هایش، و درخواست صبر بر مصائب

(از حضرت رضا علیه السلام نقل شده فرمودند:) هرگاه مال و ثروتی به تو رسید بگو: بارخدایا، به راستی که من بنده تو و فرزند بنده تو و کنیزت، و در مشت تو (و تحت اختیار تو) هستم، اختیار و زمام امورم به دست توست، در باره هر چه بخواهی (هرگونه که بخواهی) حکم می فرمایی، و هرچه را اراده کنی (در مورد من) انجام می دهی. خداوندا پس س__تایش و سپاس فقط برای توس__ت به خاطر حسن (تدبیر و) قضا و قدر و آزمایشت، خداوندا این (مال) مال تو و روزی توست و من بنده توأم. هنگامی که (این مال را) روزی ام نمودی آن را به عاریه به من واگذار نمودی، خداوندا شکر و سپاس گزاری در مورد آن را به من الهام نموده (و تعلیم فرما) و (هم چنین) صبر و شکیبایی بر (از دست دادن) آن را هنگامی که مرا (به بلا) دچار نمودی و (آن را از من) گرفتی، خداوندا تو (خودت آن را) بخشیدی و خودت (هم مرا در مورد آن به بلاـ و آزمایش) دچار ساختی.

بارخدایا مرا از ثواب (و منافع) آن محروم نفرما، و در دنیا و آخرتم مرا از یاد کسی که (پس از من) این مال به او می رسد نبر، قطعاً تو بر هرچیزی بسیار توانایی(۱)

بارخدایا من مال توأم و به واسطه وجودت (وجود دارم) و به سوی تو (در حرکتم) و از تو

(نشأت می گیرم و کمک می جویم) (و) مالک هیچ سود و زیانی برای خودم نیستم.

ص: ۱۶۳

۱- در نسخه ای دیگر در متن اصلی دعا، به جای «إنکَ علی کلّ شیءٍ قَدیر» عبارت «إنکَ علی ذلکَ قادر» آمده است، به معنای: «قطعا تو بر آن (امر) توانایی.

۲_فی الصلوات علی محمّد وآله علیهم السلام بعد عصر الجمعه

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَعَلی الِ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفینَ، بِاَفْضَلِ صَلَواتِکَ، وَبارِک عَلَیْهِمْ بِاَفْضَلِ بَرَکاتِکَ، وَالسَّلامُ عَلی اَرْواحِهِمْ وَاَجْسادِهِمْ، وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکاتُهُ. سبع مرّات

۳_فی الإستخاره بعد الصلاه

وإذا أردت أمرا فصلّ رکعتین، واستخر اللّه مائه مرّه (ومرّه) وما عزم لک فافعل، وقل فی دعائک:

لا اِلهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَلِیُّ الْعَظیمُ، لا اِلهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلیمُ الْکَریمُ.

رَبِّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِیٍّ خِرْ لی فی اَمْری - کذا وکذا - لِلدُّنْیاوَالْاخِرَهِ خِیَرَةً مِنْ عِنْدِکَ، ما لَکَ فیهِ رِضیً، وَلِیَ فیهِ صَلاحٌ، فی خَیْرٍ وَعافِیَهٍ، یا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ.

ص: ۱۶۴

دعای دوم: دعای حضرت علیه السلام بعد از عصر جمعه در صلوات بر محمد و خاندان پاکش علیهم السلام

بارخدایا با برترین درود و رحمتت بر محمد و بر آل محمد که برگزیدگان توأند درود و رحمت فرست، و با برترین برکاتت بر آنان برکت نازل فرما، و سلام و درود (خداوند) بر ارواح (پاک) و اجساد (مطهر)شان باد و رحمت و برکات خداوند (بر آنان باد).

(این ذکر را) هفت مرتبه (می گویی).

دعای سوم: دعای امام علیه السلام در مورد طلب خیر بعد از نماز

(از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند:) هرگاه اراده انجام کاری را نمودی پس دو رکعت نماز بگذار، و صد و یکبار از خدا طلب خیر کن، و (پس از آن) هر قصد و عزیمتی در دلت افتاد آن را انجام بده، و در دعایت بگو: هیچ معبودی جز خداوند بلند مرتبه و بزرگ نیست، هیچ معبودی جز خداوند بردبار (با حلم و گذشت) بزرگوار نیست.

پروردگارا به حق محمدصل الله علیه و آل وسلم و علی علیه السلام (قسمت می دهم) در ـ فلان کارم ـ خیر دنیا و آخرت را برای‌ـم انتخاب فرما، انتخابی از جانب خودت که رضایت تو و صلاح من در آن انتخاب باشد، و با خیر و برکت و عافیت همراه باش‌ـد، ای صاحب نعمت و احسان و تفضل.

ص: ۱۶۵

۴ـفی الإستسقاء

اَللّهُمَّ صَلِّ علی مُحَمَّدٍ وَعَلی الِ مُحَمَّدٍ، اَللّهُمَّ اسْقِنا غَیْثا مُغیثا مُجَلِّلاً طَبَقا مُطْبَقا جَلَلاً مُونِقا(۳) راجِیا غَدَقا مُغْدِقا، طَیِّبا مُبارَکا، هاطِلاً مُنْهَطِلاً مُتَهاطِلاً رَغَدا هَنیئا مَریئا دائِما رَوِیّا سَریعا، عامّا مُسْبِلًا نافِعا غَیْرَ ضارٍّ، تُحْیی بِهِ الْعِبادَ وَالْبِلادَ، وَتُنْبِتُ بِهِ الزَّرْعَ وَالنَّباتَ، وَتَجْعَلُ فیهِ بَلاغا لِلْحاضِرِ مِنّا وَالْبادِ، اَللّهُمَّ اَنْزِلْ عَلَیْنا مِنْ بَرَکاتِ سَمائِکَ ماءً طَهُورا، وَاَنْبِتْ لَنا مِنْ بَرَکاتِ اَرْضِکَ نَباتا مَسْقِیّا، وَتُسْقیهِ مِمّا خَلَقْتَ اَنْعاما وَاَناسِیَّ کَثیرا، اَللّهُمَّ ارْحَمْنا بِمَشایِخَ رُکَّعٍ، وَصِبْیانٍ رُضَّعٍ، وَبَهائِمَ رُتَّعٍ، وَشُبّانٍ خُضَّعٍ.

۵ـعند القیام من النوم للتهجّد، والنوافل، والصلوات

فإذا قمت من فراشک، فانظر فی اُفق السماء وقل: اَلْحَمْدُللّه الَّذی اَحْیانا بَعْدَ مَماتِنا، وَاِلَیْهِ النُّشُورُ، وَاَعْبُدُهُ، وَاَحْمَدُهُ، وَاَشْکُرُهُ.

دعای چهارم: دعای حضرت علیه السلام درمورد طلب باران

خداوندا بر محمد و بر آل محمد درود و رحمت فرست.

خداونـدا مـا را با باران آبیاری فرما، بارانی مـدد رسان، فراگیرنـده زمین (و) پوشاننـده آن (ب_ا ابره ای) متراکم و طبقه طبقه، عظیـم و فراوان، زیبـا و فریبنـده، امیـد بخش، لـبریز، قطره درشـت، پـاک، بـا برکـت، فرو ریزنـده، پی درپی ریزان، فروبارنـده، گسترده، گوارا، خوشـگوار، با دوام، س_یراب کننـده، تنـد، فرا گیر، پیوسـته ریزان، س_ودمند و بدون زیان که بندگان و س رزمین هـا را به وسـیله آن زنـده گردانی و کشت و گیاه را به وسـیله آن برویانی، و آن را مایه کفایت (و یا اتمام حجت) برای شهرنشینان و بادیه نشینان ما بگردانی.

بارخدایا از برکات آسـمانت آبی بسیار پاک و پاک کننده بر ما فرو بار(۱)، و از برکات زمینت گیاهی سیراب برای ما برویان، و (نیز به گونه ای که) آن (آب) را به چهارپایان و آدمیان زیادی که آفریدی بنوشانی. (۲)

خداونـدا به پـاس حرمت پیران رکوع کننده و کودکـان ش یرخوار و حیوانات چرا کننـده و جوانان خاضع و فروتن به ما رحم کن.

دعای پنجم: دعای حضرت علیه السلام هنگام برخاستن از خواب برای تهجد و نمازهای مستحب و عبادات

(از امام رضا علیه السلام روایت شده است که:) هرگاه (در دل شب) از بس_ترت برخاستی به افق آسمان نگاه کن و بگو:

ستایش و سپاس برای خداوندی اس_ت که ما را پس از مرگمان (خوابمان) دوباره زنده کرد، و حشر و نش_ر (ما در قیامت) فقط به سوی اوست، و او را بندگی کرده و می ستایم و شکرگزاری می کنم.

۱- عبـارت «اللهم أنزِل عَلَینـا من برَکـاتِ سـمائکَ ماءً طَهوراً» اش____اره دارد به پایان آیه ۴۸ س_____وره فرقـان: (وَ أَنْزَلنا مِنَ َ السماءِ ماءً طَهُوراً)

۲- عبارت «و تُسقِیهِ مما خَلَقتَ أنعاماً و أناسیَّ کثیراً» در متن دعا، از آیه ۴۹ سوره مبارکه فرقان اقتباس شده است.

وتقرأ: «اِنَّ فی خَلْقِ السَّمواتِ وَالاْرْضِ وَاخْتِلافِ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ لَایاتٍ لِاوُلِی الاْلْبابِ * الَّذینَ یَذْکُرُونَ اللّه قِیاما وَقُعُودا وَعَلی جُنُوبِهِمْ وَیَتَفَکَّرُونَ فی خَلْقِ السَّمواتِ وَالاْرْضِ رَبَّنا ما خَلَقْتَ هذا باطِلًا سُبْحانَکَ فَقِنا عَذابَ النّارِ * رَبَّنا اِنَّکَ مَنْ تُدخِلِ النّارَ فَقَدْ اَخْزَیْتَهُ وَما لِلظّالِمینَ مِنْ اَنْصارٍ * رَبَّنا اِنَّنَا سَمِعْنا مُنادِیا یُنادی لِلْایمانِ اَنْ امِنُوا بِرَبِّکُمْ فَامَنّا رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَکَفِّرْ عَنّا سَیِّئاتِنا وَتَوَفَّنا مَعَ الاْبْرارِ * رَبَّنا وَاتِنا ما وَعَدْتَنا عَلی رُسُلِکَ وَلا تُخْزِنا یَوْمَ الْقِیامَهِ اِنَّکَ لا تُخْلِفُ الْمیعادَ»(۴) وقل: اَللّهُمَّ اَنْتَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ، لا تَأْخُذُکَ سِنَهٌ وَلا نَوْمٌ، سُبْحانَکَ سُبْحانَکَ.

فإذا فرغت من الوضوء فقل :اللّهُمَّ اجْعَلْنی مِنَ التَّوّابینَ، وَاجْعَلْنی مِنَ الْمُتَطَهِّرینَ، وَالْحَمْدُللّه رَبِّ الْعالَمینَ.

فاذا فرغت من غسل الجمعه فقل: اَللّهُمَّ طَهِّرْنی، وَطَهِّرْ قَلْبی، وَانْقَ غَسْلی وَاَجْرِعَلی لِسانی ذِکْرَکَ وَذِکْرَنَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَاجْعَلْنی مِنَ التَّوّابینَ وَمِنَ الْمُتَطَهِّرینَ.

ص: ۱۶۸

و (سپس) می خوانی: (در آفرینش آسـمان ها و زمین و پی درپی آمـدن شب و روز قطعاً نشانه هایی برای خردمنـدان صاحب عقل وجود دارد، آن کسانی که خداونـد را در حال برخاسـتن و نشسـتن و (آرمیـده) بر پهلوهایشان یاد می کنند و در آفرینش آسـمان هـا و زمین می اندیشـند (و می گوینـد:) ای پروردگار (و صاحب اختیار) ما، تو (هرگز) این(ها) را به باطل (و بیهوده) نیافریـدی (تو از هر عیب و نقصـی) پـاک و منزهی (و ما تو را از اراده باطل مبرّا می دانیم)، پس ما را از عـذاب دوزخ در امان بـدار، پروردگارا بی گمان تو هر که را در آتش داخل کنی رسوایش ساخته ای و هیـچ یاوری برای سـتمگران (و گناهکاران) وجود ندارد. پروردگارا به تحقیق ما (صدا و دعوت) ندا کننده ای که (مردم را) به سوی ایمان فرا می خواند شـنیدیم که (می فرمود:) به پروردگارتان ایمان آوریـد؛ و ما ایمان آوردیم. پس گناهانمان را بیامرز و بدی ها (و خطاهای) ما را بپوشان و ما را بـا نیکان (و در زمره نیکوکاران) بمیران. پروردگارا آن چه با فرس__تادن پیامبرانت به ما وعـده کرده ای را به ما عطا فرما و در روز قیامت ما را (خوار و) رسوا مگردان، (زیرا) به یقین تو (هرگز) از وعـده ات تخلف نمی کنی)(۱) و (سپس) بگو: خداوندا تو زنـده پاینـده و برپا دارنـده (جهان) هستی، (هرگز) چرت و خواب تو را فرا نمی گیرد(۲)، تو (از هر عیب و نقصـی) پاک و منزهی، پاک و منزهی.

دعای ششم: و هرگاه از وضو فارغ شدی بگو: بارخدایا، مرا در زمره توبه کاران قرار ده و مرا از (جنس پاکان و) پاک شوندگان قرار ده، و سپاس و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار (و صاحب اختیار) جهان ها و جهانیان است.

دعای هفتم: و هرگاه از غسل جمعه فارغ شدی بگو: خداوندا مرا پاک کن، و دلم را (از آلودگی ها) پاکیزه ساز، و شستشوی مرا پاک گردان، و یاد خودت و ی_اد پیامبرت محمـد _ ک_ه درود و رحمت خدا بر او و خاندانش باد _ را بر زبانم جاری فرما، و مرا در زمره توبه کنندگان و پاک شوندگان قرار ده.

ص: ۱۶۹

۱- آیات ۱۹۰تا ۱۹۴ سورهٔ مبارکهٔ آل عمران

۲- عبارت «اللّهم أنتَ الحیُّ القَیّوم لا تأخُذُکَ سِنَهٌ و لا نومٌ» با کمی تغییر در متن عربی دعا از آیه ۲۵۵ س____وره بقره اقتباس شده است.

۸_قبل الإفتتاح بصلاه الليل

بِسْمِ اللّه ِ وَبِاللّه ِ، وَفی سَبیلِ اللّه ِ، وَعَلی مِلَّهِ رَسُولِ اللّه ِ صَلَّی اللّه ُ عَلَیْهِ وَالِه، ثمّ ارفع یدیک فقل:

اَللّهُمَّ اِنِّی اَتَوَجَّهُ اِلَیْکَ بِنَبِیِّکَ نَبِیِّ الرَّحْمَهِ، وَبِالْاَئِمَّهِ الرّاشِدینَ الْمَهْدِیّینَ، مِنْ الِ طه وَ یاسین، وَ اُقَدِّمُهُمْ بَیْنَ یَدَیْ حَوائِجی کُلِّها فَاجْعَلْنی بِهِمْ وَجیها فِی الدُّنیا وَالْاخِرَهِ، وَمِنَ الْمُقَرَّبینَ

[اَللّهُمَّ اغْفِرْ لی بِهِمْ] وَلا تُعَذِّبْنی بِهِمْ، وَارْزُقْنی بِهِمْ [وَلا تَحْرِمْنی وَاهْدِنی بِهِمْ] وَلا تُضِلَّنی بِهِمْ، وَارْفَعْنی بِهِمْ، وَلا تَضَعْنی [بِهِمْ] وَاقْضِ حَوائِجی بِهِمْ فِی الدُّنیا وَالْاخِرَهِ، اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ، وَبِکُلِّ شَیْءٍ عَلیمٌ.

۹_فی قنوت الوتر

لا اِلهَ اِلَّا اللّه ُ الْحَلیمُ الْکَریمُ، لا اِلهَ اِلَّا اللّه ُ الْعَلِیُّ الْعَظیمُ

ص: ۱۷۰

دعای هشتم: دعای حضرت علیه السلام قبل از آغاز نماز شب

به نام خـدا و با اس_تعانت از خـدا و در راه خدا و بر آیین رس_ول خدا _ که درود و رحمت خداوند بر او و خاندانش باد_ (شروع می کنم).

سپس دسـتانت را به سوی آسـمان بالا برده و بگو: خداوندا همانا من به واس_طه پیامبرت _ که پیامبر رحمت اس_ت _ و به واسـطه پیشوایـان هـدایت گر هـدایت شونـده از خانـدان (و نسل) طه و یاسـین به سوی تو رو می کنم و آنان را پیشاپیش تمام حاجات خودم به پیشگاهت مقدم می دارم (و قرار می دهم)

پس به یمن وجود مبارکشان مرا در دنیا و آخرت آبرومند ساخته و از مقربین (و نزدیکان) درگاهت قرار ده.(۱)

بارخـدایا به برکت (ش_فـاعت) آنان مرا بیامرز و به واس_طه آنان مرا عـذاب مکن و به یمن وجودشان به من روزی عطا فرما (و مرا از فضـلت محروم مساز، و به وسیله آنان هدایتم کن) و به برکت وجودشان مرا گمراه نکن و به واسطه آنان مرا بالا ببر و پست (و حقیر) مکن، و به حق (و شفاعت) آنان حاجات مرا در دنیا و آخرت برآورده فرما. (چرا که) بی گمان تو بر هر چیزی بسیار توانایی، و نسبت به هر چیزی بسیار دانایی. (۲)

دعای نهم: دعای امام علیه السلام در قنوت نماز وتر

هیـچ معبودی جز خداونـد بردبار (و بزرگ منش) و بزرگوار نیست، هیـچ معبودی جز خداونـد بلنـد مرتبه بسـیار بزرگ وجود ندارد.

۱- عبارت عربی این قسمت از دعا، از آیه ۴۵ سوره آل عمران گرفته شده است.

۲- عبارت«بکل شـیءٍ عَلِیم» در متن دعا، در پایان آیات ۲۹و ۲۳۱ و ۲۸۲ بقره، ۱۷۶ نساء، ۹۷ مائده، ۱۰۱ أنعام، ۷۵ انفال، ۱۱۵ توبه، ۳۵ و ۶۴ نور، ۶۲ عنکبوت، ۱۲ شوری، ۱۶ حجرات، ۳ حدید، ۷ مجادله و ۱۱ تغابن آمده است.

سُبْحانَ اللّه ِ رَبِّ السَّماواتِ السَّبْعِ، وَرَبِّ الْاَرَضينَ السَّبْعِ، وَ ما فيهِنَّ وَما بَيْنَهُنَّ، وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ

يا اَللّه ُالَّذى لَيْسَ كَمِثْلِه شَىْءٌ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، اَللّهُمَّ اَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبينُ، لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ، سُبْحانَكَ وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ سُوءً، وَظَلَمْتُ نَفْسى، فَاغْفِرْ لى ذُنُوبى، اِنَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلاّ اَنْتَ. اَللّهُمَّ اِيّاكَ اَعْبُدُ، وَلَكَ اُصَلّى، وَبِكَ امَنْتُ، وَلَكَ اَسْلَمْتُ وَبِكَ اعْتَصَمْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَبِكَ اسْتَعَنْتُ، وَلَكَ اَسْجُدُ وَاَرْكَعُ وَاَخْضَعُ وَاَخْشَعُ، وَمِنْكَ اَخافُ وَاَرْجُو، وَاِلَيْكَ اَرْغَبُ، وَمِنْكَ اَخافُ وَاَحْذَرُ، وَمِنْكَ اَلْتَمِسُ وَاَطْلُبُ، وَبِكَ اهْتَدَيْتُ، وَاَنْتَ الرَّجاءُ، وَاَنْتَ الْمُرَجّى(۵) وَاَنْتَ الْمُرْتَجى. اَللّهُمَّ اهْدِنى فيمَنْ هَدَيْتَ، وَعافِنى فيمَنْ عافَيْتَ، وَتَوَلَّنى فيمَنْ تَوَلَّيْتَ، وَبارِكْ لى فيما اَعْطَيْتَ، وَقِنى شَرَّ ما قَضَيْتَ، اِنَّكَ تَقْضى وَلا يُقْضى عَلَيْكَ، لا مَنْجا وَلا مَلْجَاَ وَلا مَفَرَّ وَلا مَهْرَبَ مِنْكَ اِلاّ اِلَيْكَ، سُبْحانَكَ وَحَنانَيْكَ، تَبارَكْتَ وَتَعالَيْتَ

(از هر عیب و نقصی) پاک و منزه است خداوندی که پ_روردگار (و صاحب اختیار) زمین های هفت گانه و آن چه در آن ها و آن چه در بین آن هاست و پروردگار (و صاحب اختیار) عرش با عظمت است.

ای خداوندی که هیچ چیزی مانند او نیست(۱)، بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست، بار خدایا تو فرمانروای حق آشکار (و روشنگر) هستی، هیچ معبودی جز تو نیست، تو را (از هر عیب و نقصی) منزه می دانم و به س_تایش و سپاست (مشغولم). گناهی (و بدی) کرده ام و (در حقیقت) بر خویشتن ستم نموده ام، پس گناهانم را بیامرز، (زیرا) قطعاً به جز تو کسی گناهان را نمی آمرزد.

بارخدایا من فقط تو را بندگی می کنم (و می پرستم) و تنها برای تو نماز می گزارم، و فقط به تو ایمان آورده و در برابر تو تسلیمم، و تنها به تو پناه آورده و بر تو اعتماد و تکیه کرده ام، و فقط از تو یاری جسته (و می جویم)، و تنها برای تو سجده و رکوع می کنم و (در برابر تو) کرنش و خشوع می نمایم. و تنها از تو می ترسم و (فقط به تو) امید دارم، و تنها به سوی تو گرایش دارم (و دعا و نیایش می نمایم) و فقط از تو می ترسم و بیم دارم، و تنها از تو تقاضا کرده و درخواست می کنم، و فقط به خاطر (لطف) تو هدایت یافته ام، و تو مایه امید (من) و مورد امید(م) و قبله گاه امید (من) هستی.

خداوندا در زمره آنان که هدایت نمودی مرا (نیز) هدایت فرما، و در بین آنان که عافیت بخشیدی مرا (هم) عافیت بخش، و مرا (نیز) در میان آنان که سرپرستی نمودی سرپرستی کن، و در آن چه (به من) عطا فرمودی برکت ده، و مرا از شر هر آن چه قضا و قدر فرمودی حفظ فرما (چرا که) بی گمان تو فرمان می رانی (و قضا و قدر می کنی) و (هرگز) بر تو فرمان رانده نمی شود. (کسی را یارای حکم و فرمان دادن بر تو نیست). هیچ نجات و پناه و فرار و گریزی از تو نیست مگر به س_وی (لطف و رحمت) خودت. تو را از هر عیب و نقصی مبرّا می دانم و مهربانی پی درپی و مداومت را می طلبم. تو بیزوال و پربرکتی و از آن چه

ص: ۱۷۳

۱- عبارت «لیسَ کمثلِهِ شَیءٌ» در متن عربی دعا، از آیه ۱۱ سوره مبارکه شوری گرفته شده است.

عَمّا یَقُولُ الظّالِمُونَ عُلُوّا کَبیرا، اَللّهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ مِنْ کُلِّ ما سَاَلَکَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَالُهُ وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ کُلِّ مَا اسْتَعاذَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَالُهُ.

اَللّهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ اَنْ نَذِلَّ وَنَخْزی، وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ فَسَقَهِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، وَشَرِّ فَسَقَهِ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ، وَمِنْ شَرِّ کُلِّ ذی شَرٍّوَشَرِّ کُلِّ دابَّهٍ اَنْتَ اخِذٌ بِناصِیَتِها، اِنَّکَ عَلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ، وَ «اَعُوذُ بِکَ مِنْ هَمَزاتِ الشَّیاطینِ * وَاَعُوذُ بِکَ رَبِّ اَنْ یَحْضُرُونِ»(۶)

اَللّهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِکَ مِنَ السّامَّهِ وَالْهامَّهِ، وَالْعَیْنِ اللاّمَّهِ، وَمِنْ شَرِّ طَوارِقِ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ، اِلاّ طارِقا یَطْرُقُ بِخَیْرٍ یا اَللّه، اَللّهُمَّ اصْرِف عَنّی الْبَلاءَ وَالْافاتِ وَالْعاهاتِ، وَالْاَسْقامَ وَالْاَوْجاعَ وَالْالامَ وَالْاَمْراضَ، وَاَعُوذُ بِکَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْفاقَهِ، وَالضَّنْکِ وَالضّیقِ وَالْحِرْمانِ، وَسُوءِ الْقَضاءِ، وَشَماتَهِ الْاَعْداءِ، وَالْحاسِدِ.

وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ کُلِّ شَیْطانٍ رَجیمٍ، وَجَبّارٍ عَنیدٍ، وَسُلْطانٍ جائِرٍ، اَللّهُمَّ مَنْ کانَ اَمْسی وَاَصْبَحَ، وَلَهُ ثِقَهٌ اَوْ رَجاءٌ غَیْرُکَ، فَاَنْتَ ثِقَتی

ستمگران (مشرکان و گناهکاران) می گویند بسیار برتر و والاتری.(۱)

بارخدایا از تو درخواس_ت می کنم هر آن چه را که محمد و آل او علیهم السلام از تو درخواست نمودند و به تو پناه می برم از هرآن چه که محمد و آل او علیهم السلام به تو پناه بردند.

خداوندا از این که خوار و حقیر گردیم و رس_وا شویم به تو پناه می برم، و از شـر بدکاران عرب و عجم، و شر تبهکاران جن و انس، و از شر هر صاحب شری، و شر هر جنبنده ای که زمام امورش به دست توست به تو پناه می برم، (زیرا) به راستی تو بر راه مستقیمی(۲)

، (و از وسوسه های شیاطین (جن و انس) به تو پناه می برم، و از این که نزد من حاضر شوند ای پروردگار (و صاحب اختیار)م به تو پناه می برم)(۳).

بارخدایا همانا من از (شـر) هر خزنده سمی و هر حیوان و حشره موذی و هر چشم بد و از شر پیش آمدهای شب و روز _ مگر پیش آمدی که با خیر و برکت حادث شود _ به تو پناه می برم. خدایا، خداوندا بلا و آفت ها و عیوب و آسیب ها و مرض ها و ناراحتی ها و دردها و بیماری ها را از من دور کن، و از فقر و تنگدستی و تنگی معیشت و تنگنا و محرومیت و قضا و قدر بد و نکوهش و زخم زبان دشمنان و حسود(ان) به تو پناه می برم.

و به تو پناه می برم از هر شیطان رانده شده، و (هر) ظالم زورگو و مستبدی و (هر) سلطان ستمگری.

خداونـدا هرکه داخل شب شود و وارد صـبح شود در حالی که تکیه گاه یا (مایه) امیدی غیر از تو داشـته باشد، (برای من مهم نیست) چرا که تو تکیه گاه اطمینان بخش

۱- عبارت «تعالیتَ عَمَّا یَقُولُ الظالمونَ عُلُوًّا کَبِیراً» در متن دعا، از آیه ۴۳ سوره إسراء گرفته شده است.
۲- متن عربی این عبارت بااندکی تغییر از آیه ۵۶ سوره مبارکه هود اقتباس شده است.
۳- سوره مؤمنون، آیات ۹۷ و ۹۸

وَسُؤْلی وَرَجائی، یا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ، وَیا اَ کْرَمَ مَنْ اسْتُکْرِمَ، وَیا اَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ، ارْحَمْ ضَعْفی وَذُلّی بَیْنَ یَدَیْکَ، وَتَضَرُّعی اِلَیْکَ، وَوَحْشَتی مِنَ النّاسِ، وَذُلَّ مَقامی بِبابِکَ.

اَللّهُمَّ انْظُرْ اِلَیَّ بِعَیْنِ الرَّحْمَهِ، نَظْرَهً تَکُونُ خِیَرَهً، اَسْتَأْهِلُها، وَالاّ تَفَضَّلْ عَلَیْنا، یا اَ کْرَمَ الاَْکْرَمینَ، وَیا اَجْوَدَ الاَْجْوَدینَ، وَیا خَیْرَ الْغافِرینَ، وَیا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ، وَیا اَحْکَمَ الْحاکِمینَ، وَیا اَسْرَعَ الْحاسِبینَ، یا اَهْلَ التَّقْوی وَالْمَغْفِرَهِ، یا مَعْدِنَ الْجُودِ وَالْکَرَمِ یا اَللّهُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ وَنَبِیِّکَ، وَصَفِیِّکَ وَسَفیرِکَ وَخِیَرَتِکَ مِنْ بَرِیَّتِکَ، وَصَفْوَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ، وَ زَکِیِّکَ، وَتَقِیِّکَ، وَنَقِیِّکَ، وَنَجِیِّکَ وَنَجیبِکَ، وَوَلِیِّ عَهْدِکَ، وَمَعْدِنِ سِرِّکَ، وَکَهْفِ غَیْبِکَ الطّاهِرِ الطَّیِّبِ الْمُبارَکِ، الزَّکِیِّ الصّادِقِ، الْوَفِیِّ الْعادِلِ الْبارِّ الْمُطَهَّرِ الْمُقَدَّسِ، النَّیِّرِ الْمُضیءِ، السِّراجِ اللاّمِعِ، وَالنُّورِ السّاطِعِ وَالْحُجَّهِ الْبالِغَهِ، نُورُکَ الاَْنْوَرِ، وَحَبْلُکَ الاَْطْوَلِ، وَعُرْوَتُکَ الاَْوْثَقِ، وَبابُکَ الاَْدْنی، وَوَجْهُکَ الاَْکْرَمُ، وَسَفیرُکَ الاَْوْقَفُ، وَجَنْبُکَ الاَْوْجَبُ، وَطاعَتُکَ الاَْلْزَمُ، وَحِجابُکَ الاَْقْرَبُ.

و (قبله گـاه) نیـاز و درخـواست من و (مـایه) امیـد منی. ای بهـترین کسـی که مورد درخواست قرار گرفته، و ای بزرگوارترین کسـی که از او درخـواست بزرگـواری ش_ده و ای رحم کننـده ترین کسـی که از او طلب رحمت (و شـفقت) شـده است، بر ناتوانی و حقارتم در پیشگاهت و زاری و تضرعم به آسـتانت و تنهایی و نامأنوس بودنم با مردم و ذلت جایگاه و ایسـتادنم به درگاهت رحم فرما.

بارخـدایا با چشم رحمت و مهربانی به سویم بنگر، نگاهی که برگزیـده و پرخیر باشـد و من شایسـته آن باشم. و اگر (شایسـته) نیسـتم بر ما تفضل کن ای بزرگوارترین بزرگوارترین ها، و ای بخشـنده ترین بخشـندهترین ها، و ای بهترین آمرزندگان، و ای مهربـان ترین مهربانـان، و ای داورترین (و بهترین) داوران و حکم کننـدگان، و ای سـریع ترین حسـاب کننـدگان، ای اهـل (و شایسـته) تقـوا و آمرزش، ای معـدن بخشـندگی و بزرگواری. خـدایا، بر محمـد درود و رحمت فرست (که) بنـده و فرسـتاده و پیامبر توست و برگزیـده و نماینـده (و واسـطه فیض) و بهترین انتخاب از مخلوقات، و برگزیـده از میان آفریـدگانت، و (بنده) پـاکیزه و پرهیزگـار و خـالصت، و همراز و نجیب و پاک نهادت، و عهـده دار امر ولایت تو، و معـدن راز و پناهگاه امور غیبی توست، (آن وجود) پاک و پاک سـرشت پربرکت، (و) تزکیه شده راست گفتار، وفادار عدالت کردار نیکوکار، (و) پاک شده مقدس بسـیار نورانی روشنگر، چراغ درخشان، و نور فروزان و حجت بالغه (و رسای) الهی، (که) تابان ترین نورت، و بلندترین (و محکم ترین) ریسمان، و اطمینان بخش ترین دست آویزت و نزدیک ترین آستان، و گرامی ترین واسطه فیضت، و داناترین سفیر (و نماینـده) تـو، و واجب ترین طـاعت (و مـایه قرب) تـو و پاینـده ترین (مـایه) فرمـان برداریت، و نزدیـک ترین حجـاب (نورانی) توست.

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ، وَعَلی الِهِ مِنْ الِ طه وَیس – وَاخْصُصْ وَلِیِّکَ وَوَصِیَّ نَبِیِّکَ، وَاَخا رَسُولِکَ، وَوَزیرَهُ، وَوَلِیَّ عَهْدِه، اِمامَ الْمُتَّقینَ وَخاتَمَ الْوَصِیّینَ لِخاتَمِ النَّبِیّینَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله،وَابْنَتَهُ الْبَتُولَ –

وَعَلی سَیِّدَیْ شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّهِ مِنَ الاْوَّلینَ وَالاْخِرینَ، وَعَلَی الاَئِمَّهِ الرّاشِدینَ الْمَهْدِیّینَ السّالِفینَ الْماضینَ،

وَعَلَی النُّقَباءِ الاْتْقِیاءِ الْبَرَرَهِ الاْئِمَّهِ الْفاضِلینَ الْباقینَ، وَعَلی بَقِیَّتِکَ فی اَرْضِکَ، الْقائِمِ بِالْحَقِّ فی الْیَوْمِ الْمَوْعُودِ، وَعَلَی الْفاضِلینَ الْمَهْدِیّینَ الاْمَناءِ الْخَزَنَهِ

وَعَلی خَواصِّ مَلائِکَتِکَ: جَبْرَئیلَ وَمیکائیلَ وَاِسْرافیلَ وَعِزْرائیلَ، وَالصّافّینَ وَالْحافّینَ وَالْکَرُّوبِیِّینَ وَالْمُسَبِّحینَ، وَجَمیعِ مَلائِکَتِکَ فی سَماواتِکَ وَاَرْضِکَ اَجْمَعینَ.

وَصَلِّ عَلی اَبینا ادَمَ، وَاُمِّنا حَوّاءَ، وَما بَیْنَهُما مِنَ النَّبِیّینَ وَالْمُرْسَلینَ، وَاخْصُصْ مُحَمَّدا بِاَفْضَلِ الصَّلاهِ وَالتَّسْلیمِ.

اَللّهُمَّ اِنّی اَبْرَأُ اِلَیْکَ مِنْ اَعْدائِهِمْ وَمُعانِدیهِمْ وَظالِمیهِمْ.

خداوندا بر او و بر خاندان (پاک) او از آل طه و یاس ـین درود و رحمت فرست، و بویژه (از بین آنان) ولیت و وصی پیامبرت و برادر و وزیرش و عهده دار امورش، پیشوای متقیان و خاتم اوصـیاء برای خاتم انبیاء محمد صل الله علیه و آل وسـلم، و دختر پـاک دامنش که از غیر خـدا منقطع است را ـ به این درود و رحمت اختصـاص بـده ـ و هم چنین (درود و رحمت فرست) بر دو سـرور جوانان اهل بهشت از پیشـینیان و پسـینیان و بر پیشوایان هدایت گر هدایت شده پیشین که رفته اند، و بر سروران تقوا پیشه نیکوکـار (و) پیشوایـان بـا فضـیلت بـاقی مانـده، و بر ذخیره بـاقیت در زمین (و) حجت قـائم به حقت در روز موعود، و بر صاحبـان فضـیلت (و) هـدایت شـدگان امین و نگاهبانـان (سرّ ولاـیت) و بر فرشـتگان خاصت: جبرئیل و میکائیل و اسـرافیل و عزرائیل، و فرشـتگان صف به صف ایسـتاده، و احاطه کننده (عرشت) و فرشـتگان مقرب و تسبیح کننده ات، و تمام فرشتگانت در تمامی آسمان ها و زمینت.

و (هم چنین) درود و رحمتت را شامل پدرمان آدم علیه السـلام و مادرمان حواء علیها السـلام و پیامبران و فرسـتادگان از نسل آن دو بگردان، و (از بین آنان) محمد صل الله علیه و آل وسلم را به برترین درود و رحمت و سلامت اختصاص ده.

بارخدایا، من از دشمنان ایشان و عناد ورزان با آنان و ستم کنندگان به ایشان بیزارم و به ساحت تو تبرّی می جویم.

ص: ۱۷۹

اَللّهُمَّ والِ مَنْ والاهُمْ، وَعادِ مَنْ عاداهُمْ، وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُمْ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَ عِبادَکَ الْمُصْطَفینَ الْاَخْیارَ الْاَتْقِیاءَ الْبَرَرَه.

اَللّهُمَّ احْشُرْنی مَعَ مَنْ اَتَوَلّی، وَابْعِدْنی مِمَّنْ اَتَبَرَّأُ، وَاَنْتَ تَعْلَمُ ما فی ضَمیرِ قَلْبی مِنْ حُبِّ اَوْلِیائِکَ، وَبُغْضِ اَعْدائِکَ، وَکَفی بِکَ علیما. اَللّهُمَّ اغْفِرْ لی وَلِوالِدَیَّ، وَارْحَمْهُما کَما رَبَّیانی صَغیرا، اَللّهُمَّ اجْزِهِما عَنّی بِاَفْضَلِ الْجَزاءِ، وَکافِهِما عَنّی بِاَفْضَلِ الْمُکافاهِ، اَللّهُمَّ بَدِّلْ سَیِّئاتِهِما(۷) حَسَناتٍ، وَارْفَعْ لَهُمْا بِالْحَسَناتِ الدَّرَجاتِ، اَللّهُمَّ اِذا صِرْنا اِلی ما صارُوا اِلَیْهِ، فَأْمُرْ مَلَکَ الْمَوْتِ اَنْ یَکُونَ بِنا رَؤُوفا رَحیما. اَللّهُمَّ اغْفِرْ لی، وَلِجَمیعِ اِخْوانِنَا الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ وَالْمُسْلِمینَ وَالْمُسْلِماتِ، الْاَحْیاءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْواتِ، وَتابِعْ بَیْنَنا وَبَیْنَهُمْ بِالْخَیْراتِ، اِنَّکَ مُجیبُ الدَّعَواتِ وَوَلِیُّ الْحَسَناتِ، یااَرْحَمَ الرّاحِمینَ، اَللّهُمَّ لا تُخْرِجْنی مِنْ هذِهِ الدُّنْیا اِلّا بِذَنْبٍ مَغْفُورٍ، وَسَعْیٍ مَشْکُورٍ، وَعَمَلٍ مُتَقَبَّلٍ، وَتِجارَهٍ لَنْ تَبُورَ.

اَللّهُمَّ اَعْتِقْنی مِنَ النّارِ، وَاجْعَلْنی مِن طُلَقائِکَ وَعُتَقائِکَ مِنَ

بارخدایا هر که آنان را دوست دارد دوست بدار، و هر که با آنان سر دشمنی دارد دشمن بدار، و هر که آنان را یاری کند یاری فرما، و هر که بندگان برگزیده ونیک(۱)

و تقواپیشه و نیکوکارت را تنها (و خوار) گذارد تنها (و خوار) فرما.

خداوندا مرا به همراه آن کس_ی که دوست دارم (و ولا-یتش را پذیرفته ام) محشور گردان، و از کسانی که از آنان بیزاری می جویم دورم گردان، و تو (خود) محبت به اولیایت و کینه و دش_منی نسبت به دش_منانت را که در باطن قلبم جریان دارد (به خوبی) می دانی، و علم بسیارت به این موضوع مرا کفایت می کند. (۲) بارخدای_ا مرا و پدر و م_ادرم را بیامرز و بر آن دو ترحم نم_ا همان گونه که آنان مرا در خردسالی (مهربانانه) پرورش دادند(۳)، خدایا از جانب من به آنان برترین پاداش را عنایت فرما، و با بهترین شکل جبران زحماتشان را جبران کن، خداوندا خطاها و گناهانشان را به حسنات و کارهای نیک تبدیل فرما(۴)، و با این حس_نات مراتب و درجات آنان را بالا ببر، خداوندا هرگاه به س_وی آن جایی که آنان رفتند روانه شدیم به ملک الموت (فرشته مرگ) دستور بده که نسبت به ما رؤوف و بسیار مهربان باشد

بارخدایا مرا و تمام برادران و خواهران مؤمن و مسلمان ما، (چه) زندگان و (چه) مردگان آنان را بیامرز، و بین ما و آنان با خیرات و نیکی ها پیوند و اتصال برقرار کن، بی گمان تو اجابت کننده دعاها و سرپرست (و صاحب اختیار) نیکی ها هستی، ای مهربان ترین مهربانان.

خداوندا مرا از این دنیا بیرون مکن مگر با گناهی آمرزیده، و کار و تلاشی سپاسگزاری ش_ده (و پاداش داده شده)، و عملی پذیرفته شده، و تجارت (و عملکردی) که هرگز تباه نگردد (و کسادی نپذیرد) عبارت «تِجارهٍ لن تَبُور» در متن دعا از آیه ۲۹ سوره فاطر اقتباس شده است. (۵)

۱- عبارت «المصطفَینَ الأخیار» در متن عربی دعا، یادآور آیه ۴۷ از س____وره مبارکه ص اس____ت: (وَ إِنَّ هُمْ عِنْدَنا لمنَ الْمصْطَفَیْنَ الأَخْیارِ)

۲- عبارت «و کَفی بکَ عَلِیماً» درمتن دعا، با کمی تغییر از آیه ۷۰ سوره مبارکه نساء گرفته شده است.

۳- عبارت عربی دعا در این بخش، قسمتی از آیه ۲۴ سوره مبارکه إسراء است.

۴- متن عربی این عبارت با تغییر مختصری از آیه ۷۰ س____وره مبارکه فرقان گرفته ش____ده است، ضمناً در نسخه اصلی دعا، به جای کلمه «سَّیئاتهما» واژه «سَّیئاتهِم»آمده، ولی با توجه به عبارات قبلی و بعدی به صورت مضاف به ضمیر مثنی تغییر داده شد.

۵- ، خ___دایا مرا از آتش دوزخ رهایی بخش، و در زمره آزاد ش___دگان و رهایی یافتگان از آتش قرار ده، بارخدایا گناهان گذشته ام را بیامرز، و مرا در باقیمانده عمرم (از گناه) مصون بدار.

النّارِ، اَللّهُمَّ اغْفِرْ لی ما مَضی مِنْ ذُنُوبی، وَاعْصِمْنی فیما بَقِیَ مِنْ عُمْری.

اَللّهُمَّ كُنْ لی وَلِیّا وَحافِظا وَناصِرا وَمُعینا، وَاجْعَلْنی فی حِرْزِکَ وَحِفْظِکَ، وَحِمایَتِکَ وَکَنَفِکَ، وَدِرْعِکَ الْحَصینِ، وَفی کَلاءَتِکَ، عَزَّ جارُکَ، وَجَلَّ ثَناؤُکَ، وَلا اِلهَ غَیْرُکَ، وَلا مَعْبُودَ سِواکَ. اَللّهُمَّ مَنْ اَرادَنی بِسُوءٍ فَارْدُهُ، اَللّهُمَّ وَارْدُدْ کَیْدَهُ فی نَحْرِه، اَللّهُمَّ بَتِّرْ عُمْرَهُ، وَبَدِّدْ شَمْلَهُ، وَفَرِّقْ جَمْعَهُ، وَاسْتَأْصِلْ شَأْفَتَهُ وَاقْطَعْ دابِرَهُ، وَقَتِّرْ رِزْقَهُ، وَابْلِه بِجُهْدِ الْبَلاءِ، وَاشْغَلْهُ بِنَفْسِه، وَابْتَلِه بِعِیالِه وَوُلْدِه، وَاصْرِفْ عَنّی شَرَّهُ، وَاَطْبِقْ عَنّی فَمَهُ، وَخُذْ مِنْهُ اَمْنَهُ مِثْلَ مَنْ اَخَذَ مِنْ اَهْلِ الْقُری وَهِیَ ظالِمَةٌ، وَاجْعَلْنی مِنْهُ عَلی حَذَرٍ، بِحِفْظِکَ وَحِیاطَتِکَ، وَادْفَعْ عَنّی شَرَّهُ وَکَیْدَهُ وَمَکْرَهُ، وَاکْفِنیهِ، وَاکْفِنی مااَهَمَّنی مِنْ اَمْرِ دُنْیایَ وَاخِرَتی.

اَللّهُمَّ لا تُسَلِّطْ عَلَیَّ مَنْ لا یَرْحَمُنی، اَللّهُمَّ اَصْلِحْنی، وَاَصْلِحْ شَأْنی، وَاَصْلِحْ فَسادَ قَلْبی، اَللّهُمَّ اشْرَحْ لی صَدْری، وَنَوِّرْ قَلْبی، وَیَسِّرْ لی اَمْری، وَلا تُشْمِتْ بِیَ الاْعْداءَ وَلاَ الْحاسِدَ.

ص: ۱۸۲

بارخدایا سـرپرست و نگاهبان و یاور و مددکارم باش، و مرا در پناه و حفظ خودت و تحت حمایت و سایه لطفت و زره محکم (حراست) خودت و در محافظت و نگهداریت قرار بده.

(زیرا) آن که در پناه توست عزیز و نیرومند است، و ثنا و ستایشت والا و پرعظمت است، و هیچ خدایی غیر از تو نیست، و هیچ معبودی جز تو وجود ندارد.

خداوندا هر که نسـبت به من اراده (انجام) شـر و بدی را دارد (همان شـر و بدی را) نسبت به او اراده کن، خدایا مکر و کیدش را به سوی سـینه و گلوگاه خودش برگردان، خـدایا عمرش را قطع (و کوتاه) فرما، جماعتش را پراکنده، و جمعش را متفرق ساز، و اصل او و خانواده اش را ریشه کن، و پشت و نسلش را قطع فرما، و روزی او را تنگ بگیر و او را به بلایی مشقت بار و طاقت فرسا دچار کن، و به خودش مشغولش دار، و به عیال و فرزندش گرفتار و مبتلا ساز، و شـرش را از من برگردان (و دور کن)، و دهانش را نسبت به من ببند، و امنیتش را از او بگیر همانند افرادی (ناسپاس) از اهل سـرزمین ها که به سـبب ظلمشان نعمت (و امنیت) از آنان سلب شد(۱) و مرا با حفظ و حراستت از او بر حذر دار، و شر او و نیرنگ و فریبش را از من دور ساز، و مرا از (شر) او کفایت نما، و مرا نسبت به هر آن چه از امور دنیا و آخرتم اندوهگین و دغدغه مند ساخته کفایت فرما.

بارخدایا کسی که مرا رحم نمی کند بر من چیره نگردان، خدایا مرا اصلاح کن و وضعیتم را اصلاح نما (و سر و سامان بده) و خرابی (و تباهی) دلم را اصـلاح فرمـا، خداونـدا سـینه ام را گشاده گردان (و به من شـرح صـدر عنایت فرما) و قلبم را (به نور خودت) نورانی کن.

و امر و کارم را برایم آسان گردان و دشمنان و حسود را به شماتت و سرزنشم شاد مگردان.

ص: ۱۸۳

۱- تعبیر «اخِذَ مِن أهلِ القُری و هی ظالِمهٌ» در متن دعا، با تغییراتی از آیه ۱۰۲ سـوره مبارکه هود گرفته شـده است.

اَللّهُمَّ اَغْنِنی بِغِناکَ، وَلا تُحْوِجْنی اِلی اَحَدٍ سِواکَ، وَتَفَضَّلْ عَلَیَّ عَنْ فَضْلِ مَنْ سِواکَ، یا قَریبُ، یا مُجیبُ، یا اَللّه ، لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ، سُبْحانَکَ وَبِحَمْدِکَ، عَمِلْتُ سُوءً، وَظَلَمْتُ نَفْسی، فَاغْفِرْ لی ذُنُوبی، اِنَّهُ لا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلاّ اَنْتَ.

اَللّهُمَّ اَظْهِرِ الْحَقَّ وَاَهْلَهُ، وَاجْعَلْنی مِمَّنْ اَقُولُ بِه، وَاَنْتَظِرُهُ، اَللّهُمَّ قَوِّمْ قائِمَ الِ مُحَمَّدٍ، وَاَظْهِرْ دَعْوَتَهُ بِرِضیً مِنْ الِ مُحَمَّدٍ، اَللّهُمَّ اَظْهِرْ رایَتَهُ، وَقَوِّ عَزْمَهُ، وَعَجِّلْ خُرُوجَهُ، وَانْصُرْ جُیُوشَهُ وَاعْضُدْ اَنْصارَهُ، وَاَبْلِغْ طَلِبَتَهُ، وَاَنْجِحْ اَمَلَهُ، وَاَصْلِحْ شَأْنَهُ، وَقَرِّبْ اَوانَهُ، فَاِنَّکَ تُبْدِئُ وَتُعیدُ، وَاَنْتَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ، اَللّهُمَّ امْلاَءِ الدُّنْیا قِسْطا وَعَدْلاً، کَما مُلِئَتْ جَوْرا وَظُلْما.

اَللّهُمَّ انْصُرْ جُیُوشَ الْمُؤْمِنینَ، وَسَرایاهُمْ وَمُرابِطیهِمْ، حَیْثُ کانُوا وَاَیْنَ کانُوا، مِنْ مَشارِقِ الْاَرْضِ وَمَغارِبِها، وَانْصُرْهُمْ نَصْرا عَزیزا، وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحا یَسیرا، وَاجْعَلْ لَنا وَلَهُمْ مِنْ لَدُنْکَ سُلْطانا نَصیرا. اَللّهُمَّ اجْعَلنا مِنْ اَتْباعِه، وَالْمُسْتَشْهَدینَ بَیْنَ یَدَیْه.

اَللّهُمَّ الْعَنِ الظَّلَمَهَ وَالظّالِمینَ الَّذینَ بَدَّلُوا دینَکَ، وَحَرَّفُوا

خداوندا مرا با بی نیازی خودت بی نیاز کن، و به هیچ فردی غیر از خودت محتاجم مکن، و بر من تفضل فرموده و از فضل غیر خودت بی نیاز گردان، ای نزدیک (به من حتی بیش از رگ گردن) ای اجابت کننـده (نیازها و خواس_ته های من)، ای خدا، هیچ معبودی جز تو نیس_ت، تو را (از هر عیب و نقصی) منزّه می دانم و به ستایش و س_پاس تو (مشغولم)، بد عم_ل کرده ام و به خودم ظلم نموده ام، پس گناهانم را بیامرز (زیرا) قطعاً هیچ کس به جز تو گناهان را نمی آمرزد.

بارخدایا حق و اهلش را (بر دیگران) غالب گردان، و مرا از کسانی قرار ده که قائل به حق و منتظر (تحقق) آن هستم، خداوندا قائم آل محمد صل الله علیه و آل وسلم را (برای نهضت جهانیش) برپا دار، و فراخوانی (مردم توسط) او به سوی خشنودی آل محمد را آشکار ساز، خداوندا پرچمش را پیروز (و آشکار) گردان، و عزم و اراده اش را قوت بخش، و خروج و نهضتش را تعجیل فرما، و س_پاهیانش را یاری کن و یارانش را پشتیبانی فرما، و حضرتش علیه السلام را به خواسته و آرمانش برسان، و آرزویش را تحقق بخش، و امر قیامش را سر و سامان بده، و دوران (نهضت و حکومتش) را نزدیک گردان، (چرا که) به راستی تو آغاز می کنی و باز می گردانی، و تو بسیار آمرزنده و بسیار با محبت و مهرورزی.(۱)

خداوندا دنیا را (با ظهور پربرکتش) پر از عدل و داد فرما، همان گونه که (پیش از ظهورش) پر از جور و ستم شده است.

بارالها لش_کرهای مؤمنان و گروه های جنگجو و مرزدارانش_ان را در هر وضعیت و هر مکانی از سرزمین های مشرق و مغرب که هستند یاری فرما، و آنان را پیروزی عزت مندانه(۲) و فتح و گشایشی آس_ان نصیب فرما، و از جانب خودت قدرت و سلطه ای بسیار یاری کننده برای ما و آنان قرار ده.(۳) بارخدایا ما را از پیروان آن حضرت علیه السلام و شهیدان در رکاب و پیش رویش بگردان. خدایا ظالمان و س_تمگران را لعنت فرما، کس_انی که دین تو را تغییر دادند، و کتابت را

۱- عب___ارت «فَإِنّ___كَ تبدِئُ و تُعيدُ و أنتَ الغفورُ الوَدود» در متن دعا از آیات ۱۳ و ۱۴ س___وره مبارکه بروج گرفته شده است.

۲- عبارت عربی متن دعا، با تغییراتی از آیهٔ ۳ سورهٔ مبارکهٔ فتح اقتباس شده است.

۳- متن عربی این عبارت با تغییرات اندکی از آیهٔ ۸۰ سورهٔ مبارکهٔ إسراء گرفته شده است.

كِتابِكَ وَغَيَّرُوا سُنَّهَ نَبِيِّكَ، وَدَرَسُوا الْآثارَ، وَظَلَمُوا عَلى اَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ وَقاتَلُوا، وَتَعَدُّوا عَلَيْهِمْ، وَغَصَبُوا حَقَّهُمْ، وَنَفَوْهُمْ عَنْ بُلْدانِهِمْ وَاَزْعَجُوهُمْ عَنْ اَوْطانِهِمْ، مِنَ الطّاغينَ وَالتّابِعينَ، وَالْقاسِطينَ وَالْمارِقينَ وَالنّاكِثينَ، وَاَهْلِ الزُّورِ وَالْكَذِبِ، الْكَفَرَهِ الْفَجَرَهِ.

اَللّهُمَّ الْعَنْ اَتْباعَهُمْ، وَجُيُوشَهُمْ، وَاَصْحابَهُمْ، وَاَعْوانَهُمْ، وَمُحِبّيهِمْ وَشيعَتَهُمْ، وَاحْشُرْهُمْ اِلى جَهَنَّمَ زُرْقا.

اَللّهُمَّ عَذِّبْ كَفَرَهَ اَهْلِ الْكِتابِ، وَجَميعَ الْمُشْرِكينَ، وَمَنْ ضارَعَهُمْ مِنَ الْمُنافِقينَ، فَاِنَّهُمْ يَتَقَلَّبُونَ فى نِعَمِكَ، وَيَجْحَدُونَ اياتِكَ، وَيُكَذِّبُونَ رُسُلَكَ، وَيَتَعَدُّونَ حُدُودَكَ، وَيَدْعُونَ مَعَكَ اِلها، لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ، سُبْحانَكَ وَتَعالَيْتَ عَمّا يَقُولُ الظّالِمُونَ عُلُوّا كَبيرا.

اَللّهُمَّ اِنّى اَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّكِّ وَالشِّرْكِ، وَالشِّقاقِ وَالنِّفاقِ، وَالرِّياءِ، وَدَرَكِ الشَّقاءِ، وَسُوءِ الْقَضاءِ، وَشَماتَهِ الْاَعْداءِ، وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ.

تحریف نمودند، و سنت پیامبرت را دگرگون نمودند، و آثار (آن سنت) را از بین بردند، و بر اهل بیت پیامبرت صل الله علیه و آل وسلم س_تم روا داشتند(۱)، و با آنان جنگیده و به (حریم) آنان تعدی نمودند، و حقش_ان را غصب کردند، و آنان را از سرزمین هایشـان تبعیـد و از زادگاهشان بیرون راندنـد، از جمله سـرکشان (در برابر خـدا و رسول خـدا) و کسانی که (از نسـل بعدی) دنباله روی آنان شدند، و قاسـطین (اصـحاب زر و زور) و مارقین (خارج شوندگان از دین) و ناکثین (پیمان شکنان)، و اهل فریب و دروغ (که همه این گروه ها) کافران و فاجرانند.

خداونـدا پیروان آنان و س__پاهیان و یاران و یاوران و دوس__تـداران و دنباله روهای آنان را لعنت کن و آنان را (در قیامت به صورت) کورانی کبود چشم به سوی جهنم محشور گردان(۲).

خدایا کافران اهل کتاب و تمام مشـرکان و منافقان را که ش_بیه آنانند عذاب فرما، زیرا بی گم_ان آنان در نعمتهای تو غوطه ورنـد ولی آیات تو را انکار نموده و فرسـتادگانت را تکذیب می کنند، و از حدود (دسـتورات و احکام) تو تجاوز نموده، و به همراه تو معبودی دیگر را فرا می خواننـد. (امـا حقیقت این است که) معبودی جز تو نیست، تو پاک و منزهی و بسـیار والاتر و بالاتری از آن چه که ستمگران و گناهکاران می گویند (و معتقدند).(۳)

بارالها از ش__ک و تردیـد و ش__رک و جدایی (از حق) و نفاق و ری_ا و دورویی و عمق (و تبعات) بدبختی و قضا و قدر بد و شاد ش__دن دشمنانم و سرزنش آنان و فرجام و عاقبت بد به تو پناه می برم.

۱- آوردن «علی» در متن عربی لازم نیست، زیرا «ظلموا» متعدی بنفسه است.(مترجم)

۲- متن عربی این عبارت یادآور آیه ۱۰۲ سوره مبارکه طه است

۳- متن عربی این عبارت با کمی تغییر از آیه ۴۳ سوره مبارکه إسراء اقتباس شده است.

اَللّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنّی کَما تَقَبَّلْتَ مِنَ الصّالِحینَ، وَاَلْحِقْنی بِهِمْ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ، اَللّهُمَّ افْسَحْ فی اَجَلی، وَاَوْسِعْ فی رِزْقی، وَمَتِّعْنی بِطُولِ الْبَقاءِ، وَدَوامِ الْعِزِّ، وَتَمامِ النِّعْمَهِ، وَرِزْقٍ واسِعٍ، وَاَغْنِنی بِحَلالِکَ عَنْ حَرامِکَ، وَاصْرِفْ عَنِّی السُّوءَ وَالْفَحْشاءَ وَالْمُنْکَرَ.

اَللّهُمَّ افْعَلْ بی ما اَنْتَ اَهْلُهُ، وَلا تَفْعَلْ بی ما اَنَا اَهْلُهُ، و لا تُؤاخِذْنی بِعَدْلِکَ، جُدْ لَیَّ عَفْوَکَ رَحْمَتِکَ،وَرَأْفَتِکَ وَرِضْوانِکَ. اَللّهُمَّ عَفْوَکَ، لا تَرُدَّنا خائِبینَ، وَلا تَقْطَعْ رَجائی، وَلا تَجْعَلْنی مِنَ الْقانِطینَ، وَ لا مَحْرُومینَ، وَلا مُجْرِمینَ، وَلا ایسینَ، وَلا ضالّینَ وَلا مُضِلّینَ، وَ لا مَطْرُودینَ، وَلا مَغْضُوبینَ، امِنّا الْعِقابَ، وَطَمْئِنْ بِنا دارَکَ دارَ السَّلامِ.

اَللّهُمَّ اِنّی اَتَوَسَّلُ اِلَیْکَ بِمُحَمَّدٍ وَالِهِ الطَّیِّبینَ وَاَتَشَفَّعُ اِلَیْکَ بِهِمْ، وَاَتَقَرَّبُ اِلَیْکَ بِهِمْ، وَاَتَوَجَّهُ اِلَیْکَ بِهِمْ، اَللّهُمَّ اجْعَلْنی بِهِمْ وَجیها، اَللّهُمَّ اغْفِرْ لی بِهِمْ، وَتَجاوَزْ عَنْ سَیِّئاتی بِهِمْ، وَارْحَمْنی بِهِمْ، وَاشْفَعْنی بِهِمْ. اَللّهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ حُسْنَ الْعاقِبَهِ، وَتَمامَ النِّعْمَهِ فِی الدُّنْیا وَالْاخِرَهِ،

بارخدایا (این دعاها و اعمال خوبم را) از من بپذیر همان گونه که از بندگان صالحت پذیرفتی و مرا به ایشان ملحق ساز ای مهربان ترین مهربانان. بارخدایا مدت عمرم را فراخ و رزقم را زیاد و گسترده فرما، و مرا به طولانی بودن زندگی و دوام و پایداری عزت و کامل بودن نعمت، و روزی گسترده بهره مند ساز، و با (رزق) حلالت مرا از حرامت بی نیاز گردان و شر و بدی و زشتی و عمل ناشایست را از من دور کن.

خداوندا آن چه را که خود اهل آنی در موردم انجام بده، و آنچه را که من اهل آنم در موردم انجام نده، و مرا با عدلت مؤاخذه مفرما، و عفو و بخشش و رحمت و رأفت و خشنودیت را با جود و کرمت به من عنایت فرما.

خدایا عفو و بخششت را می طلبم، (بنابر این) ما را (از لطفت) مأیوس مگردان، و امیدم را (از درگاهت) قطع نکن، ومرا در زمره نومیدان و محرومان و مجرمان و مأیوسان و گمراهان و گمراه کنندگان و رانده شدگان و غضب شدگان قرار مده، ما را از مجازات در امان بدار، و ما را در خانه ات ـ خانه امن و آرامش ـ ساکن گردان.

خداوندا به یقین من به واسطه محمد و خاندان پاکش (صلوات الله علیهم اجمعین) به (درگاه) تو متوسل می شوم و آنان را به درگاهت شفیع خود می گردانم، و به واسطه وجود مبارکشان به سوی تو تقرّب می جویم، و به وسیله آنان به درگاهت روی می آورم. خداوندا مرا به واسطه آنان در درگاهت آبرومند ساز، و به برکت وجودشان مرا بیامرز، و از بدی ها و گناهانم درگذر، و به خاطر آنان به من رحم کن، و مرا قرین و همراه آنان گردان.

خداوندا از تو فرجام و عاقبت نیکو و نعمت کامل

ص: ۱۸۹

اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ

اَللّهُمَّ اغْفِرْ لَنا، وَارْحَمْنا، وَتُبْ عَلَیْنا، وَعافِنا، وَغَنِّمْنا، وَرَفِّعْنا وَسَدِّدْنا، وَاهْدِنا، وَاَرْشِدْنا، وَکُنْ لَنا وَلا تَکُنْ عَلَیْنا، وَاکْفِنا ما اَهَمَّنا مِنْ اَمْرِ دُنْیانا وَاخِرَتِنا، وَلا تُضِلَّنا، وَلا تُهْلِکْنا، وَلا تَضَعْنا،وَاهْدِنا اِلی سَواءِ الصِّراطِ، وَاتِنا ما سَاَلْنا وَما لَمْ نَسْاَلْکَ، وَزِدْنا مِنْ فَضْلِکَ، اِنَّکَ اَ نْتَ الْمَنّانُ یا اَللّه، رَبَّنا اتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً، وَفِی الْاخِرَهِ حَسَنَةً، وَقِنا عَذابَ النّارِ، اَسْتَغْفِرُ اللّه رَبّی، وَاَتُوبُ اِلَیْهِ

اغْفِرْ، وَارْحَمْ، وَتَجاوَزْ عَمّا تَعْلَمُ، اِنَّکَ اَنْتَ الْاَعَزُّ الْاَکْرَمُ.

۱۰_بعد نافله الفجر

اَسْتَمْسِکُ بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقَی الَّتی لَا انْفِصامَ لَها، وَبِحَبْلِ اللّه الْمَتینِ، وَاَعُوذُ بِاللّه مِنْ شَرِّ فَسَقَهِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، وَاَعُوذُ بِاللّه مِنْ شَرِّ فَسَقَهِ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ.

۱۱_بین الأذان والإقامه

المنفرد یخطو تجاه القبله خطوه برجله الیمنی ثمّ یقول :

به راستی تو بر هر چیزی بسیار توانایی.

بارخدایا ما را بیامرز و رحم کن، و توبه مان را بپذیر (و به سوی ما بازگرد)، و ما را عافیت بخش و غنیمت ده، و ما را بالا برده و (در راه حق) استوار کن، و ما را هدایت و راهنمایی فرما، و به سود ما باش و به ضرر ما نباش، و ما را نسبت به امور دنیا و آخرتمان که ما را دغدغه مند و اندوهگین ساخته کفایت فرما، و (هرگز) ما را گمراه مکن، و نابود نفرما، و حقیر و فرومایه مساز.

و ما را به سوی راه صحیح هدایت فرما،(۱) و آن چه را که از تو خواستیم و آن چه را نخواستیم به ما عنایت فرما، و از فضلت بر نعمتمان بیفزا، (زیرا) به راستی تو خودت بسیار نعمت بخشی ای خدا، پروردگارا در دنیا نیکی و در آخرت نیکی به ما عطا فرما و ما را از عذاب آتش دوزخ مصون بدار.(۲) از خداوند ـ پروردگارم ـ آمرزش می خواهم و به درگاهش توبه می کنم. (خداوندا) بیامرز، و رحم کن، و از هر آنچه (از اعمال زشت و گناهانمان) می دانی درگذر، (چرا که) قطعاً تو خودت عزیزترین و گرامی ترینی.

دعای دهم: دعای حضرت علیه السلام پس از نافله صبح

به محکم ترین دست آویز الهی که هیچ گسستگی ندارد(۳) و به ریسمان مستحکم خداوند چنگ می زنم، و از شز فاسقان و بدکاران عرب و عجم به خدا پناه می برم، و (هم چنین) از شر فاسقان و بدکاران جن و انس به خداوند پناه می برم.

دعای یازدهم: دعای امام علیه السلام بین اذان و اقامه

(از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند:) شخصی که به صورت فرادی نماز می خواند (بین اذان و اقامه) با پای راستش یک گام به جلو گذاشته و بگوید:

۱- متن عربی این عبارت، یک عبارت قرآنی است که در پایان آیه ۲۲ سوره مبارکه ص آمده است.

۲- متن عربی این عبارت، یک دعای قرآنی است که در آیه ۲۰۱ سوره بقره آمده است.

۳- عبارت «اسْتَمْسِکُ بالعُرْوَةِ الْوُثْقَى الّتی لا انْفِصامَ لَها» با اندکی تغییر از آیه ۲۵۶ سوره مبارکه بقره اقتباس شده است.

بِاللّه اَسْتَفْتِحُ، وَبِمُحَمَّدٍ – صَلَّى اللّه عَلَيْهِ والِه – اَسْتَنْجِحُ وَاَتَوَجَّهُ. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَعَلى الِ مُحَمِّدٍ، وَاجْعَلْنى بِهِمْ وَجيها فِى الدُّنْياوَالْاخِرَهِ، وَمِنَ الْمُقَرَّبينَ.

۱۲_بعد التکبیرات

ثمّ افتتح الصلاه، ثمّ کبّر مع التوجّه ثلاث تکبیرات ثمّ تقول: اَللّهُمَّ اَنْتَ الْمَلِکُ الْحَقُّ الْمُبينُ، لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ، سُبْحانَکَ وَبِحَمْدِکَ عَمِلْتُ سُوءً، وَظَلَمْتُ نَفْسى، فَاغْفِرْ لى، اِنَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلّا اَنْتَ.

ثُمَّ تکبّر تکبیرتین وتقول : لَبَّيْکَ وَسَعْدَيْکَ، وَالْخَيْرُ بَيْنَ يَدَيْکَ، وَالشَّرُّ لَيْسَ اِلَيْکَ، وَالْمَهْدِىُّ مَنْ هَدَيْتَ، عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدَيْکَ، بَيْنَ يَدَيْکَ، مِنْکَ وَبِکَ وَلَکَ وَاِلَيْکَ، لا مَلْجَأَ وَلا مَنْجى وَلا مَفَرَّ مِنْکَ اِلّا اِلَيْکَ.

سُبْحانَکَ وَحَنانَيْکَ، تَبارَکْتَ وَتَعالَيْتَ، سُبْحانَکَ رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرامِ، وَالرُّکْنِ وَالْمَقامِ، وَالْحِلِّ وَالْحَرامِ.

ص: ۱۹۲

بـا اسـتعانت از خداونـد متعـال آغاز می کنم، و به برکت محمـد ــ که درود و رحمت خـدا بر او و خانـدانش باد ــ پیروزی و مـوفقیت را می طلبـم و (بـه درگـاه خـدا) روی می آورم. خداونـدا بر محمـد و آل محمـد درود و رحمـت فرست، و به برکت وجودشان مرا در دنیا و آخرت (نزد خودت) آبرومند و از نزدیکان درگاهت گردان.

دعای دوازدهم: دعای حضرت علیه السلام بعد از تکبیرات افتتاحیه نماز

(از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند:) سپس نماز را آغاز کن، و با توجه و حضور قلب سه تکبیر بگو، سپس بگو: بارخدایا تو فرمانروای حق آشـکار و روشـنگری، هیچ معبودی جز تو نیست، تو را (از هر عیب و نقصـی) منزّه و مبرّا می دانم و به سـتایش و سپاسـت (مشـغولم) . بـد عمل کرده ام و به خویشـتن ظلم نموده ام، پس مرا بیامرز، (زیرا) بی گمان جز تو کسـی گناهان را نمی آمرزد.

سپس دوبـار تکـبیر گفته و می گـویی: (فرمـانت را) مکرراً اجـابت می کنم و مکرراً (انجـام آن را) یـاری می رسـانم، و خیر و برکت در پیشـگاه توسـت، و شـر و بـدی به سوی تو راه نـدارد، و هدایت شده آن کسـی است که تو هدایت کردی. بنده ات و فرزند دو بنده ات در پیشگاهت (ایستاده) است، (وجودش) از تو و (استعانتش) به (ذیل عنایت) تو و (سراسر وجود و عبادتش) برای تو و (سـیر و حرکتش) به سوی توست، هیـچ پناه و هیـچ نجات و هیـچ گریزی از (خشم و قدرت) تو نیست مگر به سوی خودت، تو را (از هر عیب و نقصی) پاك و منزّه می دانم و مهربانی مکررت را (خواستارم)، ذاتت پربرکت و بی زوال اس‌ــت و (از آن چه به گمـان آیـد) برتر و والا-تری، پـاك و منزّهی ای پروردگـار (و صـاحب اختیـار) بیت الله الحرام (خانه پرحرمت کعبه)، و رکن و مقام، و حلّ (منطقه خارج از منطقه احرام) و حرام (منطقه احرام).

ص: ۱۹۳

ثم تکبر تکبیرتین وتقول : وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذی فَطَرَ السَّمواتِ وَ الْاَرَضینَ، حَنیفا - عَلی مِلَّهِ اِبراهیمَ ، وَ دینِ مُحَمَّدٍ، وَ وِلایَهِ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ عَلِیِّ بْنِ اَبی طالبٍ صَلَواتُ اللّه ِ عَلَیْهِمْ - مُسْلِما وَما اَنَا مِنَ الْمُشْرِکینَ، اِنَّ صَلاتی وَنُسُکی وَمَحْیایَ وَمَماتی للّه ِ رَبِّ الْعالَمینَ، لا شَریکَ لَهُ، وَبِذلِکَ اُمِرْتُ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمینَ، لا اِلهَ غَیْرُکَ وَلا مَعْبُودَ سِواکَ، اَعُوذُ بِاللّه ِ السَّمیعِ الْعَلیمِ مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیمِ .

۱۳_فی القنوت

اَللّهُمَّ اَنْتَ اللّه ُلا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ الْحَلیمُ الکَریمُ، لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ الْعَلِیُّ الْعَظیمُ، سُبْحانَکَ رَبِّ السَّماواتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْاَرَضینَ السَّبْعِ وَما فیهِنَّ، وَما بَیْنَهُنَّ، وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ، یا اَللّه ُ لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لی وَلِوالِدَیَّ وَلِجَمیعِ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ، اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ(۸). رَبِّ اغْفِرْ، وَارْحَمْ وَتَجاوَزْ عَمّا تَعْلَمُ، اِنَّکَ اَنْتَ الْاَعَزُّ الْاَجَلُّ الْاَکْرَمُ.

سپس دو تکبیر گفته و می گویی: چهره (و وجود) خویش را به س_وی خدا می گردانم که آسمان ها و زمین ها را آفرید در حالی که حق گرا_ بر آیین ابراهیم علیه السلام و دین محمد صل الله علیه و آل وسلم و ولایت امیرمؤمنان علی بن ابی طالب _ که درود و رحمت خداوند بر آنان باد_ (و) تسلیم (امر خدا) هستم و (هرگز) از مشرکان نیستم(۱). بی گمان نماز و عبادات من و زندگی و مرگم برای خداوند پروردگار جهان ها و جهانیان اس_ت، هیچ شریکی برایش وجود ندارد، و به همین (اعتقاد و کردار) مأمور شده ام و من از مس_لمانان (و تسلیم شدگان) هستم(۲). هیچ خدایی غیر تو نیست و هیچ معبودی جز تو وجود ندارد، به خداوند بسیار شنوای بسیار دانا از (شر) شیطان رانده شده پناه می برم. (۳)

دعای سیزدهم: دعای امام علیه السلام در قنوت

بارخدایا تو خداوندی که هیچ معبودی جز تو نیست، بردبار (و بزرگمنش) و بزرگواری، هیچ معبودی جز تو نیس_ت (که) بلند مرتبه و بسیار بزرگی، تو پاک و منزّهی پروردگار (و صاحب اختیار) آس_مان های هفت گانه و پروردگار زمین ه_ای هفت گانه، و هرآن چه در آن هاست و هرآن چه بین آن هاست و پروردگار (و صاحب اختیار) عرش عظیم.

ای خداوند (که) هیچ چیزی همانند او نیست، بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست، و مرا و والدینم و تمام مردان و زنان باایمان را بیامرز(۴)، (که) بی گمان تو بر هر چیزی بسیار توانای_ی(۵)، پروردگارا (مرا) بیامرز و رحم کن و از آن چه که (از گناهانم) می دانی درگذر، (زیرا) به راستی تو خودت عزیزترین، عظیم ترین و گرامی ترینی.

ص: ۱۹۵

۱- متن عربی این عبارت بدون عبارت معترضه وس___ط آن، با اندک تغییری از آیه ۷۹ س___وره انعام گرفته ش___ده است

۲- متن عربی عبارات اخیر با تغییر مختصری از آیات ۱۶۲و ۱۶۳ سوره مبارکه انعام اقتباس شده است

۳- ذکر عبارت«أعوذُ باللهِ َالس___میعِ العلیم من َالش___یطان َالرجیم» در ضمن دعا، در حقیقت عمل کردن به دستوری است که در آیات ۲۰۰ سوره مبارکه اعراف و ۳۶ سوره مبارکه فصلت داده شده است.

۴- متن عربی این عبارت، با تغییراتی از آیه پایانی سوره مبارکه نوح برداشته شده است.

۵- در نسخه ای دیگر به جای عبارت اخیر متن، عبارت «إّنک علی ذلک قادر» آمده است.

۱۴_فی قنوت صلاه العیدین

اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ اللّه ، وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، وَاَنَّ مُحَمَّدا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اَللّهُم اَنْتَ اَهْلَ الْكِبْرِیاءِ وَالْعَظَمِهِ، وَاَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ، وَاَهْلَ الْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَه، وَاَهْلَ التَّقْوی وَالرَّحْمَهِ، اَسْاَلُكَ فی هـذَا الْیَوْمِ الَّذی جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمینَ عیدا، وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّه عَلَیْهِ وَالِه ذُخْرا وَمَزیدا، اَنْ تُصَلِّیَ عَلَیْهِ وَعَلی الِه، وَاَسْاَلُكَ بِهذَا الْیَوْمِ الَّذی شَرَّفْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَعَظَّمْتَهُ وَفَضَّلْتَهُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّه عَلَیْهِ وَالِه، اَنْ تَغْفِرَ لی وَلِجَمیعِ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ، وَالْمُسْلِمینَ وَالْمُسْلِماتِ، الْاَحْیاءِ مِنْهُمْ وَالاَمْواتِ، اِنَّكَ مُجیبُ الدَّعَواتِ، یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ.

۱۵_فی قنوت صلاه الکسوف

«...اِنَّ اللّه یَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِی السَّمواتِ وَمَنْ فِی الاَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوابُّ وَكَثیرٌ مِنَ النّاسِ، وَكَثیرٌ حَقَّ عَلَیْهِ الْعَذابُ....»(۹)

ص: ۱۹۶

دعای چهاردهم: دعای حضرت علیه السلام در قنوت نماز عید فطر و قربان

شهادت می دهم که معبودی جز خداوند نیست (که) یکتاست و هیچ شـریکی ندارد، و این که محمد صل الله علیه و آل وسلم بنده و فرسـتاده اوست. بارالها تو اهل و شایسـته کبریاء (و بزرگی) و عظمتی، و اهل جود و جبروت و قدرتی، و اهل بخشش و آمرزش، و اهل تقوا و رحمت هستی.(۱) در این روز (مبارک) که آن را عیدی برای مسلمانان گرداندی و (آن را) برای محمد _ که درود و رحمت خـدا بر او و خاندانش بادـ ذخیره و مایه برکت و فزونی قرار دادی، از تو درخواست می کنم که بر او و بر خاندان (پاکش) درود و رحمت فرستی.

و به حق امروز که آن را شـرافت بخشـیده و گرامی داشته و عظمت داده و (بر سایر ایام) برتری دادی به برکت محمد _ که درود خـدا بر او و خاندانش بادـ که مرا و همگی مردان و زنان مؤمن و مسـلمان، زندگان و مردگان آنان را بیامرزی، به یقین تو اجابت کننده دعاها و نیایش هایی، ای مهربان ترین مهربانان.

دعای پانزدهم: دعای امام علیه السلام در قنوت نماز کسوف

(... بی گمان خداوند هر آن که در آسمان ها و هرآن که در زمین است و خورشید و ماه و سـتارگان و کوه ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم برایش سجده می کنند، و بسیاری (از مردم) عذاب بر آن ها تحقق یافته و ثابت شده است...)(۲)

ص: ۱۹۷

۱- متن عربی عبارات اخیر، با تغییراتی از آیه پایانی سوره مبارکه مدّثر گرفته شده است.

۲- سوره مبارکه حج/ آیه ۱۸

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمِّدٍ وَالِ مُحَمِّدٍ، اَللّهُمَّ لا تُعَذِّبْنا بِعَذابِکَ وَلا تُسْخِطْ عَلَیْنا بِسَخَطِکَ، وَلا تُهْلِکْنا بِغَضَبِکَ، وَلا تُؤاخِذْنا بِما فَعَلَ السُّفَهاءُ مِنّا، وَاعْفُ عنّا، وَاغْفِرْ لَنا، وَاصْرِفْ عَنَّا الْبَلاءَ، یا ذَا الْمَنِّ وَالْطَّوْلِ.

۱۶ـفی الرکوع

اَللّهُمَّ لَکَ رَکَعْتُ، وَلَکَ خَشَعْتُ، وَبِکَ اعْتَصَمْتُ، وَلَکَ اَسْلَمْتُ وَعَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ، اَنْتَ رَبّی، خَشَعَ لَکَ قَلْبی وَسَمْعی وَبَصَری، وَشَعْری وَبَشَری، وَمُخّی وَلَحْمی، وَدَمی وَعَصَبی وَعِظامی، وَجَمیعُ جَوارِحی، وَما اَقَلَّتِ الْاَرْضُ مِنّی، غَیْرَ مُسْتَنْکِفٍ وَلا مُسْتَکْبِرٍ، للّه ِ رَبِّ الْعالَمینَ، لا شَریکَ لَهُ، وَبِذلِکَ اُمِرْتُ.

سُبْحانَ رَبِّیَ الْعَظیمِ وَبِحَمْدِه. (ثلاث مرّات، او خمسا أو سبعا أو تسعا فهو أفضل)

۱۷ـفی آخر السجده من نوافل المغرب لیله الجمعه

فإذا حضر یوم الجمعه، ففی لیلته قل فی آخر السجده من نوافل المغرب، وأنت ساجد:

ص: ۱۹۸

خداوندا بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست، خداوندا ما را به عذابت عذاب مفرما و با خشـمت بر ما خشم مگیر، و با غضـبت ما را هلاک نکن، و به خاطر آنچه نادانان و سـفیهان ما انجام دادند ما را مؤاخذه و مجازات مفرما(۱)، و ما را عفو کن و بیامرز، و بلا را از ما بگردان، ای صاحب (لطف و) نعمت و احسان (و تفضل).

دعای شانزدهم: دعای حضرت علیه السلام در رکوع

بارالها فقط برای تو رکوع کردم، و تنها برای تو خشوع و فروتنی ورزیـده ام، و فقط به تو پناه می جویم، و تنها برای تو خود را تسلیم کرده ام، و فقط بر تو تکیه و اعتماد کرده ام، (زیرا) تو پروردگار (و صاحب اختیار) منی، دل و گوش و چش_م من، و مو و پوست و مغزم، و گوشت و خون و عصب و اسـتخوان هـایم، و تمام اعضا و جوارحم و آن چه که زمین از من در برگرفته است برای تو (و در برابرت) خاشع و فروتن است، در حالی که (از این خشوع) در برابر خدا که پروردگار جهانیان است امتناع ننموده و تکبر نمی ورزد. هیچ همتا و شریکی برای او نیست و من به همین (کار) مأمور شده ام.

سپس سه بار یا پنج یا هفت یا نه بار این ذکر را بگو که این تکرار بهتر است:

پروردگار (و صاحب اختیار) بس_یار بزرگم را (از هر عی_ب و نقصی) منزّه می دانم و به ستایش و سپاس او (مشغولم).

دعای هفدهم: دعای حضرت علیه السلام در آخر سجده نافله های نماز مغرب در شب جمعه

(از امـام رضا علیه السـلام روایت شـده که فرمودنـد:) پس هرگاه روز جمعه آمـد، در شب آن در آخر سـجده هر یک از نافله های نماز مغرب و در حالی که در سجده ای بگو:

۱- عبارت «لا تُؤاخِذنا بما فَعَلَ ُالسفَهاءُ مِنّا» در متن دعا، یادآور بخشی از آیه ۱۵۵ سوره مبارکه اعراف است.

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ بِاسْمِکَ الْعَظیمِ، وَسُلْطانِکَ الْقَدیمِ، اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِه، وَتَغْفِرَ لی ذَنْبِیَ الْعَظیمَ.

۱۸_فی تعقیب الصلاه

فإذا فرغت من صلاه الزوال، فارفع یدیک ثمّ قل:

اَللّهُمَّ اِنّی اَتَقَرَّبُ اِلَیْکَ بِجُودِکَ وَکَرَمِکَ، وَاَتَقَرَّبُ اِلَیْکَ (بِمُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ) وَاَتَقَرَّبُ اِلَیْکَ بِمَلائِکَتِکَ وَاَنْبِیائِکَ وَرُسُلِکَ، وَاَسْاَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَاَسْاَلُکَ اَنْ تُقیلَ عَثْرَتی، وَتَسْتُرَ عَوْرَتی، وَتَغْفِرَ ذُنُوبی، وَتَقْضِیَ حَوائِجی، وَلا تُعَذِّبَنی بِقَبیحِ فِعالی، فَاِنَّ جُودَکَ وَعَفْوَکَ یَسَعُنی.

ثمّ تخرّ ساجدا، وتقول فی سجودک:

یااَهْلَ التَّقْوی وَالْمَغْفِرَهِ، یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ، اَنْتَ مَوْلایَ وَسَیِّدی فَارْزُقْنی. اَنْتَ خَیْرٌ لی مِنْ اَبی وَاُمّی وَمِنَ النّاسِ اَجْمَعینَ. بی اِلَیْکَ فَقْرٌ وَفاقَهٌ، وَاَنْتَ غَنِیٌّ عَنّی، اَسْاَلُکَ بِوَجْهِکَ الْکَریمِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَعَلی اِخْوانِهِ النَّبِیّینَ وَالْاَئِمَّهِ الطّاهِرینَ، وَتَسْتَجیبَ دُعائی، وَتَرْحَمَ تَضَرُّعی، وَاصْرِفْ عَنّی اَنْواعَ الْبَلاءِ، یا اَرْحَمَ الرّاحمینَ.

ص: ۲۰۰

بارخدایا من به برکت اسم عظیم تو و سلطه و قدرت ازلی و قدیمت از تو می خواهم که بر محمد و آل او درود و رحمت فرستی و گناه عظیم و بسیار مرا بیامرزی.

دعای هجدهم: دعای امام علیه السلام در تعقیبات نماز

(از حضرت رضا علیه السلام نقل شـده که فرمودند:) پس هرگاه از نماز ظهر فارغ شدی دستانت را بلند کرده و بگو:

بارالها من به واسطه جود و بزرگواریت به سـوی تو تقرّب می جویم، و (به یمن وجود محمد صل الله علیه و آل وسلم بنده و فرستاده ات) به درگاهت نزدیکی می جویم، و به وسیله فرشتگان و انبیاء و پیامبرانت به تو تقرّب می جویم، و از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد درود و رحمت بفرستی، و از تو می خواهم که لغزشم را ببخشی و درگذری، و عیب و زشتی ام را بپوشانی، و گناهانم را بیامرزی، و حاجت هایم را برآورده سازی، و به سبب کارها و اعمال زشتم مرا عذاب نفرمایی، چرا که بی گمان جود و بخشش تو مرا فرا می گیرد.

سپس به سجده درمی افتی و در حال سجده می گویی:

ای (خدای) اهل تقوا و آمرزش،(۱) ای مهربان ترین مهربانان، تو مولا و سرور منی، پس مـرا روزی ده. تو برایم از مادر و پدرم و از همه مردم بهتری، قطعاً در (وجود) من نیاز و احتیاج زیادی به تو وجود دارد، ولی تو از من بی نیازی، به حق ذات کریم و بزرگوارت از تو درخواست می کنم

که بر محمد و آل محمد، و بر برادران حضرتش که پیامبرانند، و ائمه و پیشوایان پاک درود و رحمت فرستی و دعای مرا اجابت فرمایی، و بر ناله و زاری من ترحم کنی، و انواع بلا و مصیبت را از من برگردانی، ای مهربان ترین مهربانان.

۱- متن عربی این عبارت با اندکی تغییر از آیه پایانی سوره مبارکه مدّثر اقتباس شده است

فإذا فرغت من صلاتک، فارفع یدیک وأنت جالس وکبر ثلاثا، وقل:

لا اِلهَ اِلاَّ اللّه ُ وَحْـِدَهُ وَحْـِدَهُ وَحْـِدَهُ، اَنْجَزَ وَعْـِدَهُ، وَنَصَـِرَ عَبْدَهُ، وَاَعَزَّ جُنْدَهُ، وَهَزَمَ الْاَحْزابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ، یُحْیی وَیُمیتُ، وَیُمیتُ ویُحْیی، بِیَدِهِ الْخَیْرُ، وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ.

۱۹_عند الخروج من المنزل وعند السفر إلی الحجّ

إذا أردت سفرا فاجمع أهلک، وصلّ رکعتین، وقل: اَللّهُمَّ اِنّی اَسْتَوْدِعُکَ دینی، وَنَفْسی، وَاَهْلی، وَوُلْدی، وَعِیالی.

۲۰_عند الخروج إلی الحجّ

فإذا أردت الخروج إلی الحج... وقل:

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْتَوْدِعُکَ الْیَوْمَ دینی وَمالی وَنَفْسی، وَاَهْلی وَوُلْدی، وَجَمیعَ جیرانی وَاِخْوانِیَ الْمُؤْمِنینَ، الشّاهِدَ مِنّا وَالْغائِبَ عَنّا.

و هنگامی که از نمازت فارغ شدی درحالی که نشسته ای دستانت را بلند کن و سه بار تکبیر گفته و بگو:

هیچ معبودی جز خداوند نیس_ت (که) یکتا (و) یگانه است، وعده اش را به انجام رساند و تحقق بخشید، و بنده اش را یاری نمود و سپاهش را قدرتمند و غالب فرمود، و به تنهایی تمام گروه های (کفار و مشرکان) را شکست داده و فراری داد، پس فرمانروایی فقط برای اوست، و ستایش و سپاس مخصوص اوست، زنده می گرداند و می میراند، و می میراند و زنده می کند، خیر و برکت فقط در دست اوست، و او بر هر چیزی بسیار تواناست.

دعای نوزدهم: دعای حضرت علیه السلام هنگام بیرون رفتن از منزل و هنگام سفر حج

(از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمودند:) هرگاه اراده سفر داشتی افراد خانواده ات را جمع کن و دو رکعت نماز گزارده و بگو:

بارخدایا بی گمان من دینم و خودم و خانواده و فرزندان و عیال (و نان خورهایم) را به تو می سپارم.

دعای بیستم: دعای امام علیه السلام هنگام رفتن به حج

(از حضرت رضا علیه السلام روایت است که فرمودند:) پس هرگاه اراده رفتن به حج را داشتی... و بگو: خداوندا من امروز دین و مالم و خودم و خانواده و فرزندانم و تمام همسایگان و دوستان مؤمنم _ چه آنان که پیشم حاضرند و چه آنان که غایبند _ را به تو می سپارم.

۲۱_دعاء آخر:

إذا أردت الخروج إلى الحجّ ودّعت أهلك .... ثمّ صلّ ركعتين وتقول:

اَللّهُمَّ اِنّى اَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثاءِ السَّفَرِ، وَكَابَهِ الْحُزْنِ.

اَللّهُمَّ احْفَظْنى فى سَفَرى، واسْتَخْلِفْ لى فى اَهْلى وَوُلْدى، ورُدَّنى فى عافِيَةٍ اِلى اَهْلى وَرَهْطى.

۲۲_إذا أردت الخروج من منزلك فقل: بِسْمِ اللّه ِ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاّ بِاللّه ِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّه ِ ....

واقرأ «قُلْ هُوَ اللّه ُاَحَدٌ» مرّه عن يمينك،ومرّه عن يسارك، ومرّه عن خلفك، ومرّه [من] بين يـديك، ومرّه من فوقك، ومرّه من تحتك، فإنّكَ تكون فى يومك كلّه فى أمان اللّه.

فإذا خرجت فقل: «بِحَوْلِ اللّه ِ وَقُوَّتِه اَخْرُجُ»

۲۳_فإذا وضعت رجلك فى الركاب، فقل

: بِسْمِ اللّه ِ وَبِاللّه ِ، وَفى سَبيلِ اللّه ِ وَعَلى مِلَّهِ رَسُولِ اللّه ِ صَلَّى اللّه ُعَلَيْهِ وَالِه وَسَلَّمْ.

فإذا استويت على راحلتك، واستوى بك محملك، فقل: اَلْحَمْدُللّه ِ الَّذى هَدانا اِلَى الْاسْلامِ، وَمَنَّ عَلَيْنا بِالْايمانِ،

دعای بیست و یکم: دعای دیگر

هرگاه اراده رفتن به حج را داشتی با خانواده ات وداع کرده ... سپس دو رکعت نماز بگزار و بگو:

خداوندا من از سختی و مشقت سفر و افسردگی اندوه و حزن به تو پناه می برم.

بارخدایا مرا در سفرم حفظ فرما، و برای من جانشینی در خانواده و فرزندانم قرار ده، و مرا با سلامتی و عافیت به خانواده و جماعتم برگردان

دعای بیست و دوم: هرگاه خواستی از منزل بیرون روی بگو: به نام خـدا (بیرون می روم)، و هیچ توان و هیچ قدرتی نیست جز با استعانت از خداوند (متعال) بر خداوند توکل و اعتماد کردم ...

و (سپس) سوره توحید را یک بار به سمت راست خود، و بار دیگر به سمت چپ خودت، و یک بار پشت سر و یک بار پیش رو و بار دیگر بالای سر و بار دیگر زیر خود بخوان، که (در این صورت) بی گمان تو در تمام امروزت در امان خدا خواهی بود. و هرگاه از خانه خارج شدی بگو: فقط با (استعانت از) توان خدا و قدرتش خارج می شوم.

دعای بیست و سوم: پس هرگاه پایت را در رکاب نهادی بگو: به نام خدا و با استعانت از خدا، و در راه خدا و بر آیین رسول خدا که درود و رحمت خدا و سلامش بر او و خاندانش باد.

و هنگامی که روی مرکب خود مستقر شدی و کجاوه ات تو را در برگرفت بگو:

ستایش و سپاس برای خداوندی است که ما را به راه اسلام هدایت فرمود، و نعمت ایمان را به ما ارزانی داشت،

ص: ۲۰۵

وَعَلَّمَنَا الْقُرْانَ، وَمَنَّ عَلَيْنا بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّه عَلَيْهِ وَالِه، «سُبْحانَ الَّذى سَخَّرَ لَنا هذا وَماكُنّا لَهُ مُقْرِنينَ وَاِنّا اِلى رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ، وَالْحَمْدُللّه رَبِّ الْعالَمينَ.

۲۴_عند الإحرام للتمتّع بالعمره إلى الحجّ بعد الفريضه

فإذا أردت التمتّع فقل: اَللّهُمَّ اِنّى اُريدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَهِ اِلَى الْحَجِّ عَلى كِتابِكَ وَسُنَّهِ نَبِيِّكَ، فَيَسِّرْهُ لى، وَتَقَبَّلْها مِنّى(۱۰)

۲۵_دعاء آخر:

اَللّهُمَّ اِنّى اُريدُ ما اَمَرتَ بِه مِنَ التَّمَتُّعِ بِالْعُمْرَهِ اِلَى الْحَجِّ، عَلى كِتابِكَ وَسُنَّهِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّه عَلَيْهِ وَالِه، فَاِنْ عَرَضَ لى عارِضٌ يَحْبِسُنى، فَحَلِّنى حَيثُ حَبَسْتَنى، لِقَدَرِكَ الَّذى قَدَّرْتَ عَلَيَّ.

اَللّهُمَّ اِنْ لَمْ تَكُنْ حَجَّهٌ، فَعُمْرَهٌ.

وإن دخلت بحجّ مفرد ... تقول : اَللّهُمَّ اِنّى اُريدُ الْحَجَّ فَيَسِّرْهُ لى، وَتَقَبَّلْهُ مِنّى

ص: ۲۰۶

و قرآن را به مـا یاد داد، و با وجود مبارك محمـد ــ كه درود و رحمت خـدا بر او و خانـدانش باد ــ بر ما تفضل كرد (و منت نهـاد) پـاك و منزه است خـدایی كه این (مركوب) را در اختیار ما قرار داد (و مسـخر ما گردانیـد) و (گرنه) ما خود بر این كار قـادر نبودیم، و بی گمـان ما به س‍ـوی پروردگارمان باز می گردیم»(۱) و س‍ـتایش و سپاس مخصوص خداوند است (كه) پروردگار جهان ها و جهانیان (است)(۲).

دعای بیست و چهارم: دعای حضرت علیه السلام هنگام بستن احرام برای تمتع در حج عمره پس از نماز واجب

(از حضـرت علیـه السـلام روایـت ش‍ـده كه فرمودنـد:) هرگـاه قصـد به جـا آوردن متعه حـج (در حـج عمره) را كردی بگـو: خداوندا من می خواهم متعه حج عمره را بر اس‍ـاس كتابت و س‍ـنت پیامبرت صل الله علیه و آل وسـلم به جا آورم، پس آن را برایم آسان گردان و این عمره را از من بپذیر(۳)

دعای بیست و پنجم: دعای دیگر

بارخدای‍ـا م‍ـن می خواهم كه آن چه در مورد به جا آوردن حج عمره به من امر فرمودی را بر اساس كتابت و سنت پیامبرت ــ كه درود و رحمت خـدا بر او و خانـدانش بادــ به اجرا گـذارم، پس اگر در این كار حادثه ای عارض ش‍ـد كه مرا (از این كـار) بـاز می داشت (آن مـانع را) از س‍ـر راهم بردار همان گونه كه با قضا و قـدری كه بر من مقـدر فرمودی مرا باز داشتی. خداونـدا اگر این سـفر حـج تمتع نیست آن را عمره قرار ده. و اگر به قصد حج افراد وارد شدی ... می گویی: خداوندا من می خواهم حج به جا آورم، پس آن را برایم آس‍ـان گردان، و این عمل را از من بپذیر.

۱- متن عربی عبارات اخیر در حقیقت آیات ۱۳ و۴۱ سوره مباركه زخرف است.

۲- متن عربی این عبارت، عبارات معروف قرآنی «الحَمدُ لِلهِ رَبِّ العالمین» اس‍ـــت كه در آیات ۲ س‍ـــوره حمد، ۴۵ انعام، ۱۰ یونس، ۱۸۲ صافات، ۷۵ زُمر و ۶۵ غافر به كار رفته است.

۳- و هرگاه قصـد به جا آوردن حـج به نیابت ش‍ـــخص دیگری داش‍ـــتی بگو: خداونـدا من می خواهم از طرف فلان بن فلان (و به جای فلان بن فلان نام آن ش‍ـــخص را ببر)، س‍ـــپس آن را برایم آسان گردان، و از طرف فلانی این (حـج) را بپذیر.

ثمّ قل عند ذلك: اَللّهُمَّ فاِنْ عَرَضَ لی شَیْءٌ یَحْبِسُنی، فَحَلِّنی حَیْثُ حَبَسْتَنی لِقَدَرِکَ الَّذی قَدَّرْتَ عَلَیّ، اَللّهُمَّ اِنْ لَمْ تَکُنْ حَجَّةٌ، فَعُمْرَةٌ.

اُحْرِمُ لَکَ شَعْری وَبَشَری، وَلَحْمی وَعِظامی، وَمُخّی وَعَصَبی، وَشَهَواتی مِنَ النِّساءِ وَالطّیبِ، وَغَیْرِها مِنَ اللِّباسِ وَالزّینَهِ، اَبْتَغی بِذلِکَ وَجْهَکَ وَمَرْضاتِکَ، وَالدّارَ الْاخِرَهَ، لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ، اَللّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ اَنْ تَجْعَلَنی مِمَّنِ اسْتَجابَ لَکَ، وَامَنَ بِوَعْدِکَ وَاتَّبَعَ اَمْرَکَ، فاِنّی اَنَا عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ، وَفی قَبْضَتِکَ، لا واقٍ اِلاّ ما وَقَیْتَ، وَلا اخِذٌ اِلاّ ما اَعْطَیْتَ.

فَاَسْأَلُکَ اَنْ تَعْزِمَ لی عَلی کِتابِکَ وَسُنَّهِ نَبِیِّکَ، وَتُقَوِّیَنی عَلی ما صَنَعْتَ عَلَیْهِ، وَتُسَلِّمَ مِنّی مَناسِکی فی یُسْرٍ مِنْکَ وَعافِیَهٍ، وَاجْعَلْنی مِنْ وَفْدِکَ الَّذی رَضیتَ وَارْتَضَیْتَ، وَسَمَّیْتَ وَکَتَبْتَ.

اَللّهُمَّ اِنّی خَرَجْتُ مِنْ شُقَّهٍ بَعیدَهٍ، وَمَسافَهٍ طَویلَهٍ، وَاِلَیْکَ وَفَدْتُ وَلَکَ زُرْتُ، وَاَنْتَ اَخْرَجْتَنی، وَعَلَیْکَ قَدِمْتُ، وَاَنْتَ اَقْدَمْتَنی،

پس در آن هنگـام بگو: بارالهـا پس اگر حادثه ای برایم عارض شـد که مرا (از آن) باز می داشت مرا (از آن) آزاد فرما همان گونه که با قضا و قدری که بر من مقدر فرمودی مرا بازداشتی، خدایا اگر این سفر نمی تواند حج باشد آن را عمره قرار ده.

به خـاطر تو مو و پوسـتم و گوشت و اسـتخوان و مغز و عصـبم و تمایلاـتم نسـبت به زنان و عطر و چیزهای دیگرماننـد لباس و زینت را بر خود حرام کرده (و احرام می بندم) و (با این کار) به دنبال (تقرب به) ذات پاکت و (به دست آوردن) خشنودیت و (آباد کردن) خانه آخرت (خود) هستم، (زیرا) هیچ معبودی جز تو نیست.

خداوندا از تو می خواهم که مرا در زمره کسانی قرار دهی که دعوت تو را اجابت نموده، و به وعده (صادقت) ایمان آورده، و دسـتور و فرمانت را پیروی نمودند، زیرا که بی گمان من خودم بنده تو و فرزند بنده ات هسـتم، و (وجودم) در دست (قدرت) توست، (به گونه ای که) نه (چیزی را) حفاظت کننـده ام جز آن چه تو محافظت کردی و نه (چیزی را) گیرنـده ام جز آن چه که تو عطا فرمودی.

لـذا از تو درخواست می کنم که قصـد و تصـمیم مرا بر اساس کتابت و سـنت پیامبرت صل الله علیه و آل وسـلم به عزم جـدی تبـدیل فرمـایی و مرا بر آن چه (قضا و قـدر فرموده و) انجام داده ای تقویت فرمایی، و اعمال و مناسـکم را در آسانی از جانب خودت و عافیت و سـلامتی از من بپـذیری، و مرا از گروه زوّارت که از آن خشـنودی و آن را برگزیـده ای و افراد آن را به نام مشخص فرموده و نوشته ای قرار ده.

خـدایا من از جـایی دور و مسـافتی طولاـنی بیرون آمـدم و فقط به سوی تو حرکت نموده و قصـد زیارتم تنها برای توست، در حالی که خودت مرا بیرون آوردی، و به سوی تو آمدم در حالی که خودت مرا آوردی،

ص: ۲۰۹

اَطَعْتُکَ بِاِذْنِکَ وَالْمِنَّهُ لَکَ عَلَیَّ، وَعَصَیْتُکَ بِعِلْمِکَ وَلَکَ الْحُجَّهُ عَلَیَّ. وَاَسْاَلُکَ بِانْقِطاعِ حُجَّتی، وَوُجوبِ حُجَّتِکَ عَلَیَّ، اِلاّ ما صَلَّیْتَ عَلی مُحَمَّدٍ وَعَلی الِه، وَغَفَرْتَ لی، وَتَقَبَّلْتَ مِنّی.

اَللّهُمَّ فَتَمِّمْ لی حَجَّتی وَعُمْرَتی، وَتُخْلِفْ عَلَیَّ فیما اَنْفَقْتُ، وَاجْعَلِ الْبَرَکَهَ فیما بَقِیَ، وَرُدَّنی اِلی اَهْلی وَوُلْدی.

۲۶_عند دخول المسجد الحرام، والنظر إلی البیت، وعند الحجر

قل عند دخول المسجد: بسم اللّه وباللّه، وابدا برجلك الیمنی قبل الیسری، وقل:

اَللّهُمَّ اغْفِرْ لی ذُنُوبی، وَافْتَحْ لی اَبْوابَ رَحْمَتِکَ، وَاَبْوابَ فَضْلِکَ، وَجَوائِزَ مَغْفِرَتِکَ، وَاَعِذْنا مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیمِ، وَاسْتَعْمِلْنی بِطاعَتِکَ وَرِضاکَ.

فإذا دخلت مکّه ونظرت إلی البیت فقل: اَلْحَمْدُ للّهِ الَّذی عَظَّمَکَ وَشَرَّفَکَ وَکَرَّمَکَ،

بـا اجازه (و توفيق) خودت تو را اطاعت نمودم. در حالى كه در اين طاعت و فرمانبردارى، تو بر من منت دارى، و با وجود علم و دانايى ات تو را معصـيت نمودم در حالى كه در اين معصيت حجت و دليل تو بر من غلبه دارد (و حق به جانب توس_ت). و به خـاطر عـذر نداشـتنم و ثـابت شـدن حجت و برهانت بر من، (حاجتم را) از تو مى خواهم (و درخواستى نـدارم) جز اينكه بر محمد و بر خاندان پاكش درود و رحمت فرس_تى، و مرا بيامرزى، و (عملم را) از من بپذيرى.

بارخـدايا حـج و عمره مرا تكميـل فرمـا و مـالى را كه (در اين راه) هزينه نمودم (با مال بهتر و بيشترى) جايگزين فرما. و در آن چه از مالم باقى مانده بركت قرار بده، و مرا (سالم و با دست پر) به خانواده و فرزندانم بازگردان.

دعاى بيست و ششم: دعاى حضرت عليه السلام هنگام ورود به مسجدالحرام و نگاه به خانه كعبه و هنگام استلام حجرالأسود

(از امام رضا عليه السلام روايت شده كه فرمودند:) هنگام ورود به مسجدالحرام بگو: بسم الله و بالله (به نام خدا و با استعانت از خدا وارد مى شوم)، و هنگام ورود پاى راسـتت را قبل از پاى چپ بگذار، و بگو: بارالها گناهانم را بيامرز، و درهاى رحمت و فضـلت را بر روى من بگشا، و جوايز آمرزش و بخشـشت را (نصيبم فرما)، و ما را از شر شيطان رانده شده پناه بده (و محافظت فرما)، و مرا در (مسير) طاعت و خشنوديت به كار بگير.

و هرگاه داخل مكه شـدى و به خانه خـدا نظر افكنـدى بگو: سـتايش و سـپاس از براى خدايى است كه تو را عظمت بخشـيد و شرافت داده و گرامى داشت،

ص: ٢١١

وَجَعَلَکَ مَثابَهً لِلنّاسِ وَاَمْنا، وَهُدیً لِلْعالَمینَ.

وإذا نظرت إلی البیت فقل: اَللّهُمَّ اَنْتَ السَّلامُ، وَمِنکَ السَّلامُ، فَحَیِّنا رَبَّنا بِالسَّلامِ، اَللّهُمَّ اِنَّ هذا بَیْتُکَ الَّذی شَرَّفْتَ، وَعَظَّمْتَ، وَکَرَّمْتَ اَللّهُمَّ زِدْ لَهُ تَشْریفا وَتَعْظیما وَتَکْریما، وَبَرّا، وَمَهابَهً.

فإذا انتهیت إلی باب البیت فقل: اَللّهُمَّ اِنَّ الْبَیْتَ بَیْتُکَ، وَالْحَرَمَ حَرَمُکَ، وَالْعَبْدَ عَبْدُکَ، هذا مَقامُ الْعائِذِ بِکَ مِنَ النّارِ.

وقل عند باب البیت: سائِلُکَ بِبابِکَ، مِسْکینُکَ بِبابِکَ، عُبَیْدُکَ بِفِنائِکَ، فَقیرُکَ نَزَلَ بِساحَتِکَ، تَفَضَّلْ عَلَیْهِ بِجَنَّتِکَ.

وإذا انتهیت إلی الحجر الأسود، فارفع یدیک، وقل:

بِسْمِ اللّهِ [وَبِاللّهِ] وَاللّهُ اَکْبَرُ، اَللّهُمَّ ایمانا بِکَ، وَتَصْدیقا بِکِتابِکَ، وَاتِّباعا لِسُنَّهِ نَبِیِّکَ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَالِه، وَوَفاءً بِعَهْدِکَ، امَنْتُ بِاللّهِ، وَکَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطّاغُوتِ، اَللّهُ اَکْبَرُ، لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ وَاللّهُ اَکْبَرُ.

ص: ۲۱۲

و تو را محل گردهمایی مردم و مرجع امور دینی آنان و مقام امن و مایه هدایت و راهنمایی جهانیان گرداند.(1)

و هرگاه به خانه نظر افکندی بگو:

خداوندا تو بی عیب و نقص و سلامت بخشی، و آرامش و سلامتی از توست، پس ما را با آرامش و سلامتی سالم و زنده بدار، خداوندا بی گمان این خانه خانه توست که آن را شرافت بخشیدی و عظمت داده و گرامی داشتی.

بارخدایا شرافت و عظمت و ارجمندی و بزرگداشت این خانه و خیر و منافع و هیبت آن را بیشتر فرما.

و هنگامی که به درِ خانه کعبه رسیدی بگو: بارالها، قطعاً این خانه خانه توست، و این حرم حرم تو و این بنده بنده توست، این جایگاه برپا ایستادن کسی است که از آتش دوزخ به تو پناه آورده است.

و نزد درِ خانه کعبه بگو: گدایت به درگاهت آمده، مخلوق بیچاره ات به درگاهت ایستاده، بنده حقیرت بر آستان خانه توست، بنده محتاجت به ساحت عظمتت وارد شده است، پس بهشت رابر او تفضل نموده و به او ببخش.

و هنگامی که به حجر الأسود رسیدی دستانت را بالا برده و بگو: به نام خدا و با استعانت از خدا (آغاز می کنم) و خدا بزرگتر اس_ت (از آن چه که به وصف درآید)، خداوندا به تو ایمان دارم و کتابت را تصدیق می نمایم و سنت و راه روشن پیامبرت _ که درود و رحمت خدا بر او و خاندان پاکش باد_ را پیروی می کنم، و به عهد و پیمانم (با تو) وفا دارم. به خدا ایمان دارم و به جبت و طاغوت (بت و بسیار طغیان گر یا نام دو بت) کفر می ورزم، خدا بزرگتر است (از آن چه که توصیف شود)، هیچ معبودی جز خداوند یگانه نیست، و خدا بزرگتر است (از آن چه که به وصف درآید).

۱- متن عربی عبارت اخیر از تلفیق دو آیه ۱۲۵ سوره بقره و ۹۶ آل عمران اخذ شده است.

اَللّهُمَّ لَکَ حَجَجْتُ، واِیّاکَ اَجبْتُ، وَاِلَیْکَ وَفَدْتُ، وَلَکَ قَصَدْتُ وَبِکَ صَمَدْتُ، وَزِیارَتَکَ اَرَدْتُ، وَاَنا فی فِنائِکَ، وَفی حَرَمِکَ، وَضَیفُکَ، وَعلی بابِ بَیْتِکَ، نَزَلْتُ ساحَتَکَ، وَحَلَلْتُ بِفِنائِکَ.

اَللّهُمَّ اَنْتَ رَبّی وَرَبُّ هذَا الْبَیْتِ، اَللّهُمَّ اِنَّ هذَا الْیَوْمَ یَوْمٌ تَکْرَهُ فیهِ الرَّفَثَ، وَتَقْضی فیهِ التَّفَثَ وَتُبِرُّ فیهِ الْقَسَمَ، وَتُعْتِقُ فیهِ النَّسَمَ، قَدْ جَعَلْتَ هذَا الْبَیْتَ عیدا لِخَلْقِکَ، وَقُرْبانا لَهُمْ اِلَیْکَ، وَمَثابَةً لِلنّاسِ وَاَمْنا، وَجَعَلْتَهُ لَهُم قِیاما بِحَجِّهِ، وَیُطافُ حَوْلَهُ، وَیُجاوِرُهُ الْعاکِفُ، وَیَأْمَنُ فیهِ الْخائِفُ.

اَللّهُمَّ وَاِنّی مِمَّنْ حَجَّهُ لَکَ رَغْبَةً فیکَ، [وَ] الْتِماسا لِرِضاکَ وَرِضْوانِکَ، وَشُحّا عَلی خَطیئَتی مِنْکَ، اَللّهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ الْمُعافاهَ فِی الشُّکْرِ، وَالْعِتْقَ مِنَ النّارِ، اِنَّکَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرّاحِمینَ.

ثمّ تدنو مِنْ الحجر قتستلمه وتقول: اَلْحَمْدُللّه ِ الَّذی هَدانا لِهذا وَما کُنّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلا اَنْ هَدانَا اللّه ُ لَقَدْ جاءَتْ رُسُلُ رَبِّنا بِالْحَقِّ، سُبْحانَ اللّه ِ، وَالْحَمْدُللّه ِ

ص: ۲۱۴

باراله_ا فقط برای تو حـج گزاردم و تنها دعوت تو را اجابت نمودم، و فقط به سوی تو حرکت کردم، و تنها تو را قصد نمودم، و حـاجت و نیـازم را فقـط به سـوی تـو آوردم، و اراده و خواس_ته ام تنهـا زیـارت تو بود، و (اکنون این) منم که در آسـتانت ایسـتاده ام، و در حرم (امن) تو و مهمانت و بر درگاه خانه ات هسـتم، به ساحت عظمت تو وارد شده ام و در آسـتان (رحمت) تو داخل شده ام.

بارخدایا تو پروردگار (و صاحب اختیار) من و صاحب اختیار این خانه ای.

خـدایا بی گمـان این روز روزی است که همبستری (بنـدگان) در آن را نمی پسـندی و چرک و آلودگی آنـان را برطرف می سـازی، و سوگنـدها را در آن راست گردانـده و تحقق می بخشـی، و نفوس (بردگان) را در آن آزاد می سازی، به تحقیق این خـانه را مـایه بـازگشت آفریـدگانت و وسـیله تقرب آنـان بـه سـوی خـودت و محـل اجتمـاع و گردهمـایی مردم و مقـام امن گرداندی(۱) و آن را مایه نهضت و خیزش آنان با یک حـج س_اختی(۲)، و پیرامون آن طواف می شود، و بنده عابد، مجاور آن می شود و انسان هراسان در آن امنیت می یابد.

بارالهـا، بی گمان من از کسانی هسـتم که این خانه را به خاطر تو و به سـبب اشتیاق به تو و کسب خشـنودی و رضایتت، و کم کردن گنـاه و خطـایم نسبت به تو زیـارت نمودم، خـدایا از تو عـافیت و سـلامتی (و توفیق) در شـکرگزاری و رهایی از آتش دوزخ را می طلبم (زیرا) به راستی تو خودت مهربان ترین مهربانانی.

سپس به حجرالأسود نزدیک شـده و آن را اسـتلام نموده (و دست می کشـی) و می گویی: سـتایش و سـپاس برای خداونـدی است که ما را به این (راه و عمل) هـدایت فرمود در حالی که اگر خـدا ما را هدایت نمی کرد هرگز امکان نداشت خودمان به آن راه یابیم.

(سوگنـد که) به یقین رس_ولان پروردگارمان با (سـخن و برهان) حق (به سوی ما) آمدنـد،(۳) خداونـد متعال (از هر عیب و نقصی) پاک و منزّه اس_ت، و س__پاس و ستایش مخصوص

۱- عبارت «و مَثابهً للنّاسِ و أمناً»در متن دعا از آیه ۱۲۵ سوره مبارکه بقره اقتباس شده است.

۲- عبارت «و جَعَلتَهُ لَهم قیاماً» در متن دعا از آیه ۹۷ سوره مبارکه مائده گرفته شده است.

۳- متن عربی عبارات اخیر بخشی از آیه ۴۳ سوره مبارکه اعراف است.

وَلاـ اِلهَ اِلاّـ اللّه ُوَاللّه ُا كْبَرُ، لاـ اِلهَ اِلاّـ اللّه، وَحْـدَهُ لا شَـريكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكَ وَلَهُ الْحَمْـدُ، يُحْيى وَيُميتُ، وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ، بِيَـدِهِ الْخَيْرُ[كُلُّهُ] وَهُوَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ، وَصَلَّى اللّه ُعَلى مُحَمَّدٍ وَعَلى الِه وَسلَّمَ.

۲۷_عند بدءِ الطواف من الحجر الأسود

ثمّ تطوف بِالبيت(۱۱) تبدأ بركن الحجر الأسود، وقل:

اَمانَتى اَدَّيْتُها، وَميثاقى تَعاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لى بِالْمُوافاهِ.

امَنْتُ بِـاللّه ِ عَزَّ وَجَلَّ، وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالْطّاغُوتِ، وَاللاّتِ وَالْعُزّى وَهُبَل وَالاْصْـنامِ، وَعِبادَهِ الاْوْثانِ وَالْشَّيْطانِ، وَكُلِّ نِـدٍّ يُعْبَـدُ مِنْ دُونِ اللّه ِ عَزَّوَجَلَّ، سُبْحانَهُ عَمّا يَقُولُونَ عُلُوّا كَبيرا.

وتقول فى طوافك: اَللّهُمَّ اِنّى اَسْاَلُكَ بِاسْـمِكَ الَّذى يُمْشى بِه عَلَى الْمـاءِ كَما يُمْشى عَلى جُـدَدِ الاْرْضِ، وَبِاسْـمِكَ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ عِنْدَكَ وَبِاسْمِكَ الْعَظيم الاْعْظَمِ، الَّذى اِذا دُعيتَ بِه اَجَبْتَ، وَاِذا سُئِلْتَ به

خـداست، و هیـچ معبودی جز خـدای یگانه وجود نـدارد و خداونـد بزرگتر است (از آنچه به وصف درآید). هیچ معبودی جز خداونـد نیس_ت (که) یکتاس_ت و هیـچ ش_ریکی ندارد، فرمانروایی فقط در اختیار اوست، و سـتایش و سپاس فقط به او اختصاص دارد، زنـده می گردانـد و می میرانـد، در حالی که او (خود) زنده ای است که (هرگز) نمی میرد، تمام خیر و برکت فقط به دست (با کفایت) اوست، و او بر هر چیزی بسیار تواناست، و درود و رحمت خداونـد بر محمـد و بر خانـدان پاکش و سلام خداوند بر آنان باد.

دعای بیست و هفتم: دعای امام علیه السلام هنگام شروع طواف از حجرالأسود

(از امام رضا علیه السـلام نقل شـده که فرمودنـد:) سـپس خانه خدا را طواف نموده(۱) و این کـار را از حجرالأسود شـروع می کنی، و (در این حال) بگو:

امانتم را ادا کردم و تعهد و پیمانم را انجام دادم، تا این که تو وفای به عهدم را به نفع من شهادت دهی.

به خداونـد عزّ و جـلّ ایمان دارم، و به جبت و طاغوت (بت و بسـیار طغیانگر یا نام دو بت) و لات و عزّی و هبل و س_ایر بت هـا، و عبادت بت ها و ش_یطان و هر همتایی (ادعایی) که غیر از خـدا عزّ و جلّ پرستیـده می شود کفر می ورزم، خداونـد از آن چـه آنـان می گوینـد بسـیار پـاک و منزه و والا ـتر است. (۲) و در طـوافت می گـویی: بارخـدایا من بـا اسـتعانت از اس_م مبـارکت کـه بـه وسـیله آن می تـوان روی آب راه رفت همـان گـونه که بر راه هـای زمین راه پیمـوده می ش_ود، و بـا یـاری خواس_تن از اسم محفوظ (و) پنهـان نزد خودت و به نام عظیم (و) اعظمت که اگر به وسـیله آن خوانـده شوی (حتماً) اجابت فرموده و چنان چه به وسیله آن از تو درخواست شود

ص: ۲۱۷

۱- و هرگاه خواس____تی از طرف یکی از برادران ایمانی ات طواف کنی و به حجرالأس____ود رس____یدی می گویی: به نام خدا، خداوندا بپذیر.

۲- عبارت «سُبْحانَهُ عَمَّا یَقُوْلونَ عُلُوًّا کَبِیراً» با اندک تغییری از آیه ۴۳ سوره مبارکه إسراء اقتباس شده است.

اَعْطَيْتَ، اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمِّدٍ وَالِ مُحَمِّدٍ، وَاَنْ تَغْفِرَ لی، وَتَرْحَمَنی وَتَقْبَلَ مِنّی کَما تَقَبَّلْتَ مِنْ اِبْراهیمَ خَلیلِکَ، وَمُوسی کَلیمِکَ وَعیسی رُوحِکَ، وَمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّه ُعَلَیْهِ وَالِه حَبیبِکَ.

۲۸_مقابل المیزاب

اَللّهُمَّ اَعْتِقْ رَقَبَتی مِنَ النّارِ، وَادْرَأْ عَنّی شَرَّ فَسَقَهِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، وَاَظِلَّنی تَحْتَ ظِلِّ عَرْشِکَ، وَاصْرِفْ عَنّی شَرَّ کُلِّ ذی شَرٍّ، وَفَسَقَهِ الْجِنِّ وَالْاَنْسِ.

۲۹_عند الملتزم

فإذا کنت فی السابع من طوافک، فأت المستجار عند الرکن الیمانی إلی مؤخّر الکعبه بقدر ذراعین أو ثلاثه،إن شئت إلی الملتزم....:

اَلْحَمْدُللّه ِالَّذی کَرَّمَکَ وَعَظَّمَکَ وَشَرَّفَکَ، وَجَعَلَکَ مَثابَهً لِلنّاسِ وَاَمْنا، اَللّهُمَّ اِنَّ الْبَیْتَ بَیْتُکَ، وَالْعَبْدَ عَبْدُکَ، وَالْاَمْنَ اَمْنُکَ، وَالْحَرَمَ حَرَمُکَ، هذا مَقامُ الْعائِذِ بِکَ مِنَ النّارِ، اَسْتجیرُ بِاللّه ِمِنَ النّارِ.

عطا می فرمایی، از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرستی، و مرا بیامرزی و رحم کنی، و (اعمالم را) از من بپذیری همان گونه که از ابراهیم دوست صمیمیت و موسی هم صحبتت، و عیسی روحت، و محمد _ که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد_ محبوبت، پذیرفتی.

دعای بیست و هشتم: دعای حضرت علیه السلام در برابر ناودان کعبه

بارالها گردن مرا از آتش دوزخ رهایی بخش، و شر فاسقان و بدکاران عرب و عجم را از من دفع کن، و در زیر سایه عرشت بر من سایه افکن، و شرّ (و بدی) هر صاحب شرّی و شرّ بدکاران جنّ و انس را از من برگردان (و دور فرما).

دعای بیست و نهم: دعای امام علیه السلام نزد مُلتزَم

(از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند:) پس هرگاه در طواف هفتمت بودی به سوی مستجار (محل پناه بردن) نزد رکن یمانی به سوی عقب کعبه به مقدار دو ذرع یا سه ذرع حرکت کن، و یا اگر خواستی به سوی ملتزَم رفته و بگو: سپاس و ستایش مخصوص خداوندی است که تو را گرامی داشت و عظمت بخشید و به تو شرافت داد و تو را محل گردهمایی مردم و مایه امنیت آنان گرداند.(۱) خداوندا به راستی که این خانه خانه تو، و این بنده بنده تو، و این مقام امن مقام امن تو، و این حرم حرم توست، این جایگاه ایستادن کسی است که از آتش به تو پناه آورده است، از آتش دوزخ به خداوند پناه می جویم.

۱- عبارت «جَعَلَکَ مثابةً للنّاس و أمناً» در متن دعا، به آیه ۱۲۵ سوره مبارکه بقره اشاره دارد.

۳۰_عند دخول الكعبه

اَللّهُمَّ هذا حَرَمُكَ وَاَمْنُكَ، فَحَرِّمْ لَحْمى وَدَمى عَلَى النّارِ، وَامِنّى يَوْمَ الْقِيامَهِ، اَللّهُمَّ اَجِرْنى مِنْ عَذابِكَ وَمِنْ سَخَطِكَ.

۳۱_عند السعى من الصفا

فابتدئ بالصفا، وقف عليه (وقل): لا اِلهَ اِلاّ اللّه، وَاللّه اَكْبَرُ، لا اِلهَ اِلاّ اللّه وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيى وَيُميتُ وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ كُلُّهُ، وَهُوَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ، لا اِلهَ اِلاّ اللّه، وَلا نَعْبُدُ اِلاّ اِيّاهُ، مُخْلِصينَ لَهُ الدّينَ، وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، اَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الْاَحْزابَ وَحْدَهُ، لا شَريكَ لَهُ.

وطوّل الوقوف عليه، ثمّ تكبر ثلاثا، وَاعد القول الأوّل، وصلّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِهِ، وَقل: (۱۲)

اَللّهُمَّ اعْصِمْنى بِدينِكَ، وَبِطَواعِيَتِكَ وَطَواعِيَهِ رَسُولِكَ، اَللّهُمَّ جَنِّبْنى حُدُودَكَ،.

ص: ۲۲۰

دعای سی ام: دعای حضرت علیه السلام هنگام ورود به کعبه

خداوندا این حرم تو و مقام امن توست، پس گوشت و خون مرا بر آتش حرام فرما و مرا در روز قیامت (از هول و هراس آن و خشمت) ایمنی بخش، خداوندا مرا از عذابت و از خشم و غضبت پناه بده.

دعای سی و یکم: دعای حضرت علیه السلام هنگام سعی از صفا

(از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمودند:) پس سعی را از صفا شروع کن و بر آن کوه بایست (و بگو):

هیـچ معبودی جز خـدای یگانه نیست، و خـدا بزرگتر است (از آنچه به وصف درآیـد)، هیچ معبودی جز خداوند وجود ندارد. که یکتـاس__ت و هیـچ شـریکی نـدارد، فرمـانروایی فقـط برای اوست و سـپاس و سـتایش فقط به او اختصاص دارد، زنـده می گرداند و می میراند درحالی که او (خودش) زنده ای است که (هرگز) نمی میرد، تمام خیر و برکت فقط در دست (با کفایت) اوست، و او بر هر چیزی بسـیار تواناست، هیـچ معبودی جز خداونـد نیست، و هیچ کس جز او را نمی پرستیم در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانده ایم،(۱) یکتاست و هیچ ش__ریکی ندارد، وعده اش را تحقق بخش یده، و بنده اش را یاری فرموده، و به تنهایی گروه های (کفار و مشرکان) را شکست داده و فراری ساخت، هیچ شریکی برای او نیست.

و ایسـتادن خود را بر کوه صـفا طولا‌نی کن، سـپس سه بـار تکبیر گفته و آنچه قبلا‌ گفتی را دوباره تکرار کن، و بر محمـد و خاندان پاکش صلوات بفرست، و بگو(۲): بارخدایا با دین خودت و اطاعت و فرمانبرداری از تو و فرمانبرداری از فرسـتاده ات مرا حفظ فرما، خداوندا مرا از (تعرض به) حدود (دستورات و احکام) خودت دور بدار.

ص: ۲۲۱

۱- تعبیر «مُخلِصـینَ لهُ ِالدین» یک عبارت قرآنی است که در آیات ۲۹ سوره اعراف، ۲۲ یونس، ۶۵ عنکبوت، ۳۲ لقمان، ۱۴و ۶۵ غافر و ۵ بیّنه به کار رفته است.

۲- و در بعضی از نسخه ها آمده: «و در راستا و مقابل کعبه از آن (کوه) بالا برو، و هفت بار یا سه بار تکبیر گفته، و بگو:».

وأكثر الدعاء ما استطعت لنفسك، ولجميع المؤمنين، ولوالديك ثمّ تكبر ثلاثا وتعيد: «لا اِلهَ اِلاّ اللّه ُوَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ...» مثل ما قُلت.

واِذا نَزلت مِن الصَفا وَاَنْتَ تُريدُ المروه فَامش عَلى هَنيأتك وقل:

اَللّهُمَّ اسْتَعْمِلْنا بِطاعَتِك، وَاَحْيِنا عَلى سُنَّهِ نَبِيِّك صَلَّى اللّه ُعَلَيْهِ وَالِه، وَتَوَفَّنا عَلى مِلَّهِ رَسُولِك، وَاَعِذْنا مِنْ مُضِلاّتِ الْفِتَنِ

وقل فى سعيك: بِسْمِ اللّه ِ، وَاللّه ُاَ كْبَرُ، وَصَلَّى اللّه ُعَلى مُحَمَّدٍ وَعَلى اله، رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ، وَتَجاوَزْ عَمّا تَعْلَمُ، وَاهْدِني الطَّريقَ الاْقْوَمَ اِنَّكَ اَنْتَ الاْعَزُّ الاْ كْرَمُ. فتأتى المروه وقل فى مشيك: اَللّهُمَّ اِنّى اَسْاَلُكَ مِنْ خَيْرِ الاْخِرَهِ وَالاْولى وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الاْخِرَهِ وَالاْولى. فاصْعَد عَلَيْها حَتى يَبدوا لَكَ البيت، واستقبل وارفع يديك، وَقل ما قلت على الصفا، وتكبر مثل ما كَبرت عَلَيْه.

۳۲_عند غروب الشمس يوم عرفه

اَللّهُمَّ اَعْتِقْ رَقَبَتى مِنَ النّارِ...

و تا آنجا که می توانی برای خودت و تمام مؤمنان و پدر و مادرت زیاد دعا کن، سپس سه بار تکبیر می گویی و دوباره تکرار می کنی: «لا إلهَ إلا اللهُ وَحدَهُ لا شَریکَ لهُ ...» به همان گونه که قبلا گفتی.

و هرگاه از کوه صفا پایین آمدی و اراده حرکت به سوی مروه را داشتی آهسته و با وقار راه برو و بگو:

خداونـدا ما را در راه اطاعتت به کار بگیر، و بر سـنت و راه و روش پیامبرت ـ که درود و رحمت خـدا بر او و خاندانش بادـ زنده بدار، و بر آیین فرستاده ات صل الله علیه و آل وسلم ما را بمیران، و از فتنه های گمراه کننده ما را پناه بده.

و در هنگام سـعیت بگو: به نام خـدا، و خـدا بزرگتر است (از آن چه به وصف درآیـد)، و درود و رحمت خـدا بر محمـد و بر خانـدان پـاکش بـاد، ای پروردگـار (و صاحب اختیار) من، (مرا) بیامرز و رحم کن، و از آن چه می دانی (به لطف و رحمتت) درگذر، و مرا به راه استوارتر (و بهتر) هدایت فرما، (چرا که) به راستی تو خودت عزیزترین (و قوی ترین) و بزرگوارترینی.

پس به مروه می رسـی، و (هنگام) راه رفتنت بگو: بارخدایا من از خیر و برکت آخرت و دنیا از تو درخواسـت می کنم، و از شر (و بدی) آخرت و دنیا به خودت پناه می برم.

سپس از کوه مروه بالا برو تا این که (از آن جا) خانه خدا بر تو آشکار شود، و به سمت خانه رو کن و دستانت را بالا ببر و آن چه را بر کوه صفا گفتی در آن جا هم بگو، و همان گونه که بر کوه صفا تکبیر گفتی در این جا هم تکبیر می گویی.

دعای سـی و دوم: دعای حضرت علیه السلام هنگام غروب خورشید در روز عرفه بارخدایا گردنم را از (غل و زنجیر) آتش جهنم آزاد کن ...

ص: ۲۲۳

۳۳_عند الإفاضه من عرفات

ثمّ أفض منها بعد المغيب، وتقول: لا اِلهَ اِلَّااللّهُ.

۳۴_عند التوجّه إلی منی

اَللّهُمَّ اِیّاکَ اَرْجُو، وَلَکَ اَدْعُو، فَبَلِّغْنی اَمَلی، وَاَصْلِحْ عَمَلی. اَللّهُمَّ اِنَّ هذِه مِنی، وَما دَلَلْتنا عَلَیْهِ، وَما مَنَنْتَ بِه عَلَیْنا مِنَ الْمَقاماتِ، وَاَسْاَلُکَ اَنْ تَمُنَّ عَلَیَّ فیها بِما مَنَنْتَ به عَلی اَوْلِیائِکَ، وَاَهْلِ طاعَتِکَ وَخِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ، وَاَنْ تُوَفِّقَ لَنا ما وَفَّقْتَ لَهُم مِنْ عِبادِکَ الصّالِحینَ، فَاِنَّما اَنَا عَبْدُکَ، وَفی قَبْضَتِکَ.

۳۵_عند جمره العقبه

وتقول وأنت مستقبل القبله، والحصی فی کفّک الیسری:

اَللّهُمَّ هذِه حَصَیاتی فَاَحْصِهِنَّ لی عِنْدَکَ، وَارْفَعْهُنَّ فی عَمَلی.

ص: ۲۲۴

دعای سی و چهارم: دعای امام علیه السلام هنگام حرکت به سوی منی

خداونـدا من فقـط به تو امیـد دارم، و فقط تو را می خوانم، پس مرا به آرزویم برسان، و کار و عملم را اصـلاح بفرما (و سـر و سامان بده).

خداونـدا این صـحرای مِنـاست، و آن مکانی که ما را به س_وی آن رهنمون شـدی و آن جایگاه و مقاماتی که آن ها را بر ما انعـام فرمـوده و تفضـل کردی، و از تـو می خـواهم کـه آن چه از نعمت هـا را که (در این جایگـاه) به اولیـاء و اهـل طـاعت و برگزیـدگان از خلقت بخشـیدی به من عطـا فرمـایی، و آنـچ_ه (از اعمال) که بنـدگان صالحت را به آن موفق ساختی به ما نیز توفیق دهی، زیرا جز این نیست که قطعاً من بنده تو، و در مشت (قدرت و در اختیار) تو هستم.

دعای سی و پنجم: دعای حضرت علیه السلام هنگام سنگ زدن در جمره عقبه

(از حضـرت رضا علیه السـلام روایت شـده که فرمودند:) و در حالی که رو به سوی قبله داری و سـنگ ها در کف دست چپ توست می گویی: بارالها این ریگ های من اس_ت، پس آن ها را پیش خودت برای من به شمار آور، و مایه رفعت در کار و عملم قرار ده.

ص: ۲۲۵

۳۶_عند النحر والذبح

إذا أتيت منى فاشتر هديك، واذبحه، فإذا أردت ذبحه أو نحره فقل:

وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذی فَطَرَ السَّماواتِ وَالْاَرْضَ حَنیفا مُسْلِما وَما اَنَا مِنَ الْمُشْرِکینَ، اِنَّ صَلاتی وَنُسُکی وَمَحْیایَ وَمَماتی للّه رَبِّ الْعالَمینَ، لا شَریکَ لَهُ، بِذلِکَ اُمِرْتُ، وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمینَ.

اَللّهُمَّ [اِنَّ هذا] مِنْکَ، وَبِکَ، وَلَکَ، وَاِلَیْکَ، بِسْمِ اللّه الرَّحْمنِ الرَّحیم، اَللّه اَکْبَرُ، اَللّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنّی کَما تَقَبَّلْتَ مِنْ اِبراهیمَ خَلیلِکَ، وَمُوسی کَلیمِکَ، وَمُحَمَّدٍ حَبیبِکَ صَلَّی اللّه عَلَیْهِمْ...

۳۷_عند الحلق

وقل: اَللّهُمَّ اَعْطِنی بِکُلِّ شَعْرَهٍ نُورافی یَوْمِ الْقِیامَهِ.

۳۸_فی وداع بیت اللّه الحرام

ائِبُونَ تائِبُونَ، لِرَبِّنا حامِدُونَ، اِلَی اللّه راغِبُونَ، وَاِلَیْهِ راجِعُونَ.

ص: ۲۲۶

دعای سی و ششم: دعای امام علیه السلام هنگام نحر شتر و ذبح گوسفند

(از امام علیه السلام نقل اس‍ت که فرمودند:) هرگاه به صحرای منی رسیدی قربانی خودت را بخر و ذبح کن، و هنگامی که خواستی آن را ذبح یا نحر کنی بگو: روی خود را به س‍وی خدایی که آس‍مان ها و زمین را آفرید حق گرایانه و با کمال تسلیم می گردانم و من (هرگز) از مش‍رکان نیس‍تم، به یقین نماز من و (همه) عباداتم و زندگی و مرگم برای خداوند است (که) پروردگار (و صاحب اختیار) جهان ها و جهانیان است، هیچ شریکی برایش وجود ندارد، (و) من به این (کار و عقیده) مأمور شده ام، و من از مسلمانان (و تسلیم شدگان) هستم.(۱) خداوندا، بی گمان این (کار) از تو و به (یاری) تو و برای تو و به سوی (قرب و نزدیکی) توس‍ت، به نام خداوند بخشاینده بس‍یار مهربان، خداوند بزرگتر است (از آن چه که به وصف درآی‍د)، خداوندا (این قربانی را) از من بپذیر همان گونه که از ابراهیم ــ دوست صمیمیت ــ و موسی ــ هم صحبتت ــ و محمد صل الله علیه و آل وسلم ــ محبوبت ــ که درود و رحمت خداوند بر آنان باد پذیرفتی ...

دعای سی و هفتم: دعای حضرت علیه السلام هنگام سر تراشیدن

(از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمودند:) و بگو: بارخدایا به جای هر مویی، نوری در روز قیامت به من عطا فرما.

دعای سی و هشتم: دعای امام علیه السلام هنگام وداع با بیت الله الحرام (خانه پرحرمت خدا)

(ما) بازگشت کنندگان (و) توبه کنندگان (و) ستای شگران و سپاس گزاران پروردگارمان هستیم، تنها به سوی خداوند گرایش داریم (و فقط او را نیایش می کنیم)(۲) و فقط به سوی او باز خواهیم گشت.(۳)

ص: ۲۲۷

۱- متن عربی عبارات این پاراگراف، با اندك تغییری از تلفیق آیات ۷۹ و ۱۶۲ و ۱۶۳ سوره مبارکه انعام گرفته شده است.

۲- عبارت «إلی الله راغِبون» در متن دعا، برگرفته از پایان آیات ۵۹ سوره مبارکه توبه و ۳۲ سوره مبارکه قلم میباشد.

۳- عبارت «إلَیهِ راجِعُون» در متن دعا، از پایان آیات ۴۶ و ۱۵۶ سوره مبارکه بقره گرفته شده است.

۳۹_عند زیاره النبیِّ صلی الله علیه و آله عند المیزاب

إذا خرجت من الباب الّذی بحیال زقاق البقیع (الّذی یقال له: باب فاطمه علیهاالسلام وهو عند المیزاب) فصلّ هناک رکعتین، وقل:

یا جَوادُ یا کَریمُ، یا قَریبُ غَیْرُ بَعیدٍ، اَسْاَلُکَ بِاَنَّکَ اَنْتَ اللّهُ، لَیْسَ کَمِثْلِکَ شَیْءٌ، اَنْ تَعْصِمَنی مِنَ الْمَهالِکِ، وَاَنْ تُسَلِّمَنی مِنْ افاتِ الدُّنْیا والْاخِرَهِ، وَوَعْثاءِ السَّفَرِ، وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ، وَاَنْ تَرُدَّنی سالِما اِلی وَطَنی بَعْدَ حَجٍّ مَقْبُولٍ، وَسَعْیٍ مَشْکُورٍ، وَعَمَلٍ مُتَقَبَّلٍ، وَلا تَجْعَلْهُ اخِرَ الْعَهْدِ مِنّی مِنْ حَرَمِکَ وَحَرَمِ نَبِیِّکَ، صَلَّی اللّه عَلَیْهِ وَالِه.

۴۰_عند وداع قبرالنبیّ صلی الله علیه و آله

اَللّهُمَّ لا تَجْعَلْهُ اخِرَ الْعَهدِ مِنّی مِنْ زِیارَهِ قَبْرِ نَبِیِّکَ صلی الله علیه و آله وَحَرَمِه، فَاِنّی اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ فی حَیاتی اِنْ تَوَفَّیْتَنی قَبْلَ ذلِکَ، وَاَنَّ مُحَمَّدا عَبْدُکَ وَرَسُولُکَ صَلَّی اللّه عَلَیْهِ وَالِه.

دعای سی و نهم: دعای حضرت علیه السلام هنگام زیارت پیامبراکرم صل الله علیه و آل وسلم نزد ناودان کعبه

(از حضرت رضا علیه السلام روایت شده که فرمودِند:) هرگاه از آن دری خارج شدی که روبروی کوچه بقیع است (که به آن، در فاطمه علیهما السلام گفته می شود، و نزدیک ناودان است) در آن جا دو رکعت نماز بگزار و بگو: ای بخشنده و سخاوتمند ای بزرگوار، ای نزدیک غیر دور، از تو می خواهم ـ به سبب اینکه قطعاً تو خودت خدایی هستی که هیچ چیزی همانند تو نیست ـ که مرا از حوادث هلاکت بار (و پرتگاه های هلاکت) حفظ کنی، و از آفات دنیا و آخرت و سختی سفر و بدفرجامی و سوء عاقبت مرا سالم بداری، و مرا صحیح و سالم و با حجّی قبول شده و سعیی شکرگزاری شده (و مورد تقدیر) و عملی پذیرفته شده به وطنم (و خانواده ام) بازگردانی، و این (حج) را آخرین بار و دوره حج و زیارت من نسبت به حرم خودت و حرم پیامبرت ـ که درود و رحمت خدا بر او و خاندانش باد ـ قرار مده.

دعای چهلم: دعای امام علیه السلام هنگام خداحافظی با قبر پیامبراکرم صل الله علیه و آل وسلم

بارخدایا این (زیارت) را آخرین بار (و مورد) از زیارت من نسبت به قبر پیامبرت صل الله علیه و آل وسلم و حرم (مبارک) او قرار مده، و چنا نچه مرا قبل از آن (زیارت بعدی) بمیرانی به یقین در زمان حیاتم شهادت می دهم که هیچ معبودی جز تو نیست، و قطعا محمد صل الله علیه و آل وسلم بنده تو و فرستاده توست که درود خدا بر او و بر خاندان پاکش باد.

ص: ۲۲۹

۴۱_فیما یتعلّق بالزواج

فإذا اُدخلت، علیک فخذ بناصیتها واستقبل القبله بها وقل:

اَللّهُمَّ بِاَمانَتِکَ اَخَذْتُها، وَبِمیثاقِکَ اسْتَحْلَلْتُ فَرْجَها، اَللّهُمَّ فَارْزُقْنی مِنْها وَلَدا مُبارَکا سَوِیّا، وَلاتَجْعَلْ لِلشَّیْطانِ فیهِ شَرِکا وَلا نَصیبا.

۴۲_عند ذبح العقیقه

بِسْمِ اللّه ِ وَبِاللّه ِ، مِنْکَ وَبِکَ وَلَکَ وَاِلَیْکَ عَقیقَهَ «فُلانِ بن فُلانٍ»، عَلی مِلَّتِکَ وَدینِکَ وَسُنَّهِ نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله ، بِسْمِ اللّه ِ وَبِاللّه ِ وَالْحَمْدُللّه ِ وَاللّه اَکْبَرُ، ایمانا بِاللّه ِ، وَثَناءً عَلی رَسُولِ اللّه ِ صلی الله علیه و آله، والْعِصْمَهُ بِاَمْرِه، وَالشُّکْرُ لِرِزْقِه، والْمَعْرِفَهُ لِفَضْلِه عَلَیْنا اَهلَ الْبَیْتِ. فإن کان ذکرا فقل: اَللّهُمَّ اَنْتَ وَهَبْتَ لَنا ذَکَرا، وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِما وَهَبْتَ، وَمِنْکَ ما اَعْطَیْتَ، وَلَکَ ما صَنَعْنا، فَتَقَبَّلْهُ مِنّا عَلی سُنَّتِکَ، وَسُنَّهِ نَبِیِّکَ صلی الله علیه و آله ، فَاَخْنِسْ عَنَّا الشَّیْطانَ الرَّجیمَ، وَلکَ سَکْبُ الدِّماءِ، وَلِوَجْهِکَ الْقُرْبانُ، لا شَریکَ لَکَ.

ص: ۲۳۰

دعای چهل و یکم: دعای حضرت علیه السلام در آن چه به ازدواج مربوط است

(از امام رضا علیه السلام روایت است که فرمودند:) پس هنگامی که عروس بر تو وارد شد موی پیشانیش را بگیر و به همراه او به سوی قبله رو کن و بگو:

خداوندا این همسر را با امانت تو در اختیار گرفتم، و با عهد و پیمانت فرج او را بر خود حلال شمردم.

خداوندا از او فرزندی مبارک و سالم به من روزی فرما، و برای شیطان در (نطفه) او شراکت و سهمی قرار مده.

دعای چهل و دوم: دعای امام علیه السلام هنگام سر بریدن عقیقه

به نام خدا و با استعانت از خدا، (این نعمت) از تو، و با (یاری جستن از) تو و (این قربانی) برای تو و (برای تقرب جستن) به سوی توست که عقیقه «فلانی فرزند فلانی» باشد بر آیین و دین تو و سنت (و راه و روش) پیامبرت محمد صل الله علیه و آل وسلم . به نام خدا و با یاری جستن از خدا (این قربانی را ذبح می کنم) و ستایش و سپاس برای خداست، و خداوند بزرگ تر است (از آن چه که به وصف درآید)، و به خداوند ایمان دارم و رسول خدا صل الله علیه و آل وسلم را مدح و ثنا می گویم، و حفظ و نگهداری (من از گناه و بلا) به امر (و قضا و قدر) اوست و شکر (و سپاس گزاری) به خاطر رزق و روزی اوست، و شناخت نسبت به او به خاطر فضل او بر ما اهل بیت است.

و اگر آن بچه مذکر بود بگو: بارخدایا تو به ما فرزندی مذکر بخشیدی و تو خود به آن چه به ما بخشیدی داناتری، و آنچه به ما عطا فرمودی از توست، و آنچه ما انجام دادیم تنها برای توست، پس آن را بر طبق سنت خودت و سنّت پیامبرت صل الله علیه و آل وسلم از ما بپذیر، و شیطان رانده شده را از ما دور گردان، و ریختن خونها فقط برای تو، و این قربانی فقط برای ذات (مبارک) توست، (که) هیچ شریکی برایت وجود ندارد.

۴۳_فی تلقین المحتضر، والصلاه علی المیّت، ودفنه

یستحب ان یلقّن بکلمات الفرج عند المحتضر وهو:

لا ـ اِلهَ اِلاَّ ـ اللّه ٔ الْحَلیمُ الْکَریمُ، لا ـ اِلهَ اِلاَّ اللّه ٔ الْعَلِیُّ الْعَظیمُ سُـبْحانَ اللّه ِ رَبِّ السَّماواتِ السَّبْعِ، وَرَبِّ الاْرَضـینَ السَّبْعِ، وَما فیهِنَّ وَما بَیْنَهُنَّ، وَربِّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ، وَسَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلینَ وَالْحَمْدُللّه ِ رَبِ الْعالَمینَ.

۴۴_إذا حضرت مع قوم یصلّون علیه. أی علی الطفل فقل: اَللّهُمَّ اجْعَلْهُ لِابَوَیْهِ ذُخْرا وَمزیدا، وَفَرَطا وَاَجْرا.(۱۳)

۴۵_وعنـد دفن المیت، قـل : اَللّهُمَّ اجْعَلْهـا رَوْضَهً مِنْ رِیـاضِ الْجَنَّهِ، وَلا ـ تَجْعَلْهـا حُفْرَهً مِنْ حُفَرِ النّیران. فاذا دخلت القبر فاقرأ (اُمّ الکتاب) والمعوّذتین، وآیه الکرسی.

فإذا توسّطت المقبره فاقرأ «ألهکم التکاثر» واقرأ

ص: ۲۳۲

دعای چهل و سوم: دعای حضرت علیه السلام

در تلقین شخص محتضر، و نماز بر میت و دفن او

(از امام رضا علیه السلام نقل ش_ده که فرمودند:) مستحب است که شخص در حال احتضار با کلمات و عبارات فرج و گشایش تلقین گردد، و آن عبارات این است:

هیچ معبودی جز خدای یگانه بردبار (و با گذش_ت) و بزرگوار نیس_ت، هیچ معبودی جز خداوند بلند مرتبه بسیار بزرگ وجود ندارد، خداوند (ازهر عیب و نقصی) پاک و منزّه اس_ت (که) پروردگار (و صاحب اختیار) آسمان های هفت گانه و زمین های هفت گانه و آن چه در آن ها و آن چه بین آن هاس_ت و پروردگار (و صاحب اختیار) عرش عظیم است، و سلام و درود بر پیامبران الهی و ستایش و سپاس از آن خداوند است (که) پروردگار (و صاحب اختیار) جهان ها و جهانیان است.(۱)

دعای چهل و چهارم: هرگاه با گروهی در نماز میت بر طفلی حاضر شدی

بگو: خداوندا این طفل را ذخیره و پشتوان های برای والدینش و مایه افزایش اجر و ثوابشان گردان.(۲)

دعای چهل و پنجم: و هنگام دفن میت بگو: خداوندا این قبر را روضه و بوستانی از بوس_تان های بهشت گردان، و آن را حفره ای از حفره های آتش دوزخ قرار مده.

پس هرگاه داخل قبر شدی سوره امّ الکتاب (سوره حمد) و معوذتین (سوره فلق و ناس) و آیه الکرسی را بخوان، پس هرگاه در وسط قبر قرار گرفتی سوره تکاثر را بخوان و سپس این آیه را بخوان:

۱- عبارات «وَ سَ___لامٌ عَلَی الْمرْسَ___لِینَ وَ الْحَمْدُ لله رَبِّ الْعالَمینَ» در متن دعا، دو آیه پایانی س___وره مبارکه صافات را تشکیل می دهند.

۲- با سند از رسول خدا صل الله علیه و آل وسلم نقل شده که فرمودند: ای علی هرگاه بر کودکی نماز خواندی بگو: اللّهم اجعَلهُ لِأبوَیهِ سَلَفاً و اجعَلهُ لَهما فرَطاً... (این دعا قبلًا در صحیفه نبویه جامعه گذشت، به آن جا رجوع شود.)

«مِنها خَلَقْناكُمْ وَفيها نُعيدُكُمْ وَمِنْها نُخْرِجُكَمْ تارَةً أُخرى»(۱۴)

فإذا تناولت الميّت فقل: بِسْمِ اللّه ِوَبِاللّه ِ، وَفى سَبيلِ اللّه ِوَعَلى مِلَّهِ رَسُولِ اللّه ِصَلَّى اللّه ُعَلَيْهِ وَالِه.

ثمّ ضعه فى لحده على يمينه مستقبل القبله، وحلّ عقد كفنه، وضع خدّه على التراب وقل :

اَللّهُمَّ جافِ الْاَرْضَ عَنْ جَنْبَيْهِ، وَاَصْعِدْ اِلَيْکَ رُوحَهُ، وَلَقِّه مِنْکَ رِضْوانا...(۱۵)

فإذا وضعت عليه اللِبْن فقل: اَللّهُمَّ انِسْ وَحْشَتَهُ، وَصِلْ وَحْدَتَهُ بِرَحْمَتِکَ.

اَللّهُمَّ عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ، وَابْنُ اَمَتِکَ، نَزَلَ بِساحَتِکَ، وَاَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِه، اَللّهُمَّ اِنْ کانَ مُحْسِنا فَزِدْ فى اِحْسانِه، وَاِنْ کانَ مُسيئا فَتَجاوَزْ عَنْهُ، وَاغْفِرْ لَهُ، اِنَّکَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ.

فإذا خرجت مِنْ القبر فقل : اِنّا للّه ِ، وَاِنّا اِلَيْهِ راجِعُونَ....

ثمّ ضع يدک على القبر وأنت مستقبل القبله، وقل:

(از ایـن (خـاک) ش_ـما را آفریـدیم و ش_ـما را بـه آن بـاز می گردانیم و بـاری دیگر شـما را (در قیـامت) از آن خـارج می کنیم).(۱)

و هرگاه میت را گرفتی بگو: به نام خدا و با یاری جستن از خدا و در راه خدا و بر آیین رسول خدا که درود و رحمت خدا بر او و خاندان پاکش باد (این کار را انجام می دهم).

س_ـپس آن میت را در لحـد روی پهلوی راسـتش و به طرف قبله بگذار، و گره کفنش را باز کرده و گونه اش را روی خاک بگذار و بگو: خداوندا زمین را از پهلوهایش فاصـله بده (و دور کن)، و روحش را به سوی خودت بالا ببر، و او را با خشـنودی از جانب خودت مواجه کن. (۲)

پس هرگاه آجرها را روی لحـد گذاشتی بگو: بارخدایا وحش_ـت و بی کس_ـی او را به انس و الفت تبدیل کن، و تنهایی او را به رحمتت متصل گردان.

خـداون_ـدا بنـده ات و فرزنـد بنـده ات و فرزنـد کنیزت به پیش_ـگـاه (عظمتت) وارد ش_ـده، و تو بهـترین میزبـانی هستی که فردی بر تو وارد شود، خداونـدا اگر این میت نیکوکار بوده است در نیکوکاری او بیفزا، و اگر بـدکار بوده است از او درگذر، و او را بیامرز، به راستی که تو خودت بسیار آمرزنده بسیار مهربانی. (۳)

و هرگـاه از قبر بیرون آمـدی بگو: بی گمان ما از آن خداونـدیم و بی گمان فقط به سوی او بازگشت کننـدگانیم...(۴) سپس دستت را روی قبر بگذار در حالی که روی به سوی قبله داری و بگو:

۱- سوره مبارکه طه/ آیه ۵۵.
۲- امـام علی بن الحسـین علیهما السـلام هرگاه میّت را داخل قبر می گذاشـتند بر قبر میّت می ایسـتادند و سـپس می فرمودنـد: اللّهـــم جَـــافِ الأرض عَن جَنبَیهِ، و صّعد عَمَلَهُ، و لّقِّه مِنکَ رِضواناً (این دعـا قبلاـ در صـحیفه س_ــــجادیه دعـای ۱۰۶ گذشت، به آن جا رجوع شود).
۳- عبـارت «إنّـک أنتَ الغَفُور الرّحیم» در متن دعا، با انـدکی تغییر از آیات ۹۸ س_ــــوره مبـارکه یوس_ــــف، ۱۶ س_ــــوره مبارکه قصص، ۵۳ سوره مبارکه زمر، ۴۹ سوره مبارکه حجر و ۵ سوره مبارکه شوری گرفته شده است.
۴- عبـارت «إنّـا لله و إنّـا إلیه راجعون» در متن دعـا که به کلمه اس_ــــترجـاع ش_ــــهرت دارد، از انتهـای آیه ۱۵۶ س_ــــوره مبارکه بقره اخذ شده است.

اَللّهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتَهُ، وَصِلْ وَحْدَتَهُ، وَانِسْ وَحْشَتَهُ، وَامِنْ رَوْعَتَهُ، وَافِضْ عَلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَاسْكِنْ اِلَيْهِ مِنْ بَرْدِ عَفْوِكَ وَسَعَهِ غُفْرانِكَ وَرَحْمَتِكَ، رَحْمَةً يَسْتَغْنی بِها عَنْ رَحْمَهِ مَنْ سِواکَ، وَاحْشُرْهُ مَعَ مَنْ کانَ یَتَوَلاّهُ.

۴۶_فی التوسل به علیه السلام فی الساعه الثامنه

یا خَیْرَ مَدْعُوٍّ، یا خَیْرَ مَنْ اَعْطی، یا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ، یا مَنْ اَضآءَ بِاسْمِهِ ضَوْءُ النَّهارِ، وَ اَظْلَمَ بِهِ ظُلْمَهُ اللَّیْلِ، وَ سالَ بِاسْمِهِ وابِلُ السَّیْلِ وَ رَزَقَ اَوْلِیآئَهُ کُلَّ خَیْرٍ، یا مَنْ عَلاَ السَّمواتِ نُورُهُ، وَ الاْرْضَ ضَوْءُهُ، وَالشَّرْقَ وَالْغَرْبَ رَحْمَتُهُ، یا واسِعَ الْجُودِ، اَسْئَلُکَ بِحَقِّ وَلِیِّکَ «عَلِیِّ بْنِ مُوسیَ عَلیهِمَا السَّلامُ »وَ اُقَدِّمُهُ بَیْنَ یَدَیْ حوآئِجی،وَرَغبَتی اِلَیکَ، اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَکفِیَنی بِه، وَ تُنَجِّیَنی مِمَّا اَخافُهُ وَاَحذَرُهُ فی جَمیع اَسفاری، وَ فِی البَرارِی وَالقِفارِ، وَالاَودِیَهِ وَالاکامِ وَالغِیاضِ وَالجِبالِ

ص: ۲۳۶

بارالها بر غربت او رحم کن، و تنهایی او را به لطف و رحمتت متصل گردان، و وحشت و بی کسی او را به انس و الفت تبدیل کـن، و ترس و هراس او را از بیـن برده و ایمنی بخش، و از رحمتـت بر او افـاضه فرمـا، و خنکی و گـوارایی عفـو و بخشـش و گستره آمرزشت را پیرامون او جای ده (و نصـیبش گردان)، رحمت و مهربانی که به وسـیله آن از رحمت و مهربانی هرکه غیر توست بی نیاز گردد، و او را با هر که دوست دارد و ولیّ اوست محشور گردان.

دعای چهل و ششم: دعای حضرت علیه السلام در توسل جستن به واسطه ایشان علیه السلام در ساعت هشتم روز

ای بهترین فرا خوانـده شـده، ای بهترین کسـی که مورد درخواست است، ای کسـی که نور روز به برکت نام مبارکش تابیـدن گرفت، و به واسـطه نـامش تـاریکی شب به تـاریکی گراییـد، و به برکت نـام مبارکش باران سـیل آسا روان شـد، و به اولیاء و دوسـتانش هر خیر و برکتی را روزی فرمود، ای خـدایی که نورش بر آسـمانها علوّ و برتری پیـدا کرده، و پرتو و روشـنایی اش زمین را فرا گرفته، و رحمت و مهربانی اش شـرق و غرب عالم را در بر گرفته است، ای گسترنده جود و بخشـش، به حق ولیت علی بن موسـی الرضـا ـ که درود و سـلام خـدا بر او بـاد ـ از تـو می خواهم و حضـرتش را پیشـاپیش حاجـات و نیازهـایم به پیشـگاهت واسـطه می کنم، در حالی که (در واقع) گرایش و دعا و نیایش من به سوی توست، که بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرستی، و به وسیله حضرتش علیه السلام (امور) مرا کفایت کنی، و مرا از هر آن چه در تمام سفرهایم، و در صحراها و سرزمین های خشک، و دشت ها و دره ها و تپه ها و جنگل ها، و کوه ها

ص: ۲۳۷

وَالشَّعابِ وَ البِحارِ، یاواحِدُ یا قَهّارُ، یاعَزیزُ یا جَبّارُیاسَتّارُ، وَاَن تَفعَلَ بِناماأَنتَ اَهلُهُ.

ص: ۲۳۸

و گردنه ها و دریاها از آن می ترسم و بیم دارم نجات بخشی. ای یکتا، ای بسیار غلبه کننده و چیره شونده، ای عزیز نیرومند، ای مسلط و قدرتمند (و) ای بسیار پوشاننده (عیوب و گناهان)، و (از تو می خواهم) که نسبت به ما آن چیزی را انجام دهی که خود اهل آنی (و به صلاح ما می دانی).

ص: ۲۳۹

پی نوشت:

۱) وبإسناده علیه السلام عن آبئه: عن رسول الله صل الله علیه و آل وسلم قال: من قال حین یدخل السوق: «سُبحانَ اللهِ، وَالحَمدُلله،وَلا اِلهَ اِلّا الله وَحدَهُ، لا شَریکَ لَهُ... اُعطی من الأجر عدد ما خلق الله إلی یوم القیامه» (تقدّم فی الصحیفه النبویّه)

۲) « علی ذلک قادر» خ.

۳) حسناً مُعجباً.

۴) آل عمران: ۱۹۴ – ۱۹۰.

۵) المؤمَّل.

۶) المؤمنون: ۹۷ و۹۸.

۷) فی المصدر: سیئاتهم و کذا، بعده، والظاهربقرینه الکلام کما فی المتن.

۸) «إنَّکَ علی ذلک قادر» م.

۹) قبس من سوره الحج: ۱۸.

۱۰) وإذا أردت الحجّ عن غیرک فقل: اللَّهُمَّ اِنّی اُریدُ الحَجَّ عَن فُلانِ بِن فُلانِ – فسمّه – فَیَسِّرهُ لی، و تَقَبَّلهُ مِن فُلان.

۱۱) وإذا أردت أن تطوف عن أحد من إخوانک أتیت الحجر الأسود: فقلت: بِسمِ اللهِ، اللَّهُمَ تَقَبَّل.

۱۲) وفی بعض النسخ«واصعد علیه حذاء البیت، وکبّر سبعاً او ثلاثاً، وقل:»

۱۳) وبإسناده قال: قال رسول الله صل الله علیه و آل وسلم: یا علیّ وإذا صلّیت علی طفل فقل: اللَّهُمَّ اجعَله لابویه سَلفاً وَاجعَلهُ لَهُما فَرَطاً... – (تقدّم فی الصحیفه النبویّه الجامعه).

۱۴) طه: ۵۵.

۱۵) کان علیّ بن الحسین علیهما السلام إذا اُدخل المیّت القبر قام علی قبره ثم قال: اللَّهُمَّ جافِ الاَرضَ عَن جَنبَیهِ، وَصَعِّد عَمَلهُ، مِنکَ رِضواناً.تقدّم فی الصحیفه السجادیه دعاء (۱۰۶).

ص: ۲۴۰

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹